



دو فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم
سازمان قرآنی دانشگاهیان کشور
شماره استاندارد بین‌المللی: ۲۳۸۳-۳۳۲۷
سال نهم / شماره اول / بهار و تابستان ۱۳۹۷

صاحب امتیاز: جهاد دانشگاهی
مدیر مسئول: سید محمد جواد شوشتری
سر دبیر: ابوالفضل خوش منش
مدیر داخلی: زهرا نقی زاده
مدیر اجرایی: مهدی اسمعیلی صدرآبادی

هیأت تحریریه:

- محمدعلی مهدوی راد، دانشیار، دانشگاه تهران
- محمدعلی رضایی اصفهانی، استاد جامه‌المصطفی‌العالمیه
- فتحیه فتاحی زاده، استاد، دانشگاه الزهراء
- علی نصیری، استاد، دانشگاه علم و صنعت ایران
- قاسم فائز، استاد، دانشگاه تهران
- محسن قاسم‌پور، دانشیار، دانشگاه کاشان
- عباس مصلاهی پور بزدی، دانشیار، دانشگاه امام صادق
- سید محمدعلی ایازی، استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی
- حسینعلی قبادی، دانشیار، دانشگاه تربیت مدرس
- علی منتظری، استاد پژوهش، جهاد دانشگاهی
- فرزانه مفتون، استاد پژوهش، جهاد دانشگاهی
- فرانک فردی، دانشیار پژوهش، جهاد دانشگاهی
- ژیلا صادقی، استاد پژوهش، جهاد دانشگاهی

گرافیسیت: علیرضا عبادی
ویراستار فارسی: مهدی گنجپور
چاپ و صحافی: انتشارات جهاد دانشگاهی
قیمت: ۱۴۰۰۰۰ ریال

◆ هیأت مشاوران:

احمد پاکچی، دانشگاه امام صادق (ع)
مجید معارف، دانشگاه تهران
احد فرامرزی قراملکی، دانشگاه تهران
مسعود آذربایجانی، دانشگاه علوم پزشکی ایران
سلیمان خاکیان، دانشگاه قم
ولی‌الله نقی پورفر، دانشگاه قم
فریمان ابراهیم زاده، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

◆ داوران این شماره:

غلامرضا نور محمدی، محمدعلی لسانی فشارکی، ابوالفضل خوش منش،
محمدعلی رضایی اصفهانی، مجید معارف، منصور پهلوان، احد فرامرزی قراملکی،
حجت الاسلام بهمنی، احمد آکوچکیان

◆ این فصلنامه در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام
www.isc.gov.ir

پایگاه مجلات نور
www.noomags.com

بانک اطلاعات نشریات کشور
www.magiran.com

مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری
www.srlst.com

پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی
www.sid.ir

پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان قرآنی دانشگاهیان کشور
www.iska.ir

مطالب مندرج در مقالات نمایانگر آرای نویسندگان است و این مجله مسئول
آراء و نظرات مندرج نمی‌باشد.
نویسندگان محترم می‌توانند مقالات خود را به آدرس <http://www.jiqs.ir>
برای داوری و چاپ بارگزاری کنند.

آدرس: تهران، خیابان انقلاب، خیابان قدس، خیابان بزرگمهر، پلاک ۸۵
سازمان قرآنی دانشگاهیان کشور
کد پستی: ۱۴۱۷۸۴۴۳۹۱
تلفن: ۶۶۶۳۰۷۷۵، ۶۶۶۴۸۵۶۶۳
فکس: ۶۶۴۸۵۶۵۷



- ۳-۶ راهنمای نویسندگان
- ۷-۲۸ نظام‌سازی قرآن‌بنیان (مفاهیم اساسی، راهبردها و فرایندها)
سعید بهمنی
- ۲۹-۴۴ نظام‌سازی قرآن‌بنیان؛ چیستی، چرایی و چگونگی
حسین بابایی مجرد، محمد عبدالحسین زاده
- ۴۵-۶۰ واکاوی رویکردهای موجود در خصوص نظام‌سازی قرآنی
حامد جوکار، احمد جمالی گندمانی
- ۶۱-۸۲ الگوی نظام‌سازی سیاسی قرآنی
محمد هادی مفتاح
- ۸۳-۱۰۶ سازوکار (فرایند و روش‌شناسی) پژوهش میان‌رشته‌ای قرآن کریم
احمد آکوچکیان، رضوانه دستجانی
- ۱۰۷-۱۲۶ بررسی فراوانی مؤلفه‌های انگیزه پیشرفت در کتاب‌های ابتدایی با تأکید بر آموزه‌های قرآن
مژده علیزاده

راهنمای نویسندگان

دوفصلنامه تخصصی «پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم» در راستای منویات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) به منظور اشاعه و گسترش مطالعات میان‌رشته‌ای در زمینه قرآن و ایجاد بستری مناسب برای کاربردی کردن مفاهیم، فرهنگ و پژوهش‌های قرآنی در سطوح مختلف سازمان‌ها و مؤسسات و همچنین انتشار نتایج پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم به همت سازمان قرآنی دانشگاهیان کشور (جهاد دانشگاهی) پایه‌ریزی و راه‌اندازی شده است.

راهنمای نویسندگان مقالات

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم وابسته به سازمان قرآنی دانشگاهیان کشور (جهاد دانشگاهی) است. این نشریه در قالب دوفصلنامه و به زبان فارسی، منتشر می‌شود و در برگیرنده مقالات مرتبط با تمام گرایش‌های میان‌رشته‌ای قرآنی است. علاقه‌مندان، پژوهشگران و صاحب‌نظران محترم می‌توانند مقالات خود را به آدرس فصلنامه ارسال کنند تا پس از بررسی و تأیید داوران در نوبت چاپ قرار گیرند. عدم رعایت اصول مذکور، موجب عدم پذیرش یا تأخیر در مراحل بررسی علمی، چاپ و انتشار مقالات دریافتی خواهد شد.

تعهدات

نویسنده مقاله و در صورت گروهی بودن، نویسنده پاسخگو، باید تعهد کند که مقاله ارسالی تاکنون در هیچ نشریه علمی دیگری منتشر نشده است و همزمان با این نشریه به نشریه دیگری ارائه نخواهد شد. مسئولیت علمی مطالب نیز به عهده نویسنده یا نویسنده پاسخگوی مقاله است.

اصول و معیارهای کلی

۱- تمامی مقالات باید به زبان فارسی بوده و در نگارش آن‌ها، آیین نگارش فارسی کاملاً مراعات شود، در مورد به کار بردن اصطلاحات علمی، در صورت وجود معادل فارسی پذیرفته

شده، ترجمه اصطلاح و بلافاصله اصل اصطلاح در داخل پرانتز آورده شود، در غیر این صورت، ذکر اصل اصطلاح کافی است.

۲- فصلنامه در رد یا قبول و اصلاح مقالات آزاد است و در صورت لزوم، نظرات اصلاحی و مشورتی خود را به اطلاع نویسنده یا نویسندگان می‌رساند.
مقالات دریافتی و ملحقات آنها در دفتر فصلنامه، بایگانی نمی‌شود و در هر صورت، مسترد نخواهد شد. (لازم به ذکر است که مقاله نمی‌بایست از ۳۰ صفحه متعارف A^۴ تجاوز کند).

تنظیم بخش‌های مختلف مقاله

در تنظیم و نگارش قسمت‌های مختلف مقالات ارسالی، باید ترتیب زیر مراعات گردد:
صفحه اول شامل موارد زیر است:

عنوان کامل مقاله به فارسی و انگلیسی باید در برگیرنده موضوع مقاله باشد. برای عنوان فارسی قلم (B Zar)، سایز ۱۳ ضخیم و برای عنوان انگلیسی قلم (Times News Roman) سایز ۱۲ ضخیم به کار برده شود.

نام و نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان، رتبه علمی -در صورت دارا بودن سمت دانشگاهی- که باید بلافاصله پس از عنوان مقاله آورده شود (جهت دسترسی سایر محققین به نویسنده E-mail و نشانی نویسنده پاسخگو، شامل نشانی کامل پستی، شماره تلفن، نمابر و مقاله).

صفحه دوم شامل چکیده مقاله با مشخصات زیر است:

چکیده باید به دو زبان فارسی و انگلیسی (حداقل ۲۰۰ و حداکثر در ۲۵۰ کلمه) تهیه شود.
الف) چکیده فارسی؛ لازم نیست دارای ساختار باشد، لیکن لازم است اهداف، روش تحقیق، مهمترین یافته و نتیجه مطالعه را در برگیرد.

در پایان چکیده بایستی سه تا پنج واژه با عنوان کلیدواژه‌ها معرفی شود.

ب) چکیده انگلیسی؛ لازم است دارای ساختار باشد.

ج) در پایان چکیده انگلیسی می‌بایست سه تا پنج واژه به عنوان کلیدواژه‌ها (Keywords) معرفی شود.

صفحات بعدی شامل متن مقاله، با مشخصات زیر است:

مقدمه و بیان مسأله (فرضیات، سؤالات پژوهش و ضرورت تحقیق).

باید ضمن بیان هدف از تحقیق، خلاصه‌ای از مطالعات و مشاهدات مرتبط با تحقیق مورد نظر را که در گذشته به انجام رسیده است، با ذکر منابع مربوط بیان نماید (در سرتاسر متن مقاله برای جملات فارسی از فونت B Zar با سایز ۱۲ و برای جملات و آیات عربی از فونت Arabic Typesetting استفاده شود).

روش‌شناسی پژوهش

باید نحوه طراحی، مطالعه، چگونگی انتخاب نمونه و نیز چگونگی جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها را به طور کامل شرح داد (معرفی ابزارهای اندازه‌گیری و شواهد مبنی بر اعتباریابی).

یافته‌ها

- ۱- یافته‌های حاصل از تحقیق باید در قالب متن، جداول و نمودارها به طور کامل بیان شود.
- ۲- مطالب مطرح شده در متن، جداول و نمودارها نباید تکرار باشد.

نتیجه‌گیری

در این قسمت، روند انجام تحقیق حاضر و یافته‌های حاصل از آن با موارد مشابه قبلی، در داخل و خارج کشور مقایسه و در مورد دلایل رد یا قبول آنها به صورت کامل بحث می‌شود؛ در پایان بهتر است جهت بهتر انجام شدن تحقیقات مشابه در آینده، راهکارهایی پیشنهاد شود.

تشکر و قدردانی

در این قسمت، نویسنده یا گروه نویسندگان می‌توانند از افراد یا مؤسساتی که به نحوی در انجام مطالعه یا تدوین مقاله، همکاری کرده‌اند، تقدیر به عمل آورند. استفاده یا عدم استفاده این قسمت در متن مقاله اختیاری است.

منابع و مآخذ

فهرست منابع به کار رفته در مقاله، باید حتماً در صفحه‌ای جدا تایپ و به روش APA و بر اساس حروف الفبا تنظیم شود.

حالت‌های گوناگون استناد در متن

- ۱- اگر استناد از نقل قول مستقیم باشد و در ضمن نامی از صاحب اثر در متن برده نشود، در داخل پرانتز، ابتدا نام خانوادگی پدید آورده (ویرگول) سپس سال انتشار و در نهایت صفحه اثر (پس از دو نقطه و فاصله) آورده می‌شود. مثال: «مفهوم هرمنوتیک به منزله شاخه‌ای خاص از دانش، پدیده‌های نوظهور و مربوط به دوران مدرنیته است» (واعظی، ۱۳۸۶، ص. ۲۳).
- ۲- در صورتی که اثر دارای دو نویسنده باشد نام هر دوی آنها در پرانتز آورده می‌شود؛ مانند: (بهشتی و باهنر، ۱۳۸۴، ص. ۹۳). همچنین در صورتی که بیش از دو نفر باشند در اولین استناد اسامی تمامی نویسندگان آورده می‌شود؛ مانند ویندال، اولسون و سیگنایزر، ۱۹۹۹، ص. ۳۵۴، اما در استنادات بعدی فقط نام یک نویسنده آورده می‌شود و به جای مابقی از واژه همکاران استفاده می‌شود؛ مانند: (ویندال و همکاران، ۱۹۹۹، ص. ۳۵۴).

۳- اگر نام پدید آورنده در متن آورده شده باشد، دیگر لزومی به ذکر نام پدید آورنده اثر در پرائتنز نیست. برای مثال: واعظی (۱۳۸۶) معتقد است: «مفهوم هرمنوتیک به منزله شاخه‌ای خاص از دانش، پدیده‌های نوظهور و مربوط به دوران مدرنیته است».

۴- در صورتی که نام نویسنده و نویسندگان لاتین در متن ذکر می‌شود، در بار نخست لازم است که در پاورقی به صورت انگلیسی نیز نوشته شود.

مأخذ نویسی در انتهای متن

مأخذ نویسی کتاب‌ها در انتهای مطالب، به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی صاحب آثار و به شرح ذیل تنظیم می‌شود:

- نام خانوادگی پدید آورنده (ویرگول، فاصله)، نام کوچک (یک فاصله)، سال انتشار در داخل پرائتنز (نقطه، فاصله)، عنوان اثر به شکل ایتالیک (نقطه، فاصله)، نام و نام خانوادگی مترجم (ویرگول، فاصله)، شماره جلد (ویرگول، فاصله)، محل نشر (دو نقطه، فاصله)، نام انتشارات (نقطه).

مأخذ نویسی مقالات نیز همانند کتاب بوده و تنها تفاوت اندکی دارد.

- نام خانوادگی پدید آورنده (ویرگول، فاصله) نام کوچک (یک فاصله)، سال انتشار در داخل پرائتنز (نقطه، فاصله)، عنوان اثر (نقطه، فاصله)، عنوان نشریه به شکل ایتالیک (ویرگول، فاصله)، شماره دوره - در صورت وجود شماره در داخل پرائتنز (ویرگول، فاصله)، شماره صفحه (نقطه).
* اگر تعداد آثار استفاده شده از یک نویسنده در طول سال بیشتر از یک آثار باشد، آن‌ها را به ترتیب الفبای کوچک انگلیسی و بعد از نام خانوادگی و نام در کنار تاریخ انتشار - داخل پرائتنز - متمایز می‌شود.

فرهنگی، علی اکبر (۱۳۷۳a). ارتباطات انسانی. جلد اول، تهران: انتشارات تهران.

فرهنگی، علی اکبر (۱۳۷۳b). افکار عمومی در روابط عمومی. فصلنامه هنر هشتم، سال اول، شماره دوم، شماره مسلسل ۶، صص ۷۰-۸۲.

نحوه ارسال مقالات

برای درج مقالات در فصلنامه، لازم است اصل مقاله (به صورت فایل Word) و نیز تقاضای درج مقاله از طرف نویسنده اول (اصلی) خطاب به سردبیر به آدرس الکترونیکی quranjournal@gmail.com و یا <http://jiqs.ir> ارسال شود.

نظام‌سازی قرآن بنیان (مفاهیم اساسی، راهبردها و فرایندها)

سعید بهمنی^۱: استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم

سال نهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صص ۷-۲۸

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱۲/۰۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۰۴/۱۳

چکیده

در دو دهه اخیر پس از انقلاب (۱۳۵۷) ایران شاهد به کارگیری چهار مفهوم اساسی «اسلامی‌سازی علوم»، «علوم انسانی قرآن‌بنیان»، «نظام‌سازی قرآن‌بنیان» و «نظریه‌پردازی قرآن‌بنیان» در ادبیات علمی کشور بوده است. کاربرد مفهوم «نظام‌سازی قرآنی» در سند منشور توسعه فرهنگ قرآنی کشور تا اندازه‌ای به گسترش این مفهوم دامن زده است. پس از آن، مفهوم «نظریه‌پردازی قرآن‌بنیان» نیز در جامعه علمی و برخی اسناد راهبردی مطرح شد؛ زیرا نظام‌سازی در گرو نظریه‌پردازی است. رواج مفاهیم یادشده علائمی از خیزش برای انقلابی علمی در علوم انسانی است. مسأله کسانی که بر این مفاهیم تأکید دارند آن است که علوم برآمده از فلسفه و بنیادهای نظری رایج در دنیا نمی‌تواند مشکلات جوامع اسلامی را در جهت رسیدن به اهداف الهی حل کند. برخی بزرگان، دانشمندان و پژوهشگران داخل و خارج کشور نظریه‌هایی درباره این مفاهیم بیان کردند یا نوشته‌اند. سؤال این است که معنی این مفاهیم چیست؟ راهبردهای دستیابی به آن‌ها کدام‌اند؟ راهبردهای پیشنهادی با چه فرایندی محقق می‌شوند؟ مفاهیم یادشده در سطحی از انتزاعی بودن قرار دارند که می‌توان آن‌ها را اهداف علمی انقلاب اسلامی به شمار آورد. نسبت میان این مفاهیم عام و خاص، مطلق و به ترتیب هر یک اعم از دیگری و بر آن تقدم دارد. مقاله به بیان مفاهیم چهارگانه یادشده، راهبردها و فرایندهای تحقق آن‌ها خواهد پرداخت و نشان می‌دهد که نظام‌سازی، تولید علوم انسانی قرآن‌بنیان و اسلامی‌سازی علوم در گرو نظریه‌پردازی قرآن‌بنیان است. ما در ایران پس از نزدیک به چهار دهه بررسی و پردازش مفاهیم اساسی به ضرورت نظریه‌پردازی قرآن‌بنیان رسیدیم، در حالی که شهید سیدمحمدباقر صدر در این امر پیشتاز بوده و از همان ابتدا بر نظریه‌پردازی اهتمام ورزید. این بدان معنی است که ما از آورده علمی وی استفاده نکرده‌ایم و هنوز در دوره پیشاصدری به سر می‌بریم.

کلیدواژه‌ها: اسلامی‌سازی معرفت، علوم انسانی قرآنی، نظام‌سازی، نظریه‌پردازی قرآن‌بنیان.



۱. مقدمه

ساختار مقاله در چهار فصل تدوین شده است؛ هر فصل درباره یکی از مفاهیم اصلی یعنی؛ (۱) اسلامی سازی علوم، (۲) علوم اسلامی قرآنی، (۳) نظام سازی قرآن بنیان، (۴) نظریه پردازی قرآن بنیان است. در هر فصل نخست به چستی مفهوم می پردازیم. سپس راهبردهای پیشنهاد شده درباره آن و آنگاه فرایند عملیاتی شدن راهبردها را بیان می کنیم. در نهایت، مبانی هر راهبرد مشخص می کند که خاستگاه هر راهبرد را کدام مبانی سامان می دهد. در جایی که لازم بوده مباحث با تحلیل و نقد همراه شده است. در نتیجه گیری سیر تطور مفاهیم مرور شده و با کردار نشان داده می شود. همچنین مسیر زنجیره ای تحقق هر یک در عمل ترسیم می شود و نشان داده می شود که شهید صدر در همه مفاهیم پیشتاز بوده و به رغم وجود آثار وی در این باره هنوز گویی در دوران پیشاصدری به سر می بریم. در نهایت پیشنهادهایی برای پیشبرد مفاهیم یادشده ارائه می شود.

۲. فصل یکم: اسلامی سازی علوم (معرفت)

اصلی ترین عامل گرایش به اسلامی سازی علوم در این است که علوم برآمده از غرب پیشرفت مورد انتظار در کشورهای اسلامی را موجب نشد. همچنین احساس شد که استفاده از علوم وارداتی افزون بر اینکه بر فلسفه ای زمینی استوار شده با نوعی بی تناسبی با نیازهای بومی همراه بوده است. تصریح آیات بر جهان شمول بودن آموزه های قرآن و ظرفیت دلالتی موجود در آن زمینه ای برای روی آوردن به قرآن کریم به عنوان منبعی عظیم برای دستیابی به اصول اساسی علوم گردیده است. درک مفهوم جهان شمولی داده های دینی یکی از ضروریات فقه و دیگر علوم اسلامی است (مرادی، ۱۳۸۵، ص. ۷۴).

۳. چستی اسلامی سازی علوم (معرفت)

برخی صرفاً مفید بودن را برای اسلامی بودن علم کافی می دانند. «همه علوم مفید برای مسلمانها علوم دینی است» (مطهری، ۱۳۵۶، صص. ۱۴۶-۱۴۷). علم، زمانی اسلامی است که در خداشناسی و رفع نیازهای مشروع فردی و اجتماعی جامعه اسلامی مؤثر باشد (گلشنی، ۱۳۷۷، ص. ۱۶۸). برخی نگرش اسلامی را سبب اسلامی شدن آن می دانند. «هنگامی که سخن از خلقت باشد توجه به خالق مدبر آن ها نیز خواهد شد و به دنبال آن مسئولیت انسان نیز مطرح می شود.» (جوادی آملی، ۱۳۸۵ الف، ص. ۱۲۲) «در اسلامی بودن یک مطلب دو عامل مؤثرند؛ یکی که اصلی ترین و بنیادی ترین آن محسوب می شود، همانا تأسیس و ابتکار مطلب از ناحیه شارع مقدس است و دیگری که جنبه دینی می یابد، همان تنفیذ و امضای قرارهای مردمی است» (جوادی آملی، ۱۳۸۶ الف، ص. ۱۱۲).

۴. راهبردهای اسلامی سازی علوم

هر یک از دغدغه‌مندان اسلامی سازی علوم تعریفی خاص ارائه کرده‌اند و راهبردهایی برای دستیابی به آن پیشنهاد کرده‌اند. هر راهبرد بر دسته‌ای مبانی استوار است. برخی مجمل و موردی است (نجاتی، ۱۳۹۱، ص. ۲۹). در اینجا به راهبردهایی می‌پردازیم که درباره همه علوم یا گستره وسیعی از علوم ارائه شده و با تفصیل کافی بیان شده است.

۴.۱. تغییر نگرش

آیت‌الله جوادی آملی در برخی آثار خود صرفاً هدف علوم را قابل انقسام به صلاح و فساد می‌داند. سپس نتیجه می‌گیرد که دینی ساختن دانش‌های مراکز علمی کشور غیرقابل عمل است. «اگر کسی خواست علوم یاد شده را دینی کند می‌تواند آن‌ها را با رویکرد اسلامی و هدف‌مداری دینی تألیف و تدریس کند و با این ابتکار فضای دانشگاه‌ها و سایر مراکز علمی، اسلامی می‌شوند؛ نه علوم و متون درسی آن. پس علم دینی نشد، هر چند معلم و متعلم با جهت معین در فضای تعلیم تعلم حرکت می‌کنند.» (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص. ۸۶) او در جایی دیگر راه اسلامی شدن علوم را در اعتقاد به حجیت دینی عقل در علوم می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص. ۱۵)؛ او تأکید می‌کند که «هرگز عقل پرهانی را علم بشری ندانیم» (جوادی آملی، بی‌تا، ص. ۵۶) این راهبرد، صرفاً بر تغییر نگرش در تعامل با علوم تأکید دارد. بنابراین، اسلامی شدن علوم منوط به اسلامی شدن نگرش به آن است.

۴.۲. منشأ الهام راهبرد تغییر نگرش

به نظر می‌رسد، منشأ الهام آیت‌الله جوادی در راهبرد تغییر نگرش برای اسلامی سازی علوم روایتی به نقل از امام صادق (ع) به این شرح است: «وَجَدْتُ عِلْمَ النَّاسِ كُلَّهُ فِي أَرْبَعٍ: أَوَّلُهَا أَنْ تَعْرِفَ رَبَّكَ، وَ الثَّانِي أَنْ تَعْرِفَ مَا صَنَعَ بِكَ وَ الثَّالِثُ أَنْ تَعْرِفَ مَا أَرَادَ بِكَ وَ الرَّابِعُ أَنْ تَعْرِفَ مَا يَخْرُجُكَ عَنِ دِينِكَ: دَانِسْ صَائِبٌ وَ سَوْدَمَنْدٌ جَامِعُهُ انْسَانِي رَادٍ چَهار رَشْتَه يَافْتَم؛ اول معرفت پروردگار و شناخت توحید آن، دوم شناخت کیفیت پروراندن و نحوه تدبیر و اراده او، سوم معرفت دین، شریعت و دستوره‌های مذهبی که خداوند آن‌ها را از مردم خواست، چهارم شناخت چیزی که باعث ارتداد و خروج از دین می‌شود. ... (کلینی، ۱۴۰۷ق، ص. ۵۰) و چنین علمی نافع خواهد بود و برای اسلامی شدن مراکز فرهنگی، به ویژه آموزش عالی راهکار مناسبی است.» (جوادی آملی، بی‌تا، صص. ۷۸-۷۹).

۴.۳. تحلیل و نقد

تعمیم این حدیث به همه علوم محل تأمل است؛ زیرا «علم» به «الناس» اضافه شده است. ممکن است «ال» در «الناس» عهد بوده و به گروهی خاص از مردم اشاره داشته باشد که میان امام و مخاطب معهود بوده است. مضمون نیز این مطلب را تأیید می‌کند؛ زیرا علمی که در حدیث آمده علوم



خداشناسی و شرعی است و علم به هر موضوعی را شامل نمی‌شود. همچنین ما می‌دانیم که بسیاری در گذشته بوده و اکنون نیز هستند که هرگز چنین سنخ علمی را دنبال نمی‌کنند. از این رو، اتخاذ راهبردی فراگیر از حدیث یادشده مشکل است.

۴.۴. الزامات راهبرد تغییر نگرش برای اسلامی‌سازی علوم

آیت‌الله جوادی آملی ندیدن معلم واقعی در نگرش قارونی را در بردارنده چالش علم و دین دانسته و آن را مانع همگامی و وحدت حوزه، دانشگاه، علم و دین می‌داند. ایشان تأکید می‌کند که «تا زمانی که ریشه‌های معایب علم موجود، برطرف نشده و غفلت از مبدأ و معاد عالم و منطق قارونی حاکم است نمی‌توان به اسلامی شدن علوم امیدوار بود.» (جوادی آملی، ۱۳۸۶ ب، ص. ۱۳۹)

بر این اساس، الزامات راهبرد تغییر نگرش عبارت‌اند از:

- ۱) برطرف شدن غفلت از مبدأ و معاد؛
- ۲) فاصله گرفته از منطق قارونی (دیدن معلم واقعی).

۵.۴. فرایند عملیاتی راهبرد تغییر نگرش

- ۱) عنوان «طبیعت» برداشته شود و به جای آن عنوان «خلقت» قرار گیرد.
 - ۲) عنوان خالق که مبدأ فاعلی است ملحوظ باشد؛
 - ۳) هدف خلقت که پرستش خدا و گسترش عدل و داد است به عنوان مبدأ غایی منظور شود؛
 - ۴) محور بحث دلیل معتبر نقل؛ مانند آیه قرآن یا حدیث صحیح قرار گیرد؛
 - ۵) از تأییدهای نقلی یا تعلیل‌های آن استمداد شود؛
 - ۶) در هیچ مورد دعوی «حسبنا العقل» نباشد، چنان که ادعای «حسبنا النقل» مسموع نشود.
- تفسیر هر جزئی از خلقت با در نظر گرفتن تفسیر جزء دیگر آن باشد تا از سنخ تفسیر تکوین به تکوین به شمار آید (جوادی آملی، ۱۳۸۶ ب، ص. ۱۴۱).

۶.۴. تحلیل و نقد فرایند هفت‌گانه عملیاتی‌سازی راهبرد تغییر نگرش

- ۱) تغییر نگرش عالم را تغییر می‌دهد نه علم را
آیت‌الله جوادی رعایت فرایند هفت‌گانه فوق را سبب محفوظ ماندن ارتباط موضوع دانش عالمان علوم طبیعی با خالق هستی بخش در سه عرصه مبدأ، مقصد، منتهای آفرینش و صراط مستقیم می‌داند. (همان) هر چند ایشان در بیان اخیر و بسیاری بیانات دیگر به اولین اصل از اصول هفت‌گانه خود عمل نکرده است که فرمود: «باید اولاً عنوان «طبیعت» برداشته شود و به جای آن عنوان «خلقت» قرار گیرد.» (همان).

- ۲) یک‌سانی علم برآمده از نگرش تغییر یافته و تغییر نیافته
آیت‌الله جوادی در تحلیل فهم غیرمسلمان از اسلام می‌گوید: «اینان بخشی از حقیقت را می‌گیرند

و بخشی از آن (ارتباط طبیعت با خداوند و مبدأ تعالی) را انکار می‌کنند. کنار گذاشتن بخشی از حقیقت، مانع از آن نیست که بخش مثمر و مثبت آن که علم صائب و مطابق با واقع است، مطرود شود. (همان، ص. ۱۴۴) او علم فیزیک مفید یقین یا طمأنینه عقلائیة را اسلامی می‌داند، هر چند شخص فیزیکدان ملحد و یا شاک باشد (همان، ص. ۱۴۳)؛ او تأکید می‌کند که «علم صائب تفسیر خلقت و فعل الهی است و تبیین کار خدا حتماً اسلامی است، گرچه فهمنده این حقیقت را در نیابد و خلقت خدا را طبیعت پندارد.» (همان، ص. ۱۴۴). در این دیدگاه تلازمی میان فهم اسلامی و اسلامی بودن فاهم نیست.

اگر مسلمان و غیرمسلمان بودن یا داشتن نگرش الهی یا نداشتن آن در ماهیت علم تغییری ایجاد نمی‌کند، تغییر آن برای اسلامی‌سازی علوم چه ضرورتی خواهد داشت. بر اساس آنچه در فرایند پیشنهادی آیت الله جوادی و توضیحات آن آمده می‌توان به غیرمسلمان سفارش تولید علم اسلامی داد. پس تغییر نگرش برای تولید علوم اسلامی از آن جهت که علومی اسلامی است، ضرورت ندارد.

۵. مبانی راهبرد تغییر نگرش

۱.۵. تقسیم موجودات به مادی و فرامادی

موجودات به مادی یعنی جسمانی و غیرمادی یعنی مجرد یا غیرجسمانی تقسیم می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ص. ۱۳۱). ماتریالیست‌ها موجود پیشین را جز در ماده نمی‌بینند، در مقابل الهیان موجود پیشین را غیرمادی نیز می‌دانند.

۲.۵. نیاز به وحی در همه معارف

«وحی الهی در شناساندن همه معارف جهان هستی لازم و اکمل از عقل برهانی است.» (جوادی آملی، ۱۳۸۶ الف، ص. ۱۲۷) نیاز به وحی در همه معارف به طور مستقیم مربوط به فرایند سوم است.

۳.۵. تفریع فروع از اصول متلقات

آیت الله جوادی آملی با استناد به روایت رضوی «عَلَيْنَا إلتَاءُ الْأُصُولِ وَ عَلَيْكُمْ التَّفْرِيعُ»: بر ماست إلتاء اصول و بر شماست (حر عاملی، ۱۴۰۹، ص ۱۳) تفریع، می‌گوید: «این سخن اختصاصی به فقه، اصول و علوم دینی ندارد، بیان کلی است.

می‌فرماید ما در هر رشته‌ای از علوم، قوانین اولیه را القا می‌کنیم و شما فروع آن را استخراج کنید؛ خواه در علوم دینی، تجربی، تجریدی و خواه تلفیقی باشد و به تعبیر دیگر چه در علوم انسانی و چه طبیعی باشد» (جوادی آملی، ۱۳۸۶ الف، ص. ۱۰۷)؛ ایشان پس از این بیان، استخراج علوم تجربی از قرآن را مستلزم دینی کردن علوم و دینی کردن علوم را منوط به دینی شدن فلسفه علوم که فلسفه‌ای مضاف است، می‌داند. رضوی این رویکرد را «ابتناء علم بر اصول کتاب و سنت» نامیده است. (رضوی، ۱۳۹۱).



۴,۵. فرایند عملیاتی تفریح فروع از اصول متلقات در قرآن ۱,۴,۵. پیشنهاد آیت‌الله جوادی برای استفاده از قرآن کریم در علوم مختلف، فرایندی نه‌گانه بدین شرح است:

- (۱) آیه‌ای مربوط به موضوع بحث مطرح شود؛
- (۲) مفردات آیه معنا شود؛
- (۳) معانی عرفی متبادر به ذهن بیان شود؛
- (۴) آیه با توجه به معنای مفرداتش ترجمه‌ای گویا شود؛
- (۵) نظرات مفسران از گذشته دور تا کنون ملاحظه شود؛
- (۶) نظر آنان بررسی و جمع‌بندی شود؛
- (۷) آیات دیگر مؤید آن آیه مطرح شود؛
- (۸) روایاتی که ضمن این آیه آمده ملاحظه شود؛
- (۹) ره‌آورد علمی (علم قطعی یا مفید طمأنینه نه فرضیه) در آن موضوع نیز ملاحظه شود؛ یعنی تنها نمی‌توان به اصالة الإطلاق یا اصالة العموم ادله نقلی تمسک کرد، بلکه باید از مخصص لَبِّي فحص شود تا تعارضی بین مفاد ادله نقلی با ادله قطعی عقلی حاصل نشود (جوادی آملی، ۱۳۸۶ الف، ص. ۱۱۵).
برخی راهبرد تغییرنگرش و تفریح فروع بر اصول متلقات را در طول هم قرار داده‌اند (رضوی، ۱۳۹۱). راهبردها به گونه‌ای نیست که بتوان آن‌ها را در طول یکدیگر دانست بلکه در عرض هم هستند.

۶. مبانی راهبرد تفریح فروع

۱,۶. وجود علوم انسانی در منابع دینی

آیت‌الله جوادی آیه «وَوَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل/۹۰) را این‌گونه ترجمه کرده است: «کتابی را که بیان‌کننده همه علوم انسانی و معارف سودمند بشری است بر تو نازل کردیم» (جوادی آملی، ۱۳۸۶ هـ، ص. ۵۰۶) «همه معارف بشری و هر چیزی را که در تأمین سعادت انسان سهمی دارد به خوبی تبیین کرده است.» (همان). وی با عطف توضیحی همه معارف را به معارف تأمین‌کننده سعادت انسان محدود کرده است. وی سهم دین در علوم انسانی را مفروض دانسته است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص. ۵۵۷).

۲,۶. قابلیت استنباط اصول علمی کلی برای رشته‌های فکری از قرآن و نصوص.

«از جهات متعدد می‌توان حوزه فکری و استدلالی یک جامعه اسلامی را مطابق همان نظم دینی تنظیم کرد. منشأ استنباط اسلامی شدن علوم و متون درسی دانشگاه‌ها محصول غفلت یا تغافل از نصوص جامع و اصول علمی کلی است، که درباره بسیاری از رشته‌های فکری، از خلال آیات قرآن کریم یا نصوص روایی عترت طاهرین (ع) استظهار می‌شود.» (جوادی آملی، بی‌تا، ص. ۶۴).

۳,۶. وجود برخی داده‌های علوم طبیعی در منابع دینی

عالمان دینی همان‌گونه که می‌توانند از گزاره «وما کنا مُعَذِّبِینَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا» (اسراء / ۱۵) مطالبی عمیق درباره اصول فقه استنباط کنند، می‌توانند از آیات کیهان‌شناسی، دریاشناسی، زمین‌شناسی و ... نیز مطالب عمیق و فنون مربوط به آن را استخراج کنند (همان، ۱۳۸۵، ص. ۵۵۷).

۴,۶. کافی نبودن علوم تجربی

علوم تجربی برای شناخت بخش قابل توجهی از مسائل لازم است؛ ولی نمی‌توان برای شناخت هر چیزی به علوم تجربی بسنده کرد؛ زیرا اصول و فروع تجربی خود تحت پوشش اصول تجربی‌اند و هرگز تجربه محض بدون استعانت از مبانی و مبادی تجربی کفایت نخواهد کرد. (جوادی آملی، ۱۳۸۷ الف، ص. ۷۲۷) نیاز علوم تجربی به علوم تجربی اعم از آن است که علوم تجربی از اسلام به دست آید یا از علمی دیگر. با این وصف، وحی یکی از منابع علوم تجربی است.

۵,۶. نظارت و مدیریت بر علوم

صفایی حائری بیش از هر چیز بر نظارت بر علوم تأکید می‌کند. «این معارف، مبانی و پایه‌ها، و این عقاید؛ اهداف، مقاصد و آرمان‌ها را فراهم می‌سازد و نظام‌سازی دین از همین مبانی و مقاصد آغاز می‌شود و تأثیرگذاری دین بر علم و فلسفه و عرفان و هنر از همین سرچشمه مایه می‌گیرد.» (صفایی حائری، ۱۳۸۲، ص. ۱۷۶). تأکید او این است که مبانی و مقاصد در هر شرایط و موقعیتی که باشیم به پرسش چگونگی عمل، روش، و باید و نبایدهای عمل پاسخ می‌دهد. در دیدگاه او، دستیابی به مبانی و اهداف نظارت بر احکام را دربرمی‌گیرد و نظام‌ها را به دنبال می‌آورد (همان). این رویکرد را راهبرد نظارت و مدیریت علوم می‌نامیم.

۶,۶. فرایند نظارت و مدیریت علوم

صفایی حائری فرایند راهبرد نظارت و مدیریت بر علوم را توضیح نداده است. در برخی بیانات آیت‌الله جوادی آملی فرایند اسلامی‌سازی معرفت در ضمن مؤلفه‌هایی نه‌گانه بیان شده که گویی فرایند تحقق راهبرد جمع میان عقل و نقل را توضیح می‌دهد. هرچند برخی مؤلفه‌ها ماهیتی توصیفی دارد و به مبانی نزدیک است؛ ولی مؤلفه‌های نه‌گانه فرایندی ذهنی و عملی را برای سنجش و نظارت بر اسلامی‌سازی علوم نشان می‌دهد. مؤلفه‌هایی یادشده بدین شرح است:

- ۱) عقل برهانی اعم از تجربی و تجربی کاشف فعل یا قول خداست؛
- ۲) نقل معتبر اعم از خبر واحد و متواتر، کاشف قول یا فعل خداست؛
- ۳) کشفهای عقلی و نقلی گاهی با واسطه است و گاهی بی‌واسطه؛
- ۴) مکشوف‌ها گاهی از محکّمات‌اند و زمانی از متشابهات؛
- ۵) ارجاع متشابهات به محکّمات گاهی عقلی و زمانی نقلی است؛



۶) مکشوف‌های عقلی و نقلی گاهی همتای هم، زمانی مختلف و وقتی مخالف و گاهی نیز محاربتند؛

۷) تفاوت مکشوف‌ها در هر مرحله‌ای علاج خاص خود را می‌طلبد؛

۸) تفاوت‌های یاد شده همان‌گونه که درباره مکشوف‌های عقلی و نقلی مطرح شد، درباره خصوص مکشوف‌های نقلی برخی با بعض دیگر قابل طرح است و هرگز بدون علاج نیست؛
۹) با پیمودن راه علاج و حل اختلاف‌های یاد شده معیار اسلامی بودن چیزی اعم از علم و عمل معلوم خواهد شد و با تعیین معیار تدوین متون درسی برابر معیار اسلام میسور می‌شود و خطاهای محتمل تدریجاً برطرف می‌شود.

در صورتی که خطیئه عمدی یا شبه عمدی به عنوان عدم امکان یا عدم ضرورت یا عدم نیاز به اسلامی کردن علوم مطرح نشود زمینه مبادرت به اسلامی کردن علوم انسانی و طبیعی را تیره و فضای سرعت به این کار معقول و مقبول را تاریک می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص. ۹۶).

۷. مبانی راهبرد نظارت و مدیریت بر علوم

۱،۷. محدودیت غریزه و علم و نیاز به وحی

«غریزه در حیوانات و علم در انسان تا اندازه‌ای راه را شناخته است؛ و همین محدودیت غریزه و علم، نیاز به وحی و نبوت را مطرح کرده است.» (صفائی حائری، ۱۳۸۶، ص. ۸۹). در اینجا وقتی از نیاز به وحی در علوم سخن گفته می‌شود الزاماً بدین معنی نیست که همه علوم از وحی برداشت می‌شود؛ بلکه بدان معنی است که وحی بر علوم نظارت و مدیریت داشته و بر آن مسلط است.

۲،۷. وجود مبانی و اهداف نظارت و مدیریت علوم در دین

وجود مبانی و اهداف در دین برای نظارت و مدیریت بر علوم در راهبرد برآمده از آن مفروض است. بنابراین، وجود آن‌ها برای کسی که چنین راهبردی را برای اسلامی سازی علوم پیشنهاد می‌کند مسلم است.

۳،۷. جمع میان قرائت وحی و قرائت هستی

طه جابر العلوانی (مؤسس مرکز جهانی اندیشه اسلامی «المعهد العالمی للفکر الاسلامی» در سال ۱۴۰۱/۱۹۸۰م در سوئیس) در زمرة کسانی است که برای اسلامی سازی معرفت بسیار کوشیده است. یکی از راهبردهای مورد نظر او «جمع کردن میان قرائت وحی و قرائت هستی» است (مرادی، ۱۳۸۵، ص. ۷۴).

۸. فرایند تحقق راهبرد جمع میان قرائت وحی و قرائت هستی

۱،۸. فرایند دو مؤلفه‌ای

علوانی در یکی از بیانات خود، دو راه را برای رسیدن به معرفت اسلامی پیشنهاد می‌کند: نخست،

بازسازی نظام فکری مسلمانان بر مبنای قرآن و دوم، روش معرفتی آن و نیز بر مبنای سنت را پیشنهاد می‌کند.

۲,۸. پی‌ریزی نظام معرفتی و فرهنگی فراگیر

بر مبنای عناصر یادشده فوق، این دو راه مستلزم تلاش در پنج محور اساسی است که ممکن است از هر کدام آن‌ها شماری از محورهای فرعی منشعب شود» (مرادی، ۱۳۸۵، ص. ۱۶۶).

۳,۸. فرایند پنج مؤلفه‌ای

فرایند پنج‌گانه علوانی برای عملی‌سازی راهبرد یادشده عبارت‌اند از:
تواناسازی و روشنفکران به درک اسلام و عناصر نفیس موجود در میراث (سنت) و آسان‌سازی درک اسلام و میراث (سنت) بر آنان؛
تواناسازی اندیشه اسلامی و روشنفکر مسلمان برای درک و فراگیری معارف جدید در چارچوب برنامه‌ای دقیق، به هدف غربال کردن این معارف و انتخاب عناصر مناسب آن؛
تدوین کتاب‌های علمی روش‌شناختی در ده‌شاخه مهم علوم انسانی، مانند اقتصاد، علوم تربیتی، علوم سیاسی، مدیریت و... این مرکز تا کنون بیش از ۱۲۰ عنوان کتاب درباره مسائل مختلف اندیشه اسلامی، به دو زبان عربی و انگلیسی منتشر کرده است؛
تأسیس دانشگاه مطالعات عالی اسلامی و راهنمایی دانشجویان سطوح عالی به سوی جزئیات برنامه اسلامی‌سازی علوم؛
برگزاری نگره‌ها و میزگردهای منطقه‌ای و بین‌المللی درباره مسائل گوناگون فکری.

۴,۸. تحلیل و نقد فرایندهای راهبرد جمع میان قرائت‌های وحی و هستی

پیشنهاد‌های علوانی فرایندی مدیریتی است؛ زیرا مراحل که او بیان کرده هیچ‌یک علم‌ورزی نیست؛ بلکه تمهیداتی اغلب مدیریتی برای تحقق علم‌ورزی جهت اسلامی‌سازی معرفت است. وی در جایی دیگر از «آماده‌سازی» و «عرضه مبانی فکری» و «روش‌شناختی» برای حرکت امت برای طرح اسلامی‌سازی معرفت سخن می‌گوید. (مرادی، ۱۳۸۵، ص. ۱۶۲) تجدید نظرهای مستمر در علوم بر اساس مبانی روش‌شناختی قرآن کریم همچنین پالایش دائمی میراث مسلمانان در جهت انباشت معرفت در این چارچوب را لازم می‌داند (مرادی، ۱۳۸۵، صص. ۷۰-۷۱). با این وصف، استخراج فرایندی علمی مورد نظر وی در منابعی که در دسترس داریم مشکل است.

۵,۸. مبانی راهبرد جمع میان قرائت وحی و قرائت هستی

علوانی در برخی بیانات خود پنج مطلب را می‌شمارد که مبانی راهبرد پیشنهادی وی در جمع میان قرائت‌ها و وحی و هستی است (مرادی، ۱۳۸۵، ص. ۹۰). مبانی پنج‌گانه علوانی بدین شرح است:



۱,۵,۸. توحید

توحید یکی از مبانی هستی‌شناختی است و بر اساس آن هیچ چیز صادق‌تر چیزی نیست که خدا بیان می‌کند (همان).

۲,۵,۸. جانشینی انسان بر روی زمین

عنوانی جانشینی انسان بر روی زمین را مستلزم تسلط و تسخیر هستی می‌داند. بر اساس دیدگاه او این تسلط از رهگذر اسلامی‌سازی علوم محقق می‌شود.

۳,۵,۸. مسئولیت انسان در برابر امانت الهی

مسئولیت انسان در برابر امانت الهی یعنی جانشینی بر روی زمین مستلزم حرکت در مسیری است که هماهنگ با خداست. این هماهنگی با اسلامی‌سازی علوم محقق می‌شود.

۴,۵,۸. فراگیری اسلام به عنوان روش آبادانی و اصلاح

عنوانی اسلام را روش آبادانی و اصلاح می‌داند. آبادانی و اصلاح زمین به وسیله انسان که جانشین در زمین است (مرادی، ۱۳۸۵).

۵,۵,۸. مکمل بودن وحی و عقل

عنوانی خاستگاه این مبنا را در اصل توحید در عقیده می‌داند و آن را سبب پی‌ریزی اندیشه و عقیده و نظام دانسته است (همان، ص. ۹۰).

افزون بر مبانی پنج‌گانه فوق در سخنان دیگر وی نیز برخی مبانی به چشم می‌خورد که در زیر به دو مبنا از این دست را بیان می‌کنیم.

(۱) نیاز نظریات علمی به ارجاعات فلسفی

عنوانی هدف از اسلامی‌سازی علوم اجتماعی را اسلامی‌سازی ارجاعات فلسفی نظریات علمی می‌داند. این بدان معنی است که لزوم ارجاع فلسفی نظریات این علوم یکی از مبانی وی در این باره است (مرادی، ۱۳۸۵، ص. ۱۸۲).

(۲) کاستی علوم اجتماعی در تجاهل نسبت به غیب

اعتقاد به کاستی علوم در بریدگی آن از غیب یکی دیگر از مبانی عنوانی است. او تجاهل علوم نسبت به غیب را در زمره کاستی‌های علوم اجتماعی می‌داند. هدف او آزاد کردن این علوم از بُعد وضعی (پوزیتیویستی) و تجاهل نسبت به آفریدگار جهان است.

در دیدگاه او اسلامی‌سازی معرفت، ساختار این معارف را تجدید و در ضمن ابعاد هستی‌شناختی آن، چارچوب‌بندی می‌کند و با هدف آفریدگار از آفریدن آفریدگان در عرصه وجود و حرکت، ربط می‌دهد (مرادی، ۱۳۸۵، ص. ۱۸۲).

۹. علوم انسانی قرآنی ۱،۹. چپستی علوم انسانی

معمولاً علوم انسانی را بر اساس کارکرد تعریف می‌کنند. در این صورت، علوم انسانی آن دسته از علوم است که به رفتارهای انسان از آن جهت که انسان است و به آثار رفتار انسان می‌پردازد. بنابراین، موضوع علم انسانی، رفتار و آثار رفتار انسان از آن جهت که انسان است، خواهد بود. مانند تاریخ، اقتصاد، روان‌شناسی و حقوق که به اسم‌های گوناگون از قبیل «علوم انسانی»، «علوم اجتماعی»، «علوم تاریخی»، «علوم اخلاقی»، «علوم فرهنگی»، «علوم روحی» و «علوم توصیف افکار» خوانده شده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ص. ۷۷؛ دبیرخانه همایش مبانی فلسفی علوم انسانی، ۱۳۸۹، ص. ۲۰). «متعلق این علوم با فکر و اندیشه انسان ارتباط دارد». البته هر علمی با اندیشه انسان سروکار دارد، ولی متعلق علوم انسانی «اندیشه انسان» است. در حیوان‌شناسی، هر چند شناخت به واسطه انسان است ولی متعلق این شناخت، حیوان است. در زمین‌شناسی، شناخت مربوط به فکر انسان است ولی متعلق این شناخت، زمین است. آن نوع علمی که متعلقش ارتباط با فکر انسان ندارد یعنی اعم از این که انسان باشد یا نباشد متعلقش وجود دارد، آن‌ها علوم غیرانسانی‌اند. اما علوم انسانی علمی است که علاوه بر شناخت، متعلقش ارتباط با فکر انسان دارد (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ص. ۷۷).

۱۰. راهبردهای دستیابی به علوم انسانی - اسلامی ۱،۱۰. راهبرد تفسیر انسان به انسان

راهبرد پیشنهادی آیت‌الله جوادی آملی تفسیر انسان به انسان است. «از بهترین راه‌های تحقیق علوم انسانی، تفسیر انسان به انسان است، چنان‌که برجسته‌ترین شیوه تفسیر قرآن حکیم همانا تفسیر قرآن به قرآن است. این اصل (یعنی تفسیر انسان به انسان) اصول فطری را شکوفا و دفاین عقول را با شکوه و جلال انسان را در ثوره فطرت و جمال بشر را در الهام او ارزیابی می‌کند. چنین بشری توان تشکیل جامعه متأله و مدینه فاضله را دارد.» (جوادی آملی، ۱۳۸۷ الف، ص. ۳۴۶).

۲،۱۰. فرایند تحقق تفسیر انسان به انسان

فرایند تحقق تفسیر انسان به انسان همان فرایند هفت گانه‌ای که پیش از این در ذیل راهبرد تغییر نگرش برای اسلامی‌سازی علوم بیان شد.

۱،۲،۱۰. مبانی تحقق راهبرد تفسیر انسان به انسان ۱،۱،۲،۱۰. قرآن بهترین منبع انسان‌شناختی

در تمامی رشته‌های علوم انسانی، «انسان» به عنوان یکی از موضوعات تحقیق، مورد مطالعه و بحث قرار می‌گیرد و آنچه که بین تمامی علوم انسانی مشترک است و ستون فقرات این علوم را تشکیل می‌دهد، انسان و ابعاد وجودی او است (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص. ۱۵).



۲،۱،۲،۱۰. نیاز علوم انسانی به وحی

«گریزه در حیوانات و علم در انسان تا اندازه‌ای راه را شناخته است. و همین محدودیت گریزه و علم، نیاز به وحی و نبوت را مطرح کرده است.» (صفائی حائری، ۱۳۸۶، ص. ۸۹) و بدیهی است، وقتی سخن از راه به میان می‌آید، راهی که برای پیمودن انسان است به رفتار انسان مربوط بوده در زمره علوم انسانی است.

۳،۱،۲،۱۰. وابستگی علوم انسانی به جهان بینی الهی

«هستی شناسی وابسته به جهان بینی الهی است، چون در جهان بینی الهی دانسته می‌شود که در نظام هستی، خدا موجود واجب است و سایر موجودها فیض نشئت گرفته از اویند، پس مسیر شناخت انسان، از جهان بینی الهی به هستی شناسی و از آن به انسان شناسی است و این شناخت، اصلی موضوعی و پیش فرض همه علوم انسانی است.» (جوادی آملی، ۱۳۸۴ الف، ص. ۷۳؛ همان، ۱۳۸۵، ص. ۳۶ و همان، ۱۳۸۴ ب، ص. ۱۵۳).

۴،۱،۲،۱۰. جاودانگی و جهان شمولی قرآن

در دیدگاه آیت‌الله جوادی مزیت منحصر به فرد قرآن در مقایسه با علوم بشری جاودانگی و جهان شمولی آن است. «جاودانگی قرآن و برخورداری از مبادی کلی قابل تطبیق بر هر عصر و نسل.» (جوادی آملی، ۱۳۸۶ ج، ص. ۲۷۹).

۵،۱،۲،۱۰. کاستی‌های علوم انسانی بشری

زوال‌پذیری و نقض یکی از کاستی‌های اساسی علوم انسانی بشری است (همان). «اختلاف‌های زیاد در میان دانشمندان مشکلات پیشین را می‌افزاید؛ به گونه‌ای که در عرصه دانش‌های بشری به ویژه در علوم انسانی که بیش از دیگر علوم، مورد نظر ماست نظریه واحدی وجود ندارد. آن قدر این اختلاف‌ها چشمگیر و عمیق است که امروزه، اصل نسبی‌نگری از تفکرات پر طرف‌دار و شاید مسلم غرب تلقی می‌شود.» (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص. ۴۱).

۶،۱،۲،۱۰. محدودیت علوم بشری

«علوم بشری با محدودیت روبروست؛ چون علم بشری، تنها می‌تواند اوضاع و احوال امور این عالم را بررسی کند و در برابر بسیاری از پرسش‌ها توان پاسخگویی ندارد.» (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص. ۴۱). برای مثال، «علوم انسانی، بدون انسان شناسی به نتیجه نمی‌رسد، زیرا عنصر محوری علوم انسانی «هویت انسان» است.» (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ب، صص. ۱۳۱-۱۳۲).

۷،۱،۲،۱۰. لزوم حرکت انسان بر اساس نظام احسن

قرآن کریم کسانی را که از عبادت خداوند سر باز می‌زنند، «سفیه» می‌داند: «وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ

مَلَّةٌ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ» عقل، حکم می‌کند که هر مخلوقی باید مطیع خالق خود باشد و هر معلولی، مطیع علتش باشد. کمال هر موجودی، در این است که بر اساس نظام تکوینی خویش حرکت کند و چون از این مسیر و هدف آن اطلاع کاملی ندارد، خداوند باید او را راهنمایی کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ب، ص. ۴۸).

۳،۳،۱۰. نظام‌سازی قرآن بنیان

۱،۳،۱۰. چیستی نظام‌سازی قرآن بنیان

نظام در لغت به نخی گفته می‌شود که به وسیله آن مروراید به نظم درمی‌آید (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق، ص. ۱۶۵). نظام در لغت بر وزن فعال به معنی وسیله نظم همچنین نتیجه نظم است. به چیزی که اشیاء را با یک‌دیگر مرتبط و مرتب می‌سازد نظام گفته می‌شود. افزون بر این، به هیتتی که در اشیاء مرتبط و مرتب‌شده پدید آمده نیز نظام گفته می‌شود (صفائی حائری، ۱۳۸۱ الف، ص. ۱۳۷). در دیدگاه او مبانی و اهداف اسلامی وسیله نظم‌اند و نظام‌سازی را میسر می‌سازند. او تأکید می‌کند که اطلاق نظام بر مجموعه منتظم همانگ با لغت نیست (همان، ۱۳۸۱ ب، ص. ۸۶) با این وصف، او نیز در موارد بسیاری نظام را برای مجموعه منتظم به کار گرفته است (صفائی حائری، ۱۳۸۲، ص. ۱۷۶؛ همان، ص. ۲۲۳، همان، ۱۳۸۳، ص. ۱۸).

هادوی تهرانی نظام را دستگاه نهادی جهان‌شمول می‌داند. «نظام سیاسی اسلام» همان دستگاه‌های جهان‌شمول سیاسی اسلام می‌باشد» (هادوی تهرانی، ۱۳۸۱، ص. ۳۹۳).

۲،۳،۱۰. راهبرد نگرش سیستمی

«تا کنون فقیهان و عالمان دین در برخورد با مجموعه گرانقدر دین اسلام شیوه‌ای جزء گرایانه و خردنگر را دنبال کرده‌اند. در این روش هیچگاه ارتباط عناصر جهان‌شمول با یکدیگر و رابطه آن‌ها با عناصر موقعیتی ملحوظ نبوده است. این رویه باعث شد تا مباحث اسلامی فاقد نگرش سیستمی، کلان و نظام‌مند باشند و اجزای ساختاری اندیشه اسلامی بدون تدوین مدون کنار هم قرار گیرند» (هادوی تهرانی، ۱۳۷۸، صص. ۲۸-۲۹).

۳،۳،۱۰. فرایند عملیاتی سازی راهبرد نگرش سیستمی

فرایند شش‌گانه هادوی تهرانی برای دستیابی به فلسفه، مکتب، نظام و سازوکار:

استخراج و کشف عناصر دینی؛

تفکیک عناصر جهان‌شمولی از موقعیتی؛

۳) دست‌یابی به عناصر جهان‌شمولی که در وراء عناصر موقعیتی نهفته‌اند؛

۴) طبقه‌بندی عناصر جهان‌شمول در سه گروه: فلسفه، مکتب و نظام؛



- ۵) هماهنگ‌سازی عناصر جهان‌شمول برای رسیدن به مجموعه‌ای سازگار؛
۶) طراحی سازوکار بر اساس عناصر جهان‌شمول (هادوی تهرانی، ۱۳۸۱، ص. ۳۹۵).

۱۰، ۳، ۱. تحلیل و نقد فرایند نش گانه

در فرایند پنجم تعییر «مجموعه‌ای سازگار» به کار رفته است. این مفهوم ابهام دارد. فلسفه به معنی فلسفه مضاف، یا مکتب یا نظام بر اساس بیانات وی روشن است، ولی مجموعه‌ای سازگار تعریف نشده است. آیا مراحل پیشین و چینش مطالب به ترتیب در قالب فلسفه، مکتب و نظام همان مجموعه سازگار نیست؟ به نظر می‌رسد، فرایند پنجم نیازمند تبیین مبادی تصویری درباره مفهوم «مجموعه سازگار» مورد نظر وی است.

۱۰، ۴، ۱. مبانی

۱۰، ۴، ۱. احاطه بیان وحی بر مجموعه نظام‌مند جهان آفرینش

«وحی آسمانی کلام خداوندی است که به تمام جهان هستی احاطه تام دارد و جز یک واحد گسترده و فراگیر از او صادر نمی‌شود و سراسر جهان آفرینش جز یک نظام حقیقی نخواهد بود؛ لذا وقتی خداوند درباره چیزی از مجموعه جهان آفرینش سخن می‌گوید، طوری آنرا تبیین می‌کند که نشان دهنده پیوند او با بدنه جهان امکان بوده، و به خوبی ارائه می‌دهد که مجموعه نظام نیز پیوند ناگسستنی با مبدأ آفرینش دارد.» (جوادی آملی، ۱۳۸۶هـ، ص. ۱۲۳).

۱۰، ۴، ۲. حضور نظام علمی در متن واقعیت خارجی

نظام علمی پیرو نظام علمی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۶، صص. ۵۲۰ و ۵۲۷) «نظام علمی قبل از آن که به صحنه معرفت و آگاهی بشر منتقل شود در متن واقعیت خارجی حضور دارد و اگر کوشش‌های پی‌گیر و مستمر یک گیاه‌شناس او را به مناسبت‌های دقیق ارگانسیم یک گیاه واقف می‌گرداند، پس آن دقت‌های علمی ابتداء در واقعیت گیاه حضور دارد.» (جوادی آملی، ۱۳۸۶هـ، ص. ۳۱۲؛ همان، ۱۳۸۷، ص. ۶۳).

۱۰، ۴، ۳. این همانی میان نظام علمی قرآن با نظام عینی

نظام علمی قرآن کریم با نظام عینی هستی یک‌سان است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج. ص. ۳۹) گزاره‌های دستوری دین بر اساس نظام آفرینش و هماهنگ با آن است (جوادی آملی، ۱۳۸۸الف، ص. ۵۷۸).

۱۰، ۴، ۴. کفایت مبانی و مقاصد دین برای پایه‌گذاری نظام

چنان‌که پیش از این بیان شد، برخی صاحب‌نظران مبانی و مقاصد را برای پایه‌گذاری نظام و

سیستم کافی می‌دانند (صفائی حائری، ۱۳۸۲، صص ۱۶۰ - ۱۶۱؛ همان، ۱۳۹۱، صص ۲۰۳ و ۳۰۲).

۵,۴,۱۰. نظریه استخلاف

«تیین خلافت انسان و تشخیص هویت اصیل وی که خلیفه خدای سبحان است برای جمع‌بندی برخی از آرای متضارب در نظام سیاسی مدینه فاضله و ساختار انسانی حکومت متمدنانه سهم بسزایی دارد.» (جوادی آملی، ۱۳۸۹ الف، ص ۱۴۱).

۶,۴,۱۰. وجود عناصر جهان‌شمول در دین

ساخت نظام بر وجود عناصر جهان‌شمول مبتنی است (هادوی تهرانی، ۱۳۷۸، صص ۲۸-۲۹) جاودانگی قرآن مستلزم دائمی بودن و زوال‌ناپذیری رسالت اوست (جوادی آملی، ۱۳۸۶ ب، ص ۲۷۹). قرآن کریم «با ارائه مبادی کلی و حدود وسطای قابل تطبیق بر هر عصر و نسل، نقص و نقض فرآورده‌های بشر را نشان می‌دهد (همان). «همان‌طور که ثبات قانون‌ها، ضد علم و ضد حرکت نیست، همین‌طور دینی که بر اساس آن نظام‌ها باشد ضد حرکت و ترقی نمی‌تواند باشد.» (صفائی حائری، ۱۳۸۱ ب، صص ۱۳۰-۱۳۱).

۷,۴,۱۰. نظریه پردازی قرآن بنیان

از جمله نکات فوق‌العاده مهم در ویژگی هر نظریه‌ای آن است که با استحکام و درستی احتمالات متعدد را دربرگیرد و جهات پراکنده مرتبط با موضوع را پوشش دهد. این اولین پایه در نظم دادن به فکر و شناخت در هر ساحت است. در غیر این صورت، نظریه ناتمام بوده و افتادگی‌هایی خواهد داشت که سبب نقد و نابودی آن خواهد شد (النعمانی، ۱۹۹۶ م، ص ۸۳). شهید صدر در میان دانشمندان تراز اول اسلامی تنها کسی است که به تفصیل به تبیین نظریه‌پردازی قرآن بنیان پرداخته است (الصدر، ۱۳۸۱ ب، صص ۱۷-۱۰۲). از این رو، به اختصار به بیان راهبرد و فرایندهای پیشنهادی وی در این باره می‌پردازیم.

۸,۴,۱۰. راهبرد نظریه‌پردازی قرآن بنیان

راهبرد کل‌نگری؛ اساس نظریه‌پردازی قرآن بنیان کل‌نگر (تفسیر موضوعی) و اجتناب از توقف در جزئی‌نگری (تفسیر ترتیبی) است (الصدر، ۱۴۲۱ ق، صص ۲۸-۳۳).

۱۱. فرایند

۱,۱۱. مسأله‌شناسی

مسأله‌شناسی با شناخت مشکلات واقعی زندگی بشری آغاز و با گزینش مسأله‌ای بزرگ (همان) به فرجام می‌رسد (الصدر، ۱۴۲۱ ق، صص ۲۹-۳۰ و ۳۵ و ۳۷).



۲,۱۱. پیشینه‌شناسی دستاوردهای بشری دربارهٔ مسأله

اولین گام در پیشینه‌شناسی، شناخت پیشینهٔ دستاوردهای بشری است. سپس خلأها و کاستی‌های بشر در حل مسأله مشخص می‌شود. (همان، ص. ۲۹).

۳,۱۱. هدف‌گذاری

نظریه‌پردازی قرآن‌بنیان دو هدف اساسی دارد؛

۱. دستیابی به نظریهٔ قرآنی دربارهٔ مسأله؛

۲. دستیابی به رسالت قرآنی دربارهٔ آن (همان، ص. ۲۳).

شهید صدر تصریح می‌کند که می‌خواهد جانب تشریحی اسلام را به جانب نظری و تحلیلی قرآن کریم پیوند دهد (همان، ص. ۱۸۶).

۴,۱۱. طرح سؤال

شهید صدر طرح سؤال را یکی از مراحل تفسیر موضوعی یا نظریه‌پردازی قرآن‌بنیان به شمار می‌آورد. (همان، صص ۳۰، ۳۴) او در نظریهٔ سنت‌های تاریخی پرسش‌هایی دربارهٔ ثبوت شیء، چیستی شیء، چگونگی، عوامل شیء، مصادیق، نقش انسان، نقش آسمان و نبوت در مسأله مطرح کرده است (همان، ص. ۴۶). او همچنین بر سؤال‌های برآمده از پیشینه‌شناسی تأکید دارد (همان، ص. ۲۹).

۵,۱۱. فرضیه‌سازی

فرضیه نخستین مرحله در سیر تحول علمی است. پس از آن، بررسی و پژوهش دربارهٔ فرضیه با روش‌های گوناگون شکل می‌گیرد. پس از به دست آمدن اطلاعات لازم دربارهٔ فرضیه، در صورتی که اطلاعات به دست آمده آن را تأیید کند، فرضیه سرشت جدیدی پیدا می‌کند که همان قانون علمی است (همان، ۱۴۲۱ق. ب، ص. ۲۷۵).

۶,۱۱. استنتاج قرآن کریم

پس از پنج مرحلهٔ پیشین فرایند استنتاج قرآن کریم آغاز می‌شود (همان، صص. ۳۰، ۳۳-۳۴ و ۴۲). پس از تبیین علمی روش تفسیر نوبت به استفاده از قرآن و دریافت پاسخ از آن می‌رسد (همان، صص. ۲۹-۳۰، ۳۳-۳۴، ۴۶-۴۷).

۷,۱۱. استفاده و دریافت پاسخ از قرآن

پرسش از قرآن کریم سبب دستیابی به مدلولات تفصیلی خواهد شد (همان، ص. ۳۴). دستیابی به مدلول‌های تفصیلی قرآن کریم دربارهٔ مسأله با اجتهادی (همان، ص. ۲۴، ۲۸ و ۳۱۳) نوآورانه (همان، صص. ۲۴-۲۵) انجام می‌شود.

۸,۱۱. مطالعات تطبیقی

نظریه پرداز پس از دستیابی به مدلول‌های تفصیلی از قرآن کریم، به مطالعات تطبیقی روی می‌آورد (همان، ص. ۲۹، ۳۵، ۱۳۶ و ۱۶۴). برای این منظور لازم است به دستاوردهای بشری دربارهٔ مسأله دست یابد (همان). آنگاه دستاوردهای بشری را با نتایج قرآنی مقایسه کند (همان، صص. ۲۹، ۳۳۹).

۹,۱۱. نظریه پردازی

نظریه پردازی (همان، صص. ۲۲-۲۳، ۲۷، ۲۹، ۳۵، ۴۰، ۴۲، ۴۵، ۱۸۵، ۱۸۷ و ۳۱۵) یکی از اهداف اصلی شهید صدر در تفسیر موضوعی است. او هفت اقدام را در فرایند نظریه پردازی در نظر گرفته است.

- ۱) دستیابی به اصطلاحات خاص. قرآن (همان، ص ۲۱۰)؛
- ۲) دستیابی به شامل‌ترین مفاهیم (همان، ص. ۳۳۶)؛
- ۳) ترکیب و مقارنهٔ میان مدلول‌ها (همان، صص. ۲۴ و ۳۱۶)؛
- ۴) کشف ارتباط میان مدلول‌های قرآنی (همان، ص. ۲۲، ۲۴ و ۳۴)؛
- ۵) جایابی مدلول‌ها (همان، ص. ۳۴)؛
- ۶) اتحاد مدلول‌ها (همان، ص. ۳۶)؛
- ۷) دستیابی به مرکبی نظری - نظریه - (همان).

۱۲. مبانی

۱,۱۲. نیازمندی انسان به داده‌های وحیانی

شهید صدر حل تعارض در مصالح فردی و اجتماعی را تنها در گرو داده‌های وحیانی می‌داند (الصدر، ۱۳۲۴ق. الف، ص. ۳۹۴). از سوی دیگر معرفت و ظرفیت‌های فکری انسان را ناتوان از درک همهٔ اسرار در مسائل اجتماعی می‌داند. «انسان به پیامبرانی نیاز دارد که از طریق وحی مصالح حقیقی انسان را در زندگی انسان مشخص می‌کند.» (همان، ص. ۳۵۰).

۲,۱۲. پایان‌ناپذیری قرآن کریم (جاودانگی)

به اعتقاد شهید صدر، توانایی قرآن بر داده‌های نو دائمی است. قرآن محدود به تفسیر لفظ نیست تا گستره‌ای پایان‌پذیر داشته باشد. روایات نیز بر پایان‌ناپذیری قرآن دلالت دارند (الرضی، ۱۴۱۴ق، ص. ۳۱۵).

۳,۱۲. علمی بودن قرآن کریم

در دیدگاه شهید صدر آن دسته از آیات که انسان را به نظر و تأمل در روی داده‌های گذشته فرامی‌خوانند و بر استفاده از آن‌ها تأکید می‌کنند، انسان را به بررسی استقراء حوادث می‌خوانند. استقراء بدون مفروض بودن سنت‌ها و علمی بودن آن‌ها ممکن نیست (الصدر، ۱۴۲۱ب، ص. ۵۴).

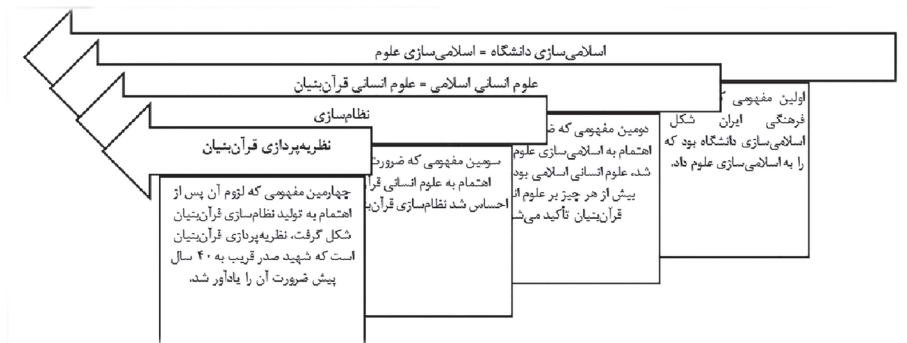
۴.۱۲. امکان راهیابی به گزاره‌های دستوری از نظریه‌های توصیفی قرآنی

دومین هدف اساسی شهید صدر از نظریه‌پردازی قرآنی دستیابی به رسالت‌های اسلامی است (الصدر ۱۴۲۱ق. ب، ص. ۲۲). چنین هدفی بر این مبنا استوار است که راهیابی به گزاره‌های دستوری از نظریه‌های توصیفی قرآنی امکان‌پذیر است.

۱۳. نتیجه‌گیری

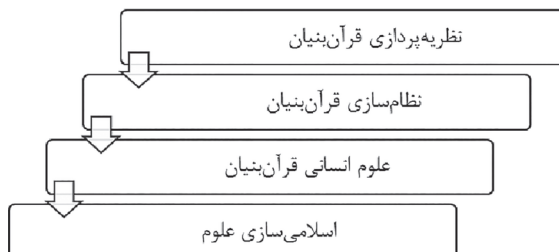
نتایج مقاله در سه نتیجه اساسی به شکل زیر سامان یافت:

۱) سیر پیدایش مفاهیم و ترتیب ذهنی آنها: سیر شکل‌گیری مفاهیم در ایران که شمار قابل توجهی از دانشمندان حوزه و دانشگاه را به خود مشغول کرده در نمودار زیر نشان داده شده است. موازی بودن نمودار بدین معنی است که هر یک از مفاهیم مستقل از دیگری یک هدف به شمار می‌آید. ترتیب آن‌ها نشان می‌دهد که به ترتیب هر مفهوم بالاتر مستلزم تحقق مفهوم پایین آن است. ترتیب ذهنی فوق نشان می‌دهد که مبانی هر یک از مفاهیم بالا مبنای مفاهیم پایین‌تر نیز خواهد بود.



نمودار ۱: سیر شکل‌گیری مفاهیم در ایران

سیر تحقق مفاهیم و ترتیب عینی آنها: نظریه‌پردازی قرآن‌بنیان سبب دستیابی به انتزاعی‌ترین مفاهیم در هر عرصه علمی و ساماندهی مفاهیم سازه‌ای و مؤلفه‌های دیگر ذیل آن می‌شود. در این صورت، دستیابی به هندسه مفاهیم میسر می‌شود. نظریه عناصر جهان‌شمول و موقعیتی را به گونه‌ای جانمایی می‌کند که نتیجه آن نظام علمی در آن عرصه شکل می‌دهد. با دستیابی به نظام قرآن‌بنیان و تراکم گزاره‌های علمی درباره آن علوم مربوط شکل می‌گیرد. از آنجا که دستیابی به علوم انسانی اولویت دارد تولید این علم از طریق نظام‌سازی و دستیابی به نظریات قرآن‌بنیان بیش از هر چیز دیگری و وجهه همت است. با تولید علوم انسانی قرآن‌بنیان اسلامی سازی علم از طریق تولید علم بر اساس منابع اصلی دین رقم می‌خورد.



نمودار ۲: مراحل تحقق نظریه پردازی قرآن بنیان تا اسلامی سازی علوم

۳) پیشتازی شهید صدر در همه مفاهیم یادشده: بررسی فوق به ویژه فرایندی که شهید برای نظریه پردازی قرآن بنیان سامان داده است، نشان می‌دهد که شهید صدر در درک مفاهیم یادشده پیشتاز بوده است. ما پس از تطور چهار مرحله‌ای به نظریه پردازی برای نظام سازی قرآن بنیان رسیده‌ایم، حال آن که وی پیش از هر کس به ضرورت اسلامی سازی علوم رسیده بود. آثاری مانند فلسفتنا، اقتصادنا، نظریه استخلاف، و نظریه سنت‌های تاریخی شاهد بر این مدعاست. او همچنین به مرحله پنجمی نیز رسیده بود که ما کمتر بدان پرداخته‌ایم. بدین معنی که او به ضرورت ساخت و سامان‌دهی روشی مناسب برای نظریه پردازی نیز رسیده بود که برای آن تفسیر موضوعی را به مثابه روش اجتهادی مسأله‌محور منتج به نظریه تبیین کرد. این حقیقت نشان می‌دهد که ما در قریب به چهل سال گذشته هنوز در دوران پیشاصدری به سر برده‌ایم. لازمه ورود به دوران پساصدری آن است که کار را از جایی شروع کنیم که او به پایان رساند. (آکوچکیان، ۱۳۹۵).^۱

۱۴. پیشنهادها

تعریف دقیق مفاهیم؛

بازخوانی اندیشه‌های شهید صدر و دیگرانی که در این مسیر گام نهاده‌اند؛

ترمیم و تکمیل اندیشه‌های صدر و دیگران؛

ساخت و ساماندهی روش‌های معتبر و پیشرفته برای نظریه پردازی قرآن بنیان؛

ساخت الگوهای عملیاتی نظریه پردازی؛

حمایت از اجرای الگوهای نظریه پردازی قرآن بنیان؛

حمایت از پیاده‌سازی نظریه‌ها در نمونه‌ها.

۱. تعبیر «پیشاصدری» و «پساصدری» نخستین بار به وسیله حجت‌الاسلام دکتر احمد آکوچکیان در خلال «روش‌شناسی حل مسأله در منظومه روش‌شناسی تفسیر پیشرفت‌نگر» از سلسله نشست‌های اولین کنفرانس قرآن‌پژوهی پیشرفت و روش‌شناسی تفسیر در مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد) به کار برده شد. این نشست با حضور ایشان و نویسنده در تاریخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۶ برگزار شد.



منابع

- الرضی، محمدحسین (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه. محقق صالح صبحی، قم: هجرت.
- الصدر، سید محمدباقر (۱۳۲۴ق. الف). اقتصادنا (موسوعة الشهيد الصدر ج ۳). قم: مرکز الأبحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر، انتشارات دارالصدر.
- الصدر، سید محمدباقر (۱۳۲۴ق ب). فلسفتنا (موسوعة الشهيد الصدر ج ۱). قم: مرکز الأبحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
- الصدر، سید محمدباقر (۱۴۲۱ق ب). موسوعة الشهيد الصدر. المدرسة القرآنية يحتوى على التفسير الموضوعي للقرآن الكريم و بحوث في علوم القرآن و مقالات قرآنية، قم: مرکز الأبحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
- الصدر، سید محمدباقر (۱۴۲۱ق. الف). المدرسة الإسلامية (موسوعة الشهيد الصدر جلد ۵). قم: مرکز الأبحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴الف). تفسیر انسان به انسان. محقق محمدحسین الهی زاده، قم: مرکز نشر أسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴ب). حیات حقیقی انسان در قرآن. محقق غلام علی امین دین، قم: مرکز نشر أسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵ الف). تسنیم. تحقیق و تنظیم: علی اسلامی، جلد ۹، قم: مرکز نشر أسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵ب). حق و تکلیف در اسلام. محقق مصطفی خلیلی، قم: مرکز نشر أسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵ج). سرچشمه اندیشه. محقق عباس رحیمیان، جلد ۲، قم: مرکز نشر أسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶الف). اسلام و محیط زیست. تحقیق و تنظیم عباس رحیمیان، قم: مرکز نشر أسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶ب). منزلت عقل در هندسه معرفت دین. تحقیق و تنظیم احمد واعظی، قم: مرکز نشر أسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶ج). سرچشمه اندیشه. محقق محمدحسین الهی زاده، جلد ۱، قم: مرکز

نشر اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶د). سرچشمه اندیشه. محقق: عباس رحیمیان، جلد ۳، قم: مرکز نشر اسراء.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶هـ). ر حیق مختوم. محقق حمید پارسانیا، جلد ۱ و ۲، قم: مرکز نشر اسراء.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶هـ)، سرچشمه اندیشه. محقق عباس رحیمیان محقق، جلد ۴، قم: مرکز
نشر اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷الف). جامعه در قرآن. محقق مصطفی خلیلی، قم: مرکز نشر اسراء.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷ب). فلسفه صدرا. محقق محمد کاظم بادپا، جلد ۲، قم: مرکز نشر اسراء.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸الف). تسنیم. محقق حسن واعظی محمدی، جلد ۷، قم: مرکز نشر اسراء.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ب). نسیم اندیشه دفتر اول. محقق: سید محمود صادقی، قم: مرکز نشر
اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹الف). تسنیم. تحقیق و تنظیم احمد قدسی، جلد ۳، قم: مرکز نشر اسراء.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ب). ولایت فقیه. محقق محمد محرابی، قم: مرکز نشر اسراء.
جوادی آملی، عبدالله (بی تا). سروش هدایت. جلد ۴، قم: مرکز نشر اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). نسبت دین و دنیا. محقق علیرضا روغنی موفق، قم: مرکز نشر اسراء.
رضوی، عبدالحسین (۱۳۹۱). طرح جامع علم دینی از منظر آیت الله علامه جوادی آملی. فصلنامه
پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی ویژه‌نامه نخستین کنگره بین‌المللی علوم انسانی، ۱(۹۱)، ۳۱-۳۷.

صفائی حائری، علی (۱۳۸۱الف). استاد و درس صرف و نحو. قم: لیلة القدر.

صفائی حائری، علی (۱۳۸۱ب). روش نقد. جلد ۴، قم: لیلة القدر.

صفائی حائری، علی (۱۳۸۲). از معرفت دینی تا حکومت دینی. قم: لیلة القدر.

صفائی حائری، علی (۱۳۸۳). بررسی. قم: لیلة القدر.

صفائی حائری، علی (۱۳۸۶). نامه‌های بلوغ. قم: لیلة القدر.

صفائی حائری، علی (۱۳۹۱). تطهیر با جاری قرآن. جلد ۳، قم: لیلة القدر.

عاملی، حر (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة. جلد ۲۹، قم: مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث.

فراهیدی، خلیل (۱۴۱۰ق). کتاب‌العین. قم: انتشارات هجرت.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. جلد ۸، تهران: دارالکتب الإسلامیة.

گلشنی، مهدی (۱۳۷۷). از علم سکولار تا علم دینی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۹). جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن. تهران: نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات.

مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۳). آموزش فلسفه. جلد ۲، تهران: انتشارات امیر کبیر.

مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۳). پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی
پژوهشی امام خمینی.

مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۸). رابطه ایدئولوژی و فرهنگ اسلامی با علوم انسانی. مجموعه
مقالات وحدت حوزه و دانشگاه و بومی و اسلامی کردن علوم انسانی. ۱۳-۸۷.



مطهری، مرتضی (۱۳۵۶). ده گفتار. تهران: انتشارات حکمت.
نجاتی، محمدعثمان (۱۳۹۱). قرآن و روان‌شناسی. ترجمه عباس عرب، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
النعمانی، محمدرضا (۱۹۹۶م). الشهدید الصدر سنوات المحنه و أيام الحصار. قم: إسماعیلیان.
هادوی تهرانی، محمد مهدی (۱۳۷۸). مکتب و نظام اقتصادی اسلام. قم: مؤسسه فرهنگی خانه خرد.
هادوی تهرانی، محمد مهدی (۱۳۸۱). مبانی کلامی اجتهاد در برداشت از قرآن کریم. قم: مؤسسه فرهنگی خانه خرد.

نظام‌سازی قرآن بنیان؛ چیستی، چرایی و چگونگی

حسین بابایی مجرد^۱: استادیار، گروه مدیریت اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
محمد عبدالحسین زاده: کارشناس ارشد، گروه مدیریت، دانشگاه امام صادق(ع)

دو فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم

سال نهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صص ۲۹-۴۴

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱۰/۱۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۰۱/۱۹

چکیده

نظام‌سازی در زبان عرف و بعضاً اهل علم، مشترک معنوی برای چهار مصداق نظام‌شناسی (در ساحت تکوین، نظام‌یابی (در ساحت تشریح)، نظام‌سازی (در ساحت اعتباریات) و نظام‌گذاری (در ساحت عینی) است. هرچند به طور خاص، نظام‌سازی ناظر به اعتبارات و قراردادهای اجتماعی است که در هر خرده‌نظام وضع می‌شود، اما نگارنده معتقد است نظام‌سازی بالمعنی‌الاعم جامع هر چهار ساحت بوده و قرآن مجید نیز به عنوان منبع معرفت‌شناسی دینی در ساحت چهارگانه قرار دارد. بر این اساس هر ساحت به حسب آن ساحت است. اگر فرایند نظام‌سازی مورد غفلت بوده یا ابتناء بر معارف قرآنی نداشته باشد فرایند حل مسائل و چالش‌های نظام مبتنی بر واقع‌گرایی و ایده‌آل‌گرایی توحیدی صورت نخواهد پذیرفت. بنابراین خرده‌نظام‌های مختلف اجتماعی، حلال مسائل کاذب یا غیراولویت‌دار، تحمیلی و جهت‌گیری شده به سوی ایده‌آل‌های غیراسلامی خواهند بود. این انحراف از منابع متقن دینی، از یک‌طرف عامل عدم توفیق نظام اسلامی در تحقق اهداف مادی و معنوی خود و در نتیجه تشکیک نخبگان نظام و عامه مردم در هویت انقلابی نظام اسلامی است و از طرف دیگر منجر به استقرار خرده‌نظام‌های اجتماعی غیردینی و زمینه‌ساز استبداد (هرچند صغیر) و استکبار (هرچند بخشی) و تشکیل حکمرانی سکولار (هرچند به طور نرم و خزنه اما تئوریزه شده) می‌شود. فرایند نظام‌سازی، اعتبار‌سازی در قالب حرکت از مبادی به سوی مسائل (علم اجمالی به مبانی در شناسایی و اولویت‌دهی به مسائل) و حرکت از مسائل به همراه مسائل به سوی منابع (جهت بازخوانی) و اصطیاد یا اصلاح (باز تعریف) مبادی (علم تفصیلی به مبادی) و در نهایت حرکت از مبادی (تفصیلاً) به سوی مسائل جهت تعریف، تشریح، احساس و حل مسائل است؛ هرچند باید توجه داشت در این حرکت مبتنی بر اجمال و تفصیل، انعطاف درون‌زای در اصلاح‌گری، تدرّج در تحوّل و جریانی بودن، جزء متمم نظام‌سازی تلقی می‌شود.

کلید واژه‌ها: نظام‌سازی قرآن بنیان، منابع نظام‌سازی، مبانی نظام‌سازی، مسائل نظام‌سازی، اعتباریات.



۱. مقدمه

مفهوم‌شناسی نظام‌سازی همیشه در طول منازعات و مجادلات علمی، محل نقاش و معرکه آراء بوده است. شاید از مهم‌ترین عللی که مناقشه بر سر این واژه را موجه می‌کند، عدم اشتراک مناقشه‌کنندگان بر سر تعریف نظام و بالتبع مفهوم‌شناسی ترکیب نظام‌سازی است. این مناقشات، زمانی ابعاد وسیع‌تری به خود می‌گیرد که عدم اشتراک در مفهوم‌شناسی این واژه، در دو بستر معرفتی متعارض و در نگاهی خوش‌بینانه، متباین، یعنی اندیشه اسلامی و اندیشه غرب تفکری طرح شود. این تباین در مبادی معرفتی یا همان پارادایم، سؤال‌ها، پاسخ‌ها، اتّجاهات، انتظارات و در یک کلام، نوع نگرش به نظام‌سازی را متباین می‌کند. لذا پراکندگی در تعاریف واژه نظام‌سازی از یک سو و اعتقاد نگارنده بر آنکه واژه نظام‌سازی در وضع تعینی، دچار تحولات و تطورات متناهی شده است مسیر تحقیق را به سوی تبیین هم‌معنای لغوی و هم‌معنای اصطلاحی در اندیشه متفکرین اسلامی و غربی سوق می‌دهد.

۲. چستی نظام‌سازی قرآن بنیان

۱،۲. معنای لغوی نظام

آنچه از بررسی اکثر کتب لغت معتبر مانند: کتاب العین، تهذیب اللغة، المحیط فی اللغة، لسان العرب، مجمع البحرین، معجم مقایس اللغة، قاموس المحیط و الصحاح می‌توان در مورد معنای صحیح لغت نظام که از ریشه نظم گرفته شده است به دست آورد انضمام و همراه کردن چند چیز به یکدیگر است؛ توضیح آنکه به رشته در آوردن و همراه کردن دانه‌های تسیح و یا مروارید و یا هر چیزی با ماهیت اینگونه، انتظام نام داشته و به خروجی‌ای که از این عمل به دست می‌آید نظام می‌گویند (فراهیدی، ۱۴۱۶ق، ص. ۱۶۶؛ ازهری، ۱۴۱۲ق، ص. ۲۸۱؛ صاحب بن عباد، ۱۴۲۲ق، ص. ۳۶، ابن منظور، ۱۴۰۷ق، ص. ۵۷۹؛ طریحی، ۱۳۷۵، ص. ۱۷۶؛ مرتضی زبیدی، ۱۳۰۷ق، ص. ۶۹۰؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۱ق، ص. ۱۵۵؛ جوهری، ۱۴۲۶ق، ص. ۲۰۴۱).

۲،۲. معنای اصطلاحی نظام

معنای اصطلاحی نظام و سیستم را می‌توان در ادبیات اندیشمندان غربی به‌خصوص در حوزه علوم اجتماعی و در ادبیات اندیشمندان اسلامی، خاصه در دایره فقه شیعی دریافت.

۱،۲،۲. معنای اصطلاحی سیستم (نظام) در ادبیات غربی

تعاریف متعددی از سیستم^۱ یا نظام در اندیشه متفکران غربی ارائه شده است که برخی از مهم‌ترین آن تعاریف در جدول ذیل آمده است:

جدول ۱: تعاریف سیستم از نگاه اندیشمندان غربی

تعریف از سیستم	منبع	اندیشمند
سیستم، مجموعه‌ای از متغیرها است که به وسیله یک ناظر انتخاب شده‌اند. این متغیرها ممکن است اجزای یک ماشین پیچیده، یک ارگانیزم یا یک موسسه اجتماعی باشند مطابق این تعریف، سه موضوع را باید از یکدیگر ممتاز کرد: یک واقعیت (شی مشاهده شده) = Machine یک برداشت (درک) از واقعیت = System یک بیان (نمایش) از برداشت صورت گرفته = Model	Ashby, 1960, p. 125	اشبی (Ashby)
سیستم، بخشی از جهان واقعی است که محقق آنرا انتخاب کرده و در ذهن خود به منظور بحث و بررسی تغییرات مختلفی که تحت شرایط متفاوت ممکن است در آن رخ دهد تجسم می‌کند.	Gibbs, 1978, p. 76	گیبز (Gibbs)
سیستم مجموعه‌ای از دو یا چند عنصر ۲ است که سه شرط زیر را داشته باشد: هر عنصر سیستم بر رفتار و یا ویژگیهای کل ۳ سیستم، مؤثر است؛ بین عناصر سیستم از نظر رفتاری و نوع تأثیر بر کل سیستم، وابستگی متقابل وجود دارد؛ هر زیر مجموعه سیستم، بر رفتار کل سیستم مؤثر است و این تأثیر حداقل بستگی به یک زیر مجموعه دیگر از سیستم دارد.	Ackoff, 2000, p. 146	راسل ایگاف (Ackoff)
هر مجموعه از عناصری که بتواند به نحوی به طور مداخل با یکدیگر عمل کند، می‌تواند به صورت سیستم تکر بسته شود. کپشان‌ها، قودهای مقننه و اجزای سیاسی هر کدام یک سیستم هستند	Dahl, 1984, p. 45	رابرت دال (Robert Dahl)
سیستم اجتماعی سه خصوصیت دارد: وجود روابط متقابل بین دو یا چند جزء؛ معناداری رفتار احتمالی هر جزء در نسبت سایر اجزای مبتنی بر روابط متقابل؛ تعقیب اهداف مشترک.	Parsons, 1951, p. 214	تالکوت پارسونز (Talcott Parsons)
هر سیستم متشکل از اجزای سازمان یافته و نسبتاً پایدار است که می‌توان از آن‌ها به عنوان نشانه‌های عطف در تحلیل سیستمی استفاده کرد.	Radcliffe – Brown, 1952, p. 140	آنتونی گیدنز

۱، ۲، ۳. ویژگی‌های تعاریف سیستم از نگاه اندیشمندان غربی

- ۱) کل‌نگری: اجزاء با محیط خود یک کل را تشکیل داده و ترکیب حقیقی دارند.
- ۲) ترکیب اجزاء در عین امکان تجزیه آن‌ها: اجزاء در عین حال که با یکدیگر ترکیب (به طور حقیقی) شده‌اند لکن استقلال خود را از دست نداده و امکان تجزیه برای آن‌ها متصور است (وحدت اعتباری).
- ۳) روابط متقابل اجزاء: میان اجزاء روابط متقابل و ارتباط وجود دارد اجزاء جهت تحقق اهداف سیستمی، متقوم بر یکدیگر هستند.
- ۴) هدفمندی کارکردی: انسجام و یکپارچگی اجزاء سیستم در جهت رفع یک نیاز و تحقق یک کارکرد یا هدف است. لذا می‌توان سیستم را «مجموعه‌ای از اجزا و روابط میان آن‌ها دانست که توسط ویژگی‌هایی معین، به هم وابسته یا مرتبط می‌شوند و این اجزا با محیطشان یک کل را تشکیل می‌دهند.» (رضائیان، ۱۳۸۴، ص. ۶۵).

۲، ۲، ۲. معنای اصطلاحی نظام در میان اندیشمندان مسلمان

آنچه از اندیشمندان مسلمان در باب تعریف نظام مطرح است به طور عمده ناظر به نظام مضاف



(نظام دینی، نظام فقهی، نظام اجتماعی و ...) است نه تئوری عمومی نظام و معمولاً کسانی که تعریف آن‌ها ناظر به مطلق نظام است همان تعریف معهود اندیشمندان غربی را مطرح کرده و قید یا قیودی به آن اضافه کرده‌اند. لذا نگارنده به هر دو سنخ تعاریف اشاره می‌کند.

جدول ۲: معنای اصطلاحی نظام از منظر اندیشمندان مسلمان

نظریه پرداز	مفهوم اصطلاحی «نظام»
شهید آیت الله سید محمد باقر صدر	اسلام در ورای احکام، دارای یک نظام بنیادی است که «مکتب» اجتماعی اسلام است (صدر، ۱۳۷۵، ص. ۲۱۰). از نگاه شهید صدر (ره) اسلام علاوه بر احکام اجتماعی، دارای مذهب و مکتب اجتماعی است که گاهی از آن به نظام اجتماعی تعبیر می‌شود (صدر، ۱۳۷۸، ص. ۱۱۰). مکتب نظام اجتماعی منظومه‌ای است که زیربنای احکام اجتماعی است؛ غیر از این احکام، لایه‌های دیگری از نظریه‌ها و قواعد عمومی قابل استناد به شریعت وجود دارد که دارای نظم و نسق و انتظام خاصی بوده و قطعات یک بازل و جورچین به شمار می‌روند؛ به طوری که یک «کل» و یک بسته پیشنهادی را در عرصه سیاست، فرهنگ یا... را شکل می‌دهد و با سایر نظام‌های اجتماعی اسلام هم ارتباط برقرار می‌کنند (صدر، ۱۳۷۸، ص. ۲۵۴).
حجت الاسلام علیرضا اعرافی	در اسلام قوانینی کلی وجود دارد که حالت تحلیلی دارد و حاکم بر منظومه‌های احکام است. در نظام به دنبال کشف قواعد تحلیلی هستیم که مبین نگاه اسلام به آن حوزه است (اعرافی، ۱۳۹۳). روح مسأله نظام این است که ما با یک تحلیل از این سطح روئین به عمق می‌رسیم. که این عمق، قواعد بنیادین است (اعرافی، ۱۳۹۳).
حجت الاسلام محسن اراکی	در تعریف نظام اجتماعی (نظام به معنای کلان) می‌توان چنین گفت: الگوی روابط متقابل و منظم حاکم بر جمعی از انسان‌های دارای هدف مشترک و بر خوردار از رهبری و مدیریت مرکزی واحد (اراکی، ۱۳۹۳، ص. ۵۳).
حجت الاسلام دکتر مهدی هادوی تهرانی	اسلام در هر زمینه بر اساس مکتب خود مجموعه‌ای از نهادهای جهان شمول را عرضه می‌کند که با یکدیگر روابطی خاص دارند و دستگاهی هماهنگ را تشکیل می‌دهند که بر اساس «مبانی»، تحقق بخش «اهداف» خواهد می‌باشند. این دستگاه نهادهای جهان شمول در هر باب را «نظام» می‌نامند (هادوی تهرانی، ۱۳۷۷، ص. ۱۰۲).
آیت الله عباس کعبی	نظام مجموعه‌ای از اجزای به هم پیوسته، هماهنگ، مترتب بر هم و هدفمند است که انسان را به غایت خلقت نزدیک می‌کند (کعبی، ۱۳۹۲).
حجت الاسلام و المسلمین میرباقری	فقه نظام‌های احکام را به صورت یک «نظام» می‌بیند؛ یعنی احکامی نیستند که روی موضوعات منفصله جعل شده باشند بلکه یک مجموعه به هم پیوسته هستند که یک کل یا سیستم یا نظام و پیوستار را به ما تحویل می‌دهند. این احکام که نظام واحدی را تشکیل می‌دهد دارای یک مبانی واحد بوده و اگر محقق شوند، برآیند و نتیجه واحدی خواهند داشت (میرباقری، ۱۳۹۲).
حجت الاسلام و المسلمین عبدالحمید واسطی	نگرش نظام‌مند به دین یعنی تحلیل گزاره‌های دین برای کشف سازه‌ها و فرآیندها در مقیاس کلان تمدن سازانه (واسطی، ۱۳۸۳، ص. ۱۲۱). سیستم یا شبکه، مجموعه‌ای از عناصر است که با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و برای تحقق یک هدف در تلاش‌اند. در هر شبکه، تغییر هر جزء بر دیگر اجزاء و بر کل تأثیر دارد و هیچ‌یک از عناصر اثری مستقل و جدا از مجموعه نمی‌گذارند و نمی‌پذیرند (واسطی، ۱۳۸۸، ص. ۸۹).
حجت الاسلام و المسلمین سعدی	اگر باور داریم که اسلام احتیاجات انسان را در عرصه‌های مختلف حیات او تأمین و مدیریت کرده است، باید معتقد باشیم این تأمین در قالب یک نظام که اجزای آن هماهنگ و سازواری دارد تدوین شده است و هماهنگی و سازواری اندیشه، عقاید، الزامات، احکام، اخلاقی و عرفان می‌توانند آن نظام را معرفی کنند (سعدی، ۱۳۹۲، ص. ۱۴۵).
استاد علی صفایی	جریانی است که به مجموعه‌های مرتبط هدفمند، معنا می‌دهد و آن‌ها را تبیین و تحلیل می‌کند (صفایی، ۱۳۸۹، ص. ۱۲۵). آنچه معمولاً در تعریف نظام آورده می‌شود در حقیقت، مجموعه منظمه است نه نظام. نظام، عامل پیوند است (صفایی، ۱۳۸۹، ص. ۱۲۷).
حجت الاسلام پیرومند	نظام مجموعه روابطی است که انسان ایجاد کرده تا در بستر آن روابط، جریان نیاز و ارضای نیاز شکل بگیرد (پیرومند، ۱۳۹۱، ص. ۱۱۲).
حجت الاسلام سید عباس نبوی	نظام‌سازی یعنی «ایجاد منسجم‌ترین و معقول‌ترین ساختار بین اجزای یک مجموعه که کوتاه‌ترین و سریع‌ترین مسیر به سوی هدف را موجب شود (نبوی، ۱۳۷۵، ص. ۱۴). هر سیستم کارآمدی از چهار رکن: ۱) ساختار کلی، ۲) روابط پیوسته و منسجم، ۳) عقلانیت و ۴) سرعت در جهت هدف، تشکیل می‌شود (نبوی، ۱۳۷۵، ص. ۱۶).

چند نکته در تعریف نظام از دیدگاه اندیشمندان مسلمان قابل مطرح است که عبارت‌اند از:

۱) عمده تعاریف ناظر به نظام اجتماعی دینی است و از همین جهت نیز معمولاً نظام مضاف مطرح

شده است نه مطلق نظام. هر چند این تعاریف به یک اعتبار تعریف نظام‌سازی را نیز مشخص کرده و از این جهت وافی به مقصود نگارنده هست.

۲) برخی تعاریف که ناظر به مطلق نظام است بر عنصر پیوند، روابط و ساختار تأکید داشته و قائل به این‌همانی نظام و ساختار شده‌اند. هر چند به جهت توجه به پویایی نظام، ساختار را منعطف تلقی کرده‌اند (ساختار رافع نیاز، ساختار معقول و ساختار معنابخش).

۳) در نظام‌های اجتماعی ویژگی‌هایی چون جهان‌شمول بودن عناصر، رهبری واحد و متمرکز، نهادی بودن (رفتار تثبیت شده)، مبناداری اجزاء و غایت‌مندی تمدن‌سازانه به چشم می‌خورد.

۳.۲. ارتباط نظام‌سازی با نظریه عمومی سیستم‌ها

ریچارد ای. بال^۱، مفهوم روشنی از جهت‌گیری رابطه‌ای نظریه عمومی نظام‌ها^۲ ارائه می‌دهد: «نظریه عمومی نظام‌ها، کارش را با مفهوم فرایندی واقعیت آغاز می‌کند و واقعیت را به عنوان چیزی در نظر می‌گیرد که اساساً متشکل از روابط میان روابط است، درست مانند مفهوم «گرانش»^۳ (یا جاذبه) که در فیزیک نوین به کار برده می‌شود. اصطلاح «گرانش» به هیچ‌وجه موجودیت چیزی را توصیف نمی‌کند. چیزی به عنوان «گرانش» وجود خارجی ندارد. در واقع «گرانش»، مجموعه‌ای از روابط است. تصور این روابط در مقام موجودیت‌ها، افتادن در دام شیء‌انگاری است. نظریه عمومی نظام‌ها از جامعه‌شناسان می‌خواهد که منطق روابط را توسعه دهند و واقعیت اجتماعی را بر حسب مفاهیم رابطه‌ای مجسم سازند (بال^۴، ۱۹۷۸، ص. ۶۶).

مبتنی بر آنچه «بال» گفته است نباید در نظریه نظام، ذهن محقق، منحصر در شناخت روابط میان اشیاء شود بلکه توسعه روابط دریافت شده از اشیاء به سوی واقعیت (امر) اجتماعی اراده شده است. هر چند مبتنی بر ذات توصیفی علوم اجتماعی در غرب، کشف منطق روابط میان اشیاء و توسعه آن به هدف امداد جامعه‌شناس در شناخت روابط اجتماعی صورت می‌پذیرد.

البته شکی نیست که رایحه‌انگاره‌های پوزیتیویسم در تحلیل اجتماعی مبتنی بر نظریه نظام، استشمام می‌شود لکن اگر به سلسله‌مراتب بولدینگ در طبقه‌بندی سیستم‌ها توجه شود سیستم‌های سطح بالاتر چون اجتماع، ویژگی‌های سیستم‌های سطح پایین‌تر چون جمادات را دارد هر چند علیحده بر آن، ویژگی‌های ممتاز خود را نیز داراست.

لذا بخشی از شناخت اجتماع مبتنی بر رویکرد پوزیتیویستی ممکن‌الاحصول است لکن نباید اجتماع انسانی را تقریبی از اشیاء تلقی کرد و مطلقاً همان روابطی که میان اشیاء حاکم است را تعمیم به اجتماع داده و به جهت‌گیری‌های فیزیکالیستی در تحلیل اجتماعی روی آورده شود چرا که این امر، عین خطا و انحراف در تحلیل خواهد بود.

1. Richard, A. Ball.
2. General system theory
3. Gravity
4. ball

۴.۲. معاشناسی نظام‌سازی قرآنی

تعاریفی که معمولاً از نظام‌سازی در ادبیات عمومی این حوزه از زبان اندیشمندان ارائه می‌شود در قالب چهار عنوان قابل تقسیم است که عبارت‌اند از: نظام‌شناسی، نظام‌یابی، نظام‌سازی و نظام‌گذاری.

برخی از تعاریف نظام‌سازی ناظر به انکشاف نظام‌های تکوینی بود که مبتنی بر رویکردهای هستی‌شناسانه قابل تحقق است. برخی از تعاریف ناظر به کشف احکام تشریحی است که مبتنی بر اجتهاد بر مبنای ادله سه‌گانه کتاب، سنت و عقل صورت می‌پذیرد.

برخی از تعاریف ناظر به اعتبارات بعدالاجتماع است که در حوزه‌های مختلف اجتماعی جهت تحقق احتیاجات حیات طبیعی بشر صورت می‌پذیرد و ادراکات اعتباری یا علوم عملیه متکفل این اعتباراتند. برخی از تعاریف نیز ناظر به تحقق عملی نظام‌های تشریحی و اعتباری و تعیین‌یافتن آن‌ها در عالم خارج از ذهن انسان است که ابزارهای سیاستی به عنوان عامل تحقق این حیث از نظام‌سازی است.

جدول ۳: گونه‌شناسی معنایی نظام‌سازی قرآن بنیان

ردیف	ابعاد نظام‌سازی	ساحت	تعریف	منابع	ابزار
۱	نظام‌شناسی	تکوین	شناخت نظام حقایق تکوینی عالم	طبیعت، عقل، قلب و تاریخ (مطهری، ج ۱۳، ۱۳۸۱، صص. ۳۷۳-۳۸۴)	دریافت‌های حس، ادراکات عقلی، شهود باطنی، گرایش‌های فطری و معارف وحیانی (مطهری، ۱۳۸۱، ج ۱، صص. ۴۷-۵۸)
۲	نظام‌یابی	تشریح	کشف اراده تشریحی خداوند یا همان نظام احکام	قرآن، سنت و عقل (جوادی آملی، منزلت عقل)	اجتهاد
۳	نظام‌سازی	ذهنیت	بسط مفاهیم حقیقی در قالب نظام ادراکات اعتباری مبتنی بر احساسات انسان جهت رفع احتیاجات حیاتی‌اش (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص. ۱۶۷)	وهم و خیال (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص. ۱۶۳)	اعتبارات
۴	نظام‌گذاری	عیبیت	عیبیت یافتن خرده‌نظام‌های اجتماعی در جامعه در قالب نظام اقدامات هماهنگ و یکپارچه جهت تحقق اهداف از پیش تعیین‌شده	علوم مختلف انسانی و اجتماعی با محوریت علم سیاست‌گذاری عمومی	سازوکار یا ابزارهای خط‌مشی

نگارنده، چهار تعریفی که از نظام‌سازی در میان اندیشمندان مسلمان شایع است را ارزش‌گذاری نکرده بلکه نظام‌سازی بالمعنی‌الاعم را ناظر به هر چهار عنوان دانسته و از آن‌ها تحت عنوان ابعاد نظام‌سازی یاد می‌کند و غفلت از هر بعد از ابعاد چهارگانه را ناقض کمال فرایند نظام‌سازی می‌پندارد هرچند نظام‌سازی بالمعنی‌الاخص را اسناد به فرایند اعتباریات می‌دهد. اما اینکه هر یک از ابعاد چهارگانه فرایند نظام‌سازی چه نسبتی با معارف قرآن مجید پیدا می‌کنند نیز سؤال مهم این تحقیق است. لذا در ادامه به نظام‌سازی مضاف به قرآن ناظر به ابعاد چهارگانه پرداخته خواهد شد؛ یعنی نظام‌شناسی قرآنی، نظام‌یابی قرآنی، نظام‌سازی قرآنی و نظام‌گذاری قرآنی.

۱.۴.۲. نظام‌شناسی قرآنی

شارع مقدس در منابع (ادله) شرعی در باب گزاره‌های هستی‌شناختی و نظری، تعهدی بر جامعیت ندارد ضمن آنکه دلیلی بر جامعیت نیز در دست نیست. این گزاره‌ها مبتنی بر اراده هم نیست تا در مقام شناخت آن بتوان از ادله شرعی (که دال بر اراده تشریحی خداوند است) استفاده کرد. لذا باید در مقام نظام‌شناسی؛ یعنی شناخت قواعد نظام تکوین از منابع شناخت نظری استفاده کرد. ضمن آنکه شناخت این قواعد امکان تغییر آن‌ها را فراهم نمی‌کند بلکه امکان استخدام آن‌ها جهت نیل به خواسته‌های بشری را فراهم می‌آورد. لذا قرآن در باب نظام‌شناسی تکوینی به عنوان منبع نقلی، حائز اهمیت بوده و مرجعیت دارد هرچند کشف تمام قواعد نظام تکوین غیر از قرآن، نیازمند سایر منابع نقلی، عقلی و تجربی نیز است.

۲.۴.۲. نظام‌یابی قرآنی

اجتهاد، فرایند تحصیل اراده تشریحی خداوند از ادله‌ای است که دال بر آن اراده است. ادله سه‌گانه کتاب، سنت و عقل نیز در مقام عرضه به شارع، مورد تأیید قرار گرفته است ضمن آنکه در مقام اراده‌گرایی تشریحی، شارع مدعی بر جامعیت ادله شرعی نیز هست. قرآن، به عنوان یکی از منابع یا ادله شرعی (و البته در رأس ادله) است هرچند جهت کشف احکام شرعی و نیل به اراده تشریحی خداوند غیر از قرآن دو منبع دیگر نیز وجود دارد که سنت و عقل است. ضمن آنکه ادعای جامعیت ادله در ساحت شریعت شده است (شریعت مقدس اسلام در مقام تلقی، تثبیت و بیان پیامبر، برخوردار از کمال و معصومانگی است) و نه تفقه بالمعنی‌الاصح حال ممکن است فقیه در مقام تفقه، به مراد شارع دست یابد یا نیابد. هرچند در مقام کشف فقیهانه احکام شرعی نیز برخی از فقهاء قائل به انسداد شده‌اند. البته در مقام رجوع مجتهدانه به قرآن نیز معمولاً از امر و نهی الهی که در قالب انشائیات آمده بحث می‌شود که موجود در آیات الاحکام است و لذا بسیاری از آیات قرآن نیز در امر نظام‌یابی قرآنی مورد غفلت قرار می‌گیرد.

۳.۴.۲. نظام‌سازی قرآنی

این نظام‌سازی ناظر به علوم اعتباری یا عملی است که بشر به صورت عرفی برای خود جهت رفع نیازهایش و تحقق اغراضش اعتبار کرده است. رویکرد فرد محقق در این علوم که موضوعش انسان و جوامع انسانی است و عمده قواعدش اعتباری است. (گرچه برخی قواعد فطری و طبیعی نیز دارد) هرچند در حمل اولی توصیفی است لکن در حمل شایع، تجویزی است و محقق به عنوان عنصر فعال و عامل دخیل در تغییرات قواعد انسانی یا اجتماعی است. این علوم، علوم‌ی است که بخش محدودی از موضوعش راجع به امور فطری و طبیعی مثل استخدام‌گر بودن انسان است و بخش وسیعش ناظر به انتخاب‌های انسانی است؛ یعنی این علوم از یک سو قواعد حاکم بر



انتخاب‌هایی که انسان مبتنی بر اختیاری که دارد صورت می‌دهد را مورد مطالعه قرار می‌دهد و از سوی دیگر انتخاب‌هایی که باید انسان‌ها به صورت فردی یا جمعی در فضای اجتماعی صورت دهند را جهت‌دهی می‌کند.

علوم اعتباری از آنجا که احساسات و دواعی انسان به تناسب نیازهای جوال، سیال، متکثر و متعددی که دارد دائماً در حال تغییر و تغایر است انتظار از قرآن جهت ارائه یک الگوی متناسب با این نیازهای دائماً متغیر، انتظار به جایی نیست هر چند در بعد فطری و طبیعی که مشترک میان انسان‌ها و غیر قابل تبدیل و تحویل است می‌توان از قرآن کمک گرفت. ادراکات اعتباری و بنیان‌های فرهنگی به عنوان علوم عملیه نسبت با نیاز، دواعی، اختیار و انتخاب بشر دارد. اعتباریات ابتناء بر احساساتی دارد که خود آن‌ها هم مولود اقتضایی است که قوای فعاله ما، و جهازات عامله ما دارد، و ما را وادار به اعمالی جهت استکمال خود می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، صص. ۱۵۷-۱۷۳). البته در همین علوم اعتباری و عملی نیز ممکن بلکه ضروری است که مبانی از قرآن اخذ شود همچنان که رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمودند: «ریشه، پایه و اساس علوم انسانی را در قرآن باید پیدا کرد. یکی از بخش‌های مهم پژوهش قرآنی این است. باید در زمینه‌های متعدد به نکات و دقائق قرآن توجه کرد و مبانی علوم انسانی را در قرآن کریم جستجو و پیدا کرد. این یک کار بسیار اساسی و مهمی است. اگر این شد، آن وقت متفکرین و پژوهندگان و صاحب‌نظران در علوم متعدد انسانی می‌توانند بر این اساس، بناهای رفیعی را بنا کنند»^۱.

۴.۴.۲. نظام‌گذاری قرآنی

نظام امری است که باید در عالم خارج از ذهن محقق شود و در جامعه عینیت یابد تا اهداف تحقق یابند. درست است که نظام مرضی اسلام، مربوط به زمان و مکان خاصی نیست لکن عینیت خارجی اش در مقتضیات زمانی و مکانی متفاوت، متعدد است؛ این عینیت خارجی را سازوکار می‌نامند. بنابراین نظام از یک سو بر فلسفه، اخلاق و مکتب استوار است و از این جهت برخوردار از عناصر جهانشمول است و از سوی دیگر با سازوکار ارتباطی کاملاً منطقی داشته و از این جهت برخوردار از عناصر موقعیتی است. سازوکار همان عناصر نظام است که در شرایط خاص پیاده شده است. برای طراحی سازوکار، عینیت نظام در یک موقعیت خاص، لازم است به موارد ذیل توجه شود: نخست، مدل اجرایی انتخاب شده با نظام سازگار باشد؛ دوم، از بین مدل‌های مطرح، مدلی انتخاب شود که در رسیدن به هدف، کارآمدتر و سهل‌الوصول‌تر و سریع‌تر باشد (هادوی تهرانی، ۱۳۷۷).

از آنجا که این ساحت از نظام‌سازی ناظر به اصلاح امور انسانی است برای بهره‌مندی از قرآن به عنوان منبع اصلی نقلی اسلامی، باید دید این کتاب شریف، جهت اصلاح امور انسانی چه فرآیندی را پیشنهاد کرده است؟ مثلاً چگونه در جامعه جاهلی الغای برده‌داری، زنده به گور کردن دختران،

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع بانوان قرآن‌پژوه، مورخ ۱۳۸۷/۲۸

ریا، شراب‌خواری، بی‌حجابی و ... صورت پذیرفت؟
این سطح از نظام‌سازی مبتنی بر رویکرد تنزیلی به تفسیر قرآن قابلیت تحلیل مناسبی را داراست
یعنی مطالعه و بررسی کیفیت حرکت و گذار جامعه جاهلی به سمت جامعه ایمانی با هدایت و
راهبری رهبر جامعه اسلامی (بهجت‌پور، ۱۳۹۲).

۳. چرایی نظام‌سازی قرآن بنیان

سخن از چرایی نظام‌سازی در حقیقت سخن از ضرورت آن است. اما به راستی چرا نظام‌سازی
قرآن بنیان در شرایط امروز کشور ضرورتی بیش از هر زمان دیگر دارد؟
اولاً، جهت اثبات ضرورت نظام‌سازی و ثانیاً قرآن بنیان بودن آن می‌توان به نکات ذیل اشاره کرد:
۱) حفظ انقلاب، دستاوردهایش و کسانی که به عنوان انقلابی در رأس خرده‌نظام‌های اجتماعی قرار
می‌گیرند در گرو نظام‌سازی است.^۱ ضامن بقای آرمان‌های انقلاب، ایجاد خرده‌نظام‌های اجتماعی
و اشراب آن‌ها از آرمان‌هاست.

۲) تحقق اهداف مادی و معنوی نظام اسلامی متوقف بر حفظ مبادی و اصول نظام اسلامی یا همان
هویت نظام بوده و لاجرم امری زمان‌بر و محتاج صبوری است. نباید پافشاری بر اصول و مبادی را
خلاف عقلانیت و مانع پیشرفت تلقی کرد. اما باید دانست حفظ هویت نظام اسلامی مرهون ایجاد
خرده‌نظام‌های اجتماعی مبتنی بر اسلام است.^۲ ضامن تحقق اهداف نظام اسلامی، حفظ هویت
انقلابی نظام است که آن نیز منوط به ایجاد خرده‌نظام‌های اجتماعی متناسب با آرمان‌های انقلاب
اسلامی است.

۳) فقدان نظام‌سازی اسلامی، راه را برای تحمیل الگوهای لائیک یا لیبرالیسم غربی، یا ناسیونالیسم
افراطی، یا گرایش‌های چپ مارکسیستی جهت اداره جامعه باز می‌کند.^۳ عدم نظام‌سازی متناسب
با آرمان‌های انقلاب اسلامی راه را برای نفوذ و متعاقب آن، اتباع از الگوهای غربی در محافل
تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نظام فراهم می‌کند.

۴) اندیشمندان مسلمان علوم انسانی می‌توانند از پیشرفت‌های دیگران، غربی‌ها و کسانی که
در علوم انسانی پیشرفت داشتند، استفاده نکنند، لکن مبنا باید مبنای قرآنی باشد.^۴ اگر بنیان‌های
خرده‌نظام‌های اجتماعی، ابتناء بر معارف قرآنی نداشته باشد ركون به الگوهای غربی پیدا خواهد
کرد و راه را برای نفوذ اندیشه سکولار در حاکمیت باز خواهد کرد.

۵) عدم اتباع از کافرین نیز در قالب جهاد کبیر و با ابتناء بر معارف و حیانی قرآن کریم صورت
خواهد پذیرفت. خداوند به پیامبر می‌فرماید «از کفار اطاعت مکن و با آن‌ها (با این عدم اطاعت یا
با قرآن) جهاد کبیر کن» (فرقان/۵۲). جهاد کبیر، یعنی اطاعت نکردن از دشمن، از کافر؛ از خصمی

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی، مورخ ۹۱/۹/۲۱

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع اعضای مجلس خبرگان، مورخ ۹۰/۶/۱۷

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، مورخ ۹۰/۶/۲۶

۴. سخنان رهبر معظم انقلاب در جمع بانوان قرآن‌پژوه، مورخ ۱۳۸۷/۲۸

که در میدان مبارزه با تو قرار گرفته، یعنی تبعیت نکردن در میدان سیاست، در میدان اقتصاد، در میدان فرهنگ، در میدان هنر و در میدانهای متعدد. از کافرین نکن، پس چه کار کن؟ تو برنامه داری؛ تو برنامه کار داری، برنامه زندگی داری؛ وحی الهی تو را تنها نگذاشته است؛ قرآن در اختیار تو است (احزاب/۱-۳).

۶) قرآن کریم نیز مجموعه‌ای فراگیر از اعتقادات، اخلاق و احکام در حوزه فردی و اجتماعی است که باید به‌طور یکجا مورد التزام قرار گیرد؛ التزام به بخشی و رها کردن بخش‌های دیگر ذلت در دنیا و اشد مجازات اخروی را در پی دارد. آیات قرآن همچون پیکره واحد هستند و حذف برخی از آیات، حیات و کارایی لازم را از آنان می‌گیرد. آیات الهی ارتباط سیستمی بسیار شدیدی با یکدیگر دارند که در نظر و عمل باید بدان توجه کرد و قرآن به هیچ وجه گسستگی اجزا را نمی‌پذیرد (نقی پورفر، ۱۳۸۳، صص. ۲۷-۲۹).

۷) غرض اصلی قرآن، هدایت است. این غرض به مثابه هسته مباحث است و نباید به غیر از این هدف به این کتاب رجوع شود که غرضی جز این باعث سرخوردگی می‌شود. خواننده منتظر آن نباشد که در این کتاب به اسرار انسان‌ها آگاه شود چون قرآن، تنها آن مقدار را که مربوط به هدایت بشر و ضلالت او و سعادت و شقاوتش می‌شود بیان داشته است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص. ۱۷۶). پس یافتن نظام هدایتی در این کتاب عظیم در قالب نظام‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی امری دست یافتنی و مقبول است.

برای مثال در نظام اقتصادی قرآن، آیات «وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ (عادیات/۸)» اشاره به طبع اولی انسانی در مال‌گرایی، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَن تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا» (نساء/۲۹) اصل تجارت بر مبنای رضایت طرفین، «وَأُولَئِكَ أَهْلِ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَأَتَوْا لَقْتُنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف/۹۶) نامحدود بودن منابع در صورت ایمان و تقوا، «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمَوْلَافَةَ قُلُوبِهِمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (توبه/۶۰) مصارف صدقات، زکات و تأمین مالی و توجه به اقشار آسیب‌پذیر و همچنین «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةٌ بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر/۷) در رفع انحصار سرمایه‌های عمومی نزد گروه خاص (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص. ۳۸۷) به خوبی مبادی تأسیس یک نظام اقتصادی قرآنی را فراهم می‌کند.

۴. چگونگی نظام‌سازی قرآن بنیان

بعد از آنکه از چیستی یا ماهیت و جرایبی یا ضرورت نظام‌سازی صحبت شد لازم است از چگونگی یا روش‌شناسی تحقق نظام‌سازی مبتنی بر مبادی تصویری ایجاد شده در بخش چیستی سخن به میان آید. باید توجه داشت که نظام‌سازی در هر ساحتی که انجام می‌گیرد در مقام رجوع محقق به منابع

۱. در این مورد قرآن کریم می‌فرماید: «مِمَّا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرَجُونَ مِنْهَا قَرِيبًا مِّمَّا كَفَرْتُمْ عَلَيْهِمُ الْعَذَابُ وَإِنَّ يَأْتِيكُمْ آسَافُ شِفَاؤِهِمْ وَهُوَ مُخَرَّجٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ بِنُغْضِ الْكُتَابِ وَتُكْفَرُونَ بِنُغْضِ مَا جَاءَ مِنْ بَعْضِ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَنُؤْمُ الْقِيَامَةِ يَرْدُونَ إِلَىٰ آسَفِ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (بقره/۸۵)».

دینی از جمله قرآن مجید، معمولاً خالی از پیشینه و ادبیات علمی نیست. محقق در فضای علمی «رجما بالغیب» عمل نمی‌کند بلکه در دامنه ادبیات موضوع تحقیق یا نوع مواجهاتی که با مسئله مورد بحث او شده است در محضر قرآن مجید وارد می‌شود. لذا محقق بدون تصورات و تصدیقات علمی وارد در نظام‌سازی خواه در مرتبه نظام‌شناسی، نظام‌یابی، نظام‌سازی (اعتباری) و یا نظام‌گذاری در قالب پژوهش یا برنامه پژوهشی نمی‌شود. اما این مهم است که قرار گرفتن در محضر قرآن چگونه بهره‌مندی محقق را جهت نظام‌سازی افزون می‌کند؟

۱.۴. رویکرد امضایی

۱.۴.۱. رویکرد امضایی - استشهادی: نظام‌سازی قرآنی بر اساس شاکله‌ها و طرح‌های

برون قرآنی

در این رویکرد طرح‌واره ذهنی محقق، بیرون از قرآن شکل گرفته و این طرح و قالب به قرآن عرضه شده و از مصالح قرآنی اشراب می‌شود. آنجا که مصالح قرآنی امکان‌جایی در طرح‌واره ذهنی محقق را دارد به عنوان شواهدی بر تأیید طرح‌واره مورد توجه قرار گرفته و قرآنی بودن آن را نتیجه می‌دهد و آنجایی که آیات در آن طرح‌واره جای نمی‌گیرد (تعارض علم و قرآن رخ می‌دهد) توسط محقق تأویل می‌شود. لذا در این موارد اولاً نظر جدیدی از قرآن استخراج نشده بلکه صرفاً قرآن با عینک جدید بازخوانی شده و آیات قرآن به مثابه مستشهاداتی هستند که به افزایش قدرت اثبات‌پذیری طرح‌واره کمک می‌کنند. معمولاً تفسیرهای علمی از قرآن مبتنی بر این رویکرد انجام می‌پذیرد.

۱.۴.۲. رویکرد امضایی - استنباطی: نظام‌سازی فقهی

فقه بالمعنی الاخص که معمولاً رویکردی انفعالی به مسائل داشته و حیات استفتائی دارد متکفل مشروع‌سازی و اسلامی‌سازی علوم می‌تواند باشد. توضیح آنکه اجزاء علوم اعم از موضوع، مسائل، روش، غایت و ... به فقیه در قالب استفتاء داده شود و حکم اسلام از منظر آن فقیه ناظر به پرسش دریافت شود. یقیناً یکی از منابع اصلی رجوع فقیه جهت پاسخ به این قبیل سؤالات قرآن کریم خواهد بود. ثمره این رویکرد فقه‌الاداره، فقه‌الثقافه، فقه‌الاقتصاد، فقه‌السیاسه و ... خواهد بود. لذا در این رویکرد طرح‌واره‌های ایجاد شده توسط دانش متعارف متکی بر استنباطاتی که از منابع دینی صورت می‌گیرد مورد نقد و جرح و تعدیل و نهایتاً تأیید قرار می‌گیرد.

ایراداتی که به این رویکرد وارد است عبارت‌اند از:

- ۱) این رویکرد کاملاً انفعالی است، نه امکان‌تعریف میدان تعاملات و مناسبات علمی را دارد و نه بعد از آن قدرت مدیریت و کنترل بر کنش‌های علمی متحقق در میدان تعریف شده را خواهد یافت.
- ۲) این رویکرد در شرایط تعریف شده است لذا هم جهت با حال پیش می‌رود و بر اساس همین جهت‌گیری است که حیات این رویکرد را باید حیات استفتائی نامید.
- ۳) حرکت در میدان علمی متعارف در علوم مختلف تا زمانی میسر و احیاناً مطلوب خواهد بود



که اختلاف مبنایی میان رویکرد علمی و دینی پیش نیاید. لذا حرکت بنایی به شرط موافقت مبنایی، عمده کارکرد این رویکرد در فضای متعارف علمی است. اما هرگونه اختلاف مبنایی، اول مشکل و برگشت به پله اول اسلامی سازی علوم است. لذا این رویکرد از جهات هزینه بری و زمان بری و صدا البته امیدبخشی، از ریسک بالایی برخوردار است.

۲،۴. رویکرد تأسیسی - استکشافی (نظام سازی قرآنی بر اساس کشف نظامها از قرآن)

در این بخش از نظام سازی، برخلاف شق پیشین، مقصود این نیست که نظامی وجود ندارد و باید آن را ساخت. بلکه محقق می خواهد الگوهای یک نظام موجود را از قرآن کشف و بازسازی یا برون سازی کند. کسانی که بر این نهج عمل می کنند معتقدند باید سازه و طرح واره کلی را نیز از قرآن و نصوص استخراج کرد هر چند داده ها از روش های متعارف بشری چون روش تجربی جمع آوری شوند.

۱،۲،۴. ایرادات این رویکرد عبارتند از:

۱) ورود محققانه هر اندیشمند دینی در قرآن به معنای مواجهه ذهن او با وحی است لکن خروجی این مواجهه وحی نیست بلکه نقل است. قرآن در الفاظ و مفاهیم اسناد به خداوند دارد همچنانکه خداوند در سه مقام معصومانگی قرآن و رسول خدا (ص) را ثابت می کند:
معصومانگی تلقی: «إِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ» (نمل/۶).
معصومانگی اقرار: «سَتُنْفِئُكَ فَلَا تَنْسِي» (اعلیٰ/۶).

معصومانگی بیان: بیان همه چیز توسط رسول خدا؛ «وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ» (تکویر/۲۴).
اسناد هر چه رسول خدا می گوید به خدا: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم/۳-۴).
و پیامبر از هر گونه دخل و تصرف در الفاظ و مفاهیم از ناحیه خداوند نهی شده است:
«وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ * لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ * ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ * فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ.» (حاقه/۴۴-۴۷).

لکن فهم مفسر یا هر مواجهه کننده از قرآن، ضرورتاً مطابق با وحی یعنی اراده و مقصود پروردگار نیست و یقیناً پیش فرض ها و شاکله ذهنی مفسر در تفسیر او از آیات قرآن دخیل است.

۲) اصل مواجهه با قرآن و دریافت و استنباط بسیاری از مفاهیم و معارف حقه قرآنی منوط و متوقف بر سؤال است. استنتاج از قرآن، نیاز به لسان سئول و قلب عقول دارد. در برخی از آیات قرآن، خداوند پرسش مسلمانان را طرح و پاسخ آن را به نبی مکرم اسلام (ص) گوشزد می کند (مانند اسراء/۸۵، انفال/۱، اعراف/۱۸۷ و ...). و برخی از معارف قرآن نیز در قالب سؤال بیان می شود (قدر/۲-۵، قارعه/۲-۵) و نهایتاً اینکه برخی معارف و حیاتی در قالب سؤال، قابل کشف و دریافت است، «لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَأَخْوَتِهِ آيَاتٍ لِّلسَّائِلِينَ.» (یوسف/۷).

حال باید پرسید سؤال چگونه برای آدمی ایجاد می شود؟ یقیناً سؤال مبتنی بر یک طرح واره ذهنی

از عالم خارج ایجاد شده و پاسخ بدان در بستر همان طرح‌واره برای او تولید معرفت می‌کند. سؤال از چرایی افتادن سیب بر روی زمین برای نیوتن رخ داد و پاسخ بدان نیز پازل ذهنی او از واقعیات کتاب تکوین را تکمیل کرد. لذا کسب معرفت از قرآن کریم بدون پیش‌فرض ممکن نبوده و اگر ممکن باشد در ساخت یک نظام معرفتی همه‌جانبه از کتاب تدوین کفایت نمی‌کند چرا که همواره ذهن انسان ظرف دریافت و تحلیل مفاهیم و حیانی است. صدا البته رفت و برگشت میان قرآن و دریافت‌های بشری، اشاره دفاائن نقلی (قرآنی) را سهل‌الوصول‌تر کرده و اصلاح پیش‌فرض‌های محقق را ممکن‌الوصول‌تر می‌کند و این است تأثیر متقابل عقل و نقل بر اشاره دفاائن یکدیگر (نهج‌البلاغه، خطبه ۱).

۳) انقلاب پارادایمی در ساختارهای علمی نه ممکن و نه مطلوب است. برخلاف تقریر متعارف از ساختار انقلاب‌های علمی توماس کون به نظر می‌رسد تحقق انقلاب در علم همانند سیاست، امکان‌پذیر نیست هم به دلیل عدم تحقق انقلاب علمی تاکنون و هم ضعف مبادی فاعلی در تولید پیکره یکپارچه علم در پارادایم جدید از یک‌طرف و ضعف مبادی قابلی در گسست پیوند خود با ارکان و حتی اجزاء پارادایم قبلی و پذیرش تمامی ابعاد پارادایم جدید از طرف دیگر. البته نگارنده تقریر درست از نظریه توماس کون را در نقش عوامل قدرت در برجسته‌سازی برخی عناصر پیکره علم نسبت به سایر عناصر آن یا احیای بدیل‌های تئوری غالب می‌داند.

بنابراین نمی‌توان مطلقاً یافته‌های بشر را در دامنه‌های مختلف علمی نفی کرد بلکه باید آن را مبتنی بر نگاه انتقادی به قرآن عرضه کرد.

مبتنی بر ادله سه‌گانه، این رویکرد امکان تحقق عملی ندارد و نفی امکان، سخن از مطلوبیت آن را نیز موضوعاً منتفی می‌کند.

۳،۴. رویکرد اسفار ثلاثه: نظام‌سازی مبتنی بر دیالکتیک مبادی - مسائل

اصلاح مبادی یا همان گفتمان نظر حاکم بر جامعه علمی به نظر نگارنده با دو رویکرد امضایی (استکشافی و استنباطی) و تفکیکی - استکشافی در امکان و مطلوبیتش تردید جدی وارد است. این تردید در کلام رهبر معظم انقلاب نیز هویداست آنجا که می‌فرمایند: «نظام‌سازی امری جاری و نه دفعی و یکباره است؛ اصلاح و تکمیل مسیر حرکت، جزو متمم نظام‌سازی است و باید با رصد و بررسی مداوم، اشتباهات را تصحیح، نواقص را رفع و نظام‌سازی را تکمیل کرد. لذا اضاغه خرده‌نظام‌های موجود اجتماعی صحیح نیست. قید اطلاق در ولایت مطلقه نیز ناظر به این معناست که دستگاه تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر نظام که در رأس آن ولی فقیه حاضر است باید خود را به طور دائم در جهت آنچه کامل‌تر و کارآمدتر است متحول کند و عدم تحول مستمر موجب پذیرش تحول تحمیلی است. حالت انعطافی در دست کلیددار اصلی نظام وجود دارد که در آنجایی که ضرورت می‌بیند و نه آنجایی که فشار بیرونی جهت رکون به قالب‌های غربی به او آورده می‌شود دست به تصحیح و اصلاح بنا بزند^۱. اما این نظام‌سازی چگونه قابل تحقق است؟

رجوع به منابع (در رأس منابع، قرآن مجید) و اصطیاد مبانی از آن و یا رجوع به اصول و تفریع فروع از آن، برای اوحدی از مجتهدین، میسر و برای اکثری ایشان، مستصعب است و نبوغ شیخ اعظم انصاری و آیت‌الله بروجردی را نیاز دارد تا امکان تحقق یابد. اما به نظر می‌رسد رویکرد اسفاری امکان و همین‌طور مطلوبیت نظام‌سازی قرآن‌بنیان را توأمان فراهم کند.

۴.۴. مواجهه نظام با بحران

فرایند نظام‌سازی به عنوان فرایندی تدرّجی و جاری با مشاهده و احساس ایجاد بحران در یک نظام اجتماعی جهت حل مسائل پیش‌روی آن کلید می‌خورد. معمولاً وقتی نظام با بحران در حل مسائل روبرو می‌شود ابتدا مبادی نظام مورد تأمل قرار می‌گیرند. اما نگارنده اسلوبی جدید برای رفع بحران نظام پیشنهاد می‌دهد که با سفرهای سه‌گانه تحقق می‌یابد.

سفر اول، سفر من المبادی الی المسائل مع المبادی (اجمالاً - شناسایی): این سفر با علم اجمالی محقق به مبادی نظام شروع می‌شود. محقق با این علم اجمالی به سراغ شناسایی مسائل رفته و نظام مسائل یک خرده نظام اجتماعی را مشخص می‌کند.

سفر دوم، سفر من المسائل الی منابع مع المسائل: در این سفر، محقق با علم به نظام مسائل یک خرده نظام به بازخوانی منابع جهت بازشناسی (بازتعریف) مبادی و ایجاد علم تفصیلی نسبت به مبادی اهتمام خواهد کرد.

سفر سوم، سفر من المبادی الی المسائل مع المبادی (تفصیلاً - حل): در این سفر، محقق با علم تفصیلی که نسبت به مبادی پیدا کرده است به سراغ حل مسائل می‌رود. مقدمات حل مسائل نیز تعریف (حرکت از فرامسئله به سوی مسئله حقیقی)، تشریح (حرکت از مسئله حقیقی به سوی مسئله رسمی) و احساس (حرکت از مسئله رسمی به سوی موقعیت مسئله) است.

نکته: مسائل، شکاف میان «آنچه هست» و «آنچه باید باشد» است و باید‌ها یا اهداف نیز متفرع بر مبادی است. لذا در توجه به مبادی و آنچه هست، اهداف، ملحوظ است.

۵. نتیجه‌گیری

فرایند نظام‌سازی قرآنی هم ابهام ماهیتی داشت که در قالب چستی فرایند به طور مستوفی بحث شد؛ هم مشترک لفظی نظام‌سازی تبیین شد و نظام‌شناسی تکوینی، نظام‌بابی تشریحی، نظام‌سازی اعتباری و نظام‌گذاری عینی و سازوکارانه از یکدیگر ممتاز و هر یک ساحتی از نظام‌سازی را به خود اختصاص داد. البته بعید نیست که به همین اعتبار، نظام‌سازی را بتوان مشترک معنوی دانست که در این فرض، تعریف از نظام‌سازی در ساحت چهارگانه واحد خواهد بود و هر ساحت، فردی از افراد مطلق نظام‌سازی تلقی می‌شود. ورود قرآن به هر یک از ساحت چهارگانه نیز مورد بحث قرار گرفت. در بحث از چگونگی تحقق نظام‌سازی در ساحت چهارگانه نیز روش اسفار سه‌گانه مطرح شد که حل مسائل با رجوع به مبادی بود. باید توجه داشت که هر چهار ساحت نظام‌سازی

به طور متداخل در اسفار سه گانه و دیالکتیک مبادی - مسائل حضور خواهند داشت. نظام‌شناسی تکوینی و نظام‌یابی تشریحی به طور عمده منصرف به کشف مبادی هستند و نظام‌سازی اعتباری و نظام‌گذاری عینی نیز به طور عمده به حل مسائل و مواجهه با چالش‌های خرده نظام‌های اجتماعی منصرف‌اند. لذا توجه به این ساحات چهارگانه نظام‌سازی متکی بر قرآن، هم امکان کشف مبادی و هم متعاقب آن امکان حل مسائل را فراهم می‌کند.

جدول ۴: ساحات چهارگانه نظام‌سازی متکی بر قرآن

مؤلفه‌ها	مبادی	مسائل
نظام‌شناسی تکوینی	کشف مبادی حکمت نظری	کمک مسائل به فرایند کشف
نظام‌یابی تشریحی	کشف مبادی حکمت عملی	مسائل، مبدأ افتاء
نظام‌سازی اعتباری	ابتناء علوم انسانی بر مبادی قرآنی	حل مسائل در ساحت نظر
نظام‌گذاری عینی	عدم تعارض فرایندها با مبادی	حل مسائل در ساحت عمل

منابع

- قرآن کریم (۱۳۹۰). ترجمه آیت‌ا... ناصر مکارم شیرازی. بیروت: مرکز نشر جمهوری اسلامی ایران.
- جعفری، یعقوب (بی تا). تفسیر کوثر. بی جا: بی نا. نهج البلاغه.
- ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۰۷ق). لسان العرب. جلد دوازدهم، بیروت: انتشارات دار صدر.
- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۱۲ق). تهذیب اللغة. جلد چهاردهم، بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی.
- بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۹۲). تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول)، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۲۶ق). الصحاح. جلد پنجم، بیروت: انتشارات دارالعلم للملایین.
- رضائیان، علی (۱۳۸۴). تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم. تهران: انتشارات سمت.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- سعدی، حسینعلی (۱۳۹۲). فقه مضاف. قم: سخنرانی در همایش فقه حکومتی نظام ساز.
- صاحب بن عباد و اسماعیل بن عباد (۱۴۲۲ق). المحیط فی اللغة، جلد دهم، بیروت: انتشارات عالم الکتاب.
- صدر، سید محمد باقر (۱۳۷۵). بحوث فی علم الاصول. ترجمه سید محمودهاشمی شاهرودی، نشرالمجمع العلمی للشهید الصدر.
- صدر، سید محمد باقر (۱۳۷۹). المدرسة القرآنیة. قم: نشر المجمع العلمی للشهید الصدر.
- صدر، سید محمد باقر (۱۳۸۲). اقتصادنا (کتاب الثانی). قم: نشر المجمع العلمی للشهید الصدر.
- صدر، سید محمد باقر (۱۳۹۰). موسوعة الشهید الصدر. قم: نشر المجمع العلمی للشهید الصدر.
- صدر، سید محمد باقر (۱۳۷۰). اقتصادما یا بررسی‌هایی در مکتب اقتصادی اسلام. ترجمه: محمد کاظم موسوی.



طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰). اصول فلسفه و روش رئالیسم. مقدمه و پاورقی به قلم: مرتضی مطهری، ج ۲، تهران: انتشارات صدرا.

طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین. جلد ششم. تهران: انتشارات مرتضوی.

فراهیدی، خلیل ابن احمد (۱۴۱۵ق). کتاب العین. جلد هشتم. قم: انتشارات نشر هجرت.

کعبی، عباس (۱۳۹۲). نظام‌سازی از منظر حقوق عمومی. سخنرانی در همایش نظام‌سازی انقلاب اسلامی از منظر حقوق عمومی. قم: همایش نظام‌سازی انقلاب اسلامی از منظر حقوق عمومی.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). مجموعه آثار. تهران، انتشارات صدرا.

میرباقری، سید محمد مهدی (۱۳۹۱). جلسات درس خارج فقه حکومتی. سایت فرهنگستان علوم قم www.isaq.ir

نقی پورفر، ولی الله (۱۳۸۳). اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن (نسخه ۲۴). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات مدیریت اسلامی.

واسطی، عبدالحمید (۱۳۸۸). نگرش سیستمی به دین. مشهد: موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام.

هادوی تهرانی، محمد مهدی (۱۳۷۷). نظریه اندیشه مدون. فصلنامه قبسات، ۷(۱۱)، ۹۸-۱۰۸.

Ackoff, R. L. (2000). From mechanistic to social systemic thinking. Cambridge, MA:

Pegasus Communications Inc.

Ashby, R. (1960.). Stability and adaptation. Organizations: Systems, Control and Adaptation, 2. / [a Cura Di] Joseph A. Litterer.

Ball, R. A. (1978). Sociology and General Systems Theory. The American Sociologist, 13, 1, 65-72.

Dahl, R. A. (1994). A Democratic Dilemma: System Effectiveness versus Citizen Participation. Political Science Quarterly, 109, 1, 23-34.

Parsons, Talcott. (1951). The Social System. Glencoe, Illinois: Free Press.

Radcliffe – Brown, A. R. (1952). Structure and Function in Primitive Society. New York: Free Press.

www.khamenei.ir

واکاوی رویکردهای موجود در خصوص نظام‌سازی قرآنی

حامد جوکار^۱: دانشجوی دکتری، گروه انقلاب و تمدن اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
احمد جمالی گندمانی: دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم

سال نهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صص ۴۵-۶۰

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۸/۱۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۰۴/۱۰

چکیده

نظام‌سازی قرآنی به عنوان کارکرد اصلی نظام توسعه فرهنگ قرآنی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام ولایت فقیه در بنان و بیان اندیش‌وران و صاحب‌نظران دینی ظهور یافته و بخش قابل توجهی از تلاش‌های فکری ایشان را متوجه خویش ساخته است. این نوشتار با روش توصیفی تحلیلی، با هدف واکاوی مفهوم نظام‌سازی قرآنی و بررسی رویکردهای موجود، ضمن کاوشی در معنای این مفهوم، رویکردهای موجود و یا متصور از آن را بررسی کرده و از میان آن‌ها، آنچه قرابت و شباهت بیشتری به مراد نظام توسعه فرهنگ قرآنی از این مفهوم دارد را تبیین می‌کند. در این مسیر، نگاهی نیز به نارسایی‌ها یا کاستی‌های رویکردهای مذکور شده است. بر اساس یافته‌های مقاله حاضر مراد از نظام‌سازی قرآنی اصلاح اساسی امور انسانی مبتنی بر اصول قرآن کریم و دین‌مبین اسلام است و می‌توان کارکرد همه دانش‌های اسلامی را در قالب این اصلاح تبیین کرد. به مثل احکام اسلامی و تبع آن دانش فقه در واقع الزامات اجرایی این اصول در جامعه انسانی به شمار می‌روند. در این برداشت نظام‌سازی قرآنی نتیجه اصلاح امر انسانی است یعنی قرآن کریم اصول کلی حاکم بر نظامات انسانی مورد نظر خداوند را ارائه کرده و دانش‌های اسلامی دیگر در واقع بیان چگونگی اجرای این اصول هستند. در این میان دانش فقه نیز به مقتضای محدوده و موضوع خویش وظیفه‌ای بر عهده دارد که به دلیل اهمیت این دانش و برای تبیین بیشتر نمونه‌هایی از نقش دانش فقه در تسری اصل عدالت و نیز اصل تساهل و تسامح مورد اشاره قرار گرفته و در پایان به مهمترین چالش‌های پیش‌روی نظام‌سازی قرآنی اشاره شده است.

کلید واژه‌ها: معنای نظام‌سازی، نظام‌سازی قرآنی، حکومت اسلامی، نظام فقهی، خرده‌نظام.

۱. مقدمه

نظام‌سازی قرآنی در کنار فرهنگ‌سازی قرآنی، دو کارکرد اصلی نظام توسعه فرهنگ قرآنی به شمار می‌روند (فریدونی، ۱۳۹۲، ص. ۶۶). مفهوم نظام‌سازی قرآنی علی‌رغم اینکه از سوی فعالان نظام توسعه فرهنگ قرآنی به عنوان یکی از کارکردهای اصلی نیل به جامعه قرآنی تعریف شده^۱، اما همچنان نگرش‌ها و برداشت‌های گوناگونی در خصوص آن وجود دارد. بخشی از این تفاوت ناشی از سابقه اندک این عبارت در ادبیات علمی است، نظام‌سازی را باید از جمله موضوعاتی دانست که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام ولایت فقیه در بنان و بیان‌اندیشوران و صاحب‌نظران دینی ظهور و بروز یافته و بخش قابل توجهی از تلاش‌های فکری ایشان را متوجه خویش ساخته است. البته این بدان معنا نیست که پیش از آن سخنی در این باره در میان نبوده یا این موضوع به تمام مغفول بوده است. اندیشه یا به تعبیر رساتر آرمان برپا کردن جامعه و حکومتی که همه ارکان و اجزای آن برآمده از دین مبین اسلام و مطابق دستورات آن باشد، جان و قلب دانشیان و عالمان مسلمان را پیوسته در تصرف خویش داشته و دارد اما آنچه ایشان در این خصوص نگاشته یا اندیشیده‌اند از حیث ادبیات و کلام فاصله اندکی با نظام‌سازی دارد. البته در این خصوص موارد استثنا نیز به چشم می‌خورد که شهید محمدباقر صدر را می‌توان از جمله این موارد دانست. بر همین اساس در این نوشتار تلاش بر این است که ضمن کاوشی در معنای این مفهوم، رویکردهای موجود و یا متصور از آن را بررسی کرده و از میان آن‌ها، آنچه قرابت و شباهت بیشتری به مراد نظام توسعه فرهنگ قرآنی از این مفهوم دارد، تبیین شود. در این مسیر به ناگزیر، به برخی نارسایی‌ها یا کاستی‌های رویکردهای موجود اشاره می‌شود.

۲. معنای نظام‌سازی

برای ورود به بحث ابتدا باید به بررسی مفهوم نظام و نظام‌سازی پرداخت. نظام که در ادبیات دانش مدیریت از آن با عنوان سیستم^۲ یاد می‌شود با تعابیر مختلفی تعریف شده است. به عنوان نمونه اشبی^۳ در این باره می‌نویسد: «سیستم، مجموعه‌ای است از متغیرها که به وسیله یک ناظر^۴ انتخاب شده‌اند. این متغیرها ممکن است اجزاء یک ماشین پیچیده، یک ارگانیزم یا یک موسسه اجتماعی باشند.» (Vemić, 2018, pp. 140-141). دال^۵ نیز بر این باور است که هر مجموعه از عناصری که بتواند به نحوی به طور متداخل با یکدیگر عمل کند، می‌تواند به صورت سیستم نگریسته

۱. نظام‌سازی یعنی: بازطراحی نظام‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و خرده‌نظام‌های آن مبتنی بر مفاهیم و معارف قرآنی (فریدونی، ۱۳۹۲، ص. ۶۶).

2. System

3. Ashby

4. Observer

5. Dahl

شود. کهکشان‌ها، قوه‌های مقننه و احزاب سیاسی هر کدام یک سیستم هستند. (Dahl, 1984, p. 47). از نگاه آنتونی گیدنز اجزای یک نظام و خود نظام باید آرایش سازمانی داشته باشند، بدین ترتیب که نظام از اجزاء یا از مؤلفه‌های نسبتاً پایدار تشکیل شده باشد تا بتوان از آنها به عنوان نشانه‌های عطف در تحلیل سیستمی استفاده کرد (Radcliffe, 1952, p. 140). دکتر علی رضائیان در جمع‌بندی تعریف‌های ارائه شده برای مفهوم نظام یا سیستم می‌نویسد: «سیستم، مجموعه‌ای از اجزا و روابط میان آنهاست که توسط ویژگی‌هایی معین، به هم وابسته یا مرتبط می‌شوند و این اجزا با محیطشان یک کل را تشکیل می‌دهند.» (رضائیان، ۱۳۸۴، ص. ۶۵).

شاید بتوان گفت مهم‌ترین وجه مشترک تعاریف این است که عناصر مختلف دارای کنش و واکنش متقابل هستند و این عناصر دارای اهداف خاصی هستند. بر این اساس، نظام به مفهوم ارتباط‌دهنده و پیوند دهنده اجزایی است که هدف مشخصی را تعقیب می‌کند. یک نظام دارای ویژگی‌هایی از جمله تشکیل نظام از اجزای متفاوت، نظم روابطی بین اجزاء، روابط بنیادین بین اجزای نظام و داشتن هدف واحد است (عالم، ۱۳۷۳، ص. ۱۴۹). با این تعریف، نظام‌سازی را نیز می‌توان به معنای فرم دادن و قالب دادن به جامعه، مشخص کردن مراکز تأثیرگذار در وضعیت سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه و نیز مشخص کردن نوع تعامل و ارتباط آن‌ها با یکدیگر دانست.

۳. رویکردهای موجود در خصوص نظام‌سازی

با توجه به ارتباط تنگاتنگ میان انقلاب اسلامی و نظام‌سازی، به مثابه یکی از اهداف عالی این انقلاب^۱، طبیعی است که موضوع نظام‌سازی در کانون توجه اندیشمندان مرتبط با انقلاب اسلامی قرار بگیرد و هر کدام از ایشان بکوشد از زاویه نگاه خویش و بر اساس رویکردهای دانشی و اندیشه خود به تعمق در آن بپردازد. حاصل این ژرف‌اندیشی را می‌توان در آثار کتبی و شفاهی گوناگونی که به موضوع نظام‌سازی اختصاص یافته است جستجو کرد. با بررسی این آثار می‌توان سه رویکرد کلی در خصوص نظام‌سازی دینی را مشاهده کرد.

۱.۳. رویکرد جامع‌نگر دینی

در این رویکرد، آنچه کانون و محور بحث را تشکیل می‌دهد سامان دادن به نظام اسلامی است؛ اما باید به این موضوع توجه داشت که مقصود از نظام اسلامی در این دیدگاه «پیاده کردن طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی»^۲ یا «ساختار سیاسی با مجموعه اهداف و آرمان‌هایی که در آن

1. Anthony Giddens

۲. به عنوان نمونه بنگرید به سخنان مقام معظم رهبری مورخ ۱۳۷۹/۹/۱۲: ما می‌خواهیم آن نظامی، آن تشکیلاتی و آن حکومتی را که بتوان این هدفها را در آن محقق کرد، به وجود آوریم. این یک فرآیند طولانی و دشواری دارد و شروعش از انقلاب اسلامی است. انقلاب یعنی دگرگونی بنیادی؛ انقلاب آن‌جایی است که پایه‌های غلطی برچیده می‌شود و پایه‌های درستی به جای آن گذاشته می‌شود. این قدم اول است. انقلاب که تحقق پیدا کرد، بلافاصله بعد از آن، تحقق نظام اسلامی است. (پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری، khamenei.ir)

۳. مقام معظم رهبری، ۱۲ آذر ۱۳۷۹

هست... مثل عدالت، پیشرفت، معنویت، اخلاق، آرمان‌گرایی و...»^۱ به دیگر سخن در رویکرد جامع‌نگر به نظام‌سازی، خرده نظام‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مورد توجه نیست بلکه اصل تشکیل نظام‌های اسلامی در حکومت اسلامی و شرایط آن مورد بررسی قرار گرفته است. فرمایشات امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در خصوص موضوع نظام اسلامی را می‌توان در راستای تبیین این نگاه دانست. به نظر می‌رسد آنچه امام خمینی (ره) در کتاب البیع درباره حکومت اسلامی به رشته تحریر در آورده‌اند، به خوبی گویای این مطلب است. ایشان می‌نویسد:

«الإسلام هو الحكومة بشؤونها والأحكام قوانين الإسلام و هي شأن من شؤونها، بل الأحكام مطلوبات بالعرض، وأمور آلية لإجرائها و بسط العدالة (خمینی، ۱۴۲۱، ص. ۶۳۳). حقیقت اسلام عبارت است از حکومت با همه شؤون و لوازم آن و احکام دین، قوانین اسلامند و بخشی از شؤون آن حکومت به شمار می‌روند. بلکه می‌توان گفت احکام، در واقع خواسته‌هایی تبعی و اموری ابزاری برای گرداندن امر حکومت و گسترش عدالتند.»

بر این اساس از دیدگاه امام خمینی (ره) هدف اسلام، تحقق عدالت و جاری شدن عدالت در همه زوایای زندگی است و مطلوبیت احکام به خاطر این است که طریق تحقق عدالت‌اند و الا خود این احکام اجتماعی، مطلوبیت بالذات ندارند. این عبارت، یک بیان کلیدی است که کلیت نظریه ایشان در باب حکومت و احکام را نشان می‌دهد. امام (ره) حکومت را اصل و احکام را فرع و از شؤون حکومت می‌داند؛ یعنی آن را نه مقصد اصلی حکومت، بلکه مقصد بالعرض می‌داند. (میرباقری، ۱۳۹۱).

ایشان در جای دیگر می‌فرماید:

مجموعه قواعد اسلامی در مسائل اقتصادی، هنگامی که در کل پیکره اسلام به صورت مکتب منسجم ملاحظه شود و همه جانبه پیاده شود، بهترین شکل ممکن خواهد بود؛ هم مشکل فقر را از میان می‌برد و هم از فاسد شدن یک عده به وسیله تصاحب ثروت جلوگیری می‌کند و در نتیجه کل جامعه را از فساد حفظ می‌کند و هم مانع رشد استعدادها و شکوفایی قدرت ابتکار و خلاقیت انسان‌ها نمی‌شود. جامعیت و همه جانبه بودن قوانین اسلام آن چنان است که اگر کسی آن را بشناسد، معترف خواهد شد که از حد و مرز فکر بشر بیرون است و ممکن نیست زاینده قدرت علمی و تفکر انسان باشد» (خمینی، ۱۳۷۰، ج ۵، صص. ۳۸۲ - ۳۸۳). این دیدگاه در بیانات مقام معظم رهبری نیز قابل رهگیری است و به علاوه دیدگاه شهید صدر را نیز باید در همین راستا در نظر گرفت.

ایشان یکی از متفکران معاصر است که بحث مکتب و نظام اسلامی را مطرح کرده است. از نگاه وی اسلام علاوه بر احکام اجتماعی، دارای مذهب و مکتب اجتماعی است که گاهی از آن به نظام اجتماعی تعبیر می‌شود.^۲ ایشان در عراق با مکتب اقتصادی کمونیسم (و نیز با مکتب سرمایه داری) مواجه بودند و عمدتاً به خاطر مواجهه با این مسئله مستحده، مسئله «مکتب» را مطرح کردند. (درس

۱. مقام معظم رهبری، ۱۲ تیر ۱۳۹۵

۲. میرمعزی معتقد است علیرغم تفاوت‌هایی که بین مفاهیم «نظام» و «مکتب» وجود دارد، البته شهید صدر در جاهایی بین این دو مفهوم رابطه این‌همانی برقرار کرده است (میرمعزی، ۱۳۸۵).

خارج «مبانی فقه حکومتی» آیت‌الله میرباقری، ۱۸ بهمن ۱۳۹۱) در نگاه وی، دو مرتبه ناقص و کامل از شریعت وجود دارد؛ مرتبه ناقص شریعت، وظایف «فرد» را در شرایط مختلف معین می‌کند اما مرتبه کامل شریعت، شرایط را طراحی و ایجاد می‌کند. وی بر این باور است که اگر حکمی مبتنی بر قاعده و تفکر اسلامی باشد ولو حاکم هم اسلامی نباشد، مفسده آن کمتر از این است که در جایی احکامی که تحقق پیدا می‌کند مبتنی بر قواعد اسلامی نباشد و مبتنی بر تفکراتی باشد که در تحلیل رابطه (انسان با انسان، انسان با طبیعت و انسان با خدای متعال) مستند به اسلام نیستند. به تعبیر دیگر، ایشان توجه دارند که احکام اقتصادی در نظام‌های لیبرالیستی و سوسیالیستی و کمونیستی مستند به یک سری قواعد بنیادی و ریشه‌های فکری است و خطری که امروز با آن مواجه هستیم همین است که این بنیادهای فکری، مبنای شکل‌گیری زندگی اجتماعی مسلمان‌ها می‌شود. در چنین شرایطی، احکام شریعت نیز قابلیت اجرا نخواهند داشت و حداکثر آن که بتوان وظایف فرد را در بستر یک جامعه و حکومت غیردینی تعریف کرد (درس خارج «مبانی فقه حکومتی» آیت‌الله میرباقری، ۱۸ بهمن ۱۳۹۱).

بر اساس نظر شهید صدر هر مکتب بر اساس نظریه‌های عمومی (فقه نظریه‌های عمومی) استوار می‌شود. ایشان در خصوص مکتب اقتصادی اسلام، که بسیاری آن را در حد نظام اقتصادی به معنای خرده نظام بودن تقلیل داده‌اند، می‌نویسد: «مذهب اقتصادی، روشی است که جامعه در حل مشکلات اقتصادی از آن پیروی می‌کند» (صدر، ۱۳۸۲، ص. ۳۷). ایشان در جای دیگر می‌نویسد: «مکتب اقتصادی اسلام شامل هر قاعده اساسی در حیات اقتصادی است که با اندیشه عدالت اجتماعی در ارتباط باشد» (صدر، ۱۳۸۲، ص. ۴۲۱). شهید صدر بین علم اقتصاد و مکتب اقتصادی تفاوت قائل است و معتقد است که اقتصاد اسلامی یک مکتب اقتصادی است نه علم اقتصاد (همان).

۲.۳. رویکرد فقه محور

این رویکرد که می‌توان از آن به عنوان رویکرد غالب در مباحث نظام‌سازی یاد کرد، مبتنی بر فقه اسلامی است. بر اساس این رویکرد دانش فقه و اصول فقه، نرم‌افزار اصلی و محوری در فرایند نظام‌سازی، با تعابیری گوناگونی که از آن صورت می‌گیرد، است. باورمندان به این رویکرد با ارائه دو معنای متفاوت از فقه، وظیفه اصلی دانش فقه به معنای اعم آن را ارائه و تبیین نظام‌های مورد نیاز جامعه و حکومت اسلامی می‌دانند. بر این اساس برای آنکه بتوان از اسلام، معرفتی را برداشت کرد که به ساخت «نظام» بینجامد، باید اصول برداشت و استنباط تغییر یا به سخن رساتر، تکامل یابد. در ساخت یک نظام، تشدّد و افتراق علمی، بزرگ‌ترین مانع برای حرکت هماهنگ و مؤثر است و بدون حاکم بودن یک روح گفتمانی یکپارچه و منسجم و تفاهم یافته، نمی‌توان در مسیر نظام‌سازی رشدی را مشاهده کرد (اراکی، ۱۳۹۳، صص. ۲۱-۲۳). اما پرسش مهم این است که در این فرایند، چه منبع معرفتی توان ایفای نقش اصلی و پاسخ‌گویی به همه نیازهای گوناگون نظام‌سازی را داراست؟

پیروان این رویکرد معتقدند برای نظام‌سازی دینی ناگزیر از اتخاذ روشی هستیم که استناد به دین



را تمام کرده باشد و بدون روش و اصولی که در یک موقعیت علمی دیگر کار آمدی و حجیت خود را با فراغت و وسع به پایان رسانده باشد، نمی‌توان به یک نظام خالص دینی رسید. بر اساس این نگاه علوم انسانی موجود نمی‌تواند عهده‌دار ساخت نظام دینی باشند و مجموعه معارفی را تولید کنند که در مهندسی نظام دینی به کار آید، علوم انسانی کنونی روش‌هایی دارد که در یک پارادایم غیردینی شکل گرفته است و طبیعتاً نمی‌تواند مبدأ تحول دینی قرار گیرد. به علاوه هیچ‌گاه چنین دغدغه و انگیزه علمی وجود نداشته که در پارادایم‌های حاکم بر علوم انسانی همچون تجربی، رفتارگرا، انتقادی، پست مدرن و... روش برداشت معرفت دارای استناد منطقی به دین باشد و اساساً دین در این نگاه، به هیچ عنوان چنین ظرفیتی ندارد که بتواند در روش تأثیرگذار باشد و روش را به خود مستند گرداند.

بر اساس این رویکرد برای نظام‌سازی دینی باید به سراغ دانشی رفت که روش کشف، پردازش و تولید خود را به دین مستند می‌سازد و دغدغه همه دانشیان آن در طول تاریخ، تکامل منطق استناد به دین بوده است و با این توضیح دانش «فقه» و «اصول فقه»، تنها موقعیت علمی است که می‌تواند در ساخت نظام دینی راهگشا باشد (نبوی، ۱۳۷۵، صص. ۱۸-۱۹).

البته این رویکرد فقهی که از کتاب و سنت استنباط می‌شود، دو گونه است و باید میان آن‌ها تفکیک قائل شد. این دو گونه فقه را می‌توان به فقه خرد یا فقه مسئله (فقه به معنی الاخص) و فقه کلان (فقه به معنی الاعم) تعبیر کرد. در این فقه مسائلی که در طول دوران تشریح و پس از آن تا به امروز مطرح شده است، بررسی شده و از منابع دینی پاسخ این مسائل ارائه می‌شود. عبادت‌ها، معامله‌ها، نماز، روزه، حج، زکات، خمس، جهاد، بیع و اجاره، مضاربه، مساوات، حدود، قصاص و ... مسائل فقه خرد را تشکیل می‌دهند. این بخش در واقع همان فقه اسلامی متداول در حوزه‌های دینی از گذشته تا امروز است که در تعبیر دانشمندان به گونه‌های مختلفی تعریف شده است. به مثل این تعریف که: فقه یعنی علم به احکام شرعی فرعیه از روی ادله تفصیلی آن و موضوع آن افعال مکلفین است (ابن ابی‌الجمهور، ۱۴۱۰، ص. ۳۴) یا تعریفی که مرحوم محقق کرکی از بیان شهید ثانی گزارش کرده و پذیرفته است که عبارت‌اند از علم به احکام شرعیه عملیه از طریق ادله تفصیلی برای تحصیل سعادت اخروی (کرکی، ۱۴۱۴، ص. ۶).

این بخش از فقه که سابقه‌ای بسیار طولانی دارد و معنای متبادر از فقه نیز به شمار می‌رود، در کنار سایر دانش‌های اسلامی مانند اخلاق، کلام، تفسیر، درایه (حدیث)، در مجموعه علوم اسلامی می‌گنجد و دارای موضوع و محدوده مشخصی است. آنچه همگان بر آن اتفاق نظر دارند این است که دانش فقه با این تعریف و بر اساس مسائلی که در آن جریان دارد در مسیر نظام‌سازی کارایی چندانی نخواهد داشت. موضوع نظام‌سازی موضوعی کلان و وسیع است در حالی که فقه به این معنا محدوده مشخصی دارد که عبارت است از: افعال مکلفان از جهت اقتضاء یا تخییر [نسبت به احکام خمس؛ و خوب، ندب، اباحه، کراهت و حرمت].

بر اساس رویکرد فقه محور در حوزه نظام‌سازی، مسائلی مانند نظام بانکی کنونی با وجود آنکه در فقه خرد، بر مبنای احکام شرعی تدوین شده اما نمی‌توان آن را اسلامی دانست چون بر مبنای

فقه کلان تبیین نشده است. این دیدگاه معتقد است نظام بانکی مربوط به «فقه کلان» است و به فقه خرد مربوط نیست و باید یک نظام بانکی اسلامی در بعد فقه کلان استنباط کرده و ارائه شود. بر اساس این دیدگاه همه نظام‌های مرتبط با انسان مسلمان مانند نظام عمران شهری اسلامی، نیز باید از منابع فقهی استنباط شود. بیشتر تلاش‌های فکری و دانشی صورت گرفته در حوزه نظام‌سازی را باید در این رویکرد دانست. البته توجه به این نکته ضروری است که بررسی دقیق نظریات و تلاش‌های موجود در این زمینه نیازمند صرف زمان مناسب و نیز دسته‌بندی دقیق این نظریات است و نمی‌توان در این مجال محدود همه این موارد را به دقت بررسی کرد، اما آنچه در همه این موارد مشترک است تکیه بر مفهوم دانش فقه به مثابه محور نظام‌سازی است. تلاش‌ها و کوشش‌های دانشمندانی چون آیت‌الله محسن اراکی، حجت‌الاسلام و المسلمین سید محمد مهدی میرباقری، حجت‌الاسلام و المسلمین عبدالحمید واسطی، آیت‌الله منذر حکیم، حجت‌الاسلام و المسلمین سعدی، حجت‌الاسلام و المسلمین رشاد، آیت‌الله‌هادوی تهرانی و ... را باید در این بخش دسته‌بندی کرد (بابایی مجرد، ۱۳۹۶، ج ۱۲). مهمترین نقدی که می‌توان به این رویکرد وارد کرد عدم ارائه تعریف دقیق از فقه به معنی الاخص و تعیین محدوده، ابزار و موضوعات آن است. به باور کسانی که در این رویکرد جای می‌گیرند مقصود از فقه تنها همان دانش مرتبط با افعال مکلفین نیست بلکه فقه برابر با اسلام دانسته می‌شود و در این میان از تعابیری چون فقه اکبر، فقه به معنی اعم و عبارات مشابه دیگر یاد می‌شود اما تا کنون تعریف دقیق علمی از این دانش صورت نگرفته و به علاوه محدوده موضوعات آن نیز مشخص نشده است. (بابایی مجرد، ۱۳۹۶، ج ۱۱). در کنار این نکته باید توجه داشت که رجوع مکرر و استناد فراوان صورت گرفته در این رویکرد به یافته‌ها و مبانی اصول فقه، که محدوده مشخص و وظیفه معینی دارد^۱، نشان از عدم مرزبندی دقیق میان فقه به معنای اخص با فقه به معنای اعم دارد. طبیعتاً دانش فقه به معنای اخص عهده‌دار همه مسائل دین اسلام نیست و محدوده مشخص دارد و بر همین اساس در مسائلی که به جهت گستردگی دامنه‌ای فراتر از این دانش دارند کارایی چندانی نخواهد داشت و اصرار بر کاربرد آن در همه مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و .. نتیجه‌ای جز غلبه رویکرد فقهی و تنگ و مضیق کردن حوزه دین‌داری نخواهد داشت. برای به کارگیری فقه به معنای اعم در بحث نظام‌سازی نیز ابتدا باید تفاوت آن با سایر دانش‌های اسلامی، روش‌ها، موضوعات و منابع آن به دقت و صراحت تعریف و تبیین شود.

۳.۳. رویکرد قرآن محور

در این رویکرد که برای نخستین بار به صورت رسمی در ادبیات منشور توسعه فرهنگ قرآنی به صراحت و به عنوان کارکرد اصلی نظام توسعه فرهنگ قرآنی ذکر شده، قرآن کریم به عنوان منبع معرفتی اصلاح یا ایجاد نظام‌های گوناگون تلقی می‌شود. بر اساس تعریف صورت گرفته

۱. در تعریف اصول فقه آمده علمی است که در آن از قواعدی بحث می‌شود که نتیجه آن‌ها در استنباط حکم شرعی مورد استفاده مجتهد قرار می‌گیرد. از این رو، علم اصول فقه نسبت به علم فقه، علمی ابزاری است که فقیه به وسیله آن می‌تواند احکام شرعی فرعی را از منابع آن‌ها یعنی کتاب، سنت، اجماع و عقل استنباط کند.

در ادبیات نظام توسعه فرهنگ قرآنی، نظام‌سازی یعنی؛ بازطراحی نظام‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و خرده‌نظام‌های آن مبتنی بر مفاهیم و معارف قرآنی. (فریدونی، ۱۳۹۲، ص. ۶۶). البته باید توجه داشت که در واقع نظام جمهوری اسلامی ایران متولی اصلی اصلاح نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور بر اساس مبانی و فرهنگ قرآنی است و مسئولیت اصلی نظام توسعه فرهنگ قرآنی در این زمینه تمهید مقدمات معرفتی لازم برای تحقق این امر مهم است.

۱،۳،۳. زیر کارکردهای نظام توسعه فرهنگ قرآنی

برای تمهید مقدمات پیش گفته، نظام توسعه فرهنگ قرآنی عهده‌دار تحقق زیر کارکردهای ذیل است:

۱،۳،۳.۱. رصد نظام‌های مختلف به منظور شناسایی نسبت آن‌ها با مضامین قرآنی

در این ذیل اجزای مختلف نظام‌های چهارگانه و مبانی و جهت‌گیری‌های هر یک شناسایی و از حیث مطابقت، همسویی، مخالفت و یا تضاد با آموزه‌های قرآنی مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین از طریق بررسی دیدگاه‌های صاحب‌نظران سؤالات اساسی و نیازهای نظری و عملی نظام‌ها برای انطباق با آموزه‌های قرآنی شناسایی می‌شود. (فریدونی، ۱۳۹۲، صص. ۷۳ - ۷۴).

۱،۳،۳.۲. بازتعریف مضامین و بازتولید محصولات

در این زیرکارکرد مضامین اصلی آموزه‌های قرآنی در تعامل با موضوعات و قالب‌های مطرح در هر یک از نظام‌ها در عین حفظ هویت مضمون قرآنی به صورت قابل انطباق برای استفاده در سایر نظام‌ها متناسب با ادبیات هر نظام برگردان و تبیین می‌شود. به همین صورت می‌توان محتوا یا قالب محصولات قرآنی را متناسب با مخاطبان هر یک از نظام‌ها بازتولید و قابل ارائه به بخش‌های نظام کرد (همان).

۱،۳،۳.۳. تبادل و انتقال مضامین و محصولات قرآنی با سایر نظام‌ها

در این زیرکارکرد نیز در یک تعامل دو طرفه بین صاحب‌نظران قرآنی با صاحب‌نظران نظام‌ها، ورودی‌های قرآنی برای سایر نظام‌ها تبیین شده و به گونه‌ای که ظرفیت نهادینه‌سازی آن در نظام مورد نظر ایجاد شود، به انتقال آن‌ها اقدام می‌شود. این انتقال می‌تواند در قالب معرفی الگوها و مدل‌های عملیاتی به هر یک از نظام‌ها انجام شود. (فریدونی، ۱۳۹۲، ص. ۷۴).

دقت در سطور بالا این نکته را نمایان می‌سازد که با وجود معرفی مفاهیم و معارف قرآنی به عنوان منبع بازطراحی نظام‌های گوناگون، اما ابهام و اجمال در چگونگی و شیوه کشف مفاهیم قرآنی و نیز روش تبیین مضامین قرآن برای استفاده سایر نظام‌ها موجب ابهام در خصوص مفهوم نظام‌سازی قرآنی می‌شود. همین ابهام باعث به وجود آمدن تصورات و برداشتهای گوناگون درباره چپستی نظام‌سازی قرآنی شده است. این ابهامات به حدی است که حتی در برخی پژوهش‌های صورت

گرفته در خصوص موضوع نظام‌سازی قرآنی^۱ نیز نمی‌توان تبیین صحیح، مشخص و قابل اتکایی از این مفهوم به دست آورد. برای به دست آوردن تصویری روشن از این مفهوم ضمن بر شماری این برداشت‌ها سعی می‌شود ضمن بررسی مفهوم هر کدام، نسبت میان آن‌ها با مفهوم نظام‌سازی قرآنی مطرح در ادبیات نظام توسعه فرهنگ قرآنی تبیین شود.

۲،۳،۳. برداشت‌های ممکن از مفهوم نظام‌سازی قرآنی

چنان‌که در سطور پیشین اشاره شد با توجه به عدم تبیین دقیق و شفاف از مفهوم نظام‌سازی قرآنی، در مقام تصور تعاریف گوناگونی از این مفهوم قابل ارائه هستند. در این بخش مهم‌ترین برداشت‌های ممکن از این مفهوم ذیل موارد زیر، دسته‌بندی و ارائه می‌شود. توجه به این نکته ضروری است که این برداشت‌ها حاصل گفتگوهای تخصصی با افراد مختلف است و با توجه به عدم ثبت و ضبط این دیدگاه‌ها، ارجاعات مرسوم به کتاب‌ها و مقالات در این بخش قید نشده‌اند.

۱،۲،۳،۳. نظام‌سازی به معنای نظام‌یابی و اکتشاف نظام قرآنی

در این رویکرد فرض اصلی بر این است که نظام‌های از پیش تعیین شده دانشی مانند جامعه‌شناسی، اقتصاد، تعلیم، تربیت و... در قرآن وجود دارد و نظام‌سازی قرآنی یعنی سعی در کشف و استخراج این الگوها و اجرا و پیاده‌سازی آن‌ها در عالم خارج. معتقدان به این نگاه در عین تلاش‌ها و کوشش‌های قابل احترام و به نسبت فراوان اما تا کنون در زمینه کشف و ارائه چنین الگوهای عملی و کارآمدی توفیق چندانی کسب نکرده‌اند و به دلیل ابهام در روش‌های کشف این الگو بیشتر کوشش‌های آنان در واقع معطوف به نگاه فقهی شده است. اشکال عمده قابل طرح در خصوص این برداشت این است که این علوم، علوم ازلی از پیش موجود نیستند بلکه امور انسانی هستند که به زندگی و زیست انسانی مرتبط‌اند و در واقع حاصل تجربه زیسته انسانی‌اند و آنچه اکنون با آن مواجهیم حاصل پاسخ‌های عینی به مسائل انسانی‌اند و فرض همه این مسائل به مثابه یک الگوی ساده مانند چرخش منظومه شمسی که از قبل دارای الگویی در قرآن باشد که تنها نیازمند اکتشاف است، تا حدود زیادی ساده‌اندیشانه است. در عین حال این تلقی از نظام‌سازی منافاتی با مفهوم نظام‌سازی مورد نظر نظام توسعه فرهنگ قرآنی ندارد و امید می‌رود در صورت ارائه نتایج مستدل و قابل اجرا، گامی در جهت تعالی اندیشه و زندگی مسلمانان بردارد.

۲،۲،۳،۳. نظام‌سازی به معنای اصلاح نظام‌های موجود بر اساس معارف قرآنی

در این تلقی از نظام‌سازی که در تعریف مورد قبول ادبیات نظام توسعه فرهنگ قرآنی نیز به آن تصریح شده است، فرض بر این است که با استخراج و دست‌یابی به مفاهیم و معارف قرآنی و تبیین آن معارف به گونه‌ای ملایم با نظام‌های گوناگون موجود می‌توان در مسیر اصلاح نظامات

۱. نمونه را بگردید به؛ سلسله منشورات دبیرخانه شورای توسعه فرهنگ قرآنی، شماره ۳، خلاصه طرح پژوهشی موضوع‌شناسی تحقیقات نظام‌سازی قرآنی، حسین بابایی مجرد و همکاران، ۱۳۹۵.

گام برداشت. این رویکرد که مبتنی بر معتمد و معتبر بودن یافته‌های دانشی انسان در نظام‌های گوناگون است می‌کوشد با تزریق مابانی قرآنی به نظام‌های جاری نسبت به اصلاح مسیر آن‌ها اقدام کند. این رویکرد را می‌توان مطالبه میان‌مدت نظام توسعه فرهنگ قرآنی در حوزه نظام‌سازی دانست. گرچه عدم تبیین صحیح شیوه‌های برداشت مفاهیم متناسب با نظام‌های گوناگون یکی از دشواری‌های اجرای این گونه مطالعات است اما وجود سابقه طولانی و ادبیات علمی گسترده در حوزه تفسیر قرآن و برداشت‌های قرآنی، اندکی از صعوبت این فرآیند کاسته است. در کنار این موارد، ارائه شیوه‌های گوناگون تدبیر در قرآن و فهم زبان قرآن را می‌توان به عنوان گامی ابتدایی در این مسیر تلقی کرد. دو موضوع مهم در این رویکرد چگونگی اعتبارسنجی گزاره‌های به دست آمده از قرآن و نیز روش کاربست این گزاره‌ها در نظام‌های موجود است.

البته در خصوص این برداشت باید به این نکته نیز اشاره کرد که مراد از این برداشت به هیچ عنوان ورود با پیش‌فرض‌های شکل گرفته در سایر علوم به محضر قرآن کریم نیست این نوع برخورد با قرآن در واقع فرو کاستن شان الهی قرآن کریم است. در این رویکرد ناصواب، قرآن در بهترین حالت به عنوان مویذ یافته‌های انسانی ظاهر می‌شود و محقق می‌کوشد با بررسی قرآن تاییدی بر باورهای علمی خویش بیابد. این گونه مواجهه با قرآن کریم در اغلب تفسیرهای علمی قرآن به وضوح قابل رهگیری است و متأسفانه همچنان برخی بر این گمان‌اند که این شیوه همان مطالعات بین‌رشته‌ای قرآن به شمار می‌رود. در این تلقی نه تنها دانش جدیدی به دانش‌های موجود انسانی افزوده نمی‌شود بلکه قرآن کریم و آیات آن به عنوان شاهد تلقی شده و در مواردی که با یافته‌های علمی انسانی نیز همخوان نیست، تأویل می‌شود.

۳،۲،۳. نظام‌سازی به معنای اصلاح علم انسانی و ایجاد علوم جدید

اساس این رویکرد بر این استوار است که قرآن کریم در حوزه علوم انسانی، مباحث جدیدی را مطرح کرده و طرحی نو در این مباحث در انداخته است که دست‌یابی به آن‌ها و کاربست آن علوم به جای علوم انسانی فعلی گره از کار انسان خواهد گشود و او را به مقصود خواهد رساند. این رویکرد نیز نسبت به شیوه‌های کشف و کاربست علوم انسانی قرآن بنیان تا حد زیادی ساکت است و شیوه‌ای روشمند برای این امر ارائه نداده است. دلیل این امر نیز بیشتر به ماهیت علوم انسانی مربوط می‌شود. در حوزه علوم انسانی موضوعات به هیچ عنوان توصیفی صرف نیستند، چون با قواعدی سروکار داریم که در مورد انسان است و انسان‌ها آن‌ها را ساخته‌اند و می‌توانند تغییرشان بدهند. ممکن است این علوم در نگاه اول ادعا کنند که مانند علوم تجربی صرفاً توصیفی عمل می‌کنند اما در حقیقت به هیچ عنوان اینگونه نیست. مثلاً زبان‌شناسی هیچ‌گاه هم ردیف علوم طبیعی نمی‌شود چون موضوع آن بگونه‌ای نیست که یک دانشمند بتواند صرفاً اکتشافی عمل کند چون خودش یکی از عوامل اثرگذار در آن عوامل است. به علاوه این ادعا که قرآن کریم علوم انسانی نوینی بنیان نهاده و وظیفه ما کشف آن علوم و نظام‌سازی از رهگذر آن علوم است چندان

پذیرفتنی نیست. مجدداً باید بر این نکته تأکید کرد که علوم انسانی موجود حاصل تجربه زیسته انسان در طول تاریخ و نتیجه پاسخ‌های فراوانی است که نوع انسانی به مسائلی که با آن سروکار داشته، داده است. با این مبنا این رویکرد به معنای بی‌اعتباری عمومی دانش‌هایی است که در موارد فراوان کارآیی خویش را اثبات کرده‌اند به علاوه بسیاری از علومی که ما امروز آن‌ها را با عنوان علوم انسانی می‌شناسیم در طی سالیان طولانی به سامان آمده‌اند و این ادعا که قرآن کریم مشابه و هم‌سنگ آن‌ها را در زمان نزول ارائه کرده ادعایی بیش نخواهد بود. این برداشت از نظام‌سازی با آنچه در نظام توسعه فرهنگ قرآنی مدنظر قرار دارد تناسب و همخوانی چندانی ندارد.

۴.۲.۳.۳. نظام‌سازی به معنای اصلاح امر انسانی و به تبع آن اصلاح نظامات موجود

در اینکه قرآن کریم و دین مبین اسلام اولاً و بالذات اصلاح امور انسانی و خروج انسان از ظلمات به نور را هدف قرار داده و بارها به آن تأکید کرده‌اند تردیدی نیست. به دیگر سخن قرآن کریم برای تحول انسان و جامعه انسانی نازل شد و این آیین الهی به پیشوایی پیامبر اکرم (ص) آمده تا انحرافات و کژی‌های انسان را بزدايد و او را به مسیر هدایت ببرد. این اصلاح را می‌توان از طریق اصلاح امر انسانی قلمداد کرد. اصول قرآن کریم که در این کتاب الهی جابجا از آن سخن رفته و در سنت نورانی نبی اکرم (ص) نیز بروز و ظهور داشته اصلاح اساسی امور انسانی را مدنظر قرار داده و می‌توان کارکرد همه دانش‌های اسلامی را در قالب این اصلاح تبیین کرد. به عنوان مثال احکام اسلامی و به تبع آن دانش فقه در واقع الزامات اجرایی این اصول در جامعه انسانی به شمار می‌روند. در این برداشت نظام‌سازی قرآنی نتیجه اصلاح امر انسانی است یعنی قرآن کریم اصول کلی حاکم بر نظام‌های انسانی مورد نظر خداوند را ارائه کرده و دانش‌های اسلامی دیگر در واقع بیان چگونگی اجرای این اصول هستند. به عنوان نمونه دو اصل عدالت و برادری اسلامی از اصول قرآن کریم هستند و پیامبر اکرم (ص) برای جاری‌سازی این اصل در جامعه ضمن وضع قوانینی مانند مزارعه و مساقات اجرای این اصل در میان مهاجران و انصار را رقم زد و از این طریق ضمن اجرای اصل عدالت و برادری در جامعه اسلامی مانع از به هم خوردن تعادل زندگی انصار نیز شد (بیهقی، بی‌تا، ص. ۱۱۶). در اسلام هیچ‌گونه حکم ضرری که موجب زیان شود، جعل نشده و هرگونه تکلیفی که زیان آور باشد اساساً در شریعت اسلام برداشته شده است. بنابراین اصل عدم ضرر و ضرار در موجب حکم نبی اکرم (ص) به قطع نخل سمره بن جندب شد و همین حدیث شریف تبدیل به قاعده‌ای اساسی در فقه اسلامی شده است (حرعاملی، ۱۴۱۶، باب ۱۲، حدیث ۳).

اصل دیگری که می‌توان از آن به عنوان یکی از اصول برآمده قرآنی و نیز اصلی مهم در دین اسلام یاد کرد اصل تساهل و تسامح است. آیات نورانی قرآن مانند: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»، «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» و «مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ» در کنار حدیث شریف «بُعِثْتُ بِالْخَيْفَةِ السَّنْهَاءِ السَّمْحَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۴، ص. ۲۶۴) موبد این اصل قرآنی و دینی‌اند. همین اصل در علم شریف فقه به صورت‌های مختلفی تجلی کرده و در واقع فقه زمینه‌ساز بروز و ظهور این اصل در حوزه موضوعات خویش

به نظر می‌رسد این دیدگاه یعنی نظام‌سازی از رهگذر اصلاح امور انسانی هماهنگی بیشتری با منطق قرآن و سیره دارد. این رویکرد از حیث روش نیز در دانش‌های گوناگون اسلامی نمونه‌های فراوانی دارد. در این تعریف نظام‌سازی قرآنی در حقیقت تلاش علمی و عملی حاکمان مسلمان و جامعه اسلامی برای استقرار اصول و مبانی قرآنی و دینی در ساحت‌های متعدد زیست انسانی از طریق ابزارهای علمی و عملی است. در این نگاه هر دانشی که بتوان با کمک آن این اصول را در جامعه بسط و گسترش داد، دانشی دینی به شمار می‌رود. به عنوان نمونه در این رویکرد علم فقه عهده‌دار تسری اصول اسلامی در رفتار مکلفین از طریق احکام است و به همین میزان در فرایند نظام‌سازی قرآنی دخالت موثر دارد. یا دانش تفسیر و وظیفه تسهیل رجوع مسلمانان به قرآن کریم و دریافت روشمند اصول قرآنی توسط ایشان را برعهده دارد. در چنین منظومه فکری می‌توان همه دانش‌های اسلامی و انسانی مورد نیاز جامعه اسلامی را با ذکر وظیفه و کارکرد تعریف کرد. در اینجا با توجه به اهمیت دانش فقه در میان دانش‌های اسلامی و نیز برای تاکید بر اینکه در رویکرد مختار این مقاله به مفهوم نظام‌سازی قرآنی، دانش فقه در جای خویش دارای اهمیت بسزاست به عنوان نمونه، مواردی از کارکرد این دانش در راستای بسط اصل قرآنی تساهل و تسامح در رفتار فردی و اجتماعی مسلمانان که در احادیث و کتب فقهی و یا در فتاوی فقهای عظام قید شده، آورده می‌شود.

۱،۲،۳،۴. نمونه‌هایی از بازتاب اصل قرآنی تساهل و تسامح در احکام فقهی

فقهای اسلام اعم از شیعه و سنی در عبارات و استدلال‌های خویش از این اصل بسیار استفاده کرده‌اند. به نظر می‌رسد که فقهای ما این اصل را به عنوان معیاری خدشه‌ناپذیر در تفکرات فقهی خویش به کار می‌بردند و هر جا که می‌دیدند حکمی سخت گیرانه مطرح می‌شود با ذکر این اصل در مقابل آن می‌ایستادند.

۱،۲،۳،۴. اشتراک در آب وضو

محقق حلی در مبحث طهارت کتاب خویش، آن‌گاه که از مشارکت در استفاده از آب برای وضو سخن به میان می‌آورد به حدیثی از حضرت علی (ع) اشاره می‌کند که جمعی از یاران علی (ع) از آن حضرت پرسیدند که شما به آبی که به طور جمعی وضو گرفته می‌شود تمایل بیشتری دارید یا آبی که در ظرف پاکیزه مخصوص بوده است و حضرت در پاسخ فرمودند: من به آبی که جمعی از آن وضو گرفته‌اند تمایل بیشتری دارم؛ زیرا بهترین دین نزد خدا دین حنیف سهل و آسان است.

محقق حلی پس از بیان این سخن به شاهی دیگر از سیره نبوی اشاره می‌کند که بر اساس حدیثی از امام صادق (ع)، حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله و عایشه از یک ظرف آب استفاده می‌کردند. (حلی، ۱۴۱۲، ص. ۹۸).

۳،۳،۲،۱،۴. ترتیب در نماز قضا

یکی از مباحثی که در نماز قضا مطرح است، لزوم و یا عدم لزوم ترتیب در به جا آوردن نمازهای قضا است.

علامه حلی در بیان نظر خویش مبنی بر این که در قضای نمازهای فوت شده ترتیب ضرورت ندارد به این حدیث استناد کرده و واجب دانستن ترتیب را تکلیف مالایطاق معرفی می‌کند که از توان افراد خارج است و با توجه به اصل سماحت و سهولت، معتقد است چنین قولی با روح دین اسلام تناسب ندارد. (حلی، ۱۴۱۲، ص. ۱۲).

۳،۳،۲،۱،۴. تضییق در قضا

شبهه موضوع قبل، بحث تضییق در قضای نماز است که محقق اردبیلی به آن پرداخته و از تضییق و تنگی در وقت قضا دوری کرده است. وی معتقد است دین و شریعت ما سهل است و سختی و تضییق در نماز قضا با روح شریعت منافات دارد (محقق اردبیلی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۲۵).

۳،۳،۲،۱،۴. بازار مسلمانان

مبادلات بازرگانی میان مسلمانان با غیر مسلمان به عنوان امری مستمر در طول تاریخ اسلام وجود داشته است و به همین دلیل، احکام شرعی متفاوتی از جمله نجاست و طهارت محصولات مطرح شده است.

محقق بحرانی در این مورد می‌گوید: آنچه که از روایات استفاده می‌شود، سؤال نکردن و تفحص نکردن از کالاهای خریداری شده از بازار مسلمین است اگر چه احتمال حرمت و یا نجاست نیز در این مورد وجود دارد و دلیل ما بر این حکم همان حلیت و طهارت ظاهری بوده که در این مطلب به وسیع بودن حنفیه سمحه و سهله عمل می‌کنیم که جای هیچ احتیاطی نیز در آن وجود ندارد (بحرانی، ۱۳۶۳، ص. ۴۲۹).

۳،۳،۲،۱،۴،۵. قبله

تعیین جهت قبله یکی از مسائل فقهی در بحث صلوات است که در طول تاریخ فقه سیر خاص خود را طی کرده و منجمین نیز در این مورد با اصول و ابزار خویش به کمک فقها آمده‌اند. مباحث دقیقی که جنبه فنی بودن آن به مقدار زیادی بر سختی کار افزوده بود، موجب گشت تا بحث قبله از حالت قبله عرفی به قبله واقعی تغییر یابد.

محقق و فقیه ارزشمند آقا رضا همدانی، این دقت‌های غیر معمول را با شریعت سهله محمدی (ص) در تنافی دیده و گفته است: «این دین سمحه و سهله برترین شاهد بر توسعه در امر قبله بوده و هیچ یک از مواردی که افراد با دقت علمی مطرح می‌کنند واجب و لازم نیست.» (همدانی، ۱۳۷۶، ص. ۳۸۱).



۳،۳،۴،۱،۶. طهارت

اهل تسنن نیز به سمحه و سهل بودن شریعت توجه کرده‌اند و نویسنده شرح الازهار به یک تفاوت توجه می‌کند و آن این‌که شریعت اسلام در مورد مسائل زنان به احتیاط حکم کرده تا این‌که در روابط انسانی و نسل‌ها خللی ایجاد نشود. اما همین شریعت در مورد طهارت و احکام مربوط به آن سمحه و سهل بوده و این همه احتیاط که برخی در امر طهارت به آن توجه دارند، ضرورت ندارد (مرتضی، ۱۴۰۰، ص. ۶۱).

بر اساس این برداشت از نظام‌سازی در حقیقت قرآن کریم به صورت خاص و دین مبین اسلام به صورت عام، بیان‌کننده اصولی هستند که اجرای آن‌ها برای اصلاح امور انسانی جامعه‌ای که می‌خواهد به صفت اسلامی متصف شود ضروری است. در این دیدگاه نظام‌سازی در واقع راهکارهای تسری و جریان یافتن آن اصول در ساحت‌های گوناگون زندگی انسانی است. در این میان دانش‌های اسلامی از جمله دانش فقه هر یک به مقتضای محدوده و موضوع خویش وظیفه‌ای بر عهده دارند.

۴. چالش‌های نظام‌سازی قرآنی

با توجه به آنچه گذشت، باید اذعان کرد که موضوع نظام‌سازی موضوعی پیچیده و دشوار است و دست یافتن به آن نیازمند صرف هزینه و تلاش‌های زمان‌بر است. به علاوه در این مسیر برخی چالش‌ها نیز پیش روی کنش‌گران قرار دارد که در ادامه به اختصار برخی از این چالش‌ها معرفی می‌شوند:

- ۱،۴. جامعیت نظام‌سازی مطلوب اسلامی؛
- ۲،۴. گسست و عدم تداوم در تجربه مدینه النبی و دوران امیرالمومنین (ع)؛
- ۳،۴. منحصر به فرد بودن الگو انقلاب اسلامی و نبود الگوی مشابه در دوره معاصر؛
- ۴،۴. وجود جبهه قدرتمند معارض فکری و عملی با انقلاب اسلامی؛
- ۵،۴. اجمال و ابهام در مفهوم، ابعاد و ساحت‌های گوناگون نظام‌سازی قرآنی؛
- ۶،۴. عدم انسجام و یکپارچگی نظرات و ابعاد نظام‌سازی قرآنی؛
- ۷،۴. ضعف و فقدان مضامین تولیدی عمیق و قابل عرضه در مجامع علمی گوناگون؛
- ۸،۴. عدم توجه به موضوعات مورد نیاز و روزآمد از سوی نهادهای علمی و فضای دانشگاهی کشور؛
- ۹،۴. مطلق انگاری در بحث نظام‌سازی قرآنی؛
- ۱۰،۴. سطحی نگری در بحث نظام‌سازی قرآنی؛
- ۱۱،۴. دخالت افراد غیر متخصص؛
- ۱۲،۴. نگاه حداقلی به کارکرد دین در مدیریت فرهنگی کشور.

۵. نتیجه‌گیری

طبق بررسی‌های انجام‌شده رویکردهای عمده نظام‌سازی را می‌توان به سه رویکرد جامع‌نگر

دینی، رویکرد فقه‌محور و رویکرد قرآن‌محور تقسیم‌بندی کرد. در رویکرد جامع‌نگر دینی، خرده نظام‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مورد توجه نیست بلکه اصل تشکیل نظام‌های اسلامی در حکومت اسلامی و شرایطش مورد بررسی قرار گرفته است. رویکرد فقه‌محور به عنوان رویکرد غالب در مباحث نظام‌سازی، مبتنی بر فقه اسلامی است و دانش فقه و اصول فقه، بخش اصلی و محوری در فرایند نظام‌سازی، با تعبیری گوناگونی که از آن صورت می‌گیرد، است.

در رویکرد قرآن‌محور، قرآن کریم به عنوان منبع معرفتی اصلاح یا ایجاد نظام‌های گوناگون تلقی می‌شود. برداشت‌های علما و اندیشوران در حوزه نظام‌سازی قرآن‌محور را می‌توان به چهار دسته طبقه‌بندی کرد: نظام‌سازی به معنای نظام‌یابی و اکتشاف نظام قرآنی؛ نظام‌سازی به معنای اصلاح نظام‌های موجود بر اساس معارف قرآنی؛ نظام‌سازی به معنای اصلاح علم انسانی و ایجاد علوم جدید و نظام‌سازی به معنای اصلاح امر انسانی و به تبع آن اصلاح نظامات موجود.

در برداشت اخیر که دیدگاه مختار این نوشتار نیز هست، نظام‌سازی قرآنی نتیجه اصلاح امر انسانی است یعنی قرآن کریم اصول کلی حاکم بر نظامات انسانی مورد نظر خداوند را ارائه کرده و دانش‌های اسلامی دیگر در واقع بیان چگونگی اجرای این اصول هستند. بر اساس این برداشت از نظام‌سازی در حقیقت قرآن کریم به صورت خاص و دین مبین اسلام به صورت عام، بیان‌کننده اصولی هستند که اجرای آن‌ها برای اصلاح امور انسانی جامعه‌ای که می‌خواهد به صفت اسلامی متصف شود ضروری است.

در این دیدگاه نظام‌سازی در واقع راهکارهای تسری و جریان یافتن آن اصول در ساحت‌های گوناگون زندگی انسانی است. در این میان دانش‌های اسلامی از جمله دانش فقه هر یک به مقتضای محدوده و موضوع خویش وظیفه‌ای بر عهده دارند. شاید این برداشت را بتوان مقصود بلند مدت نظام توسعه فرهنگ قرآنی از نظام‌سازی قرآنی دانست.

به علاوه «جامعیت نظام‌سازی مطلوب انقلاب اسلامی»، «گسست و عدم تداوم در تجربه مدینه النبی و دوران امیرالمومنین (ع)»، «منحصر به فرد بودن الگو انقلاب اسلامی و نبود الگوی مشابه در دوره معاصر»، «وجود جبهه قدرتمند معارض فکری و عملی با انقلاب اسلامی»، «اجمال و ابهام در مفهوم، ابعاد و ساحت‌های گوناگون نظام‌سازی قرآنی»، «عدم انسجام و یکپارچگی نظرات و ابعاد نظام‌سازی قرآنی»، «ضعف و فقدان مضامین تولیدی عمیق و قابل عرضه در مجامع علمی گوناگون»، «عدم توجه به موضوعات مورد نیاز و روزآمد از سوی نهادهای علمی و فضای دانشگاهی کشور»، «مطلق‌انگاری در بحث نظام‌سازی قرآنی»، «سطحی‌نگری در بحث نظام‌سازی قرآنی»، «دخالت افراد غیر متخصص» و «نگاه حداقلی به کارکرد دین در مدیریت فرهنگی کشور» عمده‌ترین چالش‌های نظام‌سازی قرآنی در شرایط فعلی به شمار می‌روند.



منابع

- قرآن کریم (۱۳۹۰). ترجمه آیت ا... ناصر مکارم شیرازی. بیروت: مرکز نشر جمهوری اسلامی ایران.
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۱۰ق). الأقطاب الفقیهية علی مذهب الإمامية. قم: کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- اراکي، محسن (۱۳۹۳). فقه نظام سیاسی اسلام (جهان بینی سیاسی). تهران: دفتر نشر معارف.
- بابایی مجرد، حسین و همکاران (۱۳۹۵). طرح پژوهشی موضوع شناسی تحقیقات نظام سازی قرآنی. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- بابایی مجرد، حسین (۱۳۹۶). سلسله مباحث توسعه فرهنگ قرآنی. جلد ۱۲ (گفتارها و نوشتارها درباره نظام سازی قرآنی)، دبیرخانه شورای توسعه فرهنگ قرآنی.
- بابایی مجرد، حسین (۱۳۹۶). سلسله مباحث توسعه فرهنگ قرآنی. جلد ۱۱ (گفتارها و نوشتارها درباره نظام سازی قرآنی)، دبیرخانه شورای توسعه فرهنگ قرآنی.
- بیهقی، ابوالفضل (بی تا). سنن الکبری. بیروت: دارالفکر.
- خمینی، روح الله (۱۳۷۰). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، روح الله (۱۴۲۱). البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- رضائیان، علی (۱۳۸۴). تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم. تهران: انتشارات سمت.
- علی بن حسین بن عبد العالی کرکی، شیخ نورالدین (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: آل البيت. صدر، سید محمد باقر (۱۳۷۹). المدرسه القرآنیة. قم: نشر المجمع العلمي للشهید الصدر.
- صدر، سید محمد باقر (۱۳۸۲). اقتصادنا (کتاب الثاني). قم: نشر المجمع العلمي للشهید الصدر.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۳). بنیادهای علم سیاست. تهران: نشر نی.
- علامه حلی، جمال الدین (بی تا). مختلف الشیعه. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- فریدونی، محمد حسین (۱۳۹۲). آشنایی با منشور توسعه فرهنگ قرآنی. شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفا.
- اردبیلی، محقق (بی تا). مجمع الفائدة و البرهان. قم: جامعه مدرسین.
- بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم درازی (۱۳۶۳). یوسف. حدائق الناظره. قم: جامعه مدرسین.
- مرتضی، احمد (۱۴۰۰ق). شرح الأزهار. صنعاء: نشر الغمضان.
- میرباقری، سید محمد مهدی (۱۳۹۱). جلسات درس خارج فقه حکومتی. سایت فرهنگستان علوم قم: www.isaq.ir
- نبوی، سید عباس (۱۳۷۵). فقه، زمان و نظام سازی. کیهان اندیشه، ۶۷، ۳-۲۱.
- همدانی، رضا بن محمد (۱۳۷۶). مصباح الفقیه. تحقیق محمد باقری، جلد ۹، قم: الموسسه الجغرفیه لاحیاء التراث.

Dahl, Osteen (1984) Tense and Aspect Systems. Oxford: Blackwell.

Radcliffe, Brown, A. R. (1952). Structure and Function in Primitive Society. New York: Free Press.

الگوی نظام‌سازی سیاسی قرآنی

محمد هادی مفتاح^۱: دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم

سال نهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صص ۶۱-۸۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۸/۲۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۰۴/۱۸

چکیده

موضوع تحقیق، اموری است که دارای اهمیت استراتژیک و ضرورت راهبردی بوده، تحقق آن در تبیین تصویر مطلوب از تئوری حکومت اسلامی در جهان اندیشه نقشی تردید ناپذیر دارد. ادعای امکان این امر ریشه در انتظار ما از دین و گستره دخالت دین در دنیای بشر متدین داشته و شناخت ما از قرآن کریم و آموزه‌های سنت معصومین، ما را در طرح این ادعا جسور می‌سازد؛ کما اینکه تحقق آن متوقف بر تلاش علمی دانشمندانی محیط بر دو عرصه استنباط از منابع دینی و دانش‌های روز بشری است. باز طراحی نظام سیاسی برگرفته از قرآن کریم به عنوان الگویی برای تحقق این ادعا ارائه گشته و زوایایی از آن در این مقاله عرضه گشته است.

کلیدواژه‌ها: باز طراحی، نظام‌های اقتصادی، نظام‌های اجتماعی، نظام‌های سیاسی، معارف قرآنی.



۱. مقدمه

اولین سؤالی که باید به آن پاسخ داد آن است که آیا اساساً می‌توان از کتاب و سنت توقع یافتن نظریه داشت؟ آیا قرآن و سنت معصومین در مقام پاسخ به سؤال از تئوری‌ها و نظام‌ها مورد قبول شارع بوده‌اند؟

در پاسخ به این سؤال دامنه بحث به مباحث کلامی می‌رسد. باید ابتدا از فلسفه دین سخن گفت و سپس بحث را به انتظار بشر از دین کشاند و آن‌گاه سخن از گستره دین و قلمرو شریعت به میان آورد. بسیار روشن است که اگر در این مباحث کلامی نتوانیم بحث از شیوه مقبول اعمال قدرت و نحوه مطلوب حکومت یا شیوه مقبول سامان‌دهی امور اقتصاد و معیشت مردم و... را در حوزه مطالبات بشریت از دین و یا در حوزه پاسخ‌گویی دین به مطالبات بشری بگنجانیم، جستجوی نظریه از منابع دینی فحوصی بی‌منا و امری بی‌پشتوانه خواهد بود. به بیانی روشن‌تر در هر مورد اگر چنانچه بگوئیم توقع انسان متفکر از دین به عنوان مجموعه راهنمایی‌های خالق انسان و تدبیرگر جهان، اتخاذ موضع در فلان مسأله نیست و معتقد شویم که علی‌رغم درخواست انسان، الزامی بر شارع جهت ارائه طریق وجود ندارد، آنگاه نیاستی توقع داشته باشیم که بر جستجوی ما پیرامون آن مسأله در منابع دینی نتیجه‌ای مترتب شود؛ بنابراین یکی از مبادی این نظریه‌پردازی و نظام‌سازی، فرض وجود مؤلفه‌های چنین نظریه‌ای در منابع اسلامی است.

۲. امکان سنجی نظام‌سازی قرآنی

می‌دانیم که مبادی و موضوع هر علم خارج از مسائل آن علم است و منطقاً بایستی این مبادی و موضوع در علم سابق ثابت شده باشد و نتیجه اثبات در علم سابق به عنوان مقدمه ورود در مسائل علم لاحق قرار گیرد و به گفته حکیم طوسی «موضوع و مبادی غیر بدیهی علم زیرین، برای علم زیرین از مسائل علم محسوب می‌شود» (خواجہ طوسی، ۱۴۰۳ق، ص. ۳۰۴). وجه اینکه فلسفه را «علم اعلی» نامیده‌اند (سزوار، ۱۴۲۲ق، ص. ۱۰۴). نیز همین امر است، چرا که مبادی تصدیقیه تمامی دانش‌ها و موضوع‌های تمامی علوم دیگر در فلسفه الهی است که بحث و اثبات می‌شود. بدین ترتیب نبایستی انتظار داشت در این مقاله که به بحث و بررسی پیرامون یکی از نظام‌های دینی مبتنی بر معارف قرآنی اختصاص دارد، در مقام استدلال و اثبات پاسخ سؤال پیشین باشیم، بلکه بایستی این مبادی تصدیقیه را از نتایج مباحث علم کلام جدید اتخاذ کرده و آن را سنگ بنای مسائل این رساله قرار دهیم.

می‌دانیم که زیستن در این دنیا نه مرحله آغازین حیات بشر است و نه مرحله پایانی آن، بلکه حیات بشر از انعقاد نطفه آغاز و به زندگانی جاوید اخروی منتهی می‌شود. بر این اساس حیات دنیوی، که از لحظه تولد تا مرگ در این دنیا امتداد دارد، دوره‌ای میانه بوده که به منزله دومین مرحله مقدماتی، انسان را آماده آغاز حیات ابدی می‌کند. در این دوره از حیات بشر، که دوره مقدماتی ثانویه یا حیات جنینی در رحم دنیا است، تمامی امور سلامت و بیماری جسمی و روحی فرد به عملکرد خود او بستگی دارد. در این مرحله است که شخصیت انسان شکل می‌گیرد و سعادت یا شقاوت در مرحله حیات ابدی را جست‌وجو می‌کند. انسان عاقل دورانیش در این دوره حیات، از دین به عنوان نسخه عملی صادر از پزشک الهی حاذق آگاه و دلسوز، تمامی اطلاعات و دستورات لازم برای رشد کامل در این مرحله و انتقال سالم به مرحله بعد را مطالبه می‌کند. انتظار عقلانی فرد انسان از دین آن است که تمامی اطلاعات و دستورات عملی لازم جهت گذران موفق مراحل مختلف حیات را علی‌الخصوص مرحله دوم که دانش آن منحصر در پزشک الهی است، در اختیار انسان عقل مدار قرار دهد. لذا طبیعی و خردپسند است که انسان، جمیع آگاهی‌های مورد نیاز (هست و نیست‌ها، جهان بینی، حکمت نظری و باورها) را از دین طلب کند و نیز همه دستورات عملی (باید و نبایدها، ایدئولوژی، حکمت عملی، ارزش‌ها) را در دین بجوید.

ناگفته پیداست که این نیاز به دین، برای درک حیات معقول^۱ در گذران مرحله دنیوی زیستن است نه حیات طبیعی معمولی که بدون دست‌گیری باورها و ارزش‌های دین نیز به صورت حیات حیوانی قابل گذران است. زندگی به این معنا «نه تنها نیازی به دین ندارد، بلکه دین در بعضی موارد مزاحم آن است... در این زندگی علم، هنر، شرف، حیثیت، اخلاق، مذهب، حقوق، سیاست، فرهنگ، تمدن و آزادی، همه و همه در مجرای تفکرات ماکیاولی قرار می‌گیرند.» (جعفری، ۱۳۷۸، صص. ۱۱۷-۱۱۸).

۱. حیات معقول تکاپویی آگاهانه است که هریک از مراحل زندگی که در این تکاپو سپری می‌شود اشتیاق و نیروی حرکت به مرحله بعدی را می‌افزاید.

تردیدی نیست که شخصیت فرد انسان در اجتماع شکل می‌گیرد. نمی‌توان کسی را که تمام عمر در انزوای تام زیسته و با اجتماع پیرامون خود هیچ مراد و ارتباطی نداشته است به عنوان انسانی کامل به حساب آورد؛ اگرچه به خوبی کشیک نفس کشیده و به مراقبت از خود پرداخته و سعی در به فعلیت رساندن تمامی استعدادها و قوای خود کرده باشد. چون چنین است طبعاً انسان آگاه، روش زیستن مطلوب اجتماعی را نیز از دین طلب می‌کند.

آیا دین پاسخ این نیاز بشر خردورز را داده است؟ و آیا آرزوی دستیابی به راهنمایی و هدایت‌گری دین در خصوص نیازهای طبیعی اجتماعی - سیاسی انسان هوسی برنیامدنی نیست؟ در خصوص قلمرو دین و گستره شریعت دو نظریه مطرح است:

۱) رویکرد حداکثری: دین در باب خداشناسی، معاد، نبوت [هست و نیست‌ها]، اخلاق و حقوق [باید و نبایدها] حداکثری عمل کرده است، بر این اساس دین اسلام به تمام پرسش‌های مربوط به این حوزه‌ها پاسخ داده است.

۲) رویکرد حداقلی: دین در باب جهان بینی و عقاید [باورها] و اخلاق و فقه [ارزشها] حداقلی عمل کرده است و نمی‌توان اثبات کرد که دین درباره ذات و صفات خداوند، حداکثر ممکن را گفته و تمام پرسش‌های مربوط به معاد، قیامت، سعادت و شقاوت اخروی را پاسخ داده است [بلکه به بیان حداقل مطالب مورد نیاز بشر اکتفا کرده است] (خسروپناه، ۱۳۸۱، صص ۶-۷).

مسلم است که اجتماعی بودن و در جمع زیستن از نیازهای ضروری تکامل روحی انسان است. فرد دور از جامعه یا بی تفاوت نسبت به اجتماع پیرامون خود، یقیناً بخش عظیمی از استعدادها و قابلیت‌های انسانی خویش را مهمل گذاشته و آن را تعالی نبخشیده است. پس شاید گزاف نباشد اگر ادعا کنیم که راهنمایی و هدایت اجتماعی - سیاسی بشر از مصادیق نیازهای ضروری و حداقلی برای رسیدن به کمال بوده و تحت رویکرد اقلی به دین نیز می‌گنجد. اگر چنین باشد آنگاه ما چه هوادار دین حداقلی شویم و چه پرچم دین حداکثری را بر دوش بگیریم، تلاش برای یافتن نظریه سیاسی - اجتماعی از متن منابع دینی و بازطراحی نظام‌ها اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... مبتنی بر معارف قرآنی کوششی کور و بی‌ثمر نخواهد بود.

نکته‌ای که ذکر آن لازم است، اگر چه بیشتر به مباحث کلامی مربوط است نه مستقیماً به بحث این مقاله، آن است که چنانچه عقل را نیز در کنار نقل به عنوان منبع آموزه‌های دینی در نظر آوریم، ادعای دین حداکثری قابل قبول خواهد بود. البته اگر عقل را در کار نیاوریم و توقع داشته باشیم تمامی نیازهای معرفتی و رفتاری را از نقل بیاییم با مشکل مواجه خواهیم شد. روشن است که این سخن به معنای نقص معرفتی در منابع نقلی نیست زیرا خود نقل، قرآن و سنت، ما را به تأمل و دقت عقلی در امور رهنمون می‌کند.

در مقابل، پاره‌ای از اندیشمندان امروزی که آگاهانه یا ناخودآگاه متأثر از مبانی پوزیتیویستی بوده و همه چیز را از دریچه تجربه مورد نظر قرار می‌دهند در اطلاق عنوان «نظریه» بر آموزه‌ها و سخنان

فلاسفه کلاسیک مانند افلاطون، ارسطو، فارابی و ... خدشه کرده و آن‌ها را مربوط به دوران گذشته می‌دانند. ایرادی که بر این آموزه‌ها وارد می‌کنند آن است که «این نظریه‌ها بر اساس دانش قبلی شکل گرفته است و کوششی در جهت ارزیابی واقعیت‌های مرتبط با آن نمی‌شد و طبعاً از نظر تجربی مبهم و غیرقابل اندازه‌گیری و ناآزمودنی بود.» ایشان سخنان این بزرگان اندیشه را تنها با هدف «تبيين یا تجویز ایده‌آل‌های روابط اجتماعی یا سیاسی» می‌دانند که در تحلیل و تبیین واقعیات سیاسی-اجتماعی جوامع مختلف ناکارآمد است.

مسلم است که چنانچه به پیروی از اندیشمندانی همچون ایمانوئل کانت معتقد شویم که تنها منبع معرفتی انسان حس و تجربه است و «علم انسان وجدانیاتی است که از راه حس برای او دست می‌دهد و ذهن به آن وجدانیات به مقتضای شرایطی که ذاتی خود او است صورت می‌بخشد، یعنی آن‌ها را به صورت عوارضی که به ادراک ما می‌آیند در می‌آورد. و برای انسان جز شناخت این عوارض، معرفتی میسر نیست» (فروغی، ۱۳۷۶، ص. ۲۴۶)، بایستی هر آنچه برآمده از تجربه و حس نباشد را غیر قابل پذیرش بدانیم. نتیجه این مینا همان است که نقل کردیم که تمامی سخنان غیر مبتنی بر تجارب بشری ناکارآمد بوده و هر نظریه‌ای که محصول تحلیل مجموعه تجارب بشری نباشد نظریه‌ای فاقد ارزش در مقام عمل است. بنابراین مشرب هر نظریه بر گرفته از کتاب و سنت و هر نظام مبتنی بر قرآن نیز محکوم به همین حکم خواهد بود.

۳. بازطراحی نظام سیاسی مبتنی بر معارف قرآنی

در هر سیستم برای آزمودن عملکرد آن و اینکه آیا خروجی حاصل از فعل و انفعالاتی که در داخل سیستم بر روی مواد خام ورودی آن اعمال می‌شود، برآورنده توقعات طراحان مجموعه است یا نه، بایستی در فواصل زمانی معین و ضابطه‌مند، نسبت به سنجش خروجی سیستم اقدام کرده و عمل سیستم را نسبت به انحراف‌های احتمالی از سیر مطلوب تصحیح کرد.

کنترل این چینی سیستم‌ها از اصولی است که در هر طراحی صنعتی و غیر صنعتی همواره از طراح سیستم درخواست می‌شود، چرا که او تنها کسی است که به جزئیات اتفاقاتی که در داخل این مجموعه می‌فتد احاطه داشته و می‌داند که هر گونه تغییری در خروجی، ناشی از عملکرد کدام بخش از مجموعه سیستم است. فقط طراح است که تشخیص می‌دهد آیا خروجی با اعوجاجی مواجه است یا نه؟ و این اعوجاج، ناشی از سوء عملکرد سیستم است یا امری طبیعی و خودزوال است؟ و تنها اوست که می‌داند با چه تغییر جزئی یا کلی می‌توان به غایت مطلوب نزدیک گشت. ای بسا افراد غیر او، چنانچه در صدد اصلاح عملکرد سیستم برآیند، نه تنها آن مشکل را حل نکرده، بلکه بر معضلات مجموعه بیفزایند.

این حصر واقعی، با ضمیمه شدن این واقعیت که هیچگاه نمی‌توان نسبت به در دسترس بودن طراح سیستم مطمئن بود و ممکن است در هنگام نیاز زنده نباشد یا در مسافرت بوده و یا محل زیست او به مکانی دور دست منتقل شده باشد که عملاً تصمیم‌گیری توسط او ناممکن شود، موجب شده

۳، ۱، ۱. حساسیت افکار عمومی نسبت به ناهنجاری‌ها

قرآن کریم در آیات متعددی آنگاه که می‌خواهد جامعه مسلمان را ستوده و از مزایای آن در قیاس با سایر جوامع سخن براند بر رواج و نهادینگی فرهنگ «امر به معروف و نهی از منکر» انگشت تأکید نهاده و می‌فرماید:

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ: شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید: به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند بازمی‌دارید و به خدا ایمان دارید» (آل عمران / ۱۱۰).

در این آیه کریمه امت اسلام و جامعه مسلمان بهترین امت و بهترین اجتماع شمرده شده‌اند. این برتری، نه از نوع برتری نژادی این قوم بر سایر اقوام است، آنگونه که یهودیان در برتری بنی اسرائیل بر سایر اقوام معتقد بوده و خود را «قوم برگزیده خداوند» می‌خوانند، بلکه برتری و فضیلت این امت بر سایر امم به جهت نقشی است که این اجتماع بر مشی و طریق زیستن فردی آحاد جامعه بر عهده دارد (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ص. ۲۱۲).

از بیان این آیه به خوبی وجه فضیلت و برتری جامعه مطلوب اسلام بر سایر جوامع آشکار شده و «روشن می‌شود مسلمانان تا زمانی یک «امت ممتاز» محسوب می‌شوند که دعوت به سوی نیکی‌ها و مبارزه با فساد را فراموش نکنند و آن روز که این دو وظیفه فراموش شدن بهترین امت‌اند و نه به سود جامعه بشریت خواهند بود.» (مکارم، ۱۳۷۴، ص. ۴۹) نمی‌توان بر اجتماعی که در برابر ارتکاب گناهان و متروک ماندن واجبات دینی حساسیتی از خود نشان ندهد و دغدغه دین‌داری آحاد شهروندان را نداشته باشد، نام جامعه‌ای اسلامی را نهاد. ارج این فرهنگ اجتماعی انسان است که در این کریمه بر ایمان به خدا مقدم داشته شده است. وجه این تقدیم را باید در این حقیقت جستجو کرد که این فرهنگ «ضامن گسترش ایمان و اجرای همه قوانین فردی و اجتماعی است و ضامن اجرا عملاً بر خود قانون مقدم است؛ اگر این وظیفه اجرا نشود ریشه‌های ایمان در دل‌ها سست می‌شود و پایه‌های آن فرو می‌ریزد» (همان).

کلام الله مجید، آنگاه که به توصیف حاکمان خدا خواسته می‌پردازد، می‌فرماید:

«الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَرَبَّهُ عَابِقَةُ الْأُمُورِ: همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده و می‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و فرجام همه کارها از آن خداست» (الحج / ۴۱).

و آن‌جا که بیان ویژگی‌های شهروندان تربیت یافته در سایه چنین حکومتی را مد نظر قرار می‌دهد، در کنار اوصاف عملی و اخلاقی فردی آنان، این ویژگی مهم اجتماعی را نیز مورد تأکید قرار داده و می‌فرماید:

«التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّاجِدُونَ الرَّكَعُونَ السَّائِقُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشَرِ الْمُؤْمِنِينَ: همان توبه‌کنندگان، پرستندگان، سپاس‌گزاران، روزه‌داران، رکوع‌کنندگان، سجده‌کنندگان، وادارندگان به کارهای پسندیده، بازدارندگان از کارهای ناپسند و پاسداران مقررات



خدایند. و مؤمنان را بشارت ده» (التوبه/۱۱۲).

بدین ترتیب، قرآن کریم و الیانی را می‌ستاید که بر نهادینه ساختن فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در جامعه پای بفشارند؛ و رعایائی را ستایش می‌کند که این مسئولیت اجتماعی را فرو نهند. لکن اهمیت این فرهنگ آنچنان است که گویا این مقدار توصیف و ستایش از جامعه و از حاکمان و از شهروندان، خدای سبحان را راضی نکرده و آن ذات اقدس را از توجه کافی مردمان نسبت به این وظیفه اجتماعی دل آسوده نکرده است؛ و به همین سبب، امر مستقیم نسبت به ترویج این امر مهم را لازم دانسته و می‌فرماید:

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ: و باید از میان شما، گروهی، [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگارانند» (آل عمران/۱۰۴).

تردید نیست که مزیت اجتماعی شمردن این فرهنگ و ستودن حاکمان و شهروندان عامل به آن، بلکه توصیه و سفارش به ترویج، تعمیق و تحکیم آن در میان رعایا، هیچگاه به معنای امضاء بولفضولی بولفضولان جامعه و سرک کشیدن‌های غیر مجاز آنان در امور شخصی شهروندان نیست. امر روشن قرآن کریم به این مهم «یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیراً من الظن ان بعض الظن اثم و لا تجسسوا و لا یقتب بعضکم بعضاً» (الحجرات/۱۲)؛ بیانگر آن است که جامعه اسلامی از امنیت فردی کاملی برخوردار است، آنچنان که حتی در مرحله گمان و پندار نیز بایستی حرمت آحاد جامعه محفوظ بماند.

رواج فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر سبب می‌شود ناهنجاری‌های اجتماعی از طریق برخورد مسالمت آمیز افکار عمومی جامعه به سامان شود. امتی که فرد فرد آن نسبت به رعایت موازین مقبول جامعه دارای حساسیت لازم بوده و از کنار رفتار و گفتار برهم زندگان نظم اخلاقی، آرامش فکری و آسایش روانی شهروندان به بی‌اعتنائی نمی‌گذرند، امتی است که از سراسر ذهن آن اخلاق، یاد خالق و کرامت مخلوق است. در چنین جامعه‌ای دیگر نیازی به پلیس و نیروهای انتظامی نیست تا «امنیت اجتماعی» را برقرار سازند، بلکه این خود افراد جامعه هستند که امنیت اجتماعی را پاس می‌دارند. بر این اساس، یکی از معیارهای سنجش میزان صحت عملکرد حاکمان اسلام محور، بررسی میزان نزدیکی جامعه تحت این حاکمیت به این امت نمونه و اسلام پسند و مقدار رواج و نهادینگی فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در جامعه است. و برای تحقق این سنجش، باید معیار «وجود امنیت اجتماعی و عدم رواج ناهنجاری‌ها، بدون نیاز به نیروی انتظامی» را سنجید.

۳، ۲، ۱. وحدت ملی^۱

در آیات نورانی قرآن کریم، بر روی «وحدت امت‌ها» به عنوان نعمتی که خداوند به پاره‌ای از جوامع اعطاء کرده و از پاره‌ای دیگر دریغ می‌دارد، تأکید رفته است. خدای سبحان در مقام امتنان

۱. تعبیر از شهروندان جامعه به «ملت» تعبیر رایج غیر صحیحی است، که به علت رواج آن، آن را در این عنوان اخذ کرده‌ام. بلکه تعبیر صحیح قرآنی و روانی آن همانا «امت» است که بار معنایی والائی نیز دارد. لفظ «ملت» به معنای دین و اعتقاد قلبی است و در قرآن کریم همه جا به همین معنا به کار رفته است.

بر امت اسلامی می‌فرماید:

«وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ: و در حقیقت، این امت شماست که امتی یگانه است و من پروردگار شمایم پس، از من پروا دارید» (المؤمنون/ ۵۲).

با کنار هم نهادن آیاتی از قرآن کریم که به بحث وحدت امت پرداخته است، ارج و قیمت این نعمت الهی و اختصاص آن به جامعه برگزیده و پسندیده خداوندی آشکارتر می‌شود. آنجا که در آیات نورانی کلام الله مجید، سخن از محرومیت قومی انسان‌ها از نعمت وحدت و یکپارچگی ملی به میان آمده است، سبب این محرومیت نیز مورد غفلت گوینده واقع نگشته است:

«وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَّليٍّ وَلَا نَصِيرٍ: و اگر خدا می‌خواست، قطعاً آنان را امتی یگانه می‌گردانید، لیکن هر که را بخواهد به رحمت خویش درمی‌آورد و ستمگران نه یاری دارند و نه یآوری» (الشوری/ ۸).

در این کریمه، دو گروه در مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند که در ظاهر نایستی مقابله میان آنان برقرار شود. «در این آیه شریفه بین «من یشاء» و «الظالمون» مقابله افتاده و این خود می‌فهماند که مراد از «من یشاء» غیر ظالمین است، در نتیجه معنا چنین می‌شود: خدا غیر ظالمین را داخل رحمت خود می‌کند و اما ظالمین یار و مددکاری ندارند.» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ص. ۱۹). این تقابل، آشکار می‌سازد که مشیت الهی گزاف و بی‌پیشینه شامل اقوام نمی‌شود، بلکه لیاقت جامعه برای دستیابی به این نعمت الهی، امری اکتسابی و برآمده از اعمال مردمان است. اگرچه معنای ظلم اعم از ظلم اجتماعی و ظلم فردی آحاد جامعه نسبت به خود در ابتلاء به شرک اعتقادی و عملی^۱ و ارتکاب معاصی و نافرمانی نسبت به اوامر الهی است؛ لیکن مسلماً ظلم در عمل حاکمان، علاوه بر آنکه شامل ظلم اجتماعی هیئت حاکمه نسبت به رعایا است، شرک عملی آنان را در اتخاذ سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های حکومتی نیز شامل می‌شود. حکومتی که در ضوابط و مقررات خویش، آموزه‌های اسلامی را مبنای عمل و تصمیم قرار ندهد، بلکه بر اساس تجارب بشری یا یافته‌های متفکران انسانی غیر مبتنی بر وحی قانون‌گذاری کرده و به اجراء آن در جامعه الزام کند، در حکمرانی دچار شرک آشکاری شده است. و مسلماً چنین امتی و چنین حکومتی، نایستی وحدت، همگرایی و همبستگی آحاد جامعه را چشم داشته باشد.

قرآن کریم پرده از تأثیر عملکرد جامعه و رهبران آن در محرومیت از موهبت وحدت و همبستگی ملی یا کسب لیاقت برخوردار می‌فرماید:

«وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ لَتَسْتَلْنَ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ: و اگر خدا می‌خواست قطعاً شما را امتی واحد قرار می‌داد، ولی هر که را بخواهد بیراه و هر که را بخواهد هدایت می‌کند و از آنچه انجام می‌دادید حتماً سؤال خواهید شد» (النحل/ ۹۳).

بدین سان، وجود همدلی و همبستگی ملی، نشانه مقبولیت عمل والیان و رعایا در پیشگاه خداوند است، همان‌گونه که افتراق و واگرایی اجتماعی، نشان از عدم چنین مقبولیتی دارد. و از آنجا که

۱. و إِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَكَبِيرٌ كَبِيرٌ (لقمان/ ۱۳)



اعتقادات و اعمال فردی شهروندان نیز تا حد زیادی متأثر از سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی حاکمان است، این مطلب به خوبی می‌تواند معیاری برای سنجش صحت عمل حاکمان در برقراری سیستم حکومتی اسلامی قرار گیرد. علی‌هذا برای این سنجش بایستی معیار «وجود وحدت آحاد جامعه و انسجام ملی و عدم تفرقه میان اقشار اجتماع» را مورد بررسی اجتماعی قرار داد.

۳،۱،۳. رفاه اقتصادی

یکی از ویژگی‌های جامعه‌ای که به سبب اعمال خویش، شایستگی برخوردار شدن از لطف و عنایت پروردگار را یافته است، در تعابیر قرآن کریم، همانا «بارش برکت‌های الهی» و فراوانی ارزاق و نیازهای معیشتی است. کلام الله مجید رفاه اقتصادی و فراوانی نعمت‌های آسمانی و زمینی را در گرو ایمان و تقوای اجتماع دانسته و می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ: و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم» (الأعراف/۹۶).

لفظ «برکات» (جمع برکت) در اصل به معنی ثبات و استقرار بوده و «به هر نعمت و موهبتی که پایدار بماند اطلاق می‌شود، در برابر موجودات بی‌برکت که زود فانی و نابود و بی اثر می‌شوند» (مکارم، ۱۳۷۴، ص. ۲۶۶). این آیه دلالت دارد بر این که «افتتاح ابواب برکت‌ها مسبب از ایمان و تقوای جمعیت‌ها است، نه ایمان یک نفر و دو نفر از آنها، چون کفر و فسق جمعیت، با ایمان و تقوای چند نفر، باز کار خود را می‌کند» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ص. ۲۰۱). این مسأله، از سنت‌های لایتخلف الهی است که در تمامی امت‌ها جریان دارد. شاهد بر عدم اختصاص این امر به امت اسلام آن است که همین نکته را در قرآن کریم نسبت به یهود و نصاری مشاهده می‌کنیم «وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِّن رَّبِّهِمْ لَآكَلُوا مِمَّن قَدَّمْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ: و اگر آنان به تورات و انجیل و آنچه جانب پروردگارشان به سویشان نازل شده است، عمل می‌کردند، قطعاً از بالای سرشان [برکات آسمانی] و از زیر پاهایشان [برکات زمینی] برخوردار می‌شدند» (المائدة/۶۶).

می‌دانیم که در تمامی داستان‌های قرآنی، نکات عبرت‌آموزی نهفته است که همان‌ها نیز سبب گزینش این داستان‌ها برای ثبت در کلام جاویدان الهی شده‌اند. و در تمامی این سرگذشت‌های تاریخی به نقل نکاتی اکتفا شده است که در بردارنده درس زندگی و سعادت برای بندگان خداوند باشد؛ چرا که قرآن، تنها سر نقل قصص گذشتگان را ندارد، تا هر آنچه آن را مهیج‌تر و جالب توجه‌تر بکند را در گزارش خود بگنجانند! پس آنگاه که در داستان ابراهیم دعای او را نقل می‌کنند، مسلم است که نکته آموزنده‌ای در این دعای ابراهیم وجود دارد «وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الآخِرِ قَالَ وَ مَن كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا: و چون ابراهیم گفت «پروردگارا، این [سرزمین] را شهری امن گردان و مردمش را، هر کس از آنان که به خدا و

۱. از همین رو است که در داستان اصحاب کهف مشاهده می‌کنیم که باره‌ای از جزئیات، همچون عدد اصحاب کهف، که مورد توجه مردمان بوده است را عمداً فروگذار می‌کند. آنجا که می‌فرماید: سَتَقُولُونَ ثَلَاثَةً رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَ يَقُولُونَ خَمْسَةَ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجَا بِالْغَيْبِ وَ يَقُولُونَ سَبْعَةً وَ ثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُلْ رَبِّ اعْلَمْ بِعَدَّتِهِمْ مَا نَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلًا فَلَا تَحَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا وَ لَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا (الکهف / ۲۲)

روز بازپسین ایمان بیاورد، از فرآورده‌ها روزی بخش»، فرمود: «و [لی] هر کس کفر بورزد، اندکی بر خوردارش می‌کنم» (البقره/۱۲۶).

حصص بر خورداری کامل از نعمات الهی به مؤمنان، در عین بر خورداری اندک کافران، نشانگر سببیت ایمان در بهره‌مندی کامل از برکات و علیت کفر در محرومیت از آن است؛ همچنان که در آیات کلام الله مجید، کيفر کفر ورزی و ناسپاسی اقوام را در محروم گشتن آنان از نعمت امنیت و رفاه اقتصادی دانسته، گرفتاری به ترس و ناامنی و فشار معیشتی پس از گذراندن دورانی در رفاه و امنیت را ثمره کفر ورزیدن آنان بر می‌شمارد «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ: خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود [و] روزیش از هر سو فراوان می‌رسید، پس [ساکنانش] نعمتهای خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به سزای آنچه انجام می‌دادند، طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشاند» (النحل/۱۱۲).

بر این پایه به جرأت می‌توان گفت که سختی زندگانی عمومی و گرفتار شدن اعضاء اجتماع در معضلات معیشتی، اعم از احساس خوف و ناامنی بر جان، مال، ناموس و صعوبت تأمین حداقل نیازهای طبیعی زیست بشری از نشانه‌های نارضائی خداوند از مشی عمومی جامعه و علامت دوری رعایا از یاد خدا به نحو واقعی اگر چه نه در حد ذکر لسانی است. سخن قرآن کریم در تأکید بر همین مطلب است آنجا که می‌فرماید

«مَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا: هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت، زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت» (طه/۱۲۴).

نباید از امتحانات و ابتلائات الهی نیز غفلت کرد. همان گونه که در تاریخ انسان‌های صالح و برگزیده خداوند، گزارش‌های قرآنی در دست است که خدای سبحان برای آزمودن افراد، آنان را در بلاها و سختی‌ها گرفتار می‌سازد، در تاریخ امت‌های محبوب خداوند نیز گزارش می‌شود که «مؤمنان در آزمایش قرار گرفتند و سخت تکان خوردند»^۳. و پروردگار این آزمایش تکان دهنده را به عنوان سنت و مشی دائمی خویش عنوان کرده، و به بندگان شایسته خویش نسبت به آن آماده باش داده و فرموده است: «و لَتَبْلُوَكُمْ بَشِيئَةً مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ: قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جانها و محصولات می‌آزمایم و مژده ده شکیبایان را» (البقره/۱۵۵).

لکن این آزمون سخت و تکان دهنده دوره‌ای کوتاه و گذرا داشته و به زودی جای خود را به برکاتی ماندگار خواهد داد. و این کوتاهی دوره امتحان و گذرائی معضلات امنیتی و اقتصادی به روشنی در تعبیر به کار گرفته شده در همین آیه کریمه نهفته است. این که می‌فرماید شما را آزمایش می‌کنیم «بَشِيئَةً مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ»، «مقصود این است که به مقدار اندکی از ترس نه ترس همیشگی و همچنین به مقدار اندکی از گرسنگی و مقدار اندکی از نقصان اموال و

۱. از باب این که تعلق حکم بر وصف مُشعر به علیت است.

۲. و إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبَّهُ بِكَلِمَاتٍ فَتَمَّهِنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَبْتَغِي الْعَهْدِي الظَّالِمِينَ (البقره/۱۲۴)

۳. هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَ زُلْزِلُوا زُلْزَالًا شَدِيدًا (الأحزاب/ ۱۱)

مقدار اندکی از نفوس، [نه گرسنگی و نقص اموال و نفوس همیشگی]، (طبرسی، ۱۳۷۷، ص. ۴۳۵). از دیگر سو، آنچه بارها گفته‌اند و گفته‌ایم و تبیین کرده‌اند و کرده‌ایم، آن است که باورها و رفتارهای رعایا، بستگی کامل به عملکرد والیان دارد؛ و به درستی و اطمینان می‌توان در آئینه اعتقادات و اعمال شهروندان، فساد یا صحت اعمال حاکمان را نظاره کرد. پس می‌توان ادعا کرد که یکی از سنجه‌های قرآنی برای سنجش میزان راستی عملکرد حاکمان و انطباق آن بر مطلوب صاحب این کتاب الهی «فراوانی روزی، آسایش زندگی و رفاه معیشتی عمومی در اجتماع» است.

۳، ۱، ۴. امنیت

از نعمت‌های الهی که در زبان قرآن کریم، در کنار رفاه اقتصادی بر آن تأکید رفته است، همانا برقراری امنیت در جامعه است. کلام الله مجید آنگاه که می‌خواهد بزرگترین منستی را که برای خداوند بر عهده قریشیان قابل شمارش است نام ببرد، می‌فرماید: «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ* الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ: پس باید خداوند این خانه را بپرستند، همان [خدایی] که در گرسنگی غذایشان داد و از بیم [دشمن] آسوده خاطرشان کرد». (قریش / ۳-۴). بدین سان، تمامی آنچه را که در ذیل عنوان سابق برشمردیم، می‌توان تحت این عنوان ذکر کرد؛ چه در دعای ابراهیم، که نعمت امنیت در کنار نعمت رزق، بلکه مقدم بر آن از خداوند مسألت شده است؛ چه در گزارش بازپس‌گیری برکات الهی در قوم ناسپاس^۱ و چه در وعده حتمی آزمایش پروردگار نسبت به صبر پیشگی مؤمنان^۲. در تمامی این موارد، امنیت هم پایه و هم دوش فراوانی نعمت‌های اقتصادی مورد تأکید قرار گرفته است.

و از تمامی این‌ها گویاتر آنکه مصداق اتم «معیشت ضنک»، که در آیه کریمه به عنوان کیفر پشت کردن به یاد خداوند که به معنای بی‌توجهی عمدی است، در مقابل فراموشی و نسیان که بی‌توجهی غیر عمد است و به حکم حدیث رفع^۳، معفو است، آمده است، همانا زندگی در محیط ناامن و نگرانی دائمی از پیشامد امور نابهنجار غیر قابل تخمین است^۴.

و صد البته این «امنیت» عرض عریضی را شامل است و ساحت‌های متنوعی را پوشش می‌دهد. امنیت اجتماعی، امنیت سیاسی، امنیت قضائی، امنیت روانی، امنیت فکری، امنیت اخلاقی، امنیت اقتصادی، امنیت نظامی، امنیت منطقه‌ای، امنیت بین‌المللی و ... تماماً مصادیق گوناگونی از مفهوم امنیت بوده و برای آسوده زیستن در جامعه، ضروری هستند؛ و بنا بر اطلاق آیات مورد بحث، مشخصه حاکم اسلامی آن است که تمامی آن‌ها را برای شهروندان خویش تأمین می‌کند. ناگفته

۱. وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَ مَنْ كَفَرَ فَأَتَمَّغَهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَنْطَرَهُ إِلَى عَذَابِ النَّارِ وَ بُدِّلَ الصِّبْرَ (البقره / ۱۲۶)

۲. وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهَا فَذَاقُوا الْعَذَابَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ (النحل / ۱۱۲)

۳. وَ لَتَلْبَسُنَّ مِنْكُمْ يَتِيمًا، مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشَرِ الصَّابِرِينَ (البقره / ۱۵۵)

۴. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): رَفَعَ عَنْ أُمَّتِي أَنْتِخَالَ خَطَأَهَا وَ نَسِيَانَهَا وَ مَا أَكْرَهُوا عَلَيْهِ وَ مَا لَمْ يَطْلُبُوا عَلَيْهِ، (كليني، ۱۳۶۵، ص. ۴۶۲)

۵. وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى (طه / ۱۲۴)

نباید گذاشت که تأمین امنیت در پاره‌ای از این زمینه به طور تام در اختیار زمامدار هیچ کشوری نیست، بلکه با مطامع قدرت‌های بزرگتر یا منافع همسایگان منطقه‌ای بستگی تمام پیدا می‌کند؛ و در این موارد است که «تنش زدائی» در حد قابل جمع با عزت اسلامی و مصلحت شهروندان، بایستی به عنوان استراتژی حکومت اسلامی لحاظ شود. و البته آنجا که تأمین هر یک از این مصادیق امنیت، با تأمین اهداف و آرمان‌های دیگری از آموزه‌های دینی، در تراحم یا تعارض واقع شود، طبعاً بایستی به مصلحت سنجی و تقدیم اهم بر مهم اقدام کرد. حاصل آنکه یکی از معیارهای قرآنی برای سنجش صحت عملکرد حاکمان «احساس امنیت با معنای گسترده آن توسط عموم شهروندان» است.

۳، ۱، ۵. اعتدال و میانه روی

از صفاتی که در قرآن کریم، در ستایش امت اسلام به کار رفته است، «امت وسط» بودن است: «وَكذلكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا؛ و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم، تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد» (البقره/۱۴۳).

«وسط بودن» یک گروه به معنای قرار گرفتن در میان دو صنف از جوامع است، که داخل در هیچ‌یک نباشد. و اینکه قرآن کریم، امت اسلام را امتی وسط نامیده و آن را به عنوان ویژگی ستوده‌ای برای این امت محسوب داشته است، اشاره به آن دارد که امت اسلام نسبت به سایر امت‌ها همین وضع را دارند. بخشی از مردمان جز زندگی دنیا و استکمال جنبه مادیت خود و به کمال رساندن لذت‌ها و زخارف و زینت دنیا چیز دیگری نمی‌خواهند، نه امید بعیی دارند، نه احتمال نشوری می‌دهند و نه کمترین اعتنایی بفضائل معنوی و روحی دارند. و پاره‌ای دیگر جز به ترک دنیا و رهبانیت دعوت نمی‌کنند، آن‌ها تنها دعوتشان این است که بشر کمالات جسمی و مادی را که خدا در مظاهر این نشئه مادی ظهورش داده، ترک بگویند، تا این ترک گفتن وسیله کاملی شود برای رسیدن به آن هدفی که خدا انسان را بخاطر آن آفریده است. «و اما امت اسلام، خدا آن را امتی وسط قرار داد، یعنی برای آنان دینی قرار داد، که متدینین به آن دین را بسوی راه وسط و میانه هدایت می‌کند، راهی که نه افراط آن طرف را دارد و نه تفریط اینطرف را، بلکه راهی که هر دو طرف را تقویت می‌کند، هم جانب جسم را و هم جانب روح را البته به طوری که در تقویت جسم از جانب روح عقب نمانند و در تقویت روح از جانب جسم عقب نمانند، بلکه میانه هر دو فضیلت جمع کرده است» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ص. ۳۱۹).

«سید قطب» وسط بودن امت اسلام را به میانه‌روی در تمامی امور معنا کرده و آن را مشتمل می‌داند بر «وسط بودن در تصور و اعتقاد... به معنای عدم غلو در تجرد روحی و عدم غوطه‌ور شدن در تقلیدات مادی و وسط بودن در فهم و اندیشه... به معنای عدم جمود ورزیدن بر دانسته‌ها و عدم تقلید کور کورانه از هر آنچه نوآوری می‌کند. وسط بودن در نظم و نسق بخشی به امور... به معنای عدم رهاسازی تمامی امور و واگذاری آن به فهم‌ها و خواسته‌های مردمان و عدم تأکید شدید بر

قوانین و سختگیری بر انجام مقررات؛ وسط بودن در ارتباطات و روابط اجتماعی... به معنای عدم فناء شخصیت و هویت فردی آحاد در پای مصالح جامعه، عدم فروپاشی شخصیت جامعه در پای مطامع افراد» (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ص. ۱۳۱).

بدین ترتیب اعتدال و میانه‌روی در تمامی امور، از مشخصه‌های جامعه‌ی مقبول اسلام و امت مورد رضایت خدای تبارک و تعالی است. اشاره به این نکته لازم است که هر چند اعتدال و وسط بودن، شاخصه‌ای نسبی بوده و هر کسی می‌تواند در خصوص جایگاه فکری و عملی خویش چنین ادعائی را داشته باشد و ادعائی قابل قبول نیز خواهد بود؛ زیرا هر جایگاه فکری یا عملی در قیاس با افراطی‌تر یا تفریطی‌تر از خود، جایگاهی معتدل و میانه است؛ لکن پاره‌ای از مصادیق اعتدال و میانه‌رو قابل اندازه‌گیری و مشاهده است و می‌توان در خصوص وسط بودن یا نبودن داوری کرد. دنیاگرایی و دنیاگریزی محض، دو رویکرد قابل سنجشی هستند که نقاط افراط و اعتدال آن اندازه‌گرفتنی است. به حکم قرآن کریم، امت اسلامی و جامعه‌ی مطلوب دینی، امت و جامعه‌ای است که نه غرقه در دنیا طلبی و بهره‌مندی از حطام زودگذر دنیاست و نه یکسره آن را فرونهاد و تنها به آخرت خویش بیندیشد، بلکه موظف گشته است که «با آنچه خدایت داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن»^۱

بر این اساس، توقع این که محصول استقرار حکومت اسلامی، جامعه‌ای باشد که در عین برخورداری از پیشرفته‌ترین تکنولوژی روز دنیا و آخرین دستاوردهای علمی جهانی، دارای والاترین گرایش‌های معنوی و قوی‌ترین انگیزه‌های خدایی بوده و صاحب همت‌هایی بلند در آباد کردن زندگی اخروی خویش باشد، هوس‌ی برنیامدنی جلوه نمی‌کند. و می‌توان تحقق چنین امتی را چشم داشت و سنجة قابل سنجشی را پیش نهاد که «توسعه یافتگی و آبادانی اقتصادی، علمی و فناوری، در عین توسعه فرهنگ معنوی» است.

۳، ۱، ۶. مرزبندی عاطفی با مخالفان

در قرآن کریم، معیار و ضابطه‌ای روشن و قابل اندازه‌گیری ارائه شده است که به سهولت می‌توان با آن ضابطه، ادعای اقوام گوناگون بشری را در اظهار اعتقاد به خالق هستی و حقانیت روز جزا مورد سنجش و داوری قرار داد. این معیار سلبی بوده و بر خصلتی عدمی اتکاء دارد. قرآن کریم می‌فرماید: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ: قومی را نیایی که به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشند [و] کسانی را که با خدا و رسولش مخالفت کرده‌اند، هر چند پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا عشیره آنان باشند، دوست بدانند. در دل اینهاست که [خدا] ایمان را نوشته و آن‌ها را با روحی از جانب خود تأیید کرده است و آنان را به بهشتیایی که از زیر [درختان] آن

۱. وَ اتَّبِعْ فِيهَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسُ نَصِيكَ مِنَ الدُّنْيَا (القصاص / ۷۷)

جویهایی روان است در می آورد همیشه در آنجا ماندگارند خدا از ایشان خوشنود و آن‌ها از او خوشنودند اینانند حزب خدا. آری، حزب خداست که رستگارانند» (المجادله / ۲۲).

سر تا پای این آیه به معرفی صفات قوم رستگار و برگزیده خداوند، بیان سبب رضایت الهی از آنان و توصیف پاداش اخروی ایشان اختصاص دارد. تغییری که در این آیه به کار رفته است، از باب «نکره در سیاق نفی» بوده و افاده عموم می‌کند و به معنای آن است که هیچ قومی در عالم وجود نخواهد بود که در کنار ایمان واقعی به خدای تعالی و روز جزا، با مخالفان خدا و رسولش دوستی ورزد؛ و اگر چنین افرادی یافته شوند و در عین حفظ ارتباط دوستانه و محبت آمیز با مخالفان دینی، ادعای ایمان کنند، در ادعای ایمان خویش مُصَاص نخواهند بود.

جمله «وَأُولَٰئِكَ نَجْزِيهِمْ...» به مطلق اسباب مودت اشاره دارد. و اگر تنها مودت ناشی از قرابت را ذکر کرد به خاطر آن است که مودت خویشاوندی قوی‌ترین محبت و هم با ثبات‌ترین آن است و زوالش از دل به آسانی صورت نمی‌گیرد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ص. ۱۹۶).

البته عدم مودت، مساوی با دشمنی نیست. و چنین نیست که جامعه ایمان محور، با تمامی آنان که به خدای متعال و رسول گرامیش ایمان نداشته باشند، در نزاع و ستیزه دائمی باشند. بلکه به معنای آن است که در اجتماع مسلمین، بایستی همواره مرزبندی عاطفی میان مؤمنان و مخالفان برقرار باشد؛ و باید افراد بی‌ایمان و مخالف، انگشت نما بوده و در فشار افکار عمومی جامعه قرار داشته باشند.

بی‌شک ذکر محبوب‌ترین کسان برای انسان در آیه و تأکید بر خودداری از حفظ ارتباط قلبی و عاطفی با آنان در بردارنده نکته روان‌شناختی ویژه‌ای است. از بیان این آیه به خوبی دانسته می‌شود که اسلام به دنبال جلب قلوب تمامی انسان‌ها به سوی فلاح و رستگاری است و طبعاً احساس تنهایی در میان اقرباء و وابستگان نزدیک نَسَبی موجب ایجاد انگیزه عاطفی قوی در افراد بشر می‌شود که از هر طریق ممکن، این تنهایی را چاره کنند. و صد البته این انگیزه عاطفی، چنان‌چه در مقابله با بنیان محکم عقلی واقع شود، راه به جایی نخواهد برد؛ لذا این قطع علقه روحی، هیچگاه موجب دل‌کندن مؤمنان واقعی از ایمان و اعتقاد خویش و پیوستن به اقرباء بی‌ایمان نخواهد گشت؛ بلکه از آنجا که عدم ایمان به خدا و روز جزا از هر گونه پشتوانه محکم عقلی بی‌بهره است، مسیر مورد توصیه اسلام همواره یک‌طرفه بوده، تنها موجب دست برداشتن افراد بی‌ایمان از بی‌ایمانی خویش و گرایش آنان به دین و آئین اقرباء مؤمن خواهد شد.

بدین سان، یکی از معیارهای سنجش میزان نزدیکی جامعه مورد سنجش به اجتماع مطلوب و مقبول دین اسلام و امت ایمانی، «انگشت نمائی و احساس تنهایی و بیگانگی افراد بی‌ایمان در اجتماع» است.

۳، ۱، ۷. الهام بخشی

خدای سبحان در قرآن کریم، از امت برگزیده و شایسته‌ای سخن می‌گوید که هادی و راهنمای به سوی حق و عدل هستند. اگرچه در آیه‌ای از قرآن کریم این توصیف به طور خاص بر گروهی



از یهودیان اطلاق گشته است^۱، لکن اطلاق بیان آن در آیه‌ای دیگر، بیان کننده عدم انحصار وصف هدایت گری به قوم یهود است؛ آنجا که می‌فرماید:

«وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَتَّبِعُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ: و از میان کسانی که آفریده‌ایم، گروهی هستند که به حق هدایت می‌کنند و به حق داوری می‌کنند» (الأعراف / ۱۸۱).

فریقین از رسول اکرم روایت کرده‌اند که این توصیف بر امت مسلمان منطبق وارد است و اگر چنین روایاتی نبود نیز درک این انطباق چندان صعوبتی نداشت. هر چند اطلاق هدایت‌گری دعوت به حق و الهام بخشی امت ستوده خداوند دعوت لسانی و هم دعوت عملی را شامل است لکن عطف «داوری به حق» بر هدایت‌گری، حداقل ارزش دعوت عملی را بیشتر می‌کند. در حقیقت این آیه از امتی ستایش می‌کند که «دو برنامه ممتاز دارند، فکرشان، هدف‌شان، دعوت‌شان و فرهنگ‌شان حق و به سوی حق است و نیز عمل‌شان، برنامه‌های‌شان و حکومت‌شان بر اساس حق و حقیقت است» (مکارم، ۱۳۷۴، ص. ۲۵).

امت نمونه اسلامی امتی است که هم برنامه مدون تبلیغی برای نشر افکار الهی دارد و هم عمل او الهام بخش و هدایتگر است. و مسلم است که برای تحقق هدایت عملی غیر مسلمانان و الهام بخشی رفتاری به ایشان، بایستی اعمال و رفتار جامعه مبتنی بر اصول مشترک انسانی باشد؛ و تأکید این آیه بر وصف «داوری عادلانه» به روشنی مؤید همین ابتناء رفتاری بر فضائل انسانی است.^۲ کرامت انسانی، عزت، حریت و ... از جمله ارزشهای مشترک بشری است که تحقق آن در یک جامعه، قلوب انسانهای دارای فطرت پاک را به سوی خود جذب خواهد کرد.

بر این پایه می‌توان معیار روشنی را برای سنجش راستی عمل حاکمان به دست داد که «وجود برنامه تبلیغی جهانی و تحقق ارزش‌های انسانی الهام بخش و جاذب» است.

۲,۳. مقام دوم: صفات اجتماعی شهروندان جامعه مطلوب

آنچه در آیات رحمانی و روایات نورانی در خصوص خصلت‌های اجتماعی شایسته مورد انتظار شارع از افراد مؤمن یا جمع مؤمنان ذکر شده است به خوبی می‌تواند معیار موفقیت حاکمیت دین‌مدار در تحصیل غرض خدای تعالی و تأمین مراد او قرار گیرد. به جرأت می‌توان ادعا کرد که چنانچه حاکمان بلاد اسلامی، پس از گذشت یک نسل از دوره حاکمیت خویش، نتوانسته باشند اکثریت شهروندان آن جامعه را متصف به این صفات کنند و توفیق نهادینه کردن این ارزش‌ها را در اجتماع تحت حاکمیت خویش نیافته باشند، در وصول به هدف الهی خویش با شکست مواجه گشته‌اند. میزان توفیق حکومت‌ها به مقدار نزدیکی شهروندان به این معیارها سنجیده می‌شود. ممکن است کسی این سؤال و اشکال را مطرح سازد که مگر شخص رسول اکرم (ع) و شخص

۱. وَ مِنْ قَوْمٍ مُّؤْمِنٍ أُمَّةٌ يَتَّبِعُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ (الأعراف / ۱۵۹)

۲. آنچه جرج جرداق مسیحی را مجذوب علی بن ابی طالب می‌کند، نه مناجات‌های نیمه شب او با خداوند است و نه روزه داری روزانه آن امام، بلکه «عدالت انسانی» اوست که این متفکر را مجذوب علی می‌سازد، تا آنجا که آرزو می‌کند در هر زمان، یک علی در جهان ظهور کند، با همان قدرت استدلال و با همان محبت انسانی و با همان منطق مجاب‌گر و با همان قدرت حق‌محور: مَاذَا عَلَيْكَ يَا ذُنَيْبًا لَوْ خَشِدْتَ فَوَاكِحَ فَأَعطيتَ في كل زمن علياً بعقله و قلبه و لسانه و ذی قواره! (جرداق، ۱۴۲۶، ص. ۵۳).

امیرالمؤمنین (ع)، که مرتبط با عالم غیب بوده و مقبولیت و اقتدار آنان را کسی جز ایشان نداشته و ندارد، توانستند در دوره حاکمیت خویش چنین کنند، که انتظار تحقق آن را از دیگران داشته باشیم؟ پاسخ آن است که رسول اکرم و امیرالمؤمنین، هیچکدام به مقدار تربیت یک نسل حکومت نکردند تا نتیجه آن قابل سنجش باشد. به علاوه آن که هر یک از این دو حاکم نمونه، در دوران حکومت خویش با عوامل دیگری برای عدم تحقق این معیارها مواجه بوده‌اند؛ دوران پیامبر بزرگوار، دوره شکل‌گیری مکتب اسلام و گرویدن افراد جدید به این دین الهی بود و طبعاً با ورود افراد جدید اسلام که فرهنگ قبلی خود را به دوش می‌کشند، جامعه مسلمان نمی‌توانست تحت یک نظام تربیتی-اجتماعی همگن شکل بگیرد، بلکه همواره ملغمه‌ای از فرهنگ‌های مختلف همراه با فرهنگ مقبول اسلام در جامعه برقرار بوده است تا به تدریج فرهنگ اسلامی بر آن فرهنگ‌ها تفوق یافته و صبغه آن غلیظ‌تر شود. و در دوران خلافت امیرالمؤمنین نیز جامعه تحت حاکمیت ایشان، با انواع نبردها و شورش‌های داخلی همراه بود و مجال تربیت نسلی مقبول و نهادینه کردن معیارهای مطلوب وجود نداشته است. پس نقض مقصود ما با محصول حکومت ده ساله رسول الله و خلافت پنج ساله امیر مؤمنان مقبول نخواهد افتاد.

۱،۲،۳. اطاعت از مافوق

قرآن کریم در بیان اوصاف یاران برگزیده رسول الله بر وصف «اطاعت از مدیر بالادستی» تکیه کرده و می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ؛ جز این نیست که مؤمنان کسانی‌اند که به خدا و پیامبرش گرویده‌اند و هنگامی که با او بر سر کاری اجتماع کردند، تا از وی کسب اجازه نکنند، نمی‌روند. در حقیقت، کسانی که از تو کسب اجازه می‌کنند آنانند که به خدا و پیامبرش ایمان دارند﴾ (النور/۶۲).

مراد از «امر جامع» در این آیه، هر کار مهمی است که اجتماع شهروندان در آن لازم بوده و تعاون و همکاری‌شان ضرورت داشته باشد، «خواه مطلبی پیرامون جهاد باشد؛ مساله مهم مشورتی باشد یا نماز جمعه در شرایط فوق العاده و مانند آن باشد.» (شیخ طوسی، ۱۴۰۳، ص. ۴۶۵)؛ در حقیقت این یک دستور انضباطی است که هیچ جمعیت و گروه متشکل و منسجمی نمی‌تواند نسبت به آن بی‌اعتنا باشد، چرا که در این گونه مواقع حیاتی، گاه حتی غیبت یک فرد به هدف نهایی آسیب می‌رساند. و لذا این احتمال که اطاعت و استیذان مذکور در آیه، اختصاص به رسول اکرم داشته باشد، بلاوجه است.

در آیه فوق نخست خداوند نرفتن مؤمنان از حضور پیامبر را بدون اجازه وی، سومین ویژگی آن‌ها پس از ایمان به خدا و رسولش ذکر کرده و جمله را به «انما» آغاز فرموده و «مؤمنون» را مبتدا و خبرش را موصول قرار داده است که صله آن محدود به دو ایمان است (ایمان به خدا و ایمان به رسول) و بعد با تکرار ذکر استیذان به روش دیگر آن را تأکید کرده است «إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَئِكَ الَّذِينَ



يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ» و با این تعبیر مطلب دیگری را نیز بیان کرده است که: اذن گرفتن آن‌ها را مانند مصداقی برای صحت دو ایمان قبل دانسته است (طبرسی، ۱۳۷۷، ص ۱۲۲).

می‌دانیم که یکی از موانع تحقق انضباط در سازمان‌ها و مؤسسه‌های گوناگون آن است که مدیر آن مجموعه از شایستگی‌های لازم برخوردار نبوده و عوامل زیردست او از این حیث برتر از مدیر خود باشند. در این حالت است که حرف شنوی و اطاعت از مدیر نالایق، بر کارمندان لایق‌تر، ناگوار و صعب خواهد گشت. بخلاف مجموعه‌هایی که برتری مدیر بر کارمندان تحت امر او برای تمامی آنان ملموس و محسوس بوده باشد؛ که در چنین وضعیتی، تحقق انضباط اداری دچار مشکل خاصی نبوده و امر شاقی نخواهد بود و حتی نیازمند توصیه و سفارش نیز نخواهد گشت، بلکه انقیاد و اطاعت از مدیر به صورتی طبیعی محقق خواهد شد. حال چنان‌چه ساختار جامعه‌ای بر اساس نظریه قدرت اسلامی شکل بگیرد و دغدغه همیشگی مدیران ارشد یا میانی جامعه آن باشد که فردی اصلح و لایق‌تر یافته و امانت مدیریت را به اهلش رد کنند؛ قهراً همواره در رأس جامعه یاسطوح میانی اجتماع، صالح‌ترین و شایسته‌ترین افراد عهده دار مدیریت بوده و اطاعت و انقیاد زیردستان و بالتبع انضباط اجتماعی، طبعاً تحقق خواهد یافت.

براین اساس، یکی از روشن‌ترین سنجه‌ها برای سنجش صحت شکل‌گیری ساختار قدرت و درستی عمل حاکمان «وجود انضباط اجتماعی و اداری در کلان جامعه و سطوح میانی» است.

۳، ۲، ۲. دستگیری از مستمندان

از صفات مؤمنان، آن‌طور که در آیات نورانی قرآن کریم کراراً برشمرده شده است، همانا عدم بی‌تفاوتی ایشان نسبت به نیاز مستمندان است. رسول گرامی اسلام، در پاسخ امیرالمؤمنین (ع)، در عداد بیست خصلت ممتنع الخلو از فرد مؤمن، بر «إطعام مساکین» و «دلجوئی از ایتم» انگشت تأکید می‌نهد. (کلینی، ۱۳۶۵، ص ۲۳۲) و علی بن الحسین، زین العابدین علیه السلام آن را از اخلاق مؤمنان بر شمرده و می‌فرماید: «مَنْ أَخْلَقَ الْمُؤْمِنَ الْإِنْفَاقَ عَلَى قَدْرِ الْإِقْتَارِ وَ التَّوَسُّعَ عَلَى قَدْرِ التَّوَسُّعِ: از اخلاق مؤمن است که در تنگدستی به فراخور آن انفاق می‌کند و در وسعت رزق به اندازه آن» (همان، ص ۲۴۱).

این مهم تا آنجا در نظر خدای سبحان واجد اهمیت است که درستی ادعای دینداری مدعیان دین را منوط به آن و بی‌توجهی به آن را عامل یا علامت بی‌دینی دانسته^۱ و می‌فرماید: «أَرَيْتَ الَّذِي يُكْذِبُ بِاللِّدِينِ؛ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ* وَ لَا يُحِضُّ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ: آیا کسی را که [روز] جزا را دروغ می‌خواند، دیدی؟ این همان کس است که یتیم را بسختی می‌رانند؛ و به خوراک دادن بینوا ترغیب نمی‌کند» (الماعون / ۱-۳).

مفسران در بیان نکته‌ای که موجب تعبیر به «طعام» در آیه شده است، آن را اشاره به این می‌دانند که «مسکین گویا مالک است و احتیاج ندارد به اینکه کسی به او اطعام کند، وقتی طعام را که حق خود او است به او بدهند او خودش می‌خورد، چنان‌که در جای دیگر فرموده: «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ

۱. غالب مفسران، «دین» در این آیات را به معنای «معاد» و «روز جزا» دانسته‌اند، در حالی که پاره‌ای از ایشان نیز آن را به «معنای معروفش یعنی کیش و آئین» معنا کرده‌اند. لکن این کلمه را به هر یک از این دو معنا که حمل نمائیم، نفی اعتقاد به آن و تکذیب آن، معادل نفی دینداری خواهد بود.

و الْمُخْرُومِ». (آلوسی، ۱۴۱۵، ص. ۴۷۵).

قرآن کریم، نه تنها یکی از اوصاف تقوای پیشگان منعم به نعم بهشتی^۱ و نماز گزاران مؤید به قبول الهی را، ذی حق شمردن نیازمندان در دارائی‌های خویش می‌داند؛ بلکه در کنار اعتقادات صالحه، نیکوئی و صلاح را منحصر در اموری که از آن جمله است دستگیری از مستمندان، محسوب کرده و می‌فرماید:

«لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ لَكِن الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبِيِّنَ وَ آتَى الْبَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقَابِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ: فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد و مال [خود] را با وجود دوست داشتنش به خویشاوندان و یتیمان و بیوایان و در راه ماندگان و گدایان و در [راه آزاد کردن] بندگان بدهد و نماز را برپای دارد و زکات را بدهد و آنان که چون عهد بندند به عهد خود وفادارند و در سختی و زیان و به هنگام جنگ شکیبایند آنانند کسانی که راست گفته‌اند و آنان همان پرهیزگارانند» (البقره/۱۷۷).

نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید، بلکه نیکویی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و جالب اینکه نمی‌گوید «نیکوکار» کسانی هستند که ... بلکه می‌گوید «نیکویی» کسانی هستند که ...؛ این به خاطر آن است که در ادبیات عرب ... هنگامی که می‌خواهند آخرین درجه تاکید را در چیزی بیان کنند آن را به صورت مصدری می‌آورند نه به صورت وصف.

(مکارم، ۱۳۷۴، ص. ۵۹۸).

خدای سبحان به این مقدار از تحریض و تشویق نیز بسنده نمی‌کند. شاید هیچ واجب الهی تا این حد مورد تأکید قرآن کریم قرار نگرفته باشد که هم به انجام آن امر کرده و هم کیفر شدید تارک آن را ذکر کرده باشد. خدای سبحان در بیان کیفر سهمگین تارک دستگیری و انفاق به مستمندان می‌فرماید:

«... وَ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ؛ يَوْمَ يُجْمَعُ عَلَيَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فِتْكُورِيهَا جِبَاهُهُمْ وَ جُنُوبُهُمْ وَ ظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَتَبْتُمْ لَأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ: ... و کسانی که زر و سیم را گنجینه می‌کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند، ایشان را از عذابی دردناک خبر ده؛ روزی که آن [گنجینه‌ها] را در آتش دوزخ بگدازند و پیشانی و پهلو و پشت آنان را با آن‌ها داغ کنند [و گویند:] «این است آنچه برای خود اندوختید، پس [کیفر] آنچه را می‌اندوختید بچشید.» (التوبه/۳۴ - ۳۵).

ظرافت بیان قرآن در این آیه در آن است که وعده عذاب جانسوز آخرت را با تعبیر «بشاره» به کار برده است، که این تعبیر گویای عظمت عقاب اخروی این مردمان است. مراد، آن که عذاب جانسوز ذکر شده در آیه بعدی نسبت به آنچه در صحنه قیامت در انتظار آنان است، آنچنان ناچیز است مستحق بشارت شمرده می‌شود!

۱. إن الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ؛ عَاجِلِينَ مَا عَاقَبُهُمْ رِيحٌ مُنْتَهَمٌ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُخْسِرِينَ؛ كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا سَجَعُونَ؛ وَ بِالْأَسْجَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ؛ وَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِلسَّائِلِ وَ الْمُخْرُومِ (الذاریات/ ۱۵ - ۱۹).

۲. إِنْ أَلْفُ ضَلِيلٍ؛ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَأْمُونَ؛ وَ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَغْلُومٌ؛ لِلسَّائِلِ وَ الْمُخْرُومِ (المعارج/ ۲۲ - ۲۵).



حاصل آن که به جرأت می‌توان نهادینه بودن فرهنگ انفاق و دستگیری از نیازمندان و برطرف شدن یا به حداقل رسیدن اختلاف طبقاتی را از نشانه‌های قطعی جامعه مطلوب اسلامی دانست. بر این اساس، برای سنجش میزان قرابت جامعه مورد نظر با آنچه مطلوب اسلام است، بایستی با سنجش «عدم اختلاف طبقاتی غیر متعارف^۱ در جامعه» به داوری نشست.

۳،۲،۳. اهتمام به تکالیف شرعی

انجام واجبات شرعی و ترک محرّمات دینی، اگر چه علی‌الغلب از امور فردیه‌ای است که قابل مشاهده توسط دیگران ناست، لکن حاکم اسلامی نسبت به اهتمام شهروندان در رعایت وظائف دینی مسئولیت مستقیم و روشنی دارد. قرآن کریم از بدیهی‌ترین مأموریت‌های والیان را، تحکیم روح تعبد به اوامر و نواهی شارع در جان رعایا دانسته و می‌فرماید:

الذین إن مكنائهم في الأرض أقاموا الصلاة و أتوا الزكاة و أمرؤا بالمعروف و نهؤا عن المنكر و لله عاقبة الأمور: همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده و امری دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و فرجام همه کارها از آن خداست. (الحج/ ۴۱). از نکات غالباً مغفول، ولی بسیار قابل توجه و راه‌گشا در تفسیر این آیه، همانا تعبیر «إقامة صلاة» است و تفاوت آن با «ایمان به صلاه». می‌بینیم که در قرآن کریم، همه جا سخن از «برپا داشتن نماز» نه «نماز خواندن»؛ و برپا داشتن به معنای ترویج روح نمازگزار و نهادینه‌سازی فرهنگ نماز در جامعه است، که عملی اجتماعی است. و در نتیجه فرهنگ‌سازی صحیح حاکمان، شهروندان تحت حاکمیت ایشان دارای صفات عبادی شایسته‌ای خواهند شد، که در زبان قرآن کریم این چنین شمارش می‌شود:

«التائبون العابدون الحامدون السائجون الساجدون المؤمنون بالمرورف و الناهون عن المنكر و الحافظون لحدود الله و بشر المؤمنین: همان توبه‌کنندگان، پرستندگان، سپاسگزاران، روزه‌داران، رکوع‌کنندگان، سجده‌کنندگان، وادارندگان به کارهای پسندیده، بازدارندگان از کارهای ناپسند و پاسداران مقررات خدایند. و مؤمنان را بشارت ده. (التوبه/ ۱۱۲).

وصف «پایبندی به نماز» از اوصافی است که در روایات پیامبر اکرم، امیرالمؤمنین و سایر امامان معصوم برای افراد مؤمن مورد تأکید مکرر قرار گرفته است. این صفت، شاید مستقیماً بروز و ظهور خارجی نداشته باشد و قابل اندازه‌گیری و سنجش دانسته نشود؛ و از این حیث نتوان آن را به عنوان معیاری برای داوری در مورد صحت عمل حاکمان انگاشت. لکن با عنایت به آثار اجتماعی مترتب بر روح نمازگزاران انسان که قرآن می‌فرماید:

«أتل ما أوحى إليك من الكتاب و أقم الصلاة إن الصلاة تنهى عن الفحشاء و المنكر و لذكر الله أكبر و الله يعلم

۱. اختلاف طبقاتی در حد متعارف، لازمه زندگی اجتماعی است و شعار «جامعه بی طبقه» نه قابلیت تحقق دارد و نه با معیارهای انسانی و اسلامی قابل تطبیق و تجویز است. بلکه آنچه مد نظر اسلام است، همانا به حداقل رساندن اختلافات طبقاتی است؛ که تحقق این امر هم به مسئولان حکومتی بستگی دارد تا با سیاست‌گذاری‌ها و تصمیمات اقتصادی که در جامعه پی می‌گیرند و طرح‌هایی که در می‌افکنند زمینه آن را فراهم آورند و هم به متولیان فرهنگ جامعه بستگی دارد تا با فرهنگ‌سازی، متمولان را به دستگیری از طبقات محروم و کم کردن فاصله طبقاتی وادارند.

ما تَصْنَعُونَ: آنچه از کتاب به سوی تو وحی شده است بخوان و نماز را برپا دار، که نماز از کار زشت و ناپسند بازمی‌دارد و قطعاً یاد خدا بالاتر است و خدا می‌داند چه می‌کنید» (العنکبوت/ ۴۵).
بر این اساس، جامعه نمازخوان، جامعه‌ای است که از فساد اخلاقی رنج نمی‌برد و رواج منکرات و فحشاء در اجتماع، نشانه حکومتی ناموفق است. و علی‌هذا معیار صحت عمل حاکمان «عدم رواج فساد اخلاقی در جامعه» است.

۴. نتیجه‌گیری

در این تحقیق به شاخص‌هایی قرآنی برای سنجش صحت مدیریت جامعه اسلامی توسط حاکمان و کنترل پیشبرد امور اجتماعی به سوی جامعه مطلوب خداوند دست یافتیم. این شاخص‌ها گاه در چهره اجتماعی خودنمایی می‌کند و گاه در چهره فردی شهروندان جامعه بروز می‌یابد که بیان شد از هر دو حیث می‌تواند معیار سنجش صحت عمل حاکمان و تشخیص درستی مسیر جامعه به سمت مطلوب و عدم انحراف و اعوجاج در این مسیر باشد.

لازم به ذکر است که تحقق این شاخص‌ها در جامعه حالتی ایده‌آل است و نباید عدم تحقق آنها را نشانه شکست طرح حکومت اسلامی دانست. بلکه آنچه مهم است و می‌تواند معیار سنجش صحت یا عدم صحت عمل حکومت باشد، همانا دور شدن یا نزدیک شدن به این شاخص‌هاست؛ که چنانچه پس از گذشت مدتی مشاهده کردیم که در برآیند این شاخص‌ها از وضع مطلوب دورتر شده‌ایم، این امر نشان‌دهنده آن است که راه به انحراف پیموده شده و از مسیر حق دور گشته‌ایم. باید آسیب‌شناسی کرده و مسیر را اصلاح کنیم.

منابع

- آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دارالکتب العلمیه.
جُرداق، جُرج (۱۴۲۶ق). الإمام علی صوت العدالة الإنسانية؛ المجمع العالمی لأهل البیت. بی‌جا: الطبعة الثانية.
جعفری، محمد تقی (۱۳۷۸). فلسفه دین. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۱). قلمرو دین. قم: مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه.
سبزواری، حاج ملاهادی (۱۴۲۲ق). شرح المنظومة. تصحیح حسن حسن زاده آملی، تهران: نشر ناب.
بن ابراهیم شاذلی، سید بن قطب (۱۴۱۲ق). فی ظلال القرآن. قاهره: دارالشروق.
طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷). تفسیر جوامع الجامع. تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۶ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار المعرفه.
طوسی، خواجه نصیر الدین (۱۴۰۳ق). شرح الإشارات والتنبيهات. دفتر نشر الكتاب.
فروغی، محمد علی (۱۳۷۶). سیر حکمت در اروپا. تهران: انتشارات صفی‌علی‌شاه.



فضل الله، سيد محمد حسين (١٤١٩ق). تفسير من وحى القرآن. بيروت: دار الملاك للطباعة و النشر.
كليني، محمد بن يعقوب (١٣٦٥). الكافي. تهران: دار الكتب الإسلامية.
مطهرى، مرتضى (١٣٦٢). تعليم و تربيت در اسلام. تهران: انتشارات الزهرا.
مكارم شيرازى، ناصر (١٣٧٤). تفسير نمونه. تهران: دار الكتب الإسلامية.

سازوکار (فرایند و روش‌شناسی) پژوهش میان‌رشته‌ای قرآن کریم

احمد آکوچکیان^۱: دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)
رضوانه دستجانی: دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبایی

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم

سال نهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صص ۸۳ - ۱۰۶

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۹/۰۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۰۲/۱۳

چکیده

پرسش از روش‌شناسی رویکرد پژوهش میان‌رشته‌ای، پرسشی معطوف به مسئله پیشرفت است که در منظری سیستم‌نگر و سازوکار، سطوح مبانی پارادایمی، نظریه‌ای، مدل‌واره مفهومی، عملیاتی و سطح گفتمانی را دربردارد و در متن منظومه جامع ادراکات معطوف به رشد-توسعه، در سند مرجع الگوی راهبری تحول در دو ضلع راهبردی نقشه جامع علم و علمی، با میانداری اصل ولایت تفقه در دین قابل جریان است. در میان آمدن انتظار رشد-توسعه از دین و به تعبیری برآمدن مسأله پیشرفت همه‌جانبه، اقتضای روش‌شناسی مطالعات بین‌رشته‌ای و چند رشته‌ای مبتنی بر فرارشته‌ای پیشرفت‌شناخت را دارد که به ناگزیر، سه سطح مسأله‌شناسی، دین‌شناسی و آینده‌نگاری راهبردی را نیازمند است تا با این رهگذر بتوان از روش‌شناسی تفقه در دین و ولایتمندی آن در عرصه مدیریت فرهنگ و تحول سخن گفت. گذار از رویکرد جزءنگر حوزه‌های دانشی و رشته‌ای به رویکرد بین‌رشته‌ای به ویژه در مطالعات قرآنی، واسط یا مفصل پارادایمی خویش را نیافته است؛ این مفصل پارادایمی اندیشه و دانش پیشرفت است. از جمله علت‌های ناتوانی ورود این دانش‌ورزی به عرصه کارآمدی، عدم اهتمام به این حوزه واسط و مفصلی است. مقاله پیش‌رو مستند به رویکرد مرجع قرآنی (اصل هدایت به رشد)، به مدد روش‌شناسی پیشرفت‌نگر، بازخورد استنتاجی تا استنباطی و تحقیق و توسعه‌ای و روش‌شناسی‌های پشتیبانی چون روش‌شناسی سیستمی در ضمن ماتریس و الگوریتمی فرایندی، بر آن است تا با پی‌افکنی اندیشه قرآن‌شناخت پیشرفت (بنیان معرفت‌شناخت مکتب تفسیری بایسته قرآنی) منظری از روش‌شناسی پژوهش آینده‌نگار راهبردی پیشرفت قرآنی را به همراه به‌سامان‌آوری سه نظام ترتیبی، تزیلی و موضوعی آینده‌نگار تفسیر به دست دهد؛ بر این مدار، ظرفیت این مکتب تفسیری در سامان‌بخشی سند الگوی پایه پیشرفت اسلامی پیش‌رو می‌آید.

کلید واژه‌ها: تفسیر قرآن کریم، مطالعات میان‌رشته‌ای، پیشرفت، روش‌شناسی، سازوکار، تفقه در دین.

۱. مقدمه

انقلاب اسلامی ایران به خاستگاه معرفت‌شناخت خویش نزدیک می‌شود و در کانون این بازخوانی، اندیشه دین‌شناخت پیشرفت در وجه قرآن‌شناخت آن، در نقطه کانونی این خاستگاه است و به طور مشخص این فرخوانی را دارد که اندیشه دین‌شناخت مضمون معرفت‌شناخت اندیشه و دانش تفسیری است. روش‌شناسی این نظام اندیشه‌ای و دانشی چیست؟ دوره خودآگاهی به «فرا روش و ایده‌فراشته‌ای در پژوهش تفسیری» آغاز شده است و رویکرد به نظریه و روش در این عرصه در آستانه پیوستگی و امتداد منطقی ویژه‌ای است؛ لیکن همچنان: عرصه قرآن‌پژوهی و بیشتر صنف قرآن‌پژوهان به «کارکرد این اصل پارادایمی» ناخودآگاه هستند؛ و صنف آگاهان به ضرورت روش‌شناسی به «رویکرد مسئله محور» ناظر به اصل تناسب پابندی با شأن نزول، تطفن ندارند و بسیاری از صنف آگاه به پژوهش مسئله محور، «خواهانی پیشرفت (رشد - توسعه)»^۱ را در برآیند نظام انتظارات با جمع‌بندی اصل معنی‌داری زندگی، متعلق روش پژوهش تفسیری نمی‌دانند و به همین علت رویکرد، نقطه‌عزیمت، مقصد و زاویه دید پیشرفت‌شناخت

۱. پیشرفت به مفهوم جریان تغییر به سمت وضعیت بهتر برگزیده هر ملت - دولتی است و دارای دو سطح مفهومی است؛ نخست، رشد یعنی سیر تغییر مجموعه انسانی به سمت آرمان مطلوب فراتاریخی با اوصاف تصویری منابع دینی، برآیند یافته در اسماء و صفات الهی که در ذیل یک مدل مفهومی در دو سطح مبانی نظری و الگوی ارزش‌دوارانه سامان می‌یابد؛ دوم، توسعه یعنی فرایند برنامه‌ای، زمان‌مند متناسب با مقدرات در اختیار در چارچوبه الگوی فراتاریخی رشد در فرایندی از هدف‌گذاری، تا سیاست‌گذاری تا برنامه‌ریزی راهبردی و نظارت و پایش مورد نیاز. توسعه، رشد برنامه‌ای در چارچوبه یک نظام مدیریتی معین است.

به پژوهش تفسیری و بنیان نظریه تفسیر و تفسیری ندارند و بر این مدار فرارشته‌ای، تناسب میان رویکردهای فلسفی و نظری، با رهیافت‌های روش شناختی مبتنی و منطبق بر آنها پدیدار نگردیده است و چه بسا آگاهان به مسئله پیشرفت و ضرورت رویکرد پیشرفت‌شناخت، دارای «سامانه جامع روش‌شناسی مورد نیاز تفسیری» با ارکان لازم آن مانند روش‌شناسی سیستمی چندگانه نیستند. و چه بسا توانمند در روش تحقیق و آگاه به سه روش تحلیلی، تاریخی و تطبیقی باشند و چه بسا مدرس آن، اما روش‌شناسی و چارچوب نظری راهبری تحقیق رشد - توسعه‌نگر را نداشته باشند و دستاوردهای دانشی‌شان رهسپار تدبیر قرآنی عینیت نباشد و بدین سان پژوهش تفسیری و زایش اثر تفسیری در این رویکرد و در راستای این روش‌شناسی به میان نیامده است و نتوانسته است به سطوح بالادستی نظام مدیریت و مدنیت معاصر و ج.ا.ا، به ویژه در دویخش نقشه جامع علم و علمی دست دهد. و در برآیند خویش در راستای تصویر فراروش نظام مدیریت ملی معاصر تحول باشد.

بدین سان پرسش از روش‌شناسی با شش شاخصه پردازش خودآگاه معطوف به مسئله پیشرفت در راهبری سازوکاری تغییر و تحول جریان در نگاهت‌های مسیری نقشه جامع علم و نقشه جامع علمی نرسیده است.

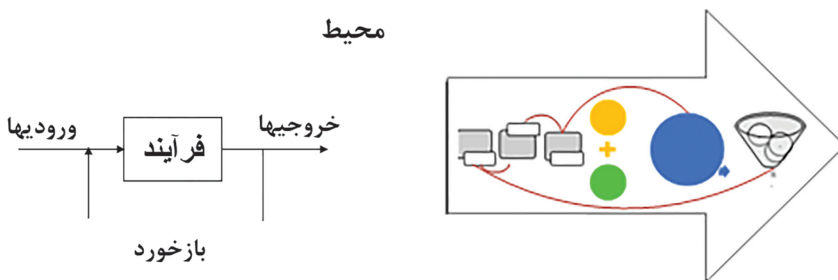
اقتدار توسعه‌ای تفسیر میان‌رشته‌ای قرآن کریم، در گرو تلقی به مثابه روش‌شناسی تفسیر پیشرفت‌شناخت است. رویکرد به پاسخ این پرسش بنیادین در مجامع دانشی کشور آغاز شده است و حجم عمده‌ای از این مباحث اکنون به مباحث پارادایمی این موضوع معطوف است و همچنان راهگذری به منطق تفسیر میان‌رشته‌ای و تولید دانش میان‌رشته‌ای‌های قرآن کریم به سامان نرسیده است. فرارشته‌ای مرجع و سازوکار (فرایند و روش‌شناسی مرجع) این تفسیر و تولید چیست؟

پرسش از سازوکار و به طور مشخص روش‌شناسی تفسیر و پژوهش میان‌رشته‌ای قرآن کریم، پرسشی معطوف به پژوهش مسئله محور پیشرفت نگر است که در منظری سیستم‌نگر و سازوکاری، از سطح مبانی پارادایمی، تا نظریه‌ای تا مدل‌واره مفهومی و عملی و تا سطح گفتمانی را در بردارد و در سند مرجع الگوی راهبری تحول در دو ضلع راهبردی نقشه جامع علم و نقشه جامع علمی، با میانداری اصل ولایت تفقه در دین قابل جریان است.

مقاله پیش‌رو به مدد روش‌شناسی پیشرفت‌نگر و بازخورد استنتاجی تا استنباطی و تا تحقیق و توسعه‌ای، و روش‌شناسی‌های پشتیبانی چون روش‌شناسی سیستمی بر آن است تا در چارچوب رویکرد هماهنگ متن (آموزه‌های هدایتی دین) و زمینه (خواهانی و مسئله پیشرفت فراگیر پایدار)، با پی‌افکنی اندیشه قرآن‌شناخت پیشرفت به مثابه بنیان معرفت‌شناخت مکتب بایسته تفسیری قرآن کریم، بر وفق فلسفه وجودی آن، روش‌شناسی فرآوری شده پژوهش آینده‌نگار راهبردی رشد - توسعه‌ای قرآنی را به همراه به سامان آوری سه نظام ترتیبی، تزیلی و موضوعی آینده‌نگار تفسیر به دست دهد و بر این مدار، ظرفیت این مکتب تفسیری را در سامان بخشی سند الگوی پایه پیشرفت اسلامی در مقتضیات جهان معاصر به دست دهد. روش‌شناسی مزبور در یک نمونه پژوهش سوره‌ای به معرض آزمون می‌آید.

۱,۱,۱ مقاله در شش فراز به سامان آمده است:

- نخست: بازخوانی ساختار مفهومی نظام پژوهش میان رشته‌ای قرآن کریم؛
 دوم: فرایند برآمدن مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم؛
 سوم: اندیشه دین شناخت پیشرفت، بنیان معرفت شناخت و فرارشته‌ای مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم؛
 چهارم: بازخوانی سه نظام مر سوم پژوهش تفسیری؛
 پنجم: الگوی سازوکاری فرارشته‌ای بر ساخت اندیشه و دانش میان رشته‌ای قرآنی؛
 ششم: ساختاری پیشنهادی برای به سامانی روش شناسی مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم.
 نگره پیشنهادی مبتنی بر ساختار الگوریتم فرایندی، به سامان آمده است. این الگوریتم برای یک سیستم چند پردازشی که باید در فرایندهایی با اولویت‌های مختلف به کار گرفته شود، مناسب است (محمدآبادی، ۱۳۹۵) و دارای ویژگی‌های ذیل است:
- ۱) در این ساختار فرایندی، کارکردها نقش ساختار را به وجود می‌آورند؛
 - ۲) در این ساختار ممکن است، یک فرایند دنباله فرایند دیگری نباشد هر چند ممکن است با آن باز خوردی داشته باشد؛ اما در مجموع یک هدف دنبال می‌شود؛
 - ۳) فرایندها یک طرفه نیستند و می‌توانند به صورت باز خوردی عمل کنند؛ به گونه‌ای که ارتباط فرایند یک عمل، به اجزای حاشیه‌ای و اجزای پیرامونی و نیز اجزای بسیار دور معطوف باشد؛
 - ۴) ارتباط بین اجزای یک سیستم بر اساس تأثیر گذاری و تأثیر پذیری فرایندها مشخص می‌شود؛
 - ۵) نگرش فرایندی به سیستم امکان می‌دهد تا ارتباط بین تک تک فرایندهای موجود در مجموعه‌ای از فرایندها و نیز ترکیب و تعامل آنها، کنترل مستمر داشته باشد (غفاریان، ۱۳۸۳). کاربرد این الگوریتم پیشنهادی در مقاله دیده می‌شود.



شکل ۱: ساختار فرایندی

۱,۱,۱,۱ ساختار مفهومی پژوهش میان رشته‌ای قرآن کریم

مطالعه میان رشته‌ای، دانش‌ورزی و پژوهش مبتنی بر تعامل اثر بخش بین گستره‌ها و رهیافت‌های

دانش‌های مختلف در مقام حل مسئله واحد به مدد منظومه تعریف شده‌ای از روش‌ها در ذیل یک الگو و برنامه پویای (چونان‌الگوی گفتگوهای برافزایی مؤثر) معین (قراملکی، ۱۳۹۲) است. به اعتقاد کلاین مفهوم مطالعات میان‌رشته‌ای نقطه عطفی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ تجربه کرده است (نیکول، ۱۳۸۸، ص. ۱۲).

طی نیم‌قرن اخیر در زمینه ضرورت‌ها و منافع فعالیت میان‌رشته‌ای مطالبی مطرح شده است؛ از جمله:

(۱) کاربردی و عملی تر بودن یافته‌های پژوهش میان‌رشته‌ای نسبت به پژوهش‌های درون‌رشته‌ای؛

(۲) تولیدگر و خلاق بودن پژوهش‌های بین‌رشته‌ای (گیبونز، ۱۹۹۴).

از نظر پالمر، با توسعه مطالعات میان‌رشته‌ای، امکان از بین بردن فاصله و فضای خالی بین علوم مختلف فراهم می‌شود. (پالمر، ۱۹۹۹، صص. ۲۴۲-۲۵۳).

این نوع از مطالعه در عرصه قرآن‌پژوهی، وصف ویژه‌ای دارد که به کثرت‌گرایی روش‌شناختی در تحلیل مسئله واحد محدود نمی‌شود. پژوهش‌های بین‌رشته‌ای برای حل مسائلی به کار گرفته می‌شود که در آنها دستیابی به شناخت، فراتر از میدان فعالیت هر یک از رشته‌های تخصصی سنتی است. پژوهش‌های بین‌رشته‌ای در روش و تمرکز کثرت‌گرا هستند و با انگیزه‌های مختلف اجرا می‌شوند (آراسته، ۱۳۸۸).

برای حل مسائل پیچیده و توسعه پاسخ برای پرسش‌های چندوجهی پژوهش‌های بین‌رشته‌ای به یک ضرورت واقعی در دنیای علم، دانش و فناوری تبدیل شده است. در واقع پاسخ به نیازهای نوین بشری و حل مسائل امروزی با روش‌ها و ابزارهای سنتی امکان‌پذیر نیست. (مه‌دی، ۱۳۹۲، ص. ۱۰۳).

در دانش و پژوهش میان‌رشته‌ای مستند به یک فراروش، معطوف به مسأله‌ای معین از جوه معین موضوع نظر در حوزه‌های معرفتی گوناگون و به مدد روش‌شناسی‌های پشتیبان این حوزه‌ها، دانش مبنای مدیریت حل مسأله مزبور پیشنهاد می‌شود. در عرصه پژوهش بین‌رشته‌ای قرآنی با لحاظ آرمان رشد قرآنی - اوصیایی، مؤلفه‌های مسأله، دانش میان‌رشته‌ای مبنای فراروش، گستره‌های شناختی و روش‌شناسی‌های مربوط به آن، مستند به خاستگاه معرفت‌شناخت ناظر به آرمان مزبور یعنی اندیشه دین‌شناخت پیشرفت شکل می‌گیرد.

پنج مؤلفه راهبردی پژوهش میان‌رشته‌ای عبارت‌اند از:

(۱) خاستگاه معین معرفت‌شناخت این دانش ناظر به برآیند نظام انتظارات که به نوبه خود ریشه در

مبانی فلسفه دینی معینی دارد؛

(۲) دانش فرارشته‌ای و فراروش مربوط به آن، فراگیر مساحت پژوهش میان‌رشته‌ای و بنیان‌الگوی

جامع مدیریت حل مسأله؛

(۳) گستره‌های دانشی پشتیبان و روش‌شناسی‌های مربوط به آن در مدیریت حل مسأله؛

(۴) مسأله معین پیش‌رو در سطوح از مسأله جامع تا نظام مسائل پیرامونی به مثابه نمایگان نظام

انتظارات از دین؛

(۵) فرایند مدیریت حل مسأله و موقعیت مسأله‌ای.

با نظر به تعریف مبنا و ارکان تحلیلی آن، در این مجال با سؤالات محوری چندی روبرو هستیم:

(۱) فرایند برآمدن شناخت و پژوهش میان‌رشته‌ای چیست؟



- ۲) در بنیان این فرایند و ناظر به اصل هویت‌بخش ایده‌ی میان‌رشته‌ای‌های قرآنی و در نسبت با نظام مسائل، اندیشه‌ی مبنای معرفت‌شناخت این منظومه‌ی میان‌رشته‌ای‌ها چیست؟
- ۳) پژوهش‌های بین‌رشته‌ای به توسط چه نظام‌های پژوهشی پشتیبانی می‌شوند؟
- ۴) الگوی فرارشته‌ای بر ساخت اندیشه و دانش میان‌رشته‌ای قرآنی که منجر به تولید دانش بنیان مدیریت تغییر می‌شود، دارای چه سازوکاری است؟
- ۵) روش‌شناسی پژوهش میان‌رشته‌ای قرآن کریم، دارای چه سرفصل‌هایی است؟

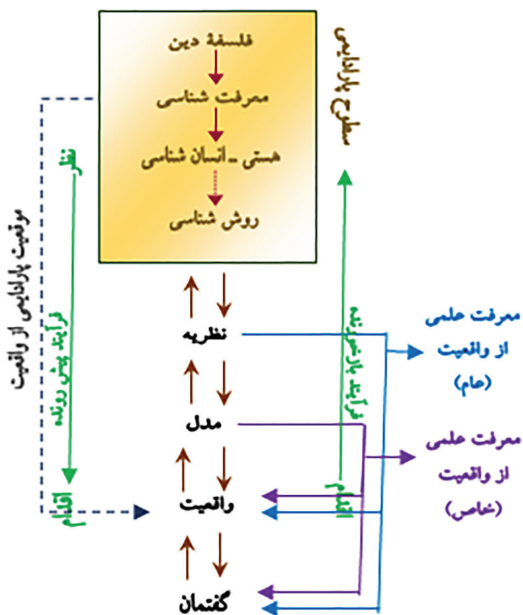
۱، ۲. فرایند برآمدن پژوهش میان‌رشته‌ای قرآن کریم

فلسفه‌ی تفسیر قرآن کریم و پارادایم حاکم بر مطالعات تفسیری پیشرفت‌شناخت، زمینه‌گرایی تفسیری در بلوغ سطح داد و ستد مشترک دو عرصه‌ی «دلالت» و «استعمال» و نیز داد و ستد زمینه، متن و تفسیر متن، معطوف به مسئله‌ی مشترک هدایت به رشد و پیشرفت است. مفسر با توجه به برآیند نیازها و پرسش‌ها در هرم نیازهای پیشرفت، به سراغ متن می‌رود و تفسیری از سطح متن مدل مفهومی، به مدد تفسیر ترتیبی، تا مدل عملیاتی آینده‌نگار، به مدد تفسیر تنزیلی ارائه می‌کند. این رویکرد مطالعاتی (منهج تفسیری) میان‌رشته‌ای، رکن اول مکتب و نظریه‌ی تفسیری است. معرفت‌تفسیری، متکی بر مبانی و سطوح هفت‌گانه‌ی پارادایمی مبتنی بر اندیشه‌ی دین‌شناخت پیشرفت در صدد ورود به واقعیت تجربی جامعه‌ی هدف است. در تفسیر قرآن کریم، چنان‌که هر معرفت‌علمی، پیش‌فرض‌های هفت‌گانه‌ی فلسفه‌ی دین - حیات، معرفت‌شناخت، هستی‌شناخت، انسان‌شناخت، ارزش‌شناخت، زیباشناخت و روش‌شناخت وجود دارد که بر اساس آن شیوه‌ی ورود به واقعیت و خروج از آن مشخص می‌شود. اندیشه‌ی تفسیر پیشرفت‌شناخت، بر اساس این پیش‌فرض‌ها (هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی)، از روش‌شناسی خاصی برخوردار است. روش‌شناسی در معرفت‌علمی روایی و پایایی معرفت را بر عهده دارد. از نظر اندیشمندان، روش‌شناسی، مدلی است که در آن اصول نظری و چارچوبی که یک تحقیق علمی چگونه باید در یک بستر پارادایمی خاصی انجام شود، ارائه می‌شود (لاتر، ۱۹۹۲، ص. ۸۷؛ هاردینگ، ۱۹۸۷، ص. ۱ و کوکو و فنو، ۱۹۹۰، ص. ۲).

تجربه‌ی ایده‌ی میان‌رشته‌ای‌ها (از اندیشه‌ی مینا تا منظومه‌ی دانشی)، دومین موج بازخوانی معرفت‌شناخت اندیشه‌ی معاصر به مثابه‌ی ذکر مکرری (دوباره خوانی ایده پس از دور اول برآمدنش در میانه‌ی قرن نوزدهم) برای تغییر (کلاین، ۱۳۸۹)، با میانداری برآمدن فکر ترقی‌یافته است (کاپرا، فریتوف، ۱۳۹۲) که در عرصه‌ی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم نیز به نوبه‌ی خود بر بنیان خودویژه‌ی فرارشته‌ای «اندیشه‌ی دین‌شناخت پیشرفت» شکل گرفته و منظومه‌ی دانش‌های میان‌رشته‌ای برآمده از آن که بنیان نظام مدیریت دین‌شناخت پیشرفت است؛ در چارچوبه‌ی ساختار کلان‌الگوی راهبری تحول و در ضمن نگاشت دانشی نقشه‌ی جامع اندیشه و دانش قرآنی، به سامان کاربردی می‌رسد. برای تولید معرفت قرآن‌شناخت که از مسیر استنباط و استنتاج، میسر است، اجزاء و عناصر متعددی چون فلسفه، پارادایم علم، نظریه‌ی تفسیر یا تفسیری، مدل

مفهومی و تجربی و واقعیت مورد مطالعه در یک ارتباط مرتبه‌ای، نقش آفرینی می‌کنند. (ایمان، ۱۳۹۱) مکتب تفسیری برگزیده مبتنی بر این بنیان فلسفه دینی - معرفت‌شناختی، به صورت پیشرونده و بازخورنده به عینیت در دستور تدبیر رشد - توسعه، در این شش سطح تحلیلی به سامان می‌آید: هر کدام از مراحل یاد شده شش گانه این فرایند، در ذیل روش شناسی جامع پیشرونده و بازخورنده حاکم بر کل فرایند دارای روش شناسی خودویژه‌ای دارد.

روش شناسی مزبور چه در سطح نظام جامع و چه در سطح لایه‌های فرایند، به اضلاع ماتریسی این فرایند (مانند سازوکار مدیریت تغییر) ناظر هست و باید باشد. اصل ظهور ایده میان‌رشته‌ای‌ها، چند رشته‌ای‌ها و ترارشته‌ای‌ها از ظهور اندیشه ترقی و مدیریت تغییر برآمده است؛ پس به منظور سامان بخشی درونزای آن بایستی در اولین گام فرا اندیشه، فرادانش و فراروش مورد نیاز آن را به تناسب مکتب برگزیده الهیاتی خویش (مکتب قرآنی رشد) معین کرد تا بتوان مستند به آن در چارچوبه نظام مدیریت پیشرفت و در ذیل دو یال نقشه جامع علم و نقشه جامع علمی، در راستای بازخوانی مستمر نظام مسائل پیرامونی پیشرفت، به میان‌رشته‌ای‌های مورد نیاز حل این نظام مسائل اهتمام ورزید. که البته با دگرگونی در این نظام مسائل در دیگر بوم اقلیم‌ها و یا بوم اقلیم جهان اسلامی - ایرانی سامانه میان رشته‌ای‌های دیگری ضروری افتد.



شکل ۲: سلسله مراتب معرفت تا اقدام

نخست: سطح پارادایمی؛ این سطح، مبانی نظری و پیش فرض های فلسفه دینی، تا هستی شناختی تا انسان شناختی، معرفت شناختی ارزش شناختی، زیباشناختی و روش شناختی را در برمی گیرد که به مثابه پشتوانه فلسفی و پارادایمی تفسیر معطوف به فلسفه وجودی رسالت و وحی قرآنی (فلاح و هدایت به رشد و صلاح)، ورود به واقعیت تجربی جامعه هدف را که در حقیقت ماهیت مسیر و عناصری را که در فرایند تولید معرفت تفسیری سهم هستند (تفسیر معطوف به مسئله پیشرفت) مشخص می سازند. «اتجاه، منهج و رویکرد تفسیری» در این سطح شکل می گیرد.

طراحی مبانی پارادایمی دانش قرآنی مدیریت تغییر و تحول، با مباحثی مانند «روایت شناسی گفتمان: پارادایمی برای مطالعه میان رشته ای»، «نقش و کارکرد علوم شناختی در مطالعات میان رشته ای قرآن کریم»، «حس فرامتن آیات قرآن کریم»، «چگونگی رابطه علوم انسانی با معارف و حیانی»، «پدیدارشناسی وحی با تحلیل محتوا در متن قرآنی»، «خاستگاه و زمینه های نارسایی روش شناختی در ایده علوم انسانی - اسلامی»، «گونه های زمان و تاریخت: زمان سنجی روندها و رخدادها در قرآن کریم» تدوین این پیش فرضهاست.

بنیان فرارشته ای منظومه میان رشته ای ها و چند رشته ای های قرآن شناخت در این لایه گذاشته می شود. اینک «تفقه در دین» و ولایت مندی آن در بنیان پردازی دانش منبای تدبیر تغییر و تحول، خاستگاه معرفت شناخت پردازش نظریه تفسیر و در چارچوبه آن، نظریه دین شناخت پیشرفت می شود؛

دوم: سطح نظریه ای تفسیر؛ سطح نظریه ای تفسیر و تفسیری، در دومین سطح، همان پیش فرض های فلسفی و پارادایمی معین معطوف به اندیشه دین شناخت پیشرفت (و به طور خاص فلسفه دینی، معرفت شناختی و روش شناختی اندیشه و دانش تفسیری) است که با شکل بخشیدن به رویکرد معین تفسیری به دنبال انعکاس نظری از واقعیت، در تصویری ارزش داورانه در بیان نظام های مطلوب و بر مدار آن رویکرد به نقد وضع موجود و پیشنهاد راهبردهای تغییر است. نظریه تفسیری متاثر و منطبق با پارادایم رشدنگر (الهیاتی)، در صدد توضیح و تبیین استنباطی واقعیت رشد و کمال و صلاح و سعادت دین شناخت به نحوی است که بتوان در گذاری استنتاجی به مدل مفهومی تحول، به لحاظ تجربی و در ضمن یک مدل معین عملیاتی و تطبیقی در چارچوبه نظریه تفسیری برگزیده به آن واقعیت وارد شد. نظریه دین (قرآن) شناخت پیشرفت در دو سطح داد و ستدی نظری و ارزشی، به مثابه مساحت شکل گیری منظومه رشته ها و میان رشته ها در این سطح به داوری تحلیلی می آید؛ ورود قرآن پژوه از نظریه علمی به واقعیت، منشأ شکل گیری معرفت علمی از واقعیت است. نظام حاکم بر منظومه رشته ها در این سطح بسط عملی می یابد.

سوم: سطح دانشی؛ فرایند تولید دانش در ذیل نظریه برگزیده را مدنظر دارد. رشته ها، میان رشته ای ها و چند رشته ای ها و ترارشته ای ها در ذیل منظومه اندیشه دین (قرآن) شناخت پیشرفت (تفقه در دین)، در این سطح فرآوری می شوند. با این معرفت، امکان ورود تجربی به واقعیت

مورد نظر در الگوی فراتاریخی پیشنهادی دین در چارچوبه این گونه مدیریت تغییر (ولایت‌مندی نفقه در دین) وجود دارد. منظومه معارف یاد شده، در حقیقت بستری هستند تا از سطح دانشهای نظری چون هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی تا دانشهای اعتباری و ارزشی چون فقه و اخلاق تا دانشهای کاربردی، با لحاظ سلسله مراتب معرفتی، وارد واقعیت شد. اندیشه قرآنی اینگونه و در این بستر بین‌رشته‌ای پیشرفت‌شناخت از سطح رشد نگری وارد تدبیر شأن نزول‌های مستمر و مصداق‌های پایبندی و سطح تحقیق و توسعه‌ای می‌شود؛

چهارم: سطح مدل پردازی؛ سطح پردازش گفتارهای منطقی نظریه به منظور ورود به واقعیت تجربی است که در قالب نمودارهایی که در آن روابط میان متغیرها نشان داده می‌شود؛ معرفی می‌گردند؛ مرحله‌ای که برای عملیاتی‌سازی نظریه تفسیری برگزیده در مرحله تطبیق لازم است. فرایند جری و تطبیق اینک به درستی معنا می‌شود.

اندیشمند قرآن پژوه چنانچه می‌خواهد از عرصه علم به عمل (تفقه به انذار) وارد شود، به ناگزیر بایستی از واقعیتی که سودای راهبری آن را دارد معرفت کسب کند و به الگوی تدبیر آن بیندیشید، پس لازم است از نظریه‌سازی به سمت مدل پردازی در دو سطح مدل مفهومی و مدل عملیاتی حرکت کند. مجموعه دانش‌های بین‌رشته‌ای از سطح دانش‌های تولید پستوانه نظری تا الگوهای اقدام آرایش کارکرد خویش را در بوتۀ آزمون می‌آورند؛

پنجم: سطوح معرفتی تا تجربه تغییر در ضمن الگوی معین راهبری تحول در متن نظام دانشی معطوف به رشد - توسعه، به ناگزیر در فرایند برسازی و به‌سازی، نیازمند فرآوری گفتمانی نیز هستند و با ادبیاتی و زبانی خودویژه آرایش می‌یابند که ترجمه آشکاری همان فضای گفتمانی و سبک زیستی متن قرآن کریم باشد؛

ششم: سطح انبوه افزایشی اطلاعات تفسیری در ضمن مدل‌های برگزیده، برای توسعه نظام تولید اندیشه و دانش قرآنی است.

در تمامی سطوح نظر به اقدام و اقدام به نظر این فرایند پیشرونده، بازخورانده وجود دارد. تحقیقات کاربردی قرآنی، اساساً در این فرایند و به مدد این رویکرد میان‌رشته‌ای در این فرایند، با مدل‌سازی و توجه به واقعیتی خاص، در خدمت حل مسائل و مشکلات انسانی و اجتماعی قرار دارند؛ در حالی که تحقیقات بنیادی، عمدتاً با اصلاح و بازسازی نظریات علمی، سعی بر گسترش مرزهای دانش دارند. به همین لحاظ، چینه فرایندی این منظومه دانشی از سمت نظریه به مدل‌سازی و در نهایت واقعیت است.

وجود رابطه میان پارادایم، نظریه و مدل، در پژوهش‌های بین‌رشته‌ای قرآنی خود مویذ رابطه‌ای منظم و هماهنگ میان تحقیقات کاربردی و بنیادی است.

بازخوانی منظومه قرآن‌شناخت نظام مدیریت معاصر دین‌شناخت پیشرفت، به معنای آن است که وجه دین‌دارانه نظام مدنیت و مدیریت در نظام ج.ا.ا، در گرو ارجاع بنیان اندیشه‌ای و سازوکاری این نظام مدیریتی، به سطوح پنج‌گانه اندیشه و دانش قرآنی است. این اهتمام دست

کم در دو عرصه بایستی انجام پذیرد، یکی: سره‌سازی خاستگاه اندیشه‌ای نظام مدیریت ملی (اندیشه مبنای پیشرفت) با ارجاع به نظام آموزه‌های قرآنی و دیگری اهتمام به کارآمدسازی و ارتقاء اقتدار توسعه‌ای (کارآمدی معطوف به توسعه برنامه‌ای) دانش تفسیر.

۱، ۱، ۳. اندیشه دین‌شناخت پیشرفت، بنیان معرفت‌شناخت و فرارشته‌ای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم

پیشرفت انسانی اساساً تکاپویی دانش بنیان است. دانش بنیان مدیریت پیشرفت به لحاظ این قابلیت معرفت‌شناخت به این قرار ولایت‌مند تغییر است و از حیث موضوعی و کاربردی، موضوع و مبنای دو الگوی پیوسته مدیریت تحول یعنی نقشه جامع علم و نقشه جامع علمی است. «اندیشه ترقی»، اندیشه مضمونی «نقشه جامع علم» است؛ نقشه جامع علم همان «نقشه جامع اندیشه ترقی» است. «نقشه جامع پژوهش معطوف به توسعه» نیز از همین ایده برمی‌آید و از همین رهگذر می‌توان رهسپار «دانش‌های دین‌شناخت مبنای راهبری تغییر به سوی آرمان رشد» گردید. عرصه‌هایی میان رشته‌ای، عرصه‌های دانشی معطوف به مسأله و نظام مسائل پیشرفت با لحاظ کارکرد در متن فرایند مدیریت تغییر است:

۱) «دین»، «آیین رشد» و به این قرار شامل سامانه مبانی بینشی - معرفتی، سامانه ارزش‌ها و حقوق و سامانه روش‌ها و الگوهای عملی و برنامه‌ای و الگوهای توسعه‌ای است. متکی بر این چشم‌انداز، اندیشه دینی اندیشه هدایت و آرمان رشد تعریف می‌شود و دانش جامع رشد، در ادبیات قرآنی روایت «تفقه در دین» نام دارد.

«تفقه در دین» سامانه جامع ادراکی معطوف به رشد بوده، به سخنی دیگر تفقه در دین جریان شناخت هدایت دینی و بر این اساس، تفسیر رشد و فرآیند راهبری به سوی آرمان رشد و جاری در فرآیند مدیریت به سوی آرمان رشد است؛

۲) دانش این سامانه جامع منجر به راهبری دانش‌بنیان تا خودتوانمندی قسط‌بنیان جامعه مخاطب، در پاسداشت خودی رشد یافته خویش، همان «فقه در دین» است. قرآن کریم و حدیث، این گستره جامعه دانشی - رفتاری را توضیح می‌دهد. تعبیر «حکمت» معادل همین «فقه در دین» در نظر گرفته شده است. سامانه جامع «تفقه در دین»، فراگیر همه حوزه‌های ادراکی حقیقی و اعتباری جای گیر در منظومه میان رشته‌ای‌ها است. انواع حوزه‌های ادراکی یادشده از ادراکات حقیقی تجربیدی (فلسفی - کلامی) تا ادراکات تجربه‌پذیر حقیقی تا ادراکات غیر علمی غیر حقیقی (مانند علوم انسانی) تا ادراکات اعتباری و تا ادراکات حضوری، به تمامه در این سامانه جامع جغرافیایی حضور دارد؛

۳) این نظام جامع معرفتی، مستند پرداخت الگوی مطلوب، نقد وضعیت موجود و پرداخت نظام برنامه راهبردی است. به این قرار فرآیند تحقیق و توسعه دین‌شناختی، درون سامانه جامع تفقه در دین دیده می‌شود. فصل تحقیق و توسعه‌ای تفقه در دین، همان گفتمان برنامه‌مند اندیشه

دین‌شناختی ترقی است، از این رو ولایت تفقه در دین به طور خاص در عرصه تحقیق و توسعه دریافتی و تجربه شده و به آزمون درمی آید.

قرآن کریم می‌آموزد: «...فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» (توبه/۱۲۲).

روایات اولیاء معصومین توضیح می‌دهند:

امام صادق(ع): «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بَعْدَ خَيْرٍ تَفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَ يُلْهَمُهُ رُشْدَهُ: خَدَاوَنَد وَتَقِي كَسَى خَيْر وَ خُوبَى رَا ارَادَه كَنَد، او را فقیه در دین می‌گرداند و از این رهگذر رشد و تعالی را به وی الهام می‌نماید.» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص. ۱۷۷).

امام صادق(ع): «تَفَقُّهُوا فِي دِينِ اللَّهِ فَإِنَّ الْفَقْهَ مِفْتَاحُ الْبَصِيرَةِ وَ تِمَامُ الْعِبَادَةِ وَ السَّبَبُ إِلَى الْمَنَازِلِ الرَّفِيعَةِ وَ الرَّتَبِ الْجَلِيلَةِ فِي الدِّينِ وَ الثَّنِيَا: آی مردمان به تفقه در دین خداوند روی آورید، چرا که کلید گشایش روشن‌بینی و بصیرت و مایه منزلت تمام یافتن عبودیت و عبادت در نزد خداوندگار است و خود موجیست برای نیل به رتبه‌های بلند وجودی و مراتب برجسته رویش و فلاح در دنیا و آخرت.» (همان، ج ۱۰، ص. ۲۴۷).

از این نمونه آموزه‌ها درمی‌یابیم که «تفقه در دین»، در حقیقت اندیشه فرارشته‌ای رشد و مقسم منظومه اندیشه‌ها و دانش‌های درون دینی است. نظام ملی راهبری پژوهش و آموزش قرآنی، براساس این مبانی فرارشته‌ای بایستی به بازسامانی دانش‌های مزبور اهتمام ورزد. ولایت‌مندی تفقه در دین، بستر جریان دانش‌های مزبور به تدبیر واقعیت‌های نوبه نو شونده است. سند الگوی پیشرفت، سند الگوی پیشرفت تفقه در دین بنیان است.

نقشه جامع اندیشه و دانش قرآنی، بدین سان، برای رهسپاری به کانون نقشه جامع علم و نقشه جامع علمی، همان نقشه جامع تفقه در دین است.

با آنچه ذکر شد؛ کانون فرارشته‌ای و به این قرار فرا دانشی سامانه میان‌رشته‌ای‌ها به روشنی می‌گراید. تفقه در دین (اندیشه دین‌شناخت پیشرفت) این کانون فرارشته‌ای است که به دلیل ولایت‌مندی‌اش، مرجع نظام‌یابی میان‌رشته‌ای‌های قرآن‌شناخت و دین‌شناخت، محسوب می‌شود.

۱, ۱, ۴. سه نظام مرسوم پژوهشی زیرساز رویکرد پژوهش میان‌رشته‌ای

پژوهش میان‌رشته‌ای پیشرفت‌شناخت قرآنی توسط چه نظام‌های پژوهشی پشتیبانی می‌شوند؟ دو دسته نظام پژوهشی مورد، نیاز این رویکرد میان‌رشته‌ای‌ها است:

۱) پژوهش‌های مبنا در دو فصل نظام پژوهشی ترتیبی و تنزیلی؛

۲) پژوهش‌های موضوعی آینده‌نگار مسائل پیشرفت.

اندیشه دین‌شناخت پیشرفت در طی فرایند شش گامی گذار از نظر به اقدام در واقعیت و بازخورندهای مستمر خویش، نیازمند بستر برسازای و فرآوری است. با پذیرش حیث معرفت‌شناخت مکتب تفسیری پیشرفت‌شناخت، سه نظام برجسته پیوسته و هماهنگ پژوهش

مسئله محور پیشرفت شامل پژوهش پارادایمی تا مدل مفهومی (تفسیر ترتیبی)، پارادایمی تا مدل عملیاتی جامع (تفسیر تنزیلی) و مدل موضوعی راهبرنده (تفسیر سیستمی - موضوعی) است که در برآیندی معطوف به پژوهش فرایندی و سازوکاری، مکتب تفسیری مزبور را از مرحله طرح اندیشه و دانش پیشرفت تا الگو و نظام مدیریت پیشرفت بسط می‌دهد. بین رشته‌ای قرآنی از متن این سه نظام برمی‌آیند و به بهسازی آن‌ها مدد می‌رسانند. مکتب برگزیده تفسیر پیشرفت شناخت در مرز فاروق با دیگر مکاتب تفسیری، ویژگی‌های ممتاز خویش را در این سه نظام به معرض نقد و نظر می‌آورد. ضلع دوم این ماتریس روش‌شناسی، دو نظام پژوهشی دادوستدی ترتیبی و تنزیلی ناظر به برآیند تفسیر موضوعی آینده‌نگار است. فرایند شش‌گانه معرفت تفسیری در هر این سه عرصه پژوهش دارد.

این مکتب تفسیری، از سویی به میزان توفیق اصالت اندیشه‌ای و خلوص معرفتی و از سویی دیگر، از حیث کاربردی افزون‌تر دستاوردهای تفسیری (به آن میزان که به ماهیت معرفت‌شناخت مکتب تفسیری برگزیده پیشرفت شناخت متناسب باشد) اجازه میانداری را در نظام اندیشه و دانش قرآنی می‌یابد. بایستی تصویری روشن و روش‌مند از جریان نظام‌واره اندیشه ترتیبی و تنزیلی قرآنی در الگوپردازی پیشرفت (رشد - توسعه) و تدبیر عینی راهبردی آینده‌نگار آن داشته باشیم تا الگوی فلسفه‌هنجارین رشد به گونه‌ای روش‌مند و زمان‌شناس به استناد الگوی ترتیبی قرآن کریم؛ و الگوی عملیاتی و توسعه‌ای به گونه‌ای راهبردی و آینده‌نگار به استناد الگوی تنزیلی قرآن کریم^۱، مجال جریان در عرصه اندیشه و اقدام بیابد.

منظومه تفسیری رشد در تفسیر نظام ترتیبی قرآن حکیم با در نظر گرفتن یک چارچوبه خودویژه اندیشه‌ای و روش‌شناسی تفسیری پیشرفت‌شناخت، سه الگوی جامع «ترتیبی»، «تنزیلی» و «موضوعی مدیریت پیشرفت (رشد - توسعه)» را بازخوانی می‌کند. حاصل اینکه دو نظام پژوهشی ترتیبی و تنزیلی، دو فرایند پشتیبان تولید اندیشه و دانش برای جریان‌یابی ناظر به مساله و نظام مسائل معینی هستند که در چارچوبه پژوهش‌های موضوعی آینده‌نگار می‌تواند در بسترها و مساحت‌های گوناگون دانش میان‌رشته‌ای جای گرفته و از طریق فرآوری پژوهش و مطالعاتی ناظر به آن مساله یا نظام مسائل، حیث درونزایی آن را نسبت به دو مؤلفه جهان‌اسلامی و جهان‌ایرانی، تأمین و ارتقاء بخشد:

۱) الگوی ترتیبی قرآن کریم: پژوهش رشد‌نگر در منظومه ترتیبی موجود قرآن کریم بر اساس نظریه حداثی توفیق سوره‌ها و نظریه حداکثری توفیق کل قرآن کریم. در این الگوی پژوهش، مدل مفهومی رشد یا الگوی فلسفه‌هنجارین رشد، استنباط و تبیین می‌شود؛

۲) نظام تنزیلی قرآن کریم: پژوهش برنامه‌نگر توسعه‌ای در نظام ترتیب تاریخی تنزیل قرآن کریم بر اساس میانگین نظریات ترتیب نزول آیات و بعضاً سوره‌ها. در این نظام پژوهشی، ترتیب نزول سوره‌ها، سیاق‌های درونی و آیات، به مثابه نظام آینده‌نگار مرجع برای راهبری جامعه

۱. ن.ک. به: آکوچیکان، احمد (۱۳۹۲)؛ الگوی تنزیلی قرآنی، اندیشه توسعه‌ای - تمدنی؛ بنیاد اندیشه دینی و مطالعات توسعه به سفارش مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد).

هدف در نمونه مصداق‌های ممکن و قابل پی‌آیند در روزگار پسین، دیده و تفسیر می‌شوند، تا به مدد آن در هر موقعیتی با چنین مختصاتی، چنین رویکردی تدبیر شود و نهاد اندیشه‌ای و مدیریت تغییر (فاعلان فردی و اجتماعی و تمدنی) مستند به این الگوی مرجع در فرایند برنامه‌ای تدبیر رشد جامعه هدف در قالب یک نظام تحقیق و توسعه‌ای، روشن بین نقطه‌های برجسته تریبی تاریخی در نظام اولویت‌های مدیریت تغییر (در مثل اولویت تربیت منابع انسانی بر سازماندهی حاکمیت جامعه هدف (مکی - مدنی) اولویت ظرفیت شخصیتی بر ادب سلوک ظاهر) باشد. نظام تنزیلی قرآن کریم منطق حاکم بر نظام برنامه‌ریزی راهبردی آینده‌نگاری است و سنت آل‌البیت (ع) این منطق مرجع را توسعه کاربردی بخشیده است؛

۳) الگوی موضوعی مدیریت پیشرفت: پژوهش تخصصی مفهومی - توسعه‌ای ناظر به مسائل کلان‌نگر و جزءنگر پیشرفت جامعه هدف در برآیندگیری از دو الگوی تریبی و تنزیلی؛ مانند پردازش منشور مبنای رشد یا سند الگوی پایه توسعه به مثابه مدخلی بر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت.

ساختار آغازین روش‌شناسی برگزیده، دارای شاکله زیر است که می‌تواند در آثار تفسیری پیشنهادی این قلم در مکتب پیشنهادی تفسیر پیشرفت‌شناخت، به معرض داوری آید:

۱) روش‌شناسی پژوهش مسئله‌محور با محوریت اندیشه مبنای پیشرفت‌شناخت قرآن یا قرآن‌شناخت پیشرفت؛

۲) پردازش تفسیر تریبی از چشم‌انداز الگوی تریبی به مثابه مدل مفهومی الگوی قرآنی رشد در پیوستگی با الگوی تنزیلی به مثابه الگوی برنامه‌ای تحقق بخش آموزه‌های رشد؛

۳) «تفقه در دین» مبنای معرفت‌شناسی برگزیده این شیوه تفسیری است، منظومه آموزه‌های قرآنی، آموزه‌های نظام جامع ادراکی رشد (تفقه در دین) محسوب می‌شود؛ بدین سان، گزاره‌های تفسیری، فراگیر گزاره‌های انشائی یا اخباری است. تفقه در دین اندیشه مبنای دین شناخت رشد - توسعه است و هر سوره‌ای در این منظومه جامع، جایگاه خود ویژه خویش را دارد؛

۴) هر سوره به مثابه یک منظومه، یک سیستم، با یک ایده مبنای، در جغرافیای جامع الگوی مفهومی رشد قرار دارد؛

۵) قابلیت نظام تعالیم قرآنی برای ورود به نظریه‌پژوهی پیشرفت، به ویژه در دو سطح مبنایی نظری و الگوی مطلوب رشد (منظومه چرایی‌ها و چستی‌ها از سویی و چگونگی‌ها از سویی دیگر) با ملاحظه دربردارندگی اصول ارزش‌دورانه مدیریت آینده‌نگار راهبردی؛

۶) جهت‌بخشی مجموعه دستاوردهای تفسیری در ذیل نگره رشد‌پژوه در نظام ملی تولید علم یا نقشه جامع علم و به طور خاص علوم انسانی با نگره بین‌رشته‌ای؛

۷) قابلیت این روش برگزیده تفسیری برای گذار از فهم سمانتیک و دلالی (مستند به اصول استنباط تفسیری) به تجربه هرمنوتیک (به مفهوم نشانه کردن و زبان‌دار ساختن هنرشناخت فهم

سمانتیک و دلالتی خود در متن تجربه زیستی خویش) حاجت‌مند یک روش‌شناسی معینی است که از سنت آل‌البیت (ع) منشأ می‌گیرد؛

۸) جریان‌یابی مجموعه آموزه‌های تفسیری هر سوره در نقشه جامع علمی نظام ج.ا.ا، (الگوی پیشرفت دانش‌بنیان) در فضای مقتضیات جامعه هدف (مانند جامعه ایرانی) و در این عرصه در سند الگوی پایه پیشرفت؛

۹) امکان سامان‌بخشی نظام جامع موضوعات رشد - توسعه.

۵.۱.۱. الگوی سازوکاری فرارشته‌ای تولید اندیشه و دانش میان‌رشته‌ای قرآنی

برآیند فرایند شش‌گانه تفسیر رشد - توسعه با مثلث تفسیر تربیتی، تنزیلی و موضوعی، یک الگوی پیشرونده و بازخورنده است. در این صورت، فرایند از پارادایم تا تولید گفتمان حیث گزاره‌ای یافته و ظرفیت پردازش فرارشته‌ای و بر بنیان آن، میان‌رشته‌ای، چندرشته‌ای و ترارشته‌ای منظومه دانشی مبنای مدیریت تغییر و تحول را می‌یابد. از مجموعه مباحث تحلیلی معرفت دینی‌شناسی، روش‌شناسی و در ذیل آن «روش‌شناسی پردازش الگوی دین‌شناختی رشد - توسعه» است. خواهانی رشد و پذیرش رشدانگاری و رشد راهبردی دیانت مصطفایی، اساس آموزه‌های دین مصطفایی است که در یک ساختار نظام‌بخش مکتب راهنمای عمل رشد - توسعه، به دست داده می‌شود. چارچوبه عمومی نظریه، اینک پیش‌روست.

در پژوهش تفسیری پیش‌رو با نمونه سوره حدید، چستی و کارکرد این الگوی روش‌شناختی را مرور کرده و به آزمون درمی‌آوریم. مرور و تلاوت مستمر سوره و مطالعه تحلیلی تفسیرهای موجود سوره، سامانه عمومی کلیت سوره را به تدریج روشن و روشن‌تر، پیش‌روی پژوهش مسئله‌محور تفسیری، آشکار می‌سازد:

۱) سوره با مباحث هستی‌شناختی و به‌طور خاص در متن و کانون آن «خداشناسی» آغاز می‌شود. گزاره‌های سوره از «سَبِّحْ لِلَّهِ...» در آیه اول تا آیه ششم، با دو اشارت خاص انسان‌شناختی: «...وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» و نیز «...وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» و نیز آیات نظری در فرازهای دیگر سوره، گزاره‌های اخباری‌اند. آموزه‌های فلسفه دینی، معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، و زیباشناختی و در برآیند آنها، «بودشناسی و فلسفه رشد - پیشرفت» در این فراز از سوره، دانستنی‌اند.

۲) سوره از آیه هفت تا آیه ۲۴، شامل گزاره‌های انشایی در بردارنده دو مبحث برجسته فراخوانی به «جریان ایمان‌ورزی» در فصل انگیزه‌ها و احساسات و رویکردهای انگیزشی و سپس و بر مدار آن «عملکرد و رفتار بر مدار انفاق و ایثار»، مبتنی بر آن مبانی نظری است:

در آیه هفت، اشاره به هر دو وجه انگیزشی و رفتاری به اختصار؛

در آیات هشت و نه، تأکید بر وجه انگیزشی و ایمانی جریان وجود؛

در آیات ده تا هجده، تأکید بر وجه رفتاری و عملکردی با میان‌داری کشش انگیزشی و ایمانی؛

در آیات ۱۹ تا ۲۴، به برآیند کلیت زیست بالغ دیندارانه آدمیان بر مدار همان دو اصل ایمان و انفاق می‌پردازد.

آیات نشان می‌دهند که الگوی مطلوب روحی- رفتاری پیشنهادی در قرآن و سوره بر بنیان بینش هستی‌شناختی- انسان‌شناختی، تصویر شده است.

(۳) آیه ۲۵، با تغییر لحن و ادبیات به اصول انبیایی و درون‌زای الگوی هدایت به رشد خداوندی، نظر دارد.

(۴) در آیات ۲۶ و ۲۷، تاریخ انبیا (تاریخ مقدس)، علیت درونی تحول تاریخ و قابلیت ورود الگوی انبیایی رشد به عرصه تحول تمدنی، پیش‌رو می‌آید.

(۵) در آیات ۲۸ و ۲۹، فراخوانی آیه هفت (آمِنُوا... وَأَنْفِقُوا)، متکی بر کلیت سوره و به ویژه بر بنیان اصول رسالت انبیایی و کامل‌ترین آن (رسالت نبی خاتم)، تفصیلی نظام‌واره می‌یابد.

با مروری بر این فرازهای پنج‌گانه، ساختار اصلی تفسیر سوره شکل می‌گیرد.

پژوهش کارگاهی سوره و تفتن روشن‌بین به نحوه ارائه آموزه‌های قرآنی و شیوه ترکیب گزاره‌های اخباری و انشایی درون سوره در قالب الگوی کلان پیشنهادی رشد، تأکید بر این نکته روش‌شناختی ارجمند دارد که بر خلاف برخی از آراء اهل نظر^۱ آموزه‌های دین تنها آموزه‌های بینشی و ارزشی نیستند، بلکه دربردارنده آموزه روشی نیز هستند. به این قرار در گزارش مثل این نمونه کاربردی سه عیار نقد به کار گرفته می‌شود:

نخست، آموزه‌های گزاره‌ای: چه گزاره‌های اخباری و چه گزاره‌های انشایی؛

دوم، اصول و روش‌های ترکیب بین گزاره‌ای و به تعبیری سامانه‌های ترکیبی گزاره‌های اخباری و انشایی در مثل جایگاه‌های هر آیه، نوع ترکیب آیه‌ها، نوع ترکیب بین سوره‌ها، نوع تقدیم و تأخیر پیام‌ها، بود یا نبود یک پیام؛

سوم، شیوه راهبری کلیه لایه‌های شناختی و مدیریتی منجر به رشد- توسعه؛

به اشارت، آیه‌های سوره مرور می‌شود و با سه عیار نقد پیشنهادی تحلیل می‌شود و جایگاه گزاره‌ای آنها در الگوی عمومی اندیشه رشد^۲ به شرح شکل^۳ معلوم می‌شود. در این منظومه معرفتی هشت دسته گزاره در اختیار است:

- گزاره‌های الف: گزاره‌های حقیقی هستی‌شناخت - انسان‌شناخت تا زیباشناخت؛

- گزاره‌های ب: گزاره‌های اعتباری ادراک فرایندها؛

- گزاره‌های پ: گزاره‌های اعتباری نظام مطلوب؛

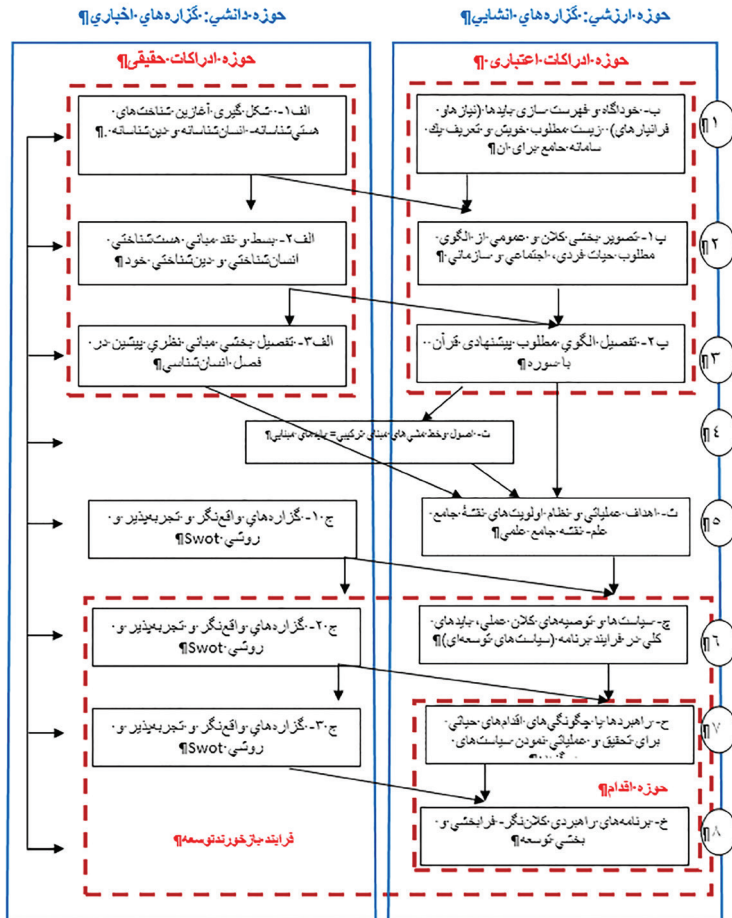
- گزاره‌های ت: گزاره‌های آمیخته اصول و خط مشی و نظام اهداف؛

- گزاره‌های ج: گزاره‌های حقیقی تجربه‌پذیر؛

۱. مانند عبدالکریم سروش و نوع متفکران سنت‌گرای حوزه دینی مانند سیدحسین نصر

۲. برای دانستن تفصیل این الگو از جمله نگاه کنید به همین قلم: تفسیر سوره حمد.

۳. به نحوه ترکیب بین گزاره‌ها و انتاج گزاره‌های مابعدی از طریق فلش‌ها از سطح مبانی نظری به سطح الگوی مطلوب و به سطح مدیریت توسعه‌ای توجه کنید.



شکل ۳: الگوی نظام جامع پیش‌رونده اندیشه پیشرفت

- گزاره‌های چ: گزاره‌های آمیخته سیاست‌ها؛
- گزاره‌های ح: گزاره‌های آمیخته راهبردها؛
- گزاره‌های خ: گزاره‌های آمیخته برنامه‌ها.

ترکیب این نظام گزاره‌ای را در ضمن ماتریس فرایند رشد - توسعه و سازوکار گزاره‌های پیشرفت‌شناخت با سوره حدید مرور می‌کنیم:

(۱) «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» شامل مجموعه گزاره‌های هنجاری بپ (۱) و گزاره‌های اخباری الف (۱)، الف (۲) و الف (۳)؛

(۲) آیات «سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...» «...بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» از زمره گزاره‌های اخباری الف (۱)، الف (۲)؛

(۳) «...وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ...» گزاره اخباری الف (۳)، گزاره هنجاری پ (۱)؛

(۴) آیات «لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ...» مربوط به گزاره‌های اخباری الف (۱) و الف (۲)؛

(۵) آیه «آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ...» و آغاز آیه ۸ «وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ...» ناظر به گزاره‌های ب، پ (۱) و بخشی از پ (۲) و فراز «وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ» آیه ۸ در بردارنده گزاره‌های ت، الف (۳،۲،۱)؛

(۶) آیه «هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَى عَبْدِهِ...» و آغاز آیه ۱۰ «وَمَا لَكُمْ الْأَتْفِقُوا...» ناظر به گزاره‌های ب، پ (۱) و پ (۲) و ث؛

(۷) آیات «هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَى عَبْدِهِ...» و فراز «وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» در بردارنده گزاره‌های الف (۳،۲،۱)، ث و ج (۱)؛

(۸) آیات «وَمَا لَكُمْ الْأَتْفِقُوا...»، «مَنْ ذَا الَّذِي يُقرضُ اللَّهَ...» مربوط به گزاره‌های پ (۲)، الف (۳،۲،۱) و گزاره‌های ترکیبی تحقیق و توسعه‌ای؛

(۹) آیات «يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ...»، «يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ...»، «يُنَادُوهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ...» به ضمیمه آياتی چون آیات ۸ و ۱۰، افزون بر گزاره‌های پ (۲)، در بردارنده گزاره‌های

اخباری الف (۳،۲،۱) و پیوستگی گزاره‌های اخباری و انشایی (گزاره ترکیبی)؛

(۱۰) آیات «يُنَادُوهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ...»، «فَالْيَوْمَ لَا يُؤخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ...»، «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا...»، همان ترکیب گزاره‌ای را که بیش از ترکیب بر عناصر، بر ترکیب گزاره‌هاست، نشان می‌دهند و می‌آموزند؛

(۱۱) آیه «...يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا...» گزاره هستی‌شناسانه الف (۱) و الف (۲) و نیز گزاره معرفت‌شناختی، آیات «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۱۷» و «إِنَّ الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ...» گزاره ت و نیز آیه ۱۹ «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ...»؛

(۱۲) آیه «اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا... ۲۰» نشان‌گر گزاره‌های الف (۳،۲،۱) به ضمیمه گزاره ت؛ این آیه، افزون بر گزاره‌های یادشده، در بردارنده یک گزاره برجسته دیگر یعنی گزاره ج نیز هست؛

(۱۳) آیه ۲۱ در آغاز، مربوط به گزاره‌های ب، پ (۱)، پ (۲) و با «...وَجَنَّةٌ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ...» مربوط به گزاره‌های الف (۳،۲،۱) و ت و گزاره ت. آیه ۲۱، یک نمونه تمام‌نمای ترکیب بین گزاره‌ای است.

(۱۴) آیات ۲۲، ۲۳، ۲۴ چونان آیه ۲۱ با همان قابلیت گزاره‌ای و روشی در اختیار است و مجموعه گزاره‌های پیشین را در بردارند و تأکید بر قابلیت روشی ترکیبی بین گزاره‌های آنها است.

(۱۵) آیه «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا...» در بردارنده گزاره الف (۴،۳،۲،۱)، ب، پ (۲،۱)، ت، ث، ج (۲،۱) و ج؛

(۱۶) آیات «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ...»، «ثُمَّ فَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِمْ...» در بردارنده گزاره‌های الف (۳)،

ج (۳،۲،۱) و ج است و وجه کاربردی و اقدامی تحقق دینداری را به دست می‌دهند؛



۱۷) آیات «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا...»، «لَسَلَّا نَعْلَمَ أَهْلَ الْكِتَابِ...» سطح کامل تر و بالغ تر پ (۲،۱)، الف (۳،۲،۱)، ت، ث، ج را پوشش می دهد. ضمن آنکه، گزاره های ح و خ و نیز آیات ۲۹، ۲۸، ۲۷ قابل مشاهده است؛

۱۸) «وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» گزاره های ب، الف (۳،۲،۱) را شامل است.

ترکیب متنوع بین گزاره های در آیات ۲۹ گانه سوره، همان گونه که صورت آیه ها نیز معین هستند، نشانگر آنند که: روح و منطق حاکم بر آموزه های سوره بیش از آنکه بر اجزای گزاره های تکیه ورزیده باشد، بر نوع ترکیب بین گزاره های و برآیند آموزه های جزء به جزء سوره که برآمده از همان فصل روش شناختی سوره است، متکی است.

از این چشم انداز می توان به نقطه اصیل و فلسفه تکرار برخی فرازهای آیه ای در کلیت قرآن کریم توجه کرد. اهمیت میزان فراوانی یک آیه در کلیت سوره از چشم انداز همین کارکرد روش شناختی سیستمی تبیین می شود. این نظام جامع ترکیبات بین گزاره های در مثل سوره حدید عناصر میدان زیسته ای است که مخاطب در درون این فضا و این میدان زیسته قرار گرفته و می تواند از سویی الگوی پیشنهادی کلیت حیات در وجه نظر آن سوره را دریافته، به دآوری مقایسه ای آن با دیگر مکاتب پرداخته و هم از سویی دیگر به نقد وضعیت تاریخی و جغرافیایی وجود خویش بنشیند که چه نسبت زیسته ای با سوره و با متن مقدس دارد و سطح تجربه هرمنوتیکی و وجوی خویش را در این میان دآوری کند. در کلیت الگوی تحلیلی پیش رو، درمی یابیم که سوره حدید به دو اصل بزرگ و بدل ناپذیر در زندگی انسان ها و سیر رستگارانه به سوی ابدیت (همارگی انسان) فرامی خواند:

۱) توحید حق؛

۲) عدل مطلق.

و تأمین این سعادت را، در گذرگاه واقعیت ها و عینیت های انسانی - اجتماعی تا رسیدن به ابدیت آرامش بخش (قیامت) با گرایشی اصیل به دو هدف عظیم و بنیادین الهی - انسانی می آموزد:

۱) نظام قرآنی عامل بالعدل؛

۲) جامعه قرآنی قائم بالقسط.

سرمشق غالب (سبک فکری مبنا) یعنی پارادایم پیشرفت دین شناخت در متن این سازوکار به سامان می آید. پژوهش تفسیری این نمونه سوره، با رویکرد پیشرفت پژوهی و در ضمن این ساختار به نمونه بهره ها و توصیه های زیر می رسد:

۱،۶،۱،۱. ساختاری پیشنهادی برای به سامانی روش شناسی مطالعات میان رشته ای قرآن کریم^۱

پژوهش میان رشته ای قرآن کریم دارای اوصاف خود ویژه ای است، که از آن جمله:

جهت داری مسئله و نظام مسائل پژوهش میان رشته ای بر برآیند منظومه انتظارات از دین در خواهانی

۱. از تعبیر غلط مطالعات دینی بر حذر باشیم که منظور «مطالعه دین» و نه «مطالعه دینی» است و «مطالعه دینی» معادل پژوهش دینی، و «مطالعه دین» منظور دین پژوهی است. از این اشتباه مصلح، دین پژوهی مراد است.

رشد و فلاح و سعادت (پیشرفت) و بدین سان رویکرد فرارشته‌ای به پیشرفت پژوهی قرآنی و سامان سازوکاری فرایند پیشرفت (متین، ۱۳۸۸).

جای‌گیری هرگونه فرایند شناختی و پژوهشی در منظومه ادراکی دین‌شناخت پیشرفت یا تفقه در دین و فرایند اجتهاد مستمر حکمی؛

جای‌گیری منظومه روشها مورد نیاز پژوهش مسئله در ذیل نظام جامع روش‌شناسی سیستمی (مصلح شیرازی و همکاران...) پیش‌رونده و بازخورنده شناخت هدایت (پیشرفت: رشد - توسعه) قرآنی؛ بالاحاظ داد و ستد مستمر دو منبع عقل جامع و وحی و بهادهی به دستاوردهای نوبه‌نو شونده بشری؛ یک نظام زبانی مشترک در فضای گفت‌وگو قرآنی - اوصیایی؛

پرهیز از الگوی سلسله‌مراتبی خطی و توجه به حیث دینامیک و فرایندی شناخت و حلقه‌های بازخوردی همراه آن با برآیند یابی فرآوری فرایند معرفت‌تفسیری در ذیل سه نظام پیوسته پژوهش ترتیبی، تنزیلی و موضوعی آینده‌نگار معطوف به عرصه اندیشه، نظریه و گفت‌وگو پیشرفت (رشد - توسعه)، دستاوردهای این فرایند ناظر به مسأله و نظام مسائل پیشرفت در متن منظومه عظیم تدبیر گزاره‌های حقیقی و اعتباری و نیز وجدانی، مؤلفه‌های دانشی میان‌رشته‌ای معطوف به فرارشته‌ای «اندیشه دین‌شناخت پیشرفت: تفقه در دین» بر می‌آیند و از مجرای منظومه‌های موضوعی زیر سیستمی در ذیل منظومه‌های ابرسیستمی سازمان می‌یابند و بدینگونه دین‌پژوهی پیشرفت فراگیر منجر به سامان‌یابی نظام مطالعات بین‌رشته‌ای قرآنی شده و منظومه‌های دانشی میان‌رشته‌ای، چند رشته‌ای و ترارشته‌ای ایجاد می‌شود. بدین‌گونه روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم برساخته و به ساخت مستمر می‌شود. اضلاع دیگر ماتریس نظام جامع پژوهش تفسیری، مساحت این بهسازی است. اصل برآیندی سرمشق غالب راهبری اندیشه و دانش تفسیری در چارچوبه معرفت‌شناخت تفقه قرآنی در دین، روش‌شناسی راهبرنده اندیشه و دانش مزبور است؛ بدین‌گونه انواع مکاتب، رویکردها، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری با این معیار اصیل جایگاه بایسته‌عنوانی و نیز کارکردی خویش را می‌یابد و در تراز نقد قرار می‌گیرند. مرور گزارش‌گونه کتب داعیه‌ورز معرفتی روش‌های تفسیر، عبرت آموز کاستی اصیل اینگونه رویکردها و روش‌ها و گرایش‌های تفسیری از حیث روش‌شناسی پیشرفت شناخت (از حیث نظر تفسیری تا تدبیر آینده‌نگار عینیت) است. بخش پیشین آموخت که این کاستی نیز برآمده از آن نقیصه معرفت‌شناخت است که اندیشه تفسیری، اندیشه قرآن‌شناخت پیشرفت دیده نشده است. بر مدار این معیار اصیل، مشرب‌های پارادایمی متفاوت حاکم بر رویکردها و گرایش‌های یادشده، سطوح تفکیکی فلسفه دینی، معرفت‌شناختی و به‌طور خاص روش‌شناختی را جایگزین می‌سازد. با این آموخته، روش‌شناسی جامع تفسیر پیشرفت شناخت، روش‌شناسی مرجع منظومه‌های معرفتی و معارفی درون دینی است.

متون منطق تفسیری و روش تفسیر از رویکردها، روش‌ها، گرایش‌ها و سبک‌های تفسیری می‌گویند و آثار متعدد در این عرصه‌ها به گونه‌ای متشتم از این واژگان استفاده کرده‌اند. اندیشه مستند آثار یاد شده، در ایستادن و رکود خویش به این گزارش معطوف‌اند.

پیشرفت پژوهی قرآنی و قرآن پژوهی پیشرفت:

۱) دارای تنوعی از مبانی فلسفه دینی است و اولین معیار تکثیر این مشرب‌ها بر مدار این بنیان فلسفه دینی است. بر این مبنا برخی تفاسیر تصوفی (فردنگر) و یا برخی تفاسیر اجتماعی هستند؛

۲) دارای تنوعی از مبانی معرفت‌شناختی است. بر مبنای این معیار انواع تفاسیر کلامی، فقهی، عرفانی، علمی یا فلسفی اتفاق افتاده‌اند؛

۳) دارای تنوعی از مبانی روش‌شناختی است. بر مبنای این معیار انواع روش‌شناسی‌های تفسیری چونان روش‌شناسی استنباطی، روش‌شناسی سیستمی و یا روش‌شناسی تجزیه و تحلیل معانی برمی‌آید. روش‌شناسی‌های یاد شده به طبع معرفت‌شناسی برگزیده شکل می‌گیرد.

این منظومه سه لایه‌ای، به نوبه خود می‌تواند در ذیل یک رویکرد جامع مسأله محور راهبری شود. رویکردی برآمده از متن اسناد بالادستی دین پژوهی در سه سطح الگوی ترتیبی، الگوی تزیلی و الگوی راهبرنده موضوعی. با این لحاظ:

پژوهش تفسیری قرآن کریم سه سطح معنایی روش‌شناسی دارد

نخست، یک سطح تحلیلی آن روش‌شناسی به حیث ذات پژوهش مسئله محور با تأکید بر مسئله پژوهی پیشرفت؛

دوم، سطح دیگر تحلیل آن از حیث اصول روش‌شناسی تفسیر یک متن (متن مقدس یا هر متن دیگر)؛

سوم، از حیث اصول روش‌شناسی تفسیر پیشرفت شناخت متن قرآن کریم.

با این ملاحظه فرایند فرآوری روش‌شناسی پیشرفت پژوهی قرآن و قرآن پژوهی پیشرفت، در گام‌های زیر شکل می‌گیرد:

۱) گام اول شکل‌گیری ذهنیت فراروش: در این گام اصل چیستی روش‌شناسی، کارکرد عام آن و جایگاه و ضرورت آن و ساختار کلان مباحث آن شکل می‌گیرد، شامل دو بخش: مفهوم‌شناسی تازه روش تحقیق و روش‌شناسی تفسیری پیشرفت نگر، در اولین گام نیازمند تبیین روشنی است؛

پس می‌توان بر آن بنیان معرفت‌شناخت دست در کار پی‌افکنند بنیان تازه‌ای در فلسفه روش تحقیق پیشرفت‌نگر در اندیشه و دانش تفسیری شد.

۲) و در دومین گام با در اختیار داشتن ذهنیت مبنای فراروش یا روش‌شناسی کلان، یک تکاپوی رفت و برگشتی مستمر با رویکردها و گرایش‌های تفسیری و الگوهای روش‌شناختی پشتیبان آن در چشم‌انداز روش‌شناسی تفسیری پیشرفت‌نگر ضرورت می‌یابد که به تناسب تطور و بهینه‌شدگی روش‌شناسی مبنای این دادوستد نظری و کاربردی می‌تواند افزون بر مدد‌رسانی به حیث ایجابی روش‌شناسی برگزیده، حیث سلبی آن را تقویت جدی کند؛

۳) در گام سوم و به مدد دادوستد مستمر با دیگر رویکردها و روش‌شناسی‌ها، ساختار و شبکه تفصیلی روش‌شناسی برگزیده در سه سطح تحلیلی شکل می‌گیرد:

در یک سطح فرایند و سازوکار پژوهش تفسیری پیشرفت‌نگر: این منظومه روش‌ها، در ضمن فرایند و سازوکار پژوهش تفسیری پیشرفت‌نگر، جایگاه کاربردی و البته نظام‌واره خویش را می‌یابند. کلیت تدبیر این فرایند اندیشه‌ای و دانشی در ذیل الگوی جامع روش‌شناسی حکمی (فقه‌دردینی) اجتهادی معطوف به نظام مسائل پیشرفت، به سامان می‌رسد. داعیه مکتب قرآن‌شناخت پیشرفت و خواهانی آن این است که روش‌شناسی پژوهش پیشرفت در ذیل نظام جامع خویش مقتضای دانشی نظام درونی قرآن کریم است؛

و در سطح دیگر الگوی نظام جامع روش‌شناسی پژوهش تفسیری پیشرفت؛ و در راستای آن الگوی نظام جامع و دو سطح پیشین، شکل‌گیری دو نظام هماهنگ روش‌شناخت، یکی: روش‌شناسی مبتنی بر الگوی ترتیبی تفسیری قرآن کریم (در پردازش مدل مفهومی الگوی رشد) و دوم: روش‌شناسی مبتنی بر الگوی تنزیلی تفسیری قرآن کریم و کاربرد مستمر (مدل عملیاتی و الگوی برنامه‌ای آینده‌نگار راهبردی)؛

۴) در گام چهارم و به منظور بسط کارکرد تحقیق توسعه‌ای روش‌شناسی برگزیده تفسیری کوشش در شناخت و کاربرد آزمونی و از این رهگذر می‌توان با بهره‌مندی از عرصه‌های نوین روش‌شناسی پیشرفت پژوهی قرآنی؛ آن الگوی جامع و این روش‌شناسی درونزای مفهومی و عملیاتی را ظرفیت مفهومی و کارآمدی بیشتری بخشید؛

۵) و در پنجمین گام فرآوردی کاربردی روش‌شناسی برگزیده در گذار از مرحله‌ی تفسیر به تدبیر قرآنی تغییر در تناسب با منظومه و فرایند روش‌شناسی‌های پیشین با محوریت آشنایی و کاربرد مستمر، شامل:

نخست، روش‌شناسی اقتدار توسعه‌ای و کاربردی دانش تفسیری و نظام معارف قرآنی مبتنی بر آن؛ دوم، اصول و روش‌شناسی پژوهش انتقادی وضعیت موجود جامعه هدف؛ سوم، اصول و روش‌شناسی پژوهش الگوی مطلوب و فراتاریخی رشد، در کانون این پژوهش مسئله محور؛

چهارم، اصول و روش‌شناسی مطالعات راهبردی و تحقیق و توسعه‌ای در عرصه قرآن پژوهی در تناسب با دو روش‌شناسی پیشین.

به مدد گام‌های پنج‌گانه یاد شده و به مدد مکتب تفسیری پیشرفت شناخت می‌توانیم از مکتب معین روش‌شناسی تفسیر نیز سخن بگوییم تا یکی از ارکان پارادایمی فرایند اندیشه و دانش قرآنی از فصل‌نکاشت ادراکی تا نکاشت تحقیق و توسعه‌ای جاری باشد.

۲. نتیجه‌گیری

آموزه‌های دیانت‌انبیایی-قرآنی، دیانت راهبر به رشد جامع‌نگر در سه عرصه فرد، جامعه و تاریخ (تمدن) است. ایده‌ای که لبّ آموزه سوره حدید در سوره ۵۷ قرآن کریم و در شرح بر سوره حمد است:

۱) کانون ایدئولوژی قرآن‌شناخت پیشرفت، ایده‌محوری مدیریت حکمت‌بنیاد و عدالت‌گرای تغییر و قدرت است، که به نوبه خود دربردارنده لایه‌های یک نظریه جامع دین‌شناخت پیشرفت دانش‌بنیان و در حقیقت یک نظریه جامع‌نگر رشد حکمت‌بنیان، شامل مبانی نظری تا الگوی وضعیت مطلوب است که می‌تواند تا سطوح کاربردی مدیریت تغییر جریان یابد. مکتب قرآنی حکمت‌بنیاد رشد - توسعه در سوره حدید می‌آموزد که چگونه در زیرساز پردازش نظریه پیشرفت و یا الگوی معیار پیشرفت باید به پردازش «اندیشه قرآن‌شناخت پیشرفت» همت گماشت؛

۲) بنیان نظری و پارادایمی یک نظریه تغییر - رشد، از مبانی فلسفه دین تا مبانی معرفت‌شناختی تا مبانی هستی‌شناختی تا انسان‌شناختی را شامل می‌شود که سوره حدید در آیات یک تا شش آن را دنبال کرده و در سراسر سوره جریان بخشیده است؛

۳) کانون تحلیلی الگوی مطلوب تغییر - رشد نظام آرمانی، در سه سطح «ارزش‌مبنا»ی عبودیت و خلافت الهی و «دو اصل آرمانی و ارزشی» (سامانه گرایش‌ها با کانونیت ایمان و نیز سلوک‌های انگیزشی کمال برآیند یافته در اصل انفاق) به همراه «ارزش‌های عمومی و خادم پیرامونی» شکل گرفته و سر جمع می‌شود، که در آیات هفت تا ۲۴ در اختیار است؛

۴) یک مدل مفهومی عملیاتی الگوی رشد، باید بتواند ساز و کار لازم دسترسی به سطوح کاربردی و توسعه‌های الگوی مزبور را در راستای سامانه نظری و ارزشی تغییر - رشد به دست دهد و از این رهگذر قابلیت اقتداری آن الگو را تضمین کند. به گونه‌ای که از حوزه فلسفه‌هنجارین یک الگوی بینشی - ارزشی یادشده، به تناسب مقتضیات جامعه هدف، بتوان رهسپار الگوی دولت - ملت توسعه شد. نظام مدیریت راهبردی آینده‌نگار بر مدار دو مبنای اندیشه‌ای و ارزشی پیشین در مقتضیات عینی گوناگونی، شکل می‌گیرد. سوره، نمونه اصول ارزش‌داورانه گذار به سطوح تحقیق و توسعه‌های الگوی راهبری تحول را مستند به نظام آرمانی پیشنهاد می‌کند؛

۵) اوصاف درون‌زای «الگوی و حیانی و پیامبرانه رشد حکمت‌بنیان»، در سه اصل برجسته «بینات» یا روشن‌گری، «کتاب» یا قاعده‌ها و احکام، و نیز «میزان»‌ها و ملاک‌ها و در برآیند این سه اصل، «عدالت خودتوانمندان» جامعه - امت اسلامی است. لبدین سان الگو و نظام یادشده می‌تواند الگو و نظام معیار مدیریت حکمت‌بنیان و عدالت‌گرای قدرت تلقی شود. آیه ۲۵ بر این آموزه تأکید می‌ورزد؛

۶) یک الگوی انبیاپی رشد، دارای ظرفیت اثربخشی و روایی فردی، اجتماعی و تمدنی است. بستر تمدنی شدن الگوی پیشرفت و تاریخت یک الگوی حاکمیتی انبیاپی، در راستای سنت انبیاپی مدیریت رشد - توسعه، نوعی منطق مدیریت راهبردی واقعیت‌نگار قابل انتظار است. این تطور تاریخی می‌تواند وحدت هویت تمدنی جهان مسلمانی را تضمین کند؛

۷) وصف اصولی معنی‌داری انبیاپی زندگی، با بهره‌وری اصیل و مضاعفی در متن سبک زندگی روبه‌روست تا جایی که می‌توان در چارچوب چنین الگویی، دارای زیستی سرشار از رویش و بهره‌وری و راهگشای رویکرد آینده‌نگار فردی و اجتماعی بود. بدین گونه خودشدگی و خودبودگی

الهیاتی حکمی انسان رهرو، در فرایند رویش و پیرایش بالغی جریان دارد؛ (۸) به مدد سرفصل‌های تحلیلی یادشده می‌توان منطق حاکم بر نوع نقشه راه دستیابی به مدل مفهومی الگوی پیشرفت در یک پژوهش تفسیری پیشرفت را شناسایی کرد. دستاوردهای این پژوهش تفسیری می‌توانند در سطوح عالی نظریه‌پردازی پیشرفت، نظام جامع برنامه‌ریزی ملی تولید علم، حوزه‌های فکر دینی و به ویژه حوزه دانش تفسیری، مراکز تولید دانش ملی و نهادهای سیاست‌گذاری برنامه‌ریزی توسعه راهبردی به کار گرفته شوند.

پیشنهادها

پژوهش در دست داوری مخاطب، دارای نتایج کاربردی چندی است که به توصیه‌هایی نیز خواهد انجامید:

(۱) پیشنهاد نظریه‌مبنا یا الگوی معیار پیشرفت چه در سطح زیست فردی-اجتماعی و اساساً سبک زندگی، چه در عرصه ملی و نظام اجتماعی و دولت-ملت و چه در سطح عرصه بین‌الملل جهان اسلام و در این راستا و به طور خاص پیشنهاد شاكلة قرآن‌شناخت نظریه جامع «مدیریت حکمت‌بنیاد و عدالت‌گرای تغییر و قدرت» در مرز فارق معین با نظریه‌های التقاطی و سکولار جهان معاصر مسلمانی و بشری؛

(۲) پیشنهاد روش‌شناسی پیشرفت‌پژوهی در پژوهش تفسیری در راستای میان‌دسازی دانش تفسیر برای پشتیبانی ایده تحول نظام دانشی مبنا‌مدیریت راهبردی پیشرفت؛

(۳) ضرورت جهت‌بخشی فرایند پردازش دو نقشه جامع علم (نظام ملی تولید علم معطوف به پیشرفت) و نقشه جامع علمی (نظام ملی مدیریت حکمت‌بنیان و عدالت‌گرای پیشرفت) در راستای پژوهش تفسیری پیشرفت‌شناخت قرآنی در هر دو رویکرد پژوهش تربیتی و تنزیلی قرآن کریم و از این رهگذر، پردازش زیربنای پارادایمی سره و کارآمد برای طراحی نقشه راه الگوی تولید علم و الگوی توسعه دانش‌بنیان در عرصه‌های مختلف تعلیم و تربیت، حقوقی، سیاسی، فرهنگی و...؛ (۴) ضرورت مبنا‌پردازی مناسب برای جهت‌بخشی نظام اولویت‌ها در سامانه برنامه‌ریزی ملی تولید علم و قوانین برنامه توسعه؛

(۵) ضرورت جهت‌بخشی به گفتمان نخبگانی و ارتقاء سطح و گستره نظریه‌پردازی و نوآوری درباره بنیان معرفت‌شناخت الگوپردازی پیشرفت و به طور خاص، اندیشه‌پردازی دین‌شناخت رشد-توسعه‌ملی.

نمونه آموزه‌های قرآنی در سامانه تربیتی خود در یک سطح و منطق حاکم بر نظام تنزیلی قرآن کریم و نیز بر تفسیر سنت آل‌البیت (ع) بر دو سامانه تربیتی و تنزیلی یادشده، در سطحی دیگر، رهنمودهای نظام‌واره‌ای برای ایجاد تحول مورد نظر در الگوی برگزیده پیشرفت در شأن نزول و مصداق‌های معاصر تحول، مانند جهان‌ایرانی را به دست می‌دهند. این نمونه مطالعه تفسیری، کاربرد نظریه تعالیم قرآنی برای سامان‌بخشی «الگوی معیار رشد» و «نظریه مبنا‌مدیریت پیشرفت» را نشان می‌دهد.



منابع

- ایمان، محمد تقی (۱۳۹۱). فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آراسته، ح.ر. (۱۳۸۸). میان رشته‌ای‌ها در آموزش عالی. فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، ۲، ۲۵-۴۰.
- قراملکی، احد فرامرز (۱۳۹۲). روش‌شناسی مطالعات دینی. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- کاپرا، فریتیوف (۱۳۹۲). پیوندهای پنهان (تلفیق گسترده‌های زیست‌شناسی، شناختی و اجتماعی حیات در علم پایداری). ترجمه محمد حریری اکبری، تهران: نشر نی.
- کلاین، جولی تامسون (۱۳۸۹). فرهنگ در میان رشته‌ای در آموزش عالی. ترجمه هدایت الله اعتمادی زاده و نعمت الله موسی‌پور، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- متین، منصور (۱۳۸۸). تفکر میان رشته‌ای. قم: بوستان کتاب.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). بحارالانوار. ج ۱، ۱۷۷.
- محمودی محمدآبادی، طیبیه (۱۳۹۵). بارفتن ذهن در کشمکش بلور ساختارها. مجموعه مقالات ششمین کنفرانس مرکز الگو، مقاله منتشر شده در ششمین کنفرانس ملی تعمیق و تکمیل الگوی پایه پیشرف.
- نیکول، ر. کوله (۱۳۸۸). آموزش دانشگاهی و مطالعات میان رشته‌ای. ترجمه دکتر محمدرضا دهشیری، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- Gibbons, M. (1994). *The New Production of Knowledge: The Dynamics of Science and Research in Societies*. London: Sage publications.
- Palmer, Carole (1999). Structures and Strategies of interdisciplinary science, *Journal of the American society for information science and technology*.

بررسی فراوانی مؤلفه‌های انگیزه پیشرفت در کتاب‌های ابتدایی با تأکید بر آموزه‌های قرآن و تفاسیر

مژده علیزاده^۱: دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه شهید باهنر کرمان

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم

سال نهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۰۷-۱۲۶

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۹/۲۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۰۳/۱۸

چکیده

استخراج مؤلفه‌های انگیزه پیشرفت از متن آموزه‌های اسلامی و به کارگیری آنها در کتب آموزشی در جهت پیشرفت و موفقیت دانش‌آموزان از اهمیت بسزایی برخوردار است. لذا هدف از پژوهش حاضر «بررسی فراوانی مؤلفه‌های انگیزه پیشرفت در کتاب‌های فارسی (بخوانیم) و هدیه‌های آسمان ابتدایی (تألیف‌های جدید ۱۳۹۳-۱۳۹۵) با تأکید بر آموزه‌های قرآن و تفاسیر» است. روش پژوهش تحلیل محتوا است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها آمار توصیفی است. جامعه آماری نیز کتاب فارسی (بخوانیم) و هدیه‌های آسمان است. نمونه آماری همان جامعه آماری در نظر گرفته شد. ابزار پژوهش سیاهه تحلیل محتوا بود که روایی آن توسط متخصصان حوزه دینی و روان‌شناسی تأیید شد. نتایج پژوهش نشان داد کتاب‌های مذکور تا حد متوسطی به انگیزه پیشرفت توجه داشته‌اند. در این راستا بیشترین میزان توجه در کتاب فارسی (بخوانیم) سال سوم و هدیه‌های آسمان سال ششم و کمترین میزان توجه در بخوانیم سال اول و هدیه‌های آسمان سال دوم است. همچنین از میان مؤلفه‌های انگیزه پیشرفت بیشترین میزان توجه به مؤلفه ایمان به خدا، توکل و دعا و سپس مؤلفه‌های داشتن صبر، استقامت و پایداری و داشتن تلاش و پشتکاری در انجام هر کاری اختصاص یافته است. کمترین میزان توجه نیز به مؤلفه‌های مرکز کنترل درونی، رقابت سازنده (در حیطه علمی و ورزشی) و مسئولیت‌پذیری (پذیرفتن مسئولیت اعمال و خطاهای خود) اختصاص یافته است.

کلیدواژه‌ها: انگیزه پیشرفت، کتب درسی هدیه‌های آسمان و فارسی، آموزه‌های قرآن و تفاسیر، تحلیل محتوا.



۱. مقدمه

مفهوم انگیزه یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین مباحث در روان‌شناسی و به خصوص روان‌شناسی تربیتی است. با توجه به تعاریف متعددی که از این مفهوم شده است، گرامن^۱ انگیزش را عاملی می‌داند که انسان را بر می‌انگیزد، به حرکت و می‌دارد و به سوی رفتار معین سوق می‌دهد. در تأیید گرامن، یانگ^۲ نیز انگیزش را فرآیند فعال کردن رفتار، حفظ فعالیت و هدایت الگوی رفتار تلقی می‌کند (خداپناهی، ۱۳۹۰). همانطور که ملاحظه می‌شود موضوع اصلی انگیزه به نیازهایی مربوط می‌شود که به رفتار نیرو و جهت می‌دهند.

انگیزه پیشرفت از جمله نیازهای اکتسابی شخصیت هر فرد است که نخستین بار توسط مورای^۳ در سال ۱۹۳۰ مطرح شد (ریو^۴، ۱۳۸۸). مورای انگیزه پیشرفت را به معنای غلبه بر موانع، رقابت کردن و مبارزه با سختی‌ها می‌داند (اسپین مایر، اسپیناد^۵، ۲۰۰۹). مک کلند، اتکینسون، گلارک و لوول^۶ انگیزه پیشرفت را به معنای بدست آوردن چیزی با سعی و تلاش بسیار که موجب رضایت فرد شود برای رسیدن به معیاری از برتری می‌دانند (فلدمن^۷، ۱۹۹۲).

انگیزه پیشرفت یکی از فاکتورهای مهم در یادگیری محسوب می‌شود که بر پیشرفت تحصیلی و آینده دانش‌آموزان تأثیر بسزایی دارد (تانگسلپ^۸، ۲۰۱۲). به طور خلاصه، تاکنون پژوهش‌ها وجود رابطه مثبت میان انگیزه پیشرفت و پیشرفت تحصیلی را تأیید کرده‌اند (اندر، بسولوک، لسکندر، ماسل و دمیرهن^۹، ۲۰۱۴؛ امرایی، الهی مطلق، زلانی و پارهون، ۲۰۱۱؛ تویساز، یلدیران و دیمیرسی^{۱۰}، ۲۰۱۰).

1. Grumman
2. Yong
3. Murray
4. Reeve
5. Speinmayr, Spinath
6. McClelland, Atkinson, Clark & Lowell
7. Feldman
8. Tongsilp
9. Onder, Besuluk, Leskender, Masal & Demirhan
10. Tuysuz, Yildiran & Dmirci

«در ایران کاهش انگیزه پیشرفت و به تبع آن شکست تحصیلی از مهم‌ترین مشکلات کنونی نظام آموزشی محسوب می‌شود و هر ساله ده‌ها میلیارد ریال از بودجه کشور را هدر می‌دهد و نیروهای بالقوه و سرمایه‌های جامعه که همان نیروی انسانی است، بی‌ثمر می‌ماند» (میرساردو، صداقت، ۱۳۹۳، ص. ۹). خسارت‌های ناشی از شکست تحصیلی تنها مربوط به بعد اقتصادی نمی‌شود، بلکه بر شرایط روحی و سلامت روانی دانش‌آموزان نیز تأثیرات نامطلوبی می‌گذارد و منجر به کاهش اعتماد به نفس، افسردگی، انواع جرم و بزهکاری و فقر سریع در زندگی آنها می‌شود (والکی، مک کری، مایر، ویر، ۲۰۱۳).

برخی تحقیقات خود ضمن ابراز نگرانی از شکست تحصیلی دانش‌آموزان به عنوان یک مشکل اساسی و مهم در جهان، عوامل آموزشی را یکی از عوامل اصلی این شکست می‌دانند (والکی، مک کری، مایر، ویر، ۲۰۱۳؛ کیرازولو^۱، ۲۰۰۸؛ هانوشیک، لوی، هیتومی، ۲۰۰۷). در واقع تمامی موارد فوق سبب گشته که عوامل آموزشی به شدت احساس نیاز به کسب اطلاعات بیشتر پیرامون نحوه ایجاد انگیزه در متعلمان و از جمله جوانان در معرض خطر و ترغیب آنها به کسب نگرش‌های مثبت درباره خود و یادگیری کنند (ایگی، ایشی ای، شیباتا، آریه، فوکماچی، اُکی^۲، ۲۰۱۳؛ بروفی^۴، ۲۰۱۰).

کاهش انگیزه پیشرفت در دانش‌آموزان را باید خطری جدی برای نظام آموزشی دانست. زیرا کاهش این انگیزه در دانش‌آموزان علاوه بر به بار گذاشتن آثار شوم و نافرجام در آینده آنها، به تبع در رکود، جمود و عقب‌ماندگی هر چه بیشتر جامعه نیز تأثیرات نامطلوب خود را خواهد گذاشت. به بیانی دیگر نظام آموزشی هر جامعه زمانی کارآمد و اثربخش است که یادگیرندگان آن در مرتبه بالایی از پیشرفت قرار داشته باشند و این مهم موفقیت و پیشبرد آن جامعه به سمت اهداف عالی را نشان می‌دهد.

شاید بتوان گفت یکی از مهم‌ترین عوامل عدم انگیزه یادگیری و پیشرفت در دانش‌آموزان علاوه بر ناکارآمدی برخی از عوامل اجرایی نظام آموزشی در متون کتاب‌های درسی نیز نهفته است. کتاب‌های درسی نقش بااهمیتی در نظام‌های آموزشی و از جمله نظام آموزشی ایران ایفا می‌کنند. کتاب‌های درسی در برانگیختن انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان نیز از اهمیت بسزایی برخوردارند. در واقع یکی از نقش‌های اصلی کتاب‌های درسی ترغیب دانش‌آموزان به سمت پیشرفت است.

از طرف دیگر با توجه به اهمیت کتاب‌ها به عنوان یک منبع مهم آموزشی حل بسیاری از مشکلات نظام آموزشی نیز مستلزم بررسی و تحلیل و ارزیابی کتاب‌های درسی است. در سال‌های اخیر تغییرات زیادی در کتاب‌های دوره ابتدایی صورت گرفته که یکی از آنها

1. Kirazolo

2. Hanushek, Lavy & Hitomi

3. Aoyagi, Ishii, Shibata, Arai, Fukamachi & Oka

4. Brophy



تغییرات اصلاح و بازنگری کلیه کتاب‌های دوره ابتدایی از جمله کتاب فارسی (بخوانیم) و هدیه‌های آسمان است.

کتاب‌هایی با زبان ملی هر کشور به عنوان مهم‌ترین مواد درسی در هر کشوری از جهت آشنا ساختن دانش‌آموزان با ارزش‌ها، آداب، رسوم، حفظ سنت‌ها و ذخایر فرهنگی جامعه خویش است و همچنین کتاب‌های هدیه‌های آسمان نیز به دلیل نقش بنیادی خود در تعلیم و تربیت دینی و سر و کار داشتن با روح و روان دانش‌آموزان و تغییر در باورها و نگرش‌های آنها از جایگاهی ویژه در برنامه درسی نظام آموزشی برخوردارند. از این رو ترغیب هر چه بیشتر دانش‌آموزان به پیشرفت در چنین کتاب‌هایی امری ضروری است.

لذا با توجه به نقش حیاتی و اهمیت خاص کتاب‌های مذکور و نیز به جهت آنکه محتوای این کتاب‌ها در خلال سال‌های ۱۳۹۰ - ۱۳۹۳ مورد تغییرات اساسی قرار گرفته است، لازم دانسته شد تا میزان توجه به انگیزه پیشرفت در آنها از منظر مؤلفه‌های انگیزه پیشرفت در آموزه‌های قرآن و تفاسیر مورد بررسی قرار گیرد. چرا که «در این آموزه‌ها روح پیشرفت و ترقی نهاده شده و تمام دستورات آنها برای داشتن زندگی سعادت‌مندان‌ای در این جهان و جهان دیگر است» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۱۰).

به بیانی دیگر نظریه‌ای که قرآن کریم به عنوان یکی از منابع اصیل اسلامی در باب انگیزش می‌دهد نیز در راستای رشد، پیشرفت و تکامل انسان برای رسیدن به غایت اصلی و هدف نهایی یعنی؛ کمال مطلوب است.

۲. تأملی بر مبانی نظری و تجربی پژوهش

با توجه به اهمیت وافر علاقه‌مند ساختن و برانگیختن دانش‌آموزان به فعالیت‌های تحصیلی از جمله خواندن، درک و یادگیری بهتر کتب درسی و رسیدن به میزان بیشتری از موفقیت، شناخت صحیح مبانی نظری حوزه انگیزش و به کارگیری کاربردهای عملی آنها در کتب درسی بسیار ضروری است. در این راستا انگیزه پیشرفت تاکنون توسط محققان غربی بسیار مورد بررسی قرار گرفته است و هر یک با نگاهی متفاوت به مسائل مربوط به آن می‌پردازند. از جمله:

مورای (۱۹۳۸) نخستین محققی بود که در این زمینه به مطالعه علمی پرداخت. مورای انگیزه پیشرفت را برحسب نیرومندی متغیرهای گوناگون نیازهای شخصی طبقه‌بندی کرد که یکی از آن نیازها را نیاز به پیشرفت نام‌گذارد. به اعتقاد مورای افراد دارای انگیزه پیشرفت اشتیاق به انجام فعالیت‌های سخت با معیار باکفایت را دارند، آنها تمایل به اهداف دوردست و نتایج عالی و رقابت کردن دارند (حسینی پور، ۱۳۸۷).

اتکنسون در دیدگاه کلاسیکی خود بیان داشت انگیزه پیشرفت به دو صورت گرایش به موفقیت و اجتناب از شکست در افراد وجود دارد. وی دریافت افراد با گرایش به موفقیت کارهایی با دشواری متوسط و افراد دارای گرایش اجتناب از شکست کارهای بسیار سخت یا بسیار آسان را ترجیح

می‌دهند (اتکینسون، ۱۹۵۷). وینر، اسنادی که افراد از علت موفقیت و یا عدم موفقیت خود دارند را عامل مهمی در ایجاد انگیزه پیشرفت آنها می‌داند (وینر، ۱۹۸۵). تلاش برای موفقیت یا عدم تلاش، دشواری تکلیف و توانایی یا عدم توانایی از جمله علت‌های موفقیت یا شکست هستند (ویگفیلد، ۱۹۹۴؛ آرکس و گیرسک، ۱۹۸۲). هرمنس^۴ نیز ویژگی‌های افراد دارای انگیزه پیشرفت را بدین شرح می‌داند: سطح آرزوی بالا، آینده‌نگری، درک پویا از زمان و احساس، انگیزه قوی برای تحرک به سمت بالا، داشتن پشتکار با مقاومت، میل به انجام کار متوقف شده، داشتن ملاک شایستگی در انتخاب دوست، انجام خوب کارها، رفتار ریسک پایین و داشتن عملکرد خوب در کارها (هرمنس، ۱۹۷۰).

اما باید توجه داشت یک اصل اساسی در نظریات انگیزشی غرب مورد مغفول مانده است و آن توجه به فطرت پاک انسانی و عامل معنوی است که این مهم در نظریات انگیزشی اسلام مطرح می‌شود. رویکردهای انگیزشی در نظرگاه قرآن با رویکردهای دیگر دارای تفاوت‌های اساسی است و یکی از مهم‌ترین این تفاوت‌ها قرار گرفتن نظریه انگیزشی قرآن بر پایه جهان‌بینی و انسان‌شناسی الهی و همچنین باورها، نگرش‌ها، ایدئولوژی و ارزش‌های اسلامی و توجه به بعد معنوی انسان است. جهان‌شناسی الهی جایگاهی پررنگ در نظریه‌های انگیزشی قرآن دارد.

به اعتقاد شهید مطهری «جهان‌بینی توحیدی به زندگی انسان؛ معنا، روح و هدف می‌بخشد و آن را در مسیر کمال قرار می‌دهد، همچنین انسان را به نشاط و شادی و آرامشی می‌رساند که برای او کشش و جاذبه ایجاد می‌کند؛ در اینجا است که وی مسئولیت خود را در برابر حق معنادارتر و بیشتر می‌بیند و خود را از سقوط در دره هولناک نیستی و پوچی حفظ می‌کند» (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۲، ص. ۸۶). از منظر قرآن کریم مبدأ جهان هستی و تنها آفریننده آن خداوند است «وَ الْهُمَّ لِإِلَهِ وَاجِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» (بقره/۱۶۳)، تمامی پدیده‌ها با تمام نیروی خود در حرکت به سمت کمال هستند و نیروی هدایت‌کننده آنها همان هدایت الهی است «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه/۵۰). در جهان‌شناسی الهی جهان ماهیت از اویی و به سوی او دارد «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره/۴۶) و «آل عمران/۸۳؛ نور/۴۲؛ هود/۱۲۳؛ غافر/۳» و این عالم طبیعی بر اساس علت و معلول بنیان‌گشته است «اللَّهُ يُمَسِّكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ...» (فاطر/۴۱). در واقع «آموزه‌های قرآن با تغییر و اصلاح شناخت و تفکر نسبت به جهان و تبدیل جهان‌بینی بشر به جهان‌بینی الهی، بر نگرش انسان به مسائل زندگی و رفتار، عواطف و احساسات شخص تأثیر می‌گذارد که ایمان و توکل به خدا، مثبت‌اندیشی، امیدواری به زندگی، الگو قرار دادن پیامبر (ص) و اولیای الهی و اعتقاد به معاد از نتایج آن است» (رضایی اصفهانی، بی‌تا، ج ۲، ص. ۶۹). در انسان‌شناسی الهی نیز انسان دارای فطرتی خداجو «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ

1. Weiner
2. Vigfield, Arkes, Garske
3. Arkes, Garske
4. Hermans

أَعْبَرَ اللَّهُ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (انعام/۴۰) و موجودی دو ساحتی برخوردار از بعد جسمانی و معنوی
 «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ» «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا
 لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر/۲۸-۲۹)، دارای هدف «وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات/۵۶)، عزت و
 کرامت «وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...» (اسراء/۷۰) و مقام والای خلیفه الهی است «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ
 فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...» (بقره/۳۰). همچنین انسان موجودی همیشه زنده «عَلَىٰ أَنْ يُبَدَّلَ أَمْثَالَكُمْ وَ نُشَخَّكُمْ فِي مَا لَا
 تَعْلَمُونَ» (واقعه/۶۱) و دارای آزادی و اختیار است «بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجَرًا أُمَّامَهُ» (قیامت/۵).

از منظر قرآن کریم استعداد پیشرفت در همه انسانها قرار داده شده است، چنان که قرآن به ابزارهای
 نوشتن سوگند می خورد: «أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ» «أَقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ» «الَّذِي عَلَّمَ
 بِالْقَلَمِ» «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَن لِيطغى» «پروردگار تو همان کسی است که قلم به دست
 گرفتن را به انسان آموخت» (علق/۶-۱)، «یعنی استعداد پیشرفت در جهت تکامل تاریخ و اجتماع را
 به انسان داد» (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۱۰). در واقع «یکی از تفاوت های انسان از دیگر موجودات
 قرار دادن استعداد دانایی و نادانی و پیشرفت و عقب ماندگی در انسان است، آنگاه خداوند او را از
 یکی نهی و به دیگری دستور داده است. نتیجه این استعداد و امر استفاده متفاوت از این استعداد
 فرمانبرداری و نافرمانی خداوند است و اگر خداوند این موهبت را به انسان نمی داد، تمام مردم در
 یک سطح قرار داشتند» (مغینه و همکاران، بی تا، ج ۳، ص ۱۱۴). قرآن استعداد پیشرفت را یک
 استعداد فطری می داند که نیاز به فعلیت رساندن دارد که آن نیز منوط به رعایت تقوا و اراده است
 (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴).

از منظر قرآن کریم انسان خود منشأ تحول و تغییرات است و در واقع مرکز کنترل در درون
 خود انسان قرار دارد که این مهم به حتم سبب ترغیب وی به سمت رشد و پیشرفت می شود:
 «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد/۱۱). علامه طباطبایی در تفسیر المیزان با اعتقاد به
 حاکم بودن قضاء و قدر الهی و اختیار انسان در ساختن سرنوشت خود و همچنین با استناد به
 آیه «وَ كُلُّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ» (اسراء/۱۳) بیان می دارد که عاقبت و سرنوشت انسان با اعمال
 ارادی و اختیاری خودش لزوم و حتمیت پیدا می کند. در واقع اختیار انسان سبب حرکت وی به
 سمت کمال یا شقاوت می شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳). در همین راستا شهید مطهری نیز هم
 عقیده با علامه اعتقاد به قضا و قدر الهی و به تبع آن حاکم بودن انسان بر سرنوشت خویش
 از منظر جهان بینی الهی را سبب ایجاد امید، نشاط و فعالیت در انسان و اعتماد به نتیجه از عمل
 خود را دارای اثر خارق العاده ای می داند، برخلاف جهان بینی مادی که فاقد این مزیت است و
 این یکی از تفاوت های بسیار حساس و قابل توجه در مکاتب مادیان و اسلام است. در حقیقت
 سرچشمه اصلی این نوع تعلیم که بشر را در عین اعتقاد به قضا و قدر الهی به تسلط بر سرنوشت
 خود معتقد می کند، قرآن کریم است «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَ أَجَلٌ مُسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ
 تَمُرُّونَ» (انعام/۲) (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۶).

از طرف دیگر ایمان به خدا، دعا، توکل، تلاش و استقامت محرک هایی عظیم در حرکت به

سمت پیشرفت هستند. در نظرگاه تفسیر المیزان، قرآن کریم همواره با تحریک و ترغیب مخاطبان خود به سمت ایمان به خدا، صبر، استقامت و... در جهت رشد، تعالی و کمال آنها و پدید آوردن روحیه پیشرفت در جوامع می‌کوشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص. ۳۳۹؛ همان، ج ۱، ص. ۵۳۰؛ همان، ج ۱۲، ص. ۴۹۰). در همین راستا تفسیر کوثر با اشاره به اهمیت انگیزه‌ها آنها را به دو دسته مادی (دنیوی) و معنوی (اخروی) تقسیم می‌کند. از نظر این تفسیر انگیزه‌های معنوی قوی‌تر از انگیزه‌های مادی عمل می‌کنند. در این تفسیر در ذیل آیه «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ...» (نساء/۳۶)، جعفری اذعان می‌دارد: ایمان به خدا به عنوان زیربنای هر نوع ارزش‌های دینی و اخلاقی و توکل به معنای حرکت و پویایی همراه با بالاترین درجه ایمان است که در انسان ایجاد انگیزه می‌کنند و وی را وادار به انجام اعمال مثبت می‌سازند و در نهایت موجبات تعالی و ترقی معنوی وی را فراهم می‌سازند. وی با استناد به آیات کریمه قرآن از جمله «كَتَبَ اللَّهُ لَأَعْلَيْنَا أَنَا وَرُسُلِي» (مجادله/۲۱)، امید به پیروزی و موفقیت را موجب نشاط و محرک انسان به سمت تعالی و پیشرفت می‌داند. چرا که یکی از سنت‌های خدا در قرآن شکست و پیروزی ملت‌ها در ایام مختلف است و بدین وسیله قرآن سعی دارد با امید به پیروزی، صبر و استقامت به جوامع حرکت ببخشد (جعفری، بی تا، ج ۴). مکارم شیرازی نیز در تفسیر نمونه با تقسیم انواع انگیزه‌ها به واهی (پنداری) و مادی و معنوی معتقد است که انگیزه‌های الهی و معنوی در تحریک انسان نیرومندتر عمل می‌کنند. انگیزه‌های پنداری در نهایت نمی‌تواند انسان را به هدف مطلوب برسانند، همچنین انگیزه‌های مادی پایان پذیرند، اما انگیزه‌های معنوی جاودانه باقی می‌مانند و به رفتار انسان جهت صحیح می‌بخشند. با توجه به آیه «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (نور/۳۵)، ایمان به خدا انگیزه نیرومندی برای حرکت به سمت برنامه‌های سازنده و هم وسیله ترقی و پیشرفت است و توکل انگیزه حرکت در این راه پرفراز و نشیب است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰). در تفسیر عاملی رشد و پیشرفت و کمال انسان زمانی است که انسان با میل و اراده و انگیزه، خود را در ارتباط با خداوند بداند و از نعمت‌ها و وسایلی که به او داده شده علاوه بر استفاده‌های مادی، استفاده‌های معنوی نیز بکند. این تفسیر با استناد به آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هُمْ اللَّهُ وَ مِنْ أَتْبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (انفال/۶۴)، اولین قدم پیشرفت مسلمانان در جنگ بدر را به واسطه ایمان خود و می‌داند (عاملی، ۱۳۶۰، ج ۴).

همچنین قرآن کریم با بیان آیه «وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ...» «و بر یکدیگر سبقت بجوئید برای رسیدن به آمرزش پروردگار خود و بهشتی که وسعت آن آسمان‌ها و زمین است و برای پرهیزگاران آماده شده است» (آل عمران/۱۳۳)؛ مخاطبان خود را به سمت یک سبقت‌گیری سازنده از یکدیگر به منظور رسیدن به هدف فرامی‌خواند. تفسیر نمونه در ذیل آیه فوق این سبقت گرفتن در انجام اعمال نیک از یکدیگر را موجب رسیدن هر چه سریع‌تر به هدف می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص. ۹۱). تفسیر نور ملکوت قرآن نیز ذیل همین آیه رقابت را موجب رسیدن به کمال ربوبی و بهشت می‌داند (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص. ۳۳۴). قرآن کریم در آیات متعدد دیگری نیز این مهم را مورد توجه قرار داده، از جمله «وَلِكُلِّ وُجْهَةٍ هُوَ مَوْلَاهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا...»

(بقره/۱۴۸)، «سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ» (حدید/۲۱).

بر اثر رقابت سازنده است که شادی و نشاط در انسان افزایش می‌یابد و روحیه خودباوری نیز در فرد تقویت می‌شود. از طرف دیگر در پرتو خودباوری و اعتماد به نفس است که انگیزه حرکت به سمت ترقی و پیشرفت در انسان فراهم می‌شود و وی را به ثبات قدم و اراده‌ای محکم می‌رساند. قرآن کریم همواره با ترغیب و تقویت روحیه اعتماد به نفس و خودباوری در مؤمنان به نشاط و حرکت آنها می‌افزاید؛ از جمله زمانی که جنگ احد بر اثر نافرمانی و عدم انضباط نظامی جمعی از سربازان اسلام، در پایان به شکست انجامید؛ قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران/۱۳۹). «در این آیه واژه «تهنوا» از ماده «وهن» گرفته شده و «وهن» در لغت به معنی هر نوع سستی است، خواه در جسم و تن باشد، و یا در اراده و ایمان. در این آیه نخست به مسلمانان هشدار داده شده که مبادا از باختن یک جنگ، سستی به خود راه دهند و غمگین شوند و از پیروزی نهایی مأیوس شوند، زیرا افراد بیدار همان‌طور که از پیروزی‌ها استفاده می‌کنند از شکست‌ها نیز درس می‌آموزند و در پرتو آن نقاط ضعفی را که سرچشمه شکست شده، پیدا می‌کنند و با برطرف ساختن آن برای پیروزی نهایی آماده می‌شوند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، صص. ۱۰۷-۱۰۸).

خوش‌بینی و امید به آینده نیز همواره مورد توجه آموزه‌های اسلامی و موجب تحرک آفرینی انسان بوده است. در واقع نهی از ناامیدی همواره مورد توجه اکید قرآن است «و لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى» (ضحی/۵). این آیه را می‌توان امید بخش‌ترین آیه قرآن دانست. تفسیر نور نیز در باب آیه «وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنْبِتْنَهُمْ بِأَمْرِنَا هَذَا» (یوسف/۱۵) امید را بهترین سرمایه برای ادامه زندگی می‌داند و بهترین مکتب را آن می‌داند که به پیروان خود امید و عشق بدهد و سرنوشت و آینده آنها را روشن سازد (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص. ۱۷۱). در واقع بدون داشتن نگرش مثبت و امید نسبت به آینده دلیلی برای قدم برداشتن به سمت پیشرفت وجود ندارد. در همین راستا تحقیق تانگسلپ (۲۰۱۲) بر روی ۸۴۰ دانشجوی تایلندی نیز این مهم را اثبات کرد که دانشجویانی انگیزه پیشرفت قوی‌تری داشتند که از خوش‌بینی و امید به موفقیت بیشتری برخوردار بودند. بر این اساس می‌توان میان انگیزش و تلاش و کوشش و داشتن اهداف عالی در آموزه‌های اسلامی نیز ارتباط عمیق و هماهنگی خاصی برقرار کرد. چنان‌که انگیزش نشأت گرفته از تلاش بیانگر این حقیقت است که اصل آن همان تلاش شخصی بوده است که فرد را مستحق پاداش و ثواب می‌سازد» (دراز، عطایی، ۱۳۸۷، ص. ۶۸۳). «تلاش و کوشش موجب شیفتگی و کشش انسان به سمت عالم نور و حیات اعلی می‌شود» (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۶، ص. ۱۶۹). از طرف دیگر هدف‌های سطح بالا نیز رفتار را نیرومند می‌سازند و تلاش را افزایش می‌دهند، داشتن هدف انگیزه به وجود می‌آورد و فرد را ترغیب به بدست آوردن آن می‌سازد. «زیرا هدف در بیرون از آدمی مطرح می‌شود و انعکاس آن و شناخت آن که امر درونی است انگیزه و عامل حرکت او می‌شود» (صفائی حائری، ۱۳۸۶، ج ۱، ص. ۵۰۶). افرادی که هدف ندارند انگیزه هم ندارند، مخصوصاً برای رسیدن به میزان بیشتری از ترقی و پیشرفت باید اهداف عالی‌تری هم داشت. از منظر قرآن کریم طالب علم باید هدف داشته باشد (کهف/۶۶). قرآن در موارد بسیاری

به کمال و رستگاری رسیدن انسان‌ها را منوط به داشتن اهدافی عالی و نیک می‌داند «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيُعْبَدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَ ذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ» (بقره/۲۷؛ زمر/۳؛ مائده/۳۵؛ اعراف/۱۰۰؛ حج/۷۷؛ انفال/۴۵؛ کهف/۲۸).

افراد دارای انگیزه پیشرفت به سمت اهداف عالی معمولاً در مقابل نتایج عملکردشان خود را مسئول می‌دانند و سعی می‌کنند با پذیرفتن مسئولیت اعمال و خطاهای خود درصدد رفع و جبران آنها برآیند. قرآن کریم نیز این مهم را مورد توجه قرار داده و هر کس را مسئول اعمال نیک و بد خود می‌داند: «تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ لَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (بقره/۱۳۹) و (نور/۵۴؛ بقره/۱۴۱؛ سبأ/۲۵؛ آل عمران/۲۰؛ مائده/۹۹؛ عنکبوت/۱۳؛ انعام/۱۶۴؛ اسراء/۸۴). تفسیر انوار درخشان نیز در ذیل آیه «مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ» (عنکبوت/۵) همواره مخاطبین را ترغیب به مراقبت کامل از اعمال و افعال اختیاری خودشان می‌کند. چرا که انسان در برابر حرکات و اعمال ارادی خود مسئولیت دارد، «پس باید از این اعمال مراقبت کند، زیرا این افعال هرگز عارضی یا عارضی نیستند. بلکه تحریک ذات نهفته خود هستند که به سوی هدفی که خود در نظر گرفته در حرکت هستند» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۲، ص. ۳۰۵).

در دهه‌های اخیر توجه به انگیزش در اسلام محور برخی از پژوهش‌ها نیز قرار گرفته است، به عنوان مثال علوی و اعتصامی (۱۳۸۸) عوامل مؤثر بر انگیزه توفیق‌طلبی از منظر آموزه‌های دینی را در سه بعد جهان‌بینی اسلامی، باورهای اسلامی و ایدئولوژی بررسی کرده‌اند که در بعد جهان‌بینی اسلامی به تشریح نگرش اسلام به قضا و قدر الهی (حاکم بودن انسان بر سرنوشت خود)، انسان، هستی و آینده جهان پرداخته‌اند. در بعد باورهای اسلامی ایمان و توکل را در سه جنبه ایمان مذهبی، ایمان به غیب و ایمان به معاد بررسی کرده‌اند. سپس فواید ایمان مذهبی را که شامل خوش‌بینی نسبت به جهان، امیدواری به نتیجه خوب در قبال تلاش خوب و... می‌شوند و همچنین آثار ایمان به معاد را که شامل امید به موفقیت، تلاش زیاد، مسئولیت‌پذیری و استقامت و پایداری می‌شوند را موجب انگیزه توفیق‌طلبی و تقویت آن در انسان می‌دانند. همچنین در بعد ایدئولوژی نیز ویژگی‌هایی چون اعتماد به نفس و... را از جمله عوامل مؤثر بر انگیزش توفیق‌طلبی در انسان می‌دانند.

عریضی و عابدی (۱۳۸۲) در تحقیقی با عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی ابتدایی بر حسب سازه انگیزه پیشرفت» (با تأکید بر دیدگاه هرمنس) نتیجه گرفتند کتاب‌های ریاضی و علوم بیش از سایر کتاب‌ها به این مؤلفه‌ها توجه کرده‌اند و کتاب‌های فارسی و دینی و قرآن تا حدودی و کتاب اجتماعی نیز در این زمینه ضعیف عمل کرده است.

شاه محمدی (۲۰۱۳) در تحقیقی با عنوان «تحلیل محتوای کتاب‌های علوم ابتدایی بر اساس سازه انگیزه پیشرفت» (۲۰۱۰-۲۰۱۱) انجام داد. شاخص‌های این پژوهش با توجه به دیدگاه هرمنس انتخاب شده بودند. وی میزان بالای توجه به انگیزه پیشرفت در این کتاب‌ها را نتیجه گرفت.

اینجسر، رینبرج و مولر (۲۰۰۹) در بررسی «انگیزه پیشرفت در کتاب‌های درسی آلمان بر اساس نظریه مک کلند» (در دو ایالت مرکزی از آلمان) نتیجه گرفتند کتاب‌های درسی ایالت‌های دارای

امتیازات بالاتر از انگیزه پیشرفت بیشتری هم برخوردارند.

در جمع‌بندی نتایج پژوهش‌های انجام شده می‌توان چنین استنباط کرد که تاکنون توجه به انگیزه پیشرفت مورد توجه محققان داخل و خارج کشور قرار گرفته است، اما با توجه به کاوش‌های انجام شده در این پژوهش توسط محقق مقوله انگیزه پیشرفت مخصوصاً در باب تحلیل محتوای کتب بیشتر مورد توجه محققان خارج از کشور قرار گرفته است و همچنین منبع استخراج اکثر این مؤلفه‌ها بر اساس نظرات مک کلند و هرمنس بوده است.

چنان‌که در پژوهش عریضی و عابدی، شاه محمدی و اینجسر و همکاران مشاهده می‌شود. لذا با توجه به عدم انجام پژوهشی در داخل کشور و همچنین کشور ما که با باورهای اصیل دینی چون اسلام شکل گرفته است، لازم است به استخراج این مؤلفه‌ها از منابع اصلی چون قرآن و تفاسیر پرداخت و آنها را در کتب مورد بررسی قرار داد. پژوهش حاضر می‌تواند آغازی برای توجه بیشتر به این مقوله باشد. در این پژوهش با توجه به مبانی نظری نه مؤلفه انگیزه پیشرفت که بیشتر مورد تأکید قرار گرفته‌اند جهت تحلیل محتوا بررسی می‌شود که بدین شرح هستند: ایمان به خداوند، توکل و دعا؛ امید به آینده و موفقیت؛ مرکز کنترل درونی (حاکم بودن انسان بر سرنوشت خود)؛ داشتن اهداف عالی (در زمینه تحصیل)؛ تقویت اعتماد به نفس (خودباوری) در مخاطب؛ رقابت سازنده (در حیطه علمی و ورزشی)؛ داشتن صبر، استقامت و پایداری در انجام هر کاری؛ تلاش و پشتکاری در انجام هر کاری؛ و مسئولیت‌پذیری (پذیرفتن مسئولیت اعمال و خطاهای خود). در این راستا سؤالات پژوهش عبارت‌اند از:

۱. در کتاب‌های فارسی (بخوانیم) ابتدایی تا چه اندازه به مؤلفه‌های انگیزه پیشرفت از منظر آموزه‌های قرآن و تفاسیر توجه شده است؟
۲. در کتاب‌های هدیه‌های آسمان ابتدایی تا چه اندازه به مؤلفه‌های انگیزه پیشرفت از منظر آموزه‌های قرآن و تفاسیر توجه شده است؟

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کمی است و با روش تحلیل محتوا انجام شده است. «از روش تحلیل محتوا برای بررسی محتوای آشکار پیام‌های موجود در یک متن استفاده می‌شود. در تحلیل محتوا محتوای آشکار پیام‌ها به صورت نظام‌دار و کمی توصیف می‌شوند» (سرمد، بازارگان، حجازی، ۱۳۸۵، ص. ۱۳۳).

در این روش محقق به تعیین فراوانی شاخص‌ها یا مؤلفه‌های مشخص شده برای تعیین سازه مورد بررسی در محتوای موجود می‌پردازد و با شمارش وجود یا عدم وجود، واحدهای تحلیل را تعیین می‌کند. در پژوهش حاضر جامعه آماری کتاب‌های بخوانیم و هدیه‌های آسمان مقاطع اول، دوم، سوم و چهارم ابتدایی که در سالهای ۱۳۹۳-۱۳۹۰ مورد تغییرات قرار گرفته‌اند و همچنین کتاب ششم ابتدایی (۱۳۹۳) است (کتاب‌های سال پنجم به دلیل ایجاد تغییرات در اواخر سال جاری (۱۳۹۴)

مورد بررسی قرار نگرفتند). از جامعه آماری نمونه‌گیری نشده و کل جامعه آماری به عنوان نمونه آماری در نظر گرفته شد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در پژوهش حاضر سیاهه تحلیل محتوا بود.^۱ سپس محتوا بر اساس این مؤلفه‌ها مورد تحلیل قرار گرفت و به ازای فراوانی هر مؤلفه در محتوا در سیاهه جلوی آن مؤلفه علامتی ثبت می‌گردید. به منظور تعیین روایی پژوهش سیاهه تحلیل محتوا که در آن هر یک از مؤلفه‌ها ثبت، تعریف و تشریح گشته بودند به رؤیت چند تن از متخصصان حوزه دینی و روان‌شناسی رسانده شد که با توجه به نظرات آنها سیاهه اصلی تحلیل محتوا تنظیم شد. برای برآورد میزان پایایی تمامی کتب مذکور با فاصله دو هفته مجدداً مورد تحلیل قرار گرفتند و طبق فرمول ضریب همبستگی پیرسون پایایی پژوهش با همبستگی ۹۸ درصد تأیید شد. همچنین جهت جمع‌آوری و تجزیه تحلیل اطلاعات ابتدا با مطالعه مبانی نظری و پژوهش‌های انجام شده در باب تعیین مؤلفه‌های انگیزه پیشرفت از متن آموزه‌های قرآن و تفاسیر به استخراج این مؤلفه‌ها پرداخته شد. «واحد تحلیل نیز به بخش معنادار و قابل رمزگذاری محتوا گفته می‌شود» (نوریان، ۱۳۸۹، ص. ۶۵). واحد تحلیل برای متون کتبی می‌تواند کلمه، تصویر، مضمون، جمله، صفحه و درس باشد. در پژوهش حاضر واحد تحلیل جمله و تصویر در نظر گرفته شد.

روش شمارش نیز فراوانی جمله‌ها و تصاویر در نظر گرفته شد. سپس با چندین بار مطالعه متن کتاب‌های مذکور محتوای هر یک از جملات در متن دروس، سؤال‌ها و تمامی فعالیت‌های یادگیری و تصاویر به طور کامل بر اساس وجود یا عدم وجود مؤلفه‌های انگیزه پیشرفت مورد شمارش و تحلیل قرار گرفتند.

معیار شمارش فراوانی نیز بدین صورت بود که مؤلفه مورد نظر می‌بایست در آن جمله کتاب دقیقاً نوشته شده باشد، به عنوان مثال؛ برای تعیین فراوانی مؤلفه تلاش و پشتکار، در درس هفتم کتاب فارسی (بخوانیم) سال چهارم نوشته شده است: «فکر کردن باید محور تلاش باشد». البته در مواردی نیز محرز می‌شد؛ مؤلفه در جمله بیان نشده است، اما به طور کاملاً واضح حکایت از آن مؤلفه داشت و خواننده با خواندن آن جمله به خوبی این مؤلفه را استنباط می‌کرد. به عنوان مثال در این جمله خواننده می‌تواند به مؤلفه اعتماد به نفس (خودباوری) پی ببرد: «مهم‌ترین نقطه، محور شلمچه است؛ باید همان‌جا خردشان کنیم» (کتاب چهارم، درس یازدهم).

گاهی نیز در یک جمله یا تصویر وجود دو یا چند مؤلفه مشاهده می‌شد که تمامی آنها در فراوانی مربوط به خود ثبت می‌شدند. شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با روش‌های آمار توصیفی و تحلیل‌های کیفی انجام شد.

آمار توصیفی روش آماری است که پژوهشگر را در طبقه‌بندی، خلاصه کردن و توصیف و تفسیر یافته‌ها کمک می‌کند. یکی از شاخص‌های آمار توصیفی توزیع فراوانی است. در پژوهش حاضر با استفاده از شاخص‌های آماری چون فراوانی و درصد به توصیف آماری داده‌ها پرداخته شد. همچنین در تحلیل کیفی به توصیف و تفسیر اطلاعات کشف شده پرداخته شد.

۱. منظور از سیاهه تحلیل محتوا سیاهه‌ای است که بر اساس اهداف و سؤالات تحقیق، هر یک از مؤلفه‌های انگیزه پیشرفت پس از استخراج شدن از قرآن و تفاسیر در آن ثبت و تعریف شدند.

۳. یافته‌های پژوهش

کتاب‌های فارسی (خوانداری) مقطع ابتدایی شامل کتاب‌های سال اول، دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم می‌شوند. با توجه به حجم وسیع این کتب و محدودیت در آوردن تمامی مصادیق مؤلفه‌های مورد نظر؛ در ذیل تنها به ذکر نمونه‌هایی از فراوانی مؤلفه‌های مورد نظر در این کتب پرداخته می‌شود.

کتاب سال اول فارسی (خوانداری) شامل بیست و دو درس می‌شود. کتاب‌های سال دوم، سوم، چهارم و ششم نیز شامل هفده درس می‌شوند. در مؤلفه ایمان به خدا، دعا و توکل، به عنوان مثال در باب دعا کردن در کتاب دوم (درس هشتم) بیان می‌شود: «یک روز از مادرم پرسیدم: دعا یعنی چه؟». «مادرم گفت دعا یعنی حرف زدن با خدا». و... و یا در شعر «امید» درس سیزده کتاب چهارم در باب توکل آورده شده:

در آن دم دل به امید خدا بست
چو امیدش به حق بود آن کبوتر

در مجموع در کتاب سال اول ۱۰ واحد جمله و تصویر، کتاب دوم ۲۶ واحد، کتاب سوم ۱۷ واحد، کتاب چهارم ۲۰ واحد و کتاب ششم در ۱۳ واحد به مؤلفه ایمان به خدا، دعا و توکل توجه داشته‌اند. از جمله مصادیق مؤلفه امید به آینده و موفقیت را می‌توان در کتاب سوم (درس چهاردهم) بدین صورت مشاهده کرد: «ما اگر همیشه یاور هم باشیم و از خدای بزرگ یاری بجویم، موفق می‌شویم». و... در مجموع فراوانی این مؤلفه در کتاب سال اول ۱۸ واحد، کتاب دوم ۵ واحد، کتاب سوم ۳۴ واحد، کتاب چهارم ۱۰ واحد و کتاب ششم ۹ واحد است.

در باب مؤلفه مرکز کنترل درونی (حاکم بودن انسان بر سرنوشت خود) به جز کتاب ششم در ۳ واحد، دیگر هیچ یک از کتب بر آن توجهی نداشته‌اند.

در باب مؤلفه داشتن اهداف عالی (در زمینه تحصیل) می‌توان به یک نمونه از مصادیق آن در کتاب چهارم درس دهم بدین صورت اشاره کرد: «می‌خواستم بیشتر بکوشم، پیشرفت کنم و به خود و دیگران بیشتر بهره برسانم» (در این جمله مؤلفه تلاش و پشتکاری نیز مشاهده می‌شود) و... در مجموع کتاب سال اول با ۳ واحد، کتاب دوم با ۱۴ واحد، کتاب سوم با ۳۷ واحد، کتاب چهارم با ۲۲ واحد و کتاب ششم با ۹ واحد به این مؤلفه توجه داشته‌اند.

همچنین در باب مؤلفه اعتماد به نفس (خودباوری) در مخاطب با تحلیل انجام گرفته محرز شد کتاب اول با ۳ واحد، کتاب دوم با ۶ واحد، کتاب سوم با ۳۰ واحد، کتاب چهارم با ۱۰ واحد و کتاب ششم با ۲۴ واحد به آن توجه کرده‌اند. یکی از مصادیق این مؤلفه را می‌توان در این مورد مشاهده کرد: «دوباره آتش گلوله‌های دشمن شدت گرفته است. ما نیز بر سر دشمن آتش می‌ریزیم». (هدیه‌های آسمان، سال چهارم، درس دهم).

در باب مؤلفه رقابت سازنده (در حیطه علمی و ورزشی) نیز کتاب اول با ۲ فراوانی، کتاب دوم با ۵ فراوانی، کتاب سوم با ۳ فراوانی، کتاب چهارم بدون فراوانی و کتاب ششم با ۲ فراوانی به آن توجه کرده‌اند که اغلب این موارد در تصاویر کتب مشهود هستند.

در تحلیل مؤلفه داشتن صبر، استقامت و پایداری (در انجام هر کاری) محرز شد کتاب اول با ۳ واحد، کتاب دوم با ۵ واحد، کتاب سوم با ۲۰ واحد، کتاب چهارم با ۱۰ واحد و کتاب ششم با ۲۴ واحد فراوانی به این مهم توجه داشته‌اند. نمونه‌ای از این مؤلفه در درس چهاردهم کتاب ششم به این صورت است: «انگار کسی در گوشش می‌گفت دریا قلی رکاب بزن، همه چیز به جوانمردی تو وابسته است، اگر کوتاهی کنی همه شهر و دریا نابود خواهد شد!» «...او و دوستانش شجاعانه جنگیدند تا خرمشهر آزاد شد» (درس چهاردهم کتاب سوم) و ...

همچنین مصداقی از مؤلفه داشتن تلاش و پشتکاری را می‌توان در درس دوم کتاب سوم بدین صورت مشاهده کرد: «فردا مسابقات شنای دانش آموزی برگزار می‌شود و من برای به دست آوردن بهترین رتبه تلاش خواهم کرد» (در این جمله مؤلفه داشتن اهداف عالی (در حیطه ورزشی نیز مشاهده می‌شود). و ...

در مجموع کتاب اول با ۲ واحد، کتاب دوم با ۲۵ واحد، کتاب سوم با ۲۷ واحد، کتاب چهارم با ۹ واحد و کتاب ششم با ۲۰ واحد فراوانی در بکارگیری این مهم کوشیده‌اند. از جمله مصداقی مؤلفه مسئولیت‌پذیری (پذیرفتن مسئولیت اعمال و خطاهای خود) را می‌توان در درس پنجم کتاب دوم بدین صورت مشاهده کرد: «این سیل همان آب‌هایی است که تو در شیر می‌ریختی و به مردم می‌فروختی» و ... در باب این مؤلفه کتاب اول با ۴ واحد، کتاب دوم با ۱۷ واحد، کتاب سوم با ۱ واحد، کتاب چهارم با هیچ فراوانی و کتاب ششم با ۳ فراوانی به آن توجه داشته‌اند.

دوم نیز از مجموع ۱۰۹۸ واحد ۱۰۳ واحد؛ کتاب سوم نیز از مجموع ۱۱۶۵ واحد مندرج ۱۶۹ واحد؛ کتاب چهارم از ۱۳۶۱ واحد با ۸۲ واحد و کتاب سال ششم نیز از مجموع ۱۰۱۵ واحد، ۱۰۸ واحد به انگیزه پیشرفت در دانش‌آموزان توجه داشته‌اند. همچنین از مجموع واحدهای مندرج در کتب فارسی (بخوانیم) سال‌های اول، دوم، سوم، چهارم و ششم که ۵۳۴۸ واحد می‌شوند مجموع ۵۰۶ واحد به مؤلفه‌های انگیزه پیشرفت اختصاص یافته است.

مؤلفه ایمان به خدا، توکل و دعا دارای ۸۶ واحد (۱۶/۹۹)، امید به آینده و موفقیت ۷۶ واحد (۱۵/۰۱)، مرکز کنترل درونی ۳ واحد (۰/۵۹)، داشتن اهداف عالی (در زمینه تحصیل) ۸۶ واحد (۱۶/۷۹)، تقویت اعتماد به نفس ۷۳ واحد (۱۴/۴۲)، رقابت سازنده (در حیطه علمی و ورزشی) ۱۲ واحد (۲/۳۷)، داشتن صبر، استقامت و پایداری ۶۳ واحد (۱۲/۴۵)، داشتن تلاش و پشتکاری ۸۳ واحد (۱۶/۴۰) و مسئولیت‌پذیری دارای ۲۵ واحد (۴/۹۴) هستند.

کتاب‌های هدیه‌های آسمان مقطع ابتدایی شامل کتاب‌های سال دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم می‌شوند. با توجه به حجم وسیع کتب هدیه‌های آسمان و محدودیت در آوردن تمامی مصداقی مؤلفه‌های مورد نظر، در ذیل تنها به ذکر نمونه‌هایی از فراوانی مؤلفه‌های مورد نظر در این کتب پرداخته شده است.

کتاب هدیه‌های آسمان سال دوم شامل بیست درس است. از این بیست درس برخی جملات و



تصاویر در دروس مختلف در سوق دادن متعلم به سمت مؤلفه ایمان به خدا و دعا کردن و توکل می‌کوشند. به عنوان مثال در درس یازدهم این کتاب به بیان جملات و ارائه تصاویری می‌پردازد که جرقه ایمان به خدا را در دل متعلم روشن می‌کند. به عنوان مثال جملاتی چون: «شهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له»، «شهد ان محمدا عبده و رسوله». و یا در شعر «رفتیم با هم» جملاتی چون:

ایاک نعبد مامی پرستیم
فقط خدا را تازنده هستیم

و یا در باب دعا کردن می‌توان به درس سوم اشاره کرد: «مادر دست به سوی آسمان بلند کرده بود و زیر نور ماه دعا می‌کرد». «پسر دعاهای مادر را می‌شنید و آهسته آمین می‌گفت». «پسر پرسید مادر چرا برای خودت دعا نمی‌کنی؟» و... همچنین در برخی دروس دیگر نیز توجه به دعا کردن مورد توجه قرار گرفته است. در کتاب هدیه‌های آسمان سال سوم که شامل بیست درس می‌شود، توجه به ایمان به خدا را می‌توان در جملاتی چون «ابراهیم آن‌ها را به خدا پرستی دعوت می‌کرد»، «تنها کسی را پرستید که آفریدگار شما و آفریدگار زمین و آسمان است» (درس چهارم) و... مشاهده کرد. در مجموع کتاب دوم با ۳۹ واحد جمله و تصویر، کتاب سوم با ۴۹ واحد، کتاب چهارم با ۱۷ واحد و کتاب ششم با ۲۴ واحد به این مؤلفه توجه داشته‌اند.

در باب مؤلفه امید به آینده و موفقیت کتاب‌ها بیشتر اشارات معنوی به این مقوله داشته‌اند، به عنوان مثال در کتاب هدیه‌های آسمان سال سوم در درس بیستم با اشاره به آیه ۲۵ سوره مبارکه بقره بیان می‌دارد: «و به کسانی که به خدا ایمان آورده‌اند و... بشارت بده که برای آنها در بهشت باغ‌هایی است...». در مجموع کتاب سال دوم تنها در ۲ واحد، سال سوم در ۱ واحد، سال چهارم در ۸ واحد و سال ششم در ۱۴ واحد به این مقوله توجه داشته‌اند.

در باب مؤلفه مرکز کنترل درونی هیچ یک از کتاب‌ها توجهی به این مؤلفه نداشته‌اند.

در باب مؤلفه داشتن اهداف عالی (در زمینه تحصیل) تنها کتاب سال سوم و ششم در یک جمله به آن توجه کرده‌اند. به عنوان مثال کتاب سوم در درس هفدهم بیان می‌دارد: «او (امام صادق(ع)) نیز همانند پدرش مردم را به علم آموزی تشویق می‌کرد و خود دانشمندان زیادی را تربیت کرد که بعضی از آنها از دانشمندان بزرگ زمان خود شدند».

همچنین در تحلیل فراوانی مؤلفه اعتماد به نفس (خودباوری در مخاطب) محرز شد در کتاب سال دوم به این مؤلفه توجهی نشده است، نیز کتاب سوم با ۷ واحد و کتاب چهارم با ۲ واحد و کتاب ششم با ۱۱ واحد به آن توجه کرده‌اند.

از جمله در کتاب چهارم درس دهم که در باب نبرد رزمندگان اسلام با دشمن است بیان می‌شود: «با نیروی بیشتری پیشروی می‌کنیم» و در باب مؤلفه رقابت سازنده (در حیطه علمی و ورزشی) کتاب دوم با ۴ واحد، سال سوم ۱ واحد، سال چهارم هیچ واحد و سال ششم با ۵ واحد به آن توجه داشته‌اند. نمونه‌ای از مصداق آن را می‌توان در کتاب دوم در شعر «داور کشتی» مشاهده کرد:

کدامتان قوی‌ترید؟	کشتی بگیرید بدانم
مثل دو مرد پهلوان	رو به روی هم ایستادند
اول بازی هر دو تا	با مهربانی دست دادند
پنجه به پنجه، دست به دست	بازو به بازو، سر به سر

مؤلفه داشتن صبر، استقامت و پایداری در کتاب سال دوم از ۱ واحد فراوانی و سال سوم از ۱۹ واحد، سال چهارم ۱۷ واحد و سال ششم ۱۵ واحد فراوانی برخوردار است. از جمله مصادیق بارز آن را می‌توان در تصاویر و جملات درس ششم کتاب سال سوم مشاهده کرد: «اما امروز در برابر دشمنان، عمه (حضرت زینب(س)) سرش را بلند کرده است و محکم قدم بر می‌دارد» و یا «تلاش‌ها و مقاومت‌های پیامبر باعث شد که دشمنان نتوانند به خواسته‌های خود برسند» (درس ششم کتاب ششم) مؤلفه داشتن تلاش و پشتکار نیز در کتاب دوم از هیچ فراوانی، سال سوم ۱ واحد، سال چهارم ۱۱ واحد و سال ششم ۲۰ واحد فراوانی برخوردار است. به عنوان مثال: «با نیروی بیشتری پیشروی می‌کنیم» (درس دهم کتاب چهارم)؛ «این دوره (جوانی) زمان کار و تلاش جدی است ...» (درس سوم کتاب ششم)

در نهایت مؤلفه مسئولیت‌پذیری (پذیرفتن مسئولیت اعمال و خطاهای خود) در کتاب سال دوم از هیچ فراوانی، سال سوم ۱۵ واحد، سال چهارم ۵ واحد و سال ششم ۹ واحد فراوانی دارد. به عنوان مثال «کسی نمی‌تواند جو بکارد و انتظار داشته باشد گندم برداشت کند» (درس نوزدهم کتاب سوم) و یا در شعر «زشت و زیبا» بیان می‌شود:

مثل صدا و کوه است	اعمال ما و دنیا
آید به سوی ما باز	هر کار زشت و زیبا

در مجموع کتاب هدیه‌های آسمان سال دوم از مجموع ۶۹۷ واحد جمله و تصویر توانسته است با ۴۶ واحد در انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان بکوشد. کتاب سال سوم نیز از مجموع ۱۱۰۸ واحد ۹۴ واحد؛ کتاب سال چهارم از ۷۴۰ واحد ۶۰ واحد؛ و کتاب سال ششم نیز با داشتن ۶۱۲ واحد جمله و تصویر ۹۹ واحد به انگیزه پیشرفت توجه کرده‌اند.

همچنین کتاب‌های هدیه‌های آسمان سالهای دوم، سوم، چهارم و ششم از مجموع ۳۱۵۷ واحد جمله و تصویر با ۲۹۹ واحد به مؤلفه‌های انگیزه پیشرفت توجه داشته‌اند. مؤلفه ایمان به خدا، توکل و دعا دارای ۱۲۹ واحد (۴۳/۱۴)، امید به آینده و موفقیت ۲۵ واحد (۸/۳۶)، مرکز کنترل درونی بدون واحد، داشتن اهداف عالی (در زمینه تحصیل) ۲ واحد (۰/۶۶) تقویت اعتماد به نفس ۲۰ واحد (۶/۶۸)، رقابت سازنده (در حیطه علمی و ورزشی) ۱۰ واحد (۳/۳۴)، داشتن صبر، استقامت و پایداری ۵۲ واحد (۱۷/۳۹) داشتن تلاش و پشتکار ۳۲ واحد (۱۰/۷۰) و مسئولیت‌پذیری ۲۹ واحد (۹/۶۹) است.

در جدول ذیل میزان توجه هر یک از کتب بخوانیم و هدیه‌های آسمان به مؤلفه‌های انگیزه پیشرفت از منظر آموزه‌های قرآن و تفاسیر به همراه درصد مؤلفه‌ها نشان داده می‌شود.

جدول ۱. مقادیر بار اطلاعاتی و درصد مؤلفه‌های انگیزه پیشرفت از منظر آموزه‌های قرآن و تفاسیر در کتاب‌های بخوانیم و هدیه‌های آسمان

مؤلفه‌ها	درس	ایمان به خدا، توکل و دعا	امید به آینده و موفقیت	حاکم بودن آسمان بر سر نوشت خود (مرکز کنترل درونی)	داشتن اهداف عالی (در زمینه تحصیل)	تقویت اعتماد به نفس (خودباوری)	رقابت سازنده (در حیطه علم)	در انجام هر کاری داشتن صبر، استقامت و پایداری	داشتن تلاش و پشتکار	مسئولیت پذیری (پذیرفتن مسئولیت اعمال و خطاهای خود)	جمع / درصد
کتاب‌های بخوانیم	۱۶/۹۹	۱۵/۰۱	۷۶	۳	۸۵	۷۳	۱۲	۶۳	۸۳	۲۵	۵۰/۶ ٪۱۰۰
کتاب‌های هدیه‌های آسمان	۱۲۹	۴۳/۱۴	۲۵	۰	۲	۲۰	۱۰	۵۲	۳۲	۲۹	۲۹۹ ٪۱۰۰
جمع	۲۱۵	۴۳/۱۴	۱۰۱	۳	۸۷	۹۳	۲۲	۱۱۵	۱۱۵	۵۴	۸۰۵ ٪۱۰۰
درصد	۳۶/۷۰	۱۲/۵۴	۱۲/۵۴	۰/۳۷	۱۰/۸۰	۱۱/۵۵	۲/۷۳	۱۴/۲۸	۱۴/۲۸	۶/۷۰	

در نهایت با توجه به جدول ۱ در یک نگاه کلی تر محرز می‌شود که کتاب‌های بخوانیم و هدیه‌های آسمان در مجموع بیشترین میزان توجه به انگیزه پیشرفت را ابتدا به مؤلفه ایمان به خدا، توکل و دعا (۲۶/۷۰) کرده‌اند. پس از آن مؤلفه‌های داشتن صبر، استقامت و پایداری (۱۴/۲۸)، داشتن تلاش و پشت کار (۱۴/۲۸) و امید به آینده و موفقیت (۱۲/۵۴) نیز از توجه برخوردارند. کمترین میزان توجه به مؤلفه‌های مرکز کنترل درونی (۰/۳۷)، رقابت سازنده (در حیطه علمی و ورزشی) (۲/۷۳) و مسئولیت‌پذیری (۶/۷۰) شده است. از طرف دیگر جدول فوق نشان می‌دهد که میان مؤلفه‌ها در هر پایه تحصیلی در هر کتاب و همچنین میان دو کتاب مذکور توزیع نرمال و متعادلی وجود ندارد، به گونه‌ای که برخی مؤلفه‌ها از فراوانی بیشتر و برخی از فراوانی کمتری برخوردارند.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

در نتایج پژوهش حاضر می‌توان گفت استخراج مؤلفه‌های انگیزه پیشرفت از منابع اسلامی امری خطیر است که تاکنون توجه چندانی به آن نشده بود. البته این امر توسط محققان غربی بارها مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله هرمنس که مؤلفه‌هایی چون سطح آرزوی بالا، آینده‌نگری، درک پویا از زمان و احساس، انگیزه قوی برای تحرک به سمت بالا، داشتن پشتکار با مقاومت، میل به انجام کار متوقف شده، داشتن ملاک شایستگی در انتخاب دوست، انجام خوب کارها و مواردی دیگر را نتیجه‌گیری کرده که در جایگاه خود بسیار مفید هستند، اما بدون شک بار معنوی

مؤلفه‌هایی چون ایمان به خداوند، توکل و دعا؛ امید به آینده و موفقیت؛ مرکز کنترل درونی (حاکم بودن انسان بر سرنوشت خود)؛ داشتن اهداف عالی؛ تقویت اعتماد به نفس در مخاطب؛ رقابت سازنده؛ داشتن صبر، استقامت و پایداری در انجام هر کاری؛ تلاش و پشتکاری در انجام هر کاری؛ و مسئولیت‌پذیری که در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفتند، بیشتر است. زیرا این مؤلفه‌ها دارای جامعیت و گستردگی بیشتری هستند، با روح و فطرت انسان عجین هستند و تمامی ابعاد وجودی وی را در بر گرفته‌اند؛ بدون شک قدم برداشتن در این مسیر نتیجه‌ای جز تکامل روز افزون بشریت در پی ندارد. به طور حتم تحلیل محتوای کتبی که با این مؤلفه‌ها انجام می‌گیرد تأثیر مطلوب‌تری در جهت‌گیری متعلمان به سمت اهداف متعالی را دارد.

با نگاهی به یافته‌های پژوهش حاضر در کتاب‌های فارسی بخوانیم سال‌های اول، دوم، سوم، چهارم و ششم ابتدایی می‌توان توجه بیشتر این کتاب‌ها به مؤلفه‌های ایمان به خدا، دعا و توکل (۱۶/۹۹) و داشتن اهداف عالی (در زمینه تحصیل) (۱۶/۷۹) و تلاش و پشتکاری (۱۶/۴۰) را ملاحظه کرد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت کتاب‌های بخوانیم در افزایش مؤلفه‌های ایمان به خدا، دعا و توکل و داشتن اهداف عالی (در زمینه تحصیل) و تلاش و پشتکاری بیشتر می‌کوشند و این خود نقطه مثبتی برای این کتب محسوب می‌شود. اما عدم توجه به مؤلفه‌های کنترل درونی (۰/۵۹) و رقابت سازنده (در حیطه علمی و ورزشی) (۲/۳۷) و مسئولیت‌پذیری (پذیرفتن مسئولیت اعمال و خطاهای خود) (۴/۹۴) مطلوب نیست، زیرا یکی از ویژگی‌های سنین دبستان (مخصوصاً در مقاطع سوم، چهارم و ششم) تسهیل در جنبه‌های مختلف تفکر چون افزایش راهبردی فکر کردن و انعطاف‌پذیری در توجه است. این مهم نشان می‌دهد کودکان این سنین می‌توانند به اعمال و خطاهای خود فکر کنند و مسئولیت آنها را بر عهده بگیرند و یا می‌توانند درک کنند که مرکز کنترل در درون خودشان قرار دارد و نه خارج از خود و خود مسئول ساختن آینده و سرنوشتشان در چارچوب قوانین الهی هستند. پس به طور حتم موفقیت و پیشرفتشان هم به سمت اهداف مورد نظر افزون‌تر می‌شود. همچنین ایجاد موقعیت‌های رقابت‌آمیز به صورت سازنده می‌تواند متعلمان را نسبت به توانایی‌ها و شایستگی‌های خود آگاه کند و سبب خودسنجی، خودباوری و افزایش عملکرد بهتر آنها شود و از این طریق عرصه مفیدی برای ترغیب آنها به سمت پیشرفت شود.

داشتن نقطه مثبتی چون توجه به مؤلفه ایمان به خدا، توکل و دعا در کتاب‌های هدیه‌های آسمان افزون‌تر می‌شود. زیرا طبق یافته‌های پژوهش مؤلفه ایمان به خدا، توکل و دعا از (۴۳/۱۴) توجه برخوردار است. اما کم‌توجهی به مؤلفه رقابت سازنده (در حیطه علمی و ورزشی) (۳/۳۴) و مؤلفه‌های مرکز کنترل درونی (۰) نیز به دلایلی که قبلاً بیان شد، مطلوب نیست. ضمن اینکه داشتن اهداف عالی (در زمینه تحصیل) (۰/۶۶) نیز از کمترین میزان توجه برخوردار بود که تا حدی نگران‌کننده است، زیرا در این مقطع مهارت‌های برنامه‌ریزی در دانش‌آموزان بهتر می‌شود. برای برنامه‌ریزی دانش‌آموز باید هدف داشته باشد. زیرا تا زمانی که نداند هدفش از تحصیل چیست و در نهایت می‌خواهد به کجا برسد نمی‌تواند برنامه‌ریزی صحیحی هم برای خود داشته باشد، در نتیجه عملکرد

وی کاهش می‌یابد که خود می‌تواند منجر به کاهش انگیزه پیشرفت در تحصیل شود. در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که کتاب‌های بخوانیم و هدیه‌های آسمان تا حد متوسطی به انگیزه پیشرفت در دانش‌آموزان توجه داشته‌اند، اما این میزان مخصوصاً در برخی از پایه‌ها چندان در حد رضایت‌آمیزی قرار ندارد. ضمن اینکه توزیع مؤلفه‌ها میان هر یک از کتاب‌ها در پایه‌های تحصیلی مختلف و همچنین میان دو کتاب مذکور نامتعادل است که تمامی این موارد نیاز به توجهی ویژه دارند.

۶. پیشنهادها

با توجه به نتایج فوق موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:
توجه بیشتر به مؤلفه‌های انگیزه پیشرفت از منظر آموزه‌های قرآن و تفاسیر در کلیه کتاب‌های مذکور به خصوص در کتاب‌های فارسی بخوانیم سال‌های اول و چهارم و هدیه‌های آسمان سال دوم. با توجه به نتایج پژوهش مبنی بر بی‌توجهی شدید کتب مذکور به مؤلفه فراهم کردن موقعیت‌های رقابت‌سازنده برای دانش‌آموزان مخصوصاً در حیطه علمی لزوم توجه به آن را می‌رساند. به دلیل عدم توجه کتب به مؤلفه مسئولیت‌پذیری لزوم توجه به آنها به صورت ساده و در قالب داستان‌های آموزشی پیشنهاد می‌شود.

با مشاهده کتب فارسی (بخوانیم) محرز شد که این کتاب‌ها با داشتن هفت فصل اکثر مؤلفه‌های انگیزه پیشرفت را در فصل «ایران من» متمرکز کرده‌اند، در حالیکه فصول دیگر هم می‌توانستند ظرفیت بالایی برای حضور این مؤلفه‌ها داشته باشند که لزوم توجه به این مهم را می‌رساند. همچنین با توجه به نتایج پژوهش حاضر مبنی بر عملکرد ضعیف کتاب‌های هدیه‌های آسمان در توجه به مؤلفه داشتن اهداف عالی (در زمینه تحصیل) سوق دادن دانش‌آموزان به سمت این مؤلفه پیشنهاد می‌شود.

با توجه به کمبود مطالعات نظری در باب استخراج مؤلفه‌های انگیزه پیشرفت از منظر آموزه‌های اسلامی و اهمیت آن در جامعه اسلامی، لذا انجام پژوهش‌های بنیادی در این زمینه پیشنهاد می‌شود. انجام پژوهش‌هایی گسترده‌تر در زمینه بررسی مؤلفه‌های انگیزه پیشرفت از منظر آموزه‌های اسلامی در دیگر کتب مقطع ابتدایی و سایر مقاطع دیگر نیز از دیگر پیشنهادهای پژوهش حاضر است.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۹۰). ترجمه آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی. بیروت: مرکز نشر جمهوری اسلامی ایران.
جعفری، یعقوب (بی‌تا). تفسیر کوثر. بی‌جا: بی‌نا.
حسنی پور، محمد (۱۳۸۷). مدیریت انگیزش. رشت: بلور.
حسینی همدانی، سید محمد حسین (۱۴۰۴). تفسیر انوار درخشان. تهران: لطفی.
خداپناهی، محمد کریم (۱۳۹۰). انگیزش و هیجان. تهران: سمت.

دراز، محمد عبد... عطایی، محمدرضا (۱۳۸۷). آیین اخلاق در قرآن. مشهد: آستان قدس رضوی.
رضایی اصفهانی، محمد علی (بی تا). قرآن و علم. قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآنی.
ریو، جان مارشال (۱۳۸۸). انگیزش و هیجان. ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: ویرایش.
سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۸۵). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگاه.
صفایی حائری، علی (۱۳۸۶). تطهیر با جاری قرآن. قم: لیلة‌القدر.
طالقانی، سید محمود (۱۳۶۷). پرتوی از قرآن. تهران: شرکت سهامی انتشار.
طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، تهران:
انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم.
عاملی، ابراهیم (۱۳۶۰). تفسیر عاملی. تهران: صدوق.
عریضی، حمید رضا و عابدی، احمد (۱۳۸۲). تحلیل محتوای کتاب‌های دوره ابتدایی بر حسب سازه
انگیزه پیشرفت. نوآوری‌های آموزشی، ۵(۲)، ۲۹-۵۵.
علوی فر، سیدعلی و اعتصامی، کاظم (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر انگیزه توفیق طلبی از دیدگاه
آموزه‌های دینی. اندیشه مدیریت، ۳(۲)، ۷۵-۱۰۰.
قرائتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). مجموعه آثار. تهران: صدرا.
مغینه، محمد جواد و دانش، موسی (بی تا). ترجمه تفسیر کاشف. قم: بوستان کتاب.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
میرسادو، طاهره و صداقت، مستوره (۱۳۹۳). انگیزش پیشرفت تحصیلی دانشجویان و عوامل مؤثر بر
آن. پژوهش‌های جامعه‌شناختی، ۲(۲)، ۸-۲۷.
نوریان، محمد (۱۳۸۹). چگونگی معرفی نماز، جهاد، حج، خمس و زکات در کتاب‌های تعلیمات
اجتماعی و بخوانیم مدارس دوره ابتدایی ایران. تربیت اسلامی، ۵(۱۱)، ۵۹-۷۷.

Amrai, K. Elahi Motlagh S., Zalani, H. Azizi & Parhon, H. (2011) The relationship between academic motivation and academic achievement students. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 15, 399-402.

Atkinson, J.W. (1957) Motivational determinants of risk-taking behavior. *Psychological Review*, 64, 359-372

Aoyagi, K. Ishii K, Shibata, A. Arai H. Fukamachi. H. Oka, K. (2014) What decreases motivation of students to participate in school-based extracurricular sports activities? *Journal of Science and Medicine in Sport*, 18, 136-162

Arkes, H., Garske, J. (1982) *Psychological Theories of motivation*. Monterey California: Cole



- Publishing Company.
- Brophy, J. (2010). *Motivating Students in Classrooms*. Elsevier Ltd. All rights reserved, 624-629.
- Engeser, S., Rheinberg, F., Moller, M. (2009). Achievement motive imagery in German schoolbooks: A pilot study testing McClelland's hypothesis. *Journal of Research in Personality*, 43, 110–113.
- Feldman, R. (1992). *Elements of Psychology*, University of Massachusetts-Amherst.
- Hanushek E. A. Lavy, V. Hitomi K. (2007) Do Students Care about School Quality? Determinants of Dropout Behavior in Developing Countries Education Working Paper Archive.
- Hermans, Hubert J, M. (1970). A Questionnaire measure of achievement motivation. *Journal of Applied Psychology*, 54(4), 353-363.
- Kirazolu, C. (2009). The investigation of school-dropout at the secondary level of formal education: the stated reasons by the school administrators and school counselors: a preliminary study. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 1, 905–914.
- Önder, İ. Beşoluk Ş., İskender M. Masal E. Demirhan, E. (2014). Circadian Preferences, Sleep Quality and Sleep Patterns, Personality, Academic Motivation and Academic Achievement of university students, *Learning and Individual Differences*, 32, 184–192.
- Steinmayr R. Spinath B. (2009). The importance of motivation as a predictor of school achievement. *Learning and Individual Differences*, 19, 80–90.
- Shahmohammadi, N. (2013). Content Analysis of Elementary Science Text Books Based on the Achievement Motivation Constructs. *Procedia–Social and Behavioral Sciences*, 84, 426–430.
- Tongsilp A. (2013). A Path Analysis of Relationships between Factors with Achievement Motivation of Students of Private Universities in Bangkok. *Procedia–Social and Behavioral Sciences*, 88, 229–238.
- Tüysüz, M. Yldran D. Demirci N. (2010). What is the motivation difference between university students and high school students? *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 2, 1543-1548.
- Walkey F.H. McClure J., Meyer L. H. r., Weir K. F. (2013). Low expectations equal no expectations: Aspirations, motivation, and achievement in secondary school. *Contemporary Educational Psychology*, 38, 306–315.
- Wigfield A. (1994). Expectancy-Value Theory of Achievement Motivation: A Developmental Perspective *Educational Psychology Review*, 6(1)
- Wiener, B. (1985). An Attributional Theory of Achievement Motivation and Emotion. *Psychological Review*, 92(4). 548-573

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم
سال نهم، شماره اول، بهار و تابستان ۹۷



Frequency survey of motive components of progress in elementary books with emphasizing on Quranic trainings and interpretations

Mojde Alizadeh¹: M.A, Department of the Philosophy of Islamic training, Martyr Bahonar University of Kerman

Specialized Biannual Periodical of Interdisciplinary Quranic Studies

Vol. 9, No. 1, March_ September 2018, pp 107-126

Date of Receiving the Paper: 19. December 2016

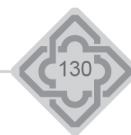
Date of Acceptance: 8. June 0218

Abstract

Discovering motive components of progress from Islamic trainings' texts and utilizing them in training books is an important issue for developing and success of students. Thus the aim of this research is to examine frequency survey of motive components of progress in Elementary books of Farsi and Heavenly gifts (new editions of 1393-1395) with emphasizing on Qur'anic trainings and interpretations. Moreover, the method of research is content analysis. Analysis method of data is descriptive statistic. Therefore, statistical society also are elementary books of Farsi and Heavenly gifts. The statistic samples also was the statistic society. The tools of research were list of content analysis which, its narration was confirmed by religious experts and scholars. Therefore, the results of this research proofs that the said books were averagely pay attention to motivation of progress. In this case the most attention was in Farsi book of Elementary third grade and Heavenly gifts of Elementary sixth grade, and the less attention was in Farsi book of Elementary first grade and Heavenly gifts of Elementary second grade. Furthermore, from motive components of progress the most attention were goes to faith in God, trust in God, praying and then components of patience, resistance and endurance and hard working. Also, the less attention were belong to components of self-controlling, competition (in scientific and sport fields) and responsibility (accepting responsibility of our mistakes and behaviors).

Keywords: motivation of progress, training books of Farsi and Heavenly gifts, Qur'anic trainings and interpretations, content analysis.

1. Corresponding Author: mozhdeh10@yahoo.com



Mechanism (process and methodology) of Interdisciplinary research of Holy Qur'an

Ahmad Akoochekian¹: Associate Professor, Department of Sociology, research center of strategic development (ROSHD)

Rezvane Dastjani: P.H.D student, Hadith and Qur'anin science, Allame Tabatabaee University

Specialized Biannual Periodical of Interdisciplinary Quranic Studies

Vol. 9, No. 1, March_ September 2018, pp 83-106

Date of Receiving the Paper: 21. November 2016

Date of Acceptance: 3. May 2018

Abstract

Questioning from methodology of approach research of interdisciplinary is a question about development which, in a systematic view and mechanism contain levels of paradigmatic basics, theoretical, conceptual model, operational and discursive level. Moreover, it would be practical in religion via comprehensive system of perception focused on growth-development, in the evolution leadership pattern in two angles of leading comprehensive science and scientific map and with converging on the principal of Velayat Faqih in religion. Furthermore, existing the growth-development expectation from religion, in other words the issue of comprehensive developing, is necessity to have methodological studies of interdisciplinary and multi string based on understanding the progress. Having no alternative, this required three levels of problem ology, theology and forthcoming till with this could utilize from methodology of obtaining in religion and Velayat for managing culture and transition. Passing from approaches of components of knowledge and branch fields to interdisciplinary approaches, especially in Qur'anic studies, wasn't find its interference paradigm, so this interference paradigm is the knowledge of developing. Furthermore, a reason for inability of entering to knowledgebase is ignoring the interference field. This article with approach of Qur'anic reference with utilizing from progressive methodology of responding to a posteriori and research and developing and protective methodologies such as systematic methodology via matrix and algorithmic process tries with expanding Qur'anic thoughts for development achieve a methodological aspect of futurist research of Qur'anic developing through better ordering three system of ordinal, revelation and subjective futurist interpretation.

Keywords: interpretation of Holy Qur'an, interdisciplinary studies, developing, methodology, mechanism, obtaining the religion.

1. Corresponding Author: a_akoochekian@yahoo.com



The Model of Qur'anic – political systemization

Muhammad Hadi Mofateh¹: Associate Professor, Department of Islamic management, Qom University.

Specialized Biannual Periodical of Interdisciplinary Quranic Studies

Vol. 9, No. 1, March_ September 2018, pp 61-82

Date of Receiving the Paper: 10. January 2017

Date of Acceptance: 9. July 2018

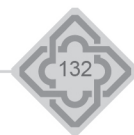
Abstract

The subject of this research is about affairs that are strategic and important and it have undoubted role in realizing theory of Islamic governance in the world of thoughts. Moreover, possibility of this claim rooted in our expectation from religion and the expanding of religion inference in civil religious human world. Thus, our recognition from Holy Qur'an and Ma'sumin trainings encourage us for proofing this claim, consequently, proving this needs scientific attempt of scholars who are dominated in religious sources and todays human science.

This article designed a new political system with its different angles that is picked up from Holy Qur'an as a model for proofing this claim.

Keyword: new-design, economical systems, social systems, political systems, Islamic trainings.

1. Corresponding Author: mhmofateh@yahoo.com



Examining existed approaches of Qur'anic systemization

Hamed Joukar¹: PHD student, Department of the Revolution and Islamic civilization, Islamic Culture and Sciences Research Center

Ahmad Jamali Gandomani: PHD student, Department of Qur'anic science and Hadith, Qom University

Specialized Biannual Periodical of Interdisciplinary Quranic Studies

Vol. 9, No. 1, March_ September 2018, pp 45-60

Date of Receiving the Paper: 3. November 2016

Date of Acceptance: 25. December 2018

Abstract

Qur'anic systemization as a main function of development system of Qur'anic culture after victory of Islamic Revolution and establishment of Velayat Vaqih system is reflected in idea and speech of religious scholars and take considerable part of their attempt.

This article with descriptive - analysis method and with aim of examining Qur'anic systemization's concept, investigating existing approaches and by searching in meaning of this concept looked into existing and conceived approaches. Moreover, among them, it illustrates the most similar meaning of the concept with development system of Qur'anic culture. In this case, also, the paper has a view on shortcoming and inadequacies of the said approaches. According to contents of this article, Qur'anic systemization means reforming main affairs of human basing on Holy Qur'an principals, and could explain all knowledge's on frame of this reformation. Therefore, Islamic Ahkam and jurisprudence science are executive requirement of these principals in Human society. In this approach, Qur'anic systemization is the result of reformation in human affairs, this means that Holy Qur'an presents general principals of human societies and other Islamic knowledge's are illustrating the way of their accomplishment. In this case, jurisprudence also have its own responsibilities which, because of its importance, this article for more explanation pointed out to some samples of the role of jurisprudence knowledge in expending justice and also the principal of tolerance and laxity.

Keywords: the meaning of systemization, Qur'anic systemization, Islamic governance, jurisprudence system, sub-system.

1. Corresponding Author: jokar.h@gmail.com



Quran-based systematization; What, why and how

Hussein Babae Mojarad¹: Assistant Professor, Department of Islamic management, Islamic Culture and Sciences Research Center.

Muhammad AbdolHusseinZadeh: M.A, Department of Management, Imam Sadegh (a.s) University.

Specialized Biannual Periodical of Interdisciplinary Quranic Studies

Vol. 9, No. 1, March_ September 2018, pp 29-44

Date of Receiving the Paper: 2 January 2017

Date of Acceptance: 8. April 2018

Abstract

Systemization in common language and sometimes in scientific discourse have spiritual common meaning for four proof of “system logy” (in genesis field), “finding system” (in legislation field), “making system” (in credits field) and “stablishing system” (in objective field). Although, in particular, “making system” is observing credits and social contracts which, is establish in any sub-system. Hence, the author believed that “making system” with its general meaning is contain all four fields and Holy Qur’an, as a religious epistemology source, is in all four field. Therefore, different social sub-systems would become panacea for delusive or non-priority issues, imposition and oriented toward non-Islamic ideals. This deviation from religious trusted sources, on one hand, would failed Islamic system in establishing its material and spiritual purposes, which, this would have doubted elites and people of the system through revolutionary identity of Islamic system. And on other hand, this would lead to establishment of social sub-system, autocracy (though small), arrogance (though in a small part) and establishment of secular governance (though smoothly but theorized). The process of “making system” is making credit in form of moving from origin to matters, and moving from matters toward sources (for re-reading) and reforming (re-defining), origins (having lasting knowledge through origins) and finally moving from origins to matters for defining, explaining, sensing and solving problems. Although, must bear in mind that in this movement, which, is detailed and brevity, having inner flexibility for reformation, moving gradually toward evolution is continuation for making system.

Keywords: Qur’anic making system, sources making system, basis of making system, issues of making system. Credits.

1. Corresponding Author: h.babae64@gmail.com



Quran-based systematization (Fundamental Concepts, Strategies and Processes)

Saeid Bahmani¹: Assistant Professor, Department of Quranic Sciences and Hadith, Islamic Culture and Sciences Research Center

Specialized Biannual Periodical of Interdisciplinary Quranic Studies

Vol. 9, No. 1, March_ September 2018, pp 7-28

Date of Receiving the Paper: 19 February 2017

Date of Acceptance: 24. June 2017

Abstract

During these two decades after the revolution (1357) we have witnessed the application of four fundamental concepts in the scientific literary in Iran, such as: “Islamicization of the science”, “Quran-based Human Sciences”, “Quran-based systematization” and “Quran-based theorization”. Firstly application of “Quran-based systematization” in the document of charter of development of Quranic culture of the country has to some extent propagated the use of this concept. Secondly “Quran-based theorization” is also mentioned in the scientific community and some of the strategic documents, since systematization is dependent on the theorization. The spread of these concepts, shows the rise for scientific revolution in the human sciences. The significant issue on the mind of those who emphasize on functionalization of these concepts is the failure of philosophical and doctrinal sciences in removing the obstacles faced by Islamic communities in achieving divine objectives. Some of the sages, scholars and researches inside or outside the country, have claimed their ideas on these concepts or have written them down. Among the questions raised in this regard are: the exact meaning of these concepts, the strategies for achieving them, the process by which these suggested strategies are fulfilled. The abstract nature of these concepts has made them to be considered as scientific objectives of the Islamic Revolution. These concepts are counted as general and absolute particular and each enjoys primacy to the other. This paper focuses on the four concepts mentioned and also the strategies and processes applied for their fulfilment. It also shows that systematization and production of Quran-based human sciences and Islamicization of sciences, depend on Quran-based theorization. After almost four decades of examining and analyzing the fundamental concepts.

Keywords: Islamicization of the sciences, Quranic Human Sciences, Systematization, Quran-based Theorization.

1. Corresponding Author: s.bahmani@isca.ac.ir



Index

- Quran-based systematization (Fundamental Concepts, Strategies and Processes)** **7-28**
Saeid Bahmani
- Quran-based systematization: What, why and how** **29-44**
Hussein Babaee Mojarad, Muhammad AbdolHusseinZadeh
- Examining existed approaches of Our’anic systemization** **45-60**
Hamed Joukar, Ahmad Jamali Gandomani
- The Model of Our’anic – political systemization** **61-82**
Muhammad Hadi Mofateh
- Mechanism (process and methodology) of Interdisciplinary research of Holy Our’an** **83-106**
Ahmad Akoochekian, Rezvane Dastjani
- Frequency survey of motive components of progress in elementary books with emphasizing on Quranic trainingsand interpretations** **107 -126**
Mojde Alizadeh



In the Name of Allah

Quran Interdisciplinary Studies Journal

Vol. 9, No. 1, March - September, 2018

ISSN: 3327-2383

Managing Director:

Sayyed Mohammad Javad Shooshtari

Editor-in-Chief:

Abolfazl Khoshmanesh

Internal Manager:

Zahra Naqizadeh

Executive Director:

Mahdi Esmaili

Editorial Board:

Mohammad Ali Mahdavirad (Ph.D.)

Mohammad Ali Rezaei Esfahani (Ph.D.)

fathiyeh Fatahizade (Ph.D.)

Ali Nasiri (Ph.D.)

Ghasem Faez (Ph.D.)

Mohsen Ghasempoor (Ph.D.)

Abbas Musallaipoor Yazdi (Ph.D.)

Seyed Mohammad Ali Ayazi (Ph.D.)

Hossein Ali Ghobadi (Ph.D.)

Ali Montazeri (Ph.D.)

Farzaneh Maftoon (Ph.D.)

Faranak Farzadi (Ph.D.)

Zhila Sedighi (Ph.D.)

Persian Editor:

Mahdi Ganjour - Saeid Raste Moghadam

English Editor:

Parisa Askari semnani

Designer:

Alireza Ebadi

Address: No. 85, Bozorgmehr St., Qods

St., Enghelab Ave., Tehran, Iran

Iranian Academics Quranic Organization

P.O.Box:1417844391

Tel :+982166485663

Fax :+982166485657

Indexed and abstracted in
Scientific Information Database

isc.gov.ir

noormags.com

magiran.com

srlst.com

sid.ir

iska.ir

For any contribution please contact editorial office or
send your papers to the following email address:

quranjournal@gmail.com

Site: jijqs.ir